



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



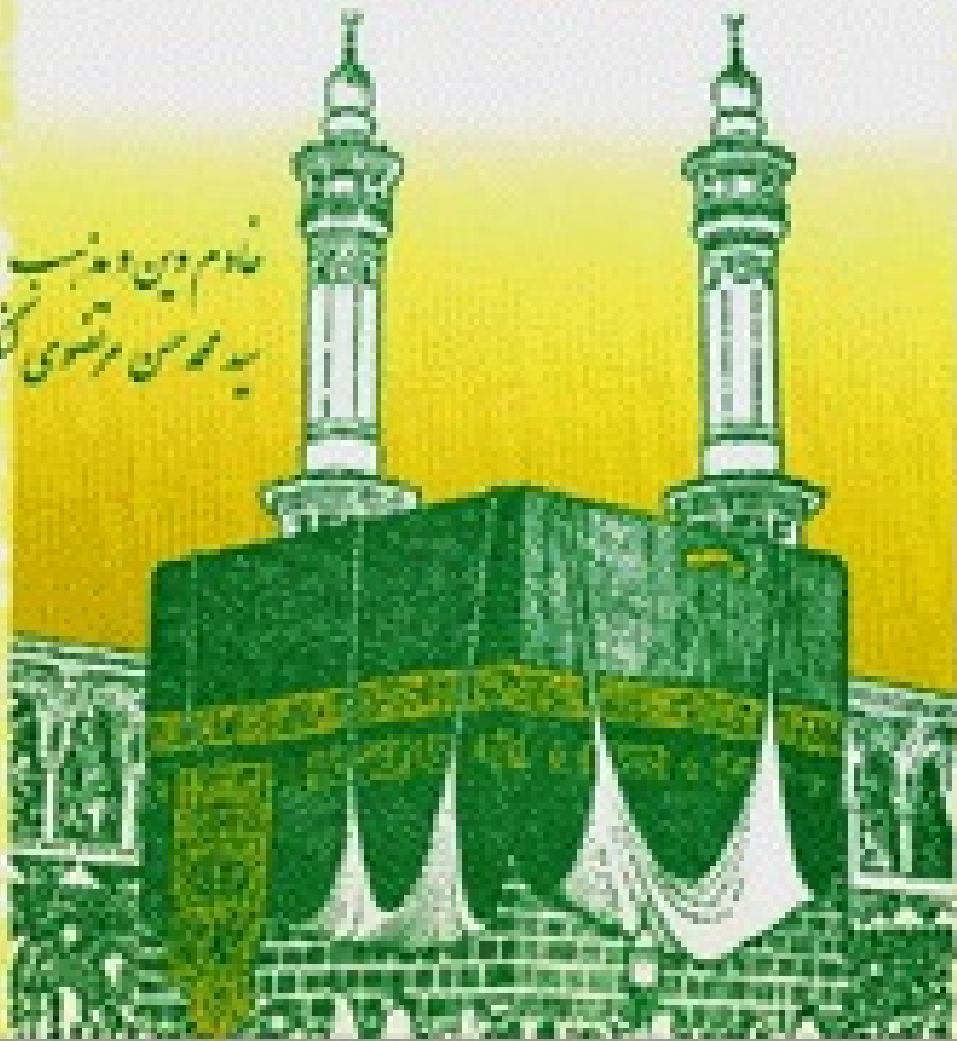
رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیمة

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

رسالة توضیح المسائل

(دستور و آداب حج و عمرہ)

تادم دین و مدرسہ
پبلسیشنز کنکوردی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توضیح المناسک

نویسنده:

السید محمد حسن اللنگرودی

ناشر چاپی:

السید محمد حسن اللنگرودی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۵۶	توضیح المناسک
۵۶	مشخصات کتاب
۵۶	[پیش گفتار]
۵۷	اقسام حج
۵۷	مسأله ۱
۵۷	مسأله ۲
۵۷	مسأله ۳
۵۷	مسأله ۴
۵۷	مسأله ۵
۵۷	مسأله ۶
۵۸	مسأله ۷
۵۸	مسأله ۸
۵۸	شرایط واجب شدن حج تمتع
۵۸	اشاره
۵۸	اول و دوم: بلوغ و عقل:
۵۸	اشاره
۵۸	مسأله ۱۰
۵۹	مسأله ۱۱
۵۹	مسأله ۱۲
۵۹	مسأله ۱۳
۵۹	مسأله ۱۴
۵۹	مسأله ۱۵

..... ۵۹	مسأله ۱۶
..... ۵۹	مسأله ۱۷
..... ۶۰	مسأله ۱۸
..... ۶۰	مسأله ۱۹
..... ۶۰	مسأله ۲۰
..... ۶۰	مسأله ۲۱
..... ۶۰	مسأله ۲۲
..... ۶۰	مسأله ۲۳
..... ۶۰	سوم: آزاد بودن:
..... ۶۰	اشاره
..... ۶۱	مسأله ۲۴
..... ۶۱	چهارم: استطاعت از جهت مال، جان، راه و وقت:
..... ۶۱	امسائل استطاعت
..... ۶۱	مسأله ۲۵
..... ۶۱	مسأله ۲۶
..... ۶۱	مسأله ۲۷
..... ۶۱	مسأله ۲۸
..... ۶۱	مسأله ۲۹
..... ۶۲	مسأله ۳۰
..... ۶۲	مسأله ۳۱
..... ۶۲	مسأله ۳۲
..... ۶۲	مسأله ۳۳
..... ۶۲	مسأله ۳۴
..... ۶۳	مسأله ۳۵

۶۳	مسئله ۳۶
۶۳	مسئله ۳۷
۶۳	مسئله ۳۸
۶۳	مسئله ۳۹
۶۳	مسئله ۴۰
۶۴	مسئله ۴۱
۶۴	مسئله ۴۲
۶۴	مسئله ۴۳
۶۴	مسئله ۴۴
۶۴	مسئله ۴۵
۶۴	مسئله ۴۶
۶۵	مسئله ۴۷
۶۵	مسئله ۴۸
۶۵	مسئله ۴۹
۶۵	مسئله ۵۰
۶۶	مسئله ۵۱
۶۶	مسئله ۵۲
۶۶	مسئله ۵۳
۶۶	مسئله ۵۴
۶۶	مسئله ۵۵
۶۶	مسئله ۵۶
۶۷	مسئله ۵۷
۶۷	مسئله ۵۸
۶۷	مسئله ۵۹

مسئله ۶۰	۶۷
مسئله ۶۱	۶۷
مسئله ۶۲	۶۷
مسئله ۶۳	۶۸
مسائل متفرقه استطاعت	۶۸
مسئله ۶۴	۶۸
مسئله ۶۵	۶۸
مسئله ۶۶	۶۸
مسئله ۶۷	۶۹
مسئله ۶۸	۶۹
مسئله ۶۹	۶۹
مسئله ۷۰	۶۹
مسئله ۷۱	۶۹
مسئله ۷۲	۶۹
مسئله ۷۳	۷۰
مسئله ۷۴	۷۰
مسئله ۷۵	۷۰
مسئله ۷۶	۷۰
مسئله ۷۷	۷۰
مسئله ۷۸	۷۰
مسئله ۷۹	۷۱
مسئله ۸۰	۷۱
مسئله ۸۱	۷۱
مسئله ۸۲	۷۱

۷۱	مسأله ۸۳
۷۲	مسأله ۸۴
۷۲	مسأله ۸۵
۷۲	مسأله ۸۶
۷۲	مسأله ۸۷
۷۲	مسأله ۸۸
۷۳	مسأله ۸۹
۷۳	مسأله ۹۰
۷۳	مسأله ۹۱
۷۳	مسأله ۹۲
۷۳	مسأله ۹۳
۷۳	مسأله ۹۴
۷۳	مسأله ۹۵
۷۴	مسأله ۹۶
۷۴	مسأله ۹۷
۷۴	مسأله ۹۸
۷۴	مسأله ۹۹
۷۴	مسأله ۱۰۰
۷۴	مسأله ۱۰۱
۷۴	مسأله ۱۰۲
۷۵	مسأله ۱۰۳
۷۵	مسأله ۱۰۴
۷۵	مسأله ۱۰۵
۷۵	مسأله ۱۰۶

مسئله ۱۰۷	۷۵
مسئله ۱۰۸	۷۵
مسئله ۱۰۹	۷۶
مسئله ۱۱۰	۷۶
مسئله ۱۱۱	۷۶
مسئله ۱۱۲	۷۶
مسئله ۱۱۳	۷۶
مسئله ۱۱۴	۷۶
مسئله ۱۱۵	۷۷
مسئله ۱۱۶	۷۷
احکام نیابت در حج	۷۷
اشرایط نایب	۷۷
شرایط منوب عنه	۷۷
مسئله ۱۱۹	۷۸
مسئله ۱۲۰	۷۸
مسئله ۱۲۱	۷۸
مسئله ۱۲۲	۷۸
مسئله ۱۲۳	۷۸
مسئله ۱۲۴	۷۸
مسئله ۱۲۵	۷۸
مسئله ۱۲۶	۷۸
مسئله ۱۲۷	۷۹
مسئله ۱۲۸	۷۹
مسئله ۱۲۹	۷۹

۷۹	مسأله ۱۳۰
۷۹	مسأله ۱۳۱
۷۹	مسأله ۱۳۲
۸۰	مسأله ۱۳۳
۸۰	مسأله ۱۳۴
۸۰	مسأله ۱۳۵
۸۰	مسأله ۱۳۶
۸۰	مسأله ۱۳۷
۸۰	مسأله ۱۳۸
۸۱	مسأله ۱۳۹
۸۱	مسأله ۱۴۰
۸۱	مسأله ۱۴۱
۸۱	مسأله ۱۴۲
۸۱	مسأله ۱۴۳
۸۱	مسأله ۱۴۴
۸۲	مسأله ۱۴۵
۸۲	مسأله ۱۴۶
۸۲	مسأله ۱۴۷
۸۲	مسأله ۱۴۸
۸۲	مسأله ۱۴۹
۸۲	مسأله ۱۵۰
۸۲	مسأله ۱۵۱
۸۳	مسأله ۱۵۲
۸۳	مسأله ۱۵۳

۸۳	مسأله ۱۵۴
۸۳	مسأله ۱۵۵
۸۳	مسأله ۱۵۶
۸۳	مسأله ۱۵۷
۸۳	مسأله ۱۵۸
۸۴	مسأله ۱۵۹
۸۴	مسأله ۱۶۰
۸۴	مسأله ۱۶۱
۸۴	مسأله ۱۶۲
۸۴	مسأله ۱۶۳
۸۴	مسأله ۱۶۴
۸۴	مسأله ۱۶۵
۸۵	مسأله ۱۶۶
۸۵	مسأله ۱۶۷
۸۵	احکام حج استحبایی
۸۵	مسأله ۱۶۸
۸۵	مسأله ۱۶۹
۸۵	مسأله ۱۷۰
۸۵	مسأله ۱۷۱
۸۶	مسأله ۱۷۲
۸۶	مسأله ۱۷۳
۸۶	مسأله ۱۷۴
۸۶	مسأله ۱۷۵
۸۶	مسأله ۱۷۶

۸۶	مسأله ۱۷۷
۸۶	احکام عمره
۸۶	اشاره
۸۶	مسأله ۱۷۸
۸۷	مسأله ۱۷۹
۸۷	مسأله ۱۸۰
۸۷	مسأله ۱۸۱
۸۷	مسأله ۱۸۲
۸۷	تصویر اجمالی انواع حج
۸۷	تصویر اجمالی حج تمتع حجه الاسلام:
۸۷	اشاره
۸۷	صورت اجمالی عمره تمتع:
۸۷	صورت اجمالی حج تمتع:
۸۸	صورت حج افراد، قران و عمره مفرده:
۸۸	افرق‌های حج افراد و حج تمتع
۸۸	مسأله ۱۸۳
۸۸	مسأله ۱۸۴
۸۹	مسأله ۱۸۵
۸۹	مسأله ۱۸۶
۸۹	مسأله ۱۸۷
۸۹	مسأله ۱۸۸
۸۹	مسأله ۱۸۹
۸۹	مسأله ۱۹۰
۸۹	مسأله ۱۹۱

- مسأله ۱۹۲ ۹۰
- مسأله ۱۹۳ ۹۰
- مسأله ۱۹۴ ۹۰
- مسأله ۱۹۵ ۹۰
- مسأله ۱۹۶ ۹۰
- مسأله ۱۹۷ ۹۰
- مسأله ۱۹۸ ۹۰
- مسأله ۱۹۹ ۹۱
- مسأله ۲۰۰ ۹۱
- مسأله ۲۰۱ ۹۱
- مسأله ۲۰۲ ۹۱
- مسأله ۲۰۳ ۹۱
- بیان تفصیلی اعمال عمره تمتع و حج تمتع ۹۱
- اعمال عمره تمتع ۹۱
- اوجبات عمره تمتع ۹۱
- احرام ۹۱
- محل احرام عمره تمتع و عمره مفرده ۹۲
- اشاره ۹۲
- مسأله ۲۰۴ ۹۲
- مکانهای میقات ۹۲
- اشاره ۹۲
- اول: مسجد شجره: ۹۲
- اشاره ۹۲
- مسأله ۲۰۶ ۹۲

۹۲	مسأله ۲۰۷
۹۳	مسأله ۲۰۸
۹۳	مسأله ۲۰۹
۹۳	مسأله ۲۱۰
۹۳	مسأله ۲۱۱
۹۳	دوم: وادی عتیق:
۹۳	اشاره
۹۳	مسأله ۲۱۲
۹۳	سوم: قرن المنازل:
۹۳	چهارم: یلملم:
۹۴	پنجم: جحفه:
۹۴	اشاره
۹۴	مسأله ۲۱۳
۹۴	مسأله ۲۱۴
۹۴	مسأله ۲۱۵
۹۴	مسأله ۲۱۶
۹۴	مسأله ۲۱۷
۹۴	مسأله ۲۱۸
۹۵	مسأله ۲۱۹
۹۵	مسأله ۲۲۰
۹۵	مسأله ۲۲۱
۹۵	مسأله ۲۲۲
۹۵	مسأله ۲۲۳
۹۵	مسأله ۲۲۴

۹۶	مسأله ۲۲۵
۹۶	مسأله ۲۲۶
۹۶	مسأله ۲۲۷
۹۶	مسأله ۲۲۸
۹۶	مسأله ۲۲۹
۹۶	مسأله ۲۳۰
۹۶	مسأله ۲۳۱
۹۷	مسأله ۲۳۲
۹۷	مسأله ۲۳۳
۹۷	مسأله ۲۳۴
۹۷	مسأله ۲۳۵
۹۷	مسأله ۲۳۶
۹۷	مسأله ۲۳۷
۹۷	مسأله ۲۳۸
۹۷	مسأله ۲۳۹
۹۸	مسأله ۲۴۰
۹۸	مسأله ۲۴۱
۹۸	مسأله ۲۴۲
۹۸	مسأله ۲۴۳
۹۸	مسأله ۲۴۴
۹۸	واجبات احرام
۹۸	اشاره
۹۹	اول: نیت:
۹۹	اشاره

- مسأله ۲۴۶ ۹۹
- مسأله ۲۴۷ ۹۹
- مسأله ۲۴۸ ۹۹
- دوم تلبیه: ۹۹
- کیفیت گفتن لبیک‌های چهارگانه ۹۹
- مسأله ۲۴۹ ۱۰۰
- مسأله ۲۵۰ ۱۰۰
- مسأله ۲۵۱ ۱۰۰
- مسأله ۲۵۲ ۱۰۰
- مسأله ۲۵۳ ۱۰۰
- مسأله ۲۵۴ ۱۰۱
- مسأله ۲۵۵ ۱۰۱
- مسأله ۲۵۶ ۱۰۱
- مسأله ۲۵۷ ۱۰۱
- مسأله ۲۵۸ ۱۰۱
- مسأله ۲۵۹ ۱۰۱
- مسأله ۲۶۰ ۱۰۱
- مسأله ۲۶۱ ۱۰۲
- سوم: پوشیدن دو جامه احرام (إزار و رداء): ۱۰۲
- مسأله ۲۶۲ ۱۰۲
- مسأله ۲۶۳ ۱۰۲
- مسأله ۲۶۴ ۱۰۲
- مسأله ۲۶۵ ۱۰۲
- مسأله ۲۶۶ ۱۰۲

مسأله ۲۶۷	۱۰۲
مسأله ۲۶۸	۱۰۳
مسأله ۲۶۹	۱۰۳
مسأله ۲۷۰	۱۰۳
مسأله ۲۷۱	۱۰۳
مسأله ۲۷۲	۱۰۳
مسأله ۲۷۳	۱۰۳
مسأله ۲۷۴	۱۰۳
مسأله ۲۷۵	۱۰۳
مسأله ۲۷۶	۱۰۳
مسأله ۲۷۷	۱۰۴
مسأله ۲۷۸	۱۰۴
مسأله ۲۷۹	۱۰۴
مسأله ۲۸۰	۱۰۴
مسأله ۲۸۱	۱۰۴
مسأله ۲۸۲	۱۰۴
مسأله ۲۸۳	۱۰۵
مسأله ۲۸۴	۱۰۵
مستحبات «۱» احرام	۱۰۵
مکروهات احرام	۱۰۶
تروک یا محرمات احرام	۱۰۶
اشاره	۱۰۶
[کلیات تروک احرام	۱۰۷
[تفصیل تروک احرام	۱۰۷

- اول اشکار حیوان ۱۰۷
- شکار حیوان صحرائی، کشتن، نگهداری و خوردن آن: ۱۰۷
- کفاره شکار: ۱۰۹
- دوم: استمتاع زن و مرد از یکدیگر: ۱۱۰
- امسایل ۱۱۰
- کفاره استمتاع زن و مرد از یکدیگر: ۱۱۱
- سوم: خواندن عقد ازدواج برای خود و دیگری: ۱۱۳
- امسایل ۱۱۳
- کفاره خواندن عقد ازدواج: ۱۱۴
- چهارم: استمناء: ۱۱۴
- امسایل ۱۱۴
- کفاره استمناء: ۱۱۴
- پنجم: استعمال بوی خوش: ۱۱۵
- امسایل ۱۱۵
- کفاره استفاده از بوی خوش: ۱۱۶
- ششم: پوشیدن لباس دوخته و مانند آن برای مرد: ۱۱۶
- امسایل ۱۱۶
- کفاره پوشیدن لباس دوخته: ۱۱۷
- هفتم: سرمه کشیدن: ۱۱۷
- امسایل ۱۱۷
- کفاره سرمه کشیدن: ۱۱۸
- هشتم: نگاه کردن در آئینه: ۱۱۸
- امسایل ۱۱۸
- کفاره نظر کردن در آئینه: ۱۱۹

- ۱۱۹ نهم: پوشیدن تمام پشت پا برای مرد:
 ۱۱۹ [مسایل]
 ۱۱۹ کفاره پوشیدن پشت پا:
 ۱۱۹ دهم: دروغ گفتن، دشنام دادن و فخر کردن به دیگران:
 ۱۱۹ [مسایل]
 ۱۲۰ کفاره دروغ و ...:
 ۱۲۰ یازدهم: جدال کردن:
 ۱۲۰ [مسایل]
 ۱۲۱ کفاره جدال:
 ۱۲۱ دوازدهم: کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند:
 ۱۲۱ [مسایل]
 ۱۲۲ کفاره کشتن جانوران بدن:
 ۱۲۲ سیزدهم: انگشتی به دست کردن برای زینت:
 ۱۲۲ اشاره
 ۱۲۲ کفاره انگشتی به دست کردن:
 ۱۲۳ چهاردهم: پوشیدن زیور آلات:
 ۱۲۳ [مسایل]
 ۱۲۳ کفاره پوشیدن زیور آلات:
 ۱۲۳ پانزدهم: روغن مالیدن به بدن:
 ۱۲۳ [مسایل]
 ۱۲۴ کفاره روغن مالیدن:
 ۱۲۴ شانزدهم: جدا نمودن مو از بدن:
 ۱۲۴ [مسایل]
 ۱۲۴ کفاره جدا کردن مو:

- ۱۲۵ هفدهم: پوشاندن سر برای مرد:
- ۱۲۵ [مسایل]
- ۱۲۶ کفاره پوشانیدن سر:
- ۱۲۷ هیجدهم: پوشاندن صورت بر زنان:
- ۱۲۷ [مسایل]
- ۱۲۸ کفاره پوشانیدن صورت زن:
- ۱۲۸ نوزدهم: زیر سایه رفتن مرد:
- ۱۲۸ [مسایل]
- ۱۲۹ کفاره سایه قرار دادن مرد:
- ۱۳۰ بیستم: بیرون آوردن خون از بدن خود:
- ۱۳۰ [مسایل]
- ۱۳۰ کفاره بیرون آوردن خون از بدن:
- ۱۳۰ بیست و یکم: ناخن گرفتن:
- ۱۳۰ [مسایل]
- ۱۳۱ کفاره ناخن گرفتن:
- ۱۳۲ بیست و دوم: کندن دندان:
- ۱۳۲ اشاره
- ۱۳۲ کفاره کندن دندان:
- ۱۳۲ بیست و سوم: کندن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده:
- ۱۳۲ [مسایل]
- ۱۳۳ کفاره کندن درخت و گیاه:
- ۱۳۳ بیست و چهارم: سلاح برداشتن:
- ۱۳۴ [مسایل]
- ۱۳۴ فاره سلاح برداشتن:

- ۱۳۴ حدود حرم
- ۱۳۵ آداب داخل شدن به حرم «۲»
- ۱۳۵ آداب داخل شدن به مکه مکرمه
- ۱۳۵ آداب داخل شدن به مسجد الحرام
- ۱۳۷ طواف واجب
- ۱۳۷ امسایل
- ۱۳۷ مسأله ۴۸۸
- ۱۳۷ مسأله ۴۸۹
- ۱۳۷ مسأله ۴۹۰
- ۱۳۷ مسأله ۴۹۱
- ۱۳۸ مسأله ۴۹۲
- ۱۳۸ مسأله ۴۹۳
- ۱۳۸ مسأله ۴۹۴
- ۱۳۸ مسأله ۴۹۵
- ۱۳۸ مسأله ۴۹۶
- ۱۳۸ واجبات طواف
- ۱۳۸ اشاره
- ۱۳۸ قسم اول: شرایط طواف
- ۱۳۸ اشاره
- ۱۳۹ اول: نیت:
- ۱۳۹ اشاره
- ۱۳۹ مسأله ۴۹۷
- ۱۳۹ مسأله ۴۹۸
- ۱۳۹ مسأله ۴۹۹

۱۳۹	مسئله ۵۰۰
۱۳۹	مسئله ۵۰۱
۱۳۹	مسئله ۵۰۲
۱۴۰	دوم: طهارت از حدث اکبر و اصغر:
۱۴۰	مسئله ۵۰۳
۱۴۰	مسئله ۵۰۴
۱۴۰	مسئله ۵۰۵
۱۴۰	مسئله ۵۰۶
۱۴۰	مسئله ۵۰۷
۱۴۰	مسئله ۵۰۸
۱۴۰	مسئله ۵۰۹
۱۴۱	مسئله ۵۱۰
۱۴۱	مسئله ۵۱۱
۱۴۱	مسئله ۵۱۲
۱۴۱	مسئله ۵۱۳
۱۴۱	مسئله ۵۱۴
۱۴۱	مسئله ۵۱۵
۱۴۱	مسئله ۵۱۶
۱۴۲	مسئله ۵۱۷
۱۴۲	مسئله ۵۱۸
۱۴۲	مسئله ۵۱۹
۱۴۲	مسئله ۵۲۰
۱۴۲	مسئله ۵۲۱
۱۴۲	مسئله ۵۲۲

- سوم: طهارت بدن و لباس از نجاست: ۱۴۲
- مسأله ۵۲۳ ۱۴۳
- مسأله ۵۲۴ ۱۴۳
- مسأله ۵۲۵ ۱۴۳
- مسأله ۵۲۶ ۱۴۳
- مسأله ۵۲۷ ۱۴۳
- مسأله ۵۲۸ ۱۴۳
- چهارم: ختان برای مرد: ۱۴۴
- مسأله ۵۲۹ ۱۴۴
- مسأله ۵۳۰ ۱۴۴
- مسأله ۵۳۱ ۱۴۴
- مسأله ۵۳۲ ۱۴۴
- پنجم: پوشاندن عورت و بدن: ۱۴۴
- ششم: مراعات شرایط لباس نمازگزار: ۱۴۴
- هفتم: موالات: ۱۴۴
- قسم دوم: واجبات طواف ۱۴۵
- اشاره ۱۴۵
- اول و دوم: ابتداء و ختم طواف به حجر الاسود: ۱۴۵
- مسأله ۵۳۶ ۱۴۵
- مسأله ۵۳۷ ۱۴۵
- مسأله ۵۳۸ ۱۴۵
- سوم: قرار دادن کعبه معظمه در طرف چپ: ۱۴۵
- مسأله ۵۳۹ ۱۴۵
- مسأله ۵۴۰ ۱۴۶

- مسأله ۵۴۱ ۱۴۶
- مسأله ۵۴۲ ۱۴۶
- مسأله ۵۴۳ ۱۴۶
- مسأله ۵۴۴ ۱۴۶
- چهارم: داخل نمودن حجر اسماعیل «۱» در طواف: ۱۴۶
- مسأله ۵۴۵ ۱۴۶
- مسأله ۵۴۶ ۱۴۷
- مسأله ۵۴۷ ۱۴۷
- مسأله ۵۴۸ ۱۴۷
- پنجم: خارج بودن طواف کننده از کعبه و آنچه از او است: ۱۴۷
- مسأله ۵۴۹ ۱۴۷
- مسأله ۵۵۰ ۱۴۷
- مسأله ۵۵۱ ۱۴۷
- ششم: انجام طواف در فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام: ۱۴۷
- مسأله ۵۵۲ ۱۴۷
- مسأله ۵۵۳ ۱۴۸
- مسأله ۵۵۴ ۱۴۸
- مسأله ۵۵۵ ۱۴۸
- مسأله ۵۵۶ ۱۴۸
- مسأله ۵۵۷ ۱۴۸
- مسأله ۵۵۸ ۱۴۸
- هفتم: هفت بار دور کعبه معظمه طواف کند: ۱۴۸
- مسأله ۵۵۹ ۱۴۸
- مسأله ۵۶۰ ۱۴۹

۱۴۹	مسئله ۵۶۱
۱۴۹	مسئله ۵۶۲
۱۴۹	مسئله ۵۶۳
۱۴۹	مسئله ۵۶۴
۱۴۹	مسئله ۵۶۵
۱۴۹	مسئله ۵۶۶
۱۴۹	مسئله ۵۶۷
۱۵۰	مسئله ۵۶۸
۱۵۰	مسئله ۵۶۹
۱۵۰	مسئله ۵۷۰
۱۵۰	هشتم: پی در پی بودن طواف:
۱۵۰	مسئله ۵۷۱
۱۵۰	مسئله ۵۷۲
۱۵۰	مسئله ۵۷۳
۱۵۰	مسئله ۵۷۴
۱۵۱	مسئله ۵۷۵
۱۵۱	مستحبات «۱» طواف:
۱۵۲	نماز طواف
۱۵۲	امسایل
۱۵۲	مسئله ۵۷۷
۱۵۲	مسئله ۵۷۸
۱۵۲	مسئله ۵۷۹
۱۵۲	مسئله ۵۸۰
۱۵۲	مسئله ۵۸۱

۱۵۲	مسئله ۵۸۲
۱۵۳	مسئله ۵۸۳
۱۵۳	مسئله ۵۸۴
۱۵۳	مسئله ۵۸۵
۱۵۳	مسئله ۵۸۶
۱۵۳	مسئله ۵۸۷
۱۵۳	مسئله ۵۸۸
۱۵۳	مسئله ۵۸۹
۱۵۴	مسئله ۵۹۰
۱۵۴	مسئله ۵۹۱
۱۵۴	مسئله ۵۹۲
۱۵۴	مسئله ۵۹۳
۱۵۴	مسئله ۵۹۴
۱۵۴	مسئله ۵۹۵
۱۵۴	مسئله ۵۹۶
۱۵۵	مسئله ۵۹۷
۱۵۵	مسئله ۵۹۸
۱۵۵	مسئله ۵۹۹
۱۵۵	مسئله ۶۰۰
۱۵۵	مسئله ۶۰۱
۱۵۵	مسئله ۶۰۲
۱۵۶	مسئله ۶۰۳
۱۵۶	مسئله ۶۰۴
۱۵۶	مسئله ۶۰۵

۱۵۶	مسأله ۶۰۶
۱۵۶	مسأله ۶۰۷
۱۵۶	مسأله ۶۰۸
۱۵۶	مسأله ۶۰۹
۱۵۶	مسأله ۶۱۰
۱۵۷	مستحبات نماز طواف:
۱۵۷	مسائل متفرقه طواف و نماز طواف
۱۵۷	مسأله ۶۱۲
۱۵۷	مسأله ۶۱۳
۱۵۷	مسأله ۶۱۴
۱۵۸	مسأله ۶۱۵
۱۵۸	مسأله ۶۱۶
۱۵۸	مسأله ۶۱۷
۱۵۸	مسأله ۶۱۸
۱۵۸	مسأله ۶۱۹
۱۵۸	مسأله ۶۲۰
۱۵۸	مسأله ۶۲۱
۱۵۸	مسأله ۶۲۲
۱۵۹	مسأله ۶۲۳
۱۵۹	مسأله ۶۲۴
۱۵۹	مسأله ۶۲۵
۱۵۹	مسأله ۶۲۶
۱۵۹	مسأله ۶۲۷
۱۵۹	مسأله ۶۲۸

۱۵۹	مسأله ۶۲۹
۱۵۹	مسأله ۶۳۰
۱۶۰	مسأله ۶۳۱
۱۶۰	مسأله ۶۳۲
۱۶۰	مسأله ۶۳۳
۱۶۰	مسأله ۶۳۴
۱۶۰	مسأله ۶۳۵
۱۶۰	مسأله ۶۳۶
۱۶۰	مسأله ۶۳۷
۱۶۱	مسأله ۶۳۸
۱۶۱	مسأله ۶۳۹
۱۶۱	مسأله ۶۴۰
۱۶۱	مسأله ۶۴۱
۱۶۱	مسأله ۶۴۲
۱۶۱	مسأله ۶۴۳
۱۶۱	مسأله ۶۴۴
۱۶۱	مسأله ۶۴۵
۱۶۲	مسأله ۶۴۶
۱۶۲	مسأله ۶۴۷
۱۶۲	مسأله ۶۴۸
۱۶۲	مسأله ۶۴۹
۱۶۲	مسأله ۶۵۰
۱۶۲	مسأله ۶۵۱
۱۶۳	مسأله ۶۵۲

۱۶۳	مسئله ۶۵۳
۱۶۳	مسئله ۶۵۴
۱۶۳	مسئله ۶۵۵
۱۶۳	مسئله ۶۵۶
۱۶۳	مسئله ۶۵۷
۱۶۳	مسئله ۶۵۸
۱۶۴	مسئله ۶۵۹
۱۶۴	مسئله ۶۶۰
۱۶۴	مسئله ۶۶۱
۱۶۴	مسئله ۶۶۲
۱۶۴	مسئله ۶۶۳
۱۶۴	مسئله ۶۶۴
۱۶۴	مسئله ۶۶۵
۱۶۴	مسئله ۶۶۶
۱۶۵	مسئله ۶۶۷
۱۶۵	مسئله ۶۶۸
۱۶۵	مسئله ۶۶۹
۱۶۵	مسئله ۶۷۰
۱۶۵	مسئله ۶۷۱
۱۶۵	مسئله ۶۷۲
۱۶۵	مسئله ۶۷۳
۱۶۶	مسئله ۶۷۴
۱۶۶	مسئله ۶۷۵
۱۶۶	مسئله ۶۷۶

۱۶۶	مسأله ۶۷۷
۱۶۶	مسأله ۶۷۸
۱۶۶	مسأله ۶۷۹
۱۶۶	سعی بین صفا و مروه
۱۶۶	امسایل
۱۶۷	مسأله ۶۸۰
۱۶۷	مسأله ۶۸۱
۱۶۷	مسأله ۶۸۲
۱۶۷	مسأله ۶۸۳
۱۶۷	مسأله ۶۸۴
۱۶۷	مسأله ۶۸۵
۱۶۷	مسأله ۶۸۶
۱۶۷	مسأله ۶۸۷
۱۶۷	مسأله ۶۸۸
۱۶۸	مسأله ۶۸۹
۱۶۸	مسأله ۶۹۰
۱۶۸	مسأله ۶۹۱
۱۶۸	مسأله ۶۹۲
۱۶۸	مسأله ۶۹۳
۱۶۸	مسأله ۶۹۴
۱۶۸	مسأله ۶۹۵
۱۶۸	مسأله ۶۹۶
۱۶۹	مسأله ۶۹۷
۱۶۹	مسأله ۶۹۸

۱۶۹	مسئله ۶۹۹
۱۶۹	مسئله ۷۰۰
۱۶۹	مسئله ۷۰۱
۱۶۹	مسئله ۷۰۲
۱۶۹	مسئله ۷۰۳
۱۷۰	مسئله ۷۰۴
۱۷۰	مسئله ۷۰۵
۱۷۰	مسئله ۷۰۶
۱۷۰	مسئله ۷۰۷
۱۷۰	مسئله ۷۰۸
۱۷۰	مسئله ۷۰۹
۱۷۰	مسئله ۷۱۰
۱۷۱	مسئله ۷۱۱
۱۷۱	مسئله ۷۱۲
۱۷۱	مسئله ۷۱۳
۱۷۱	مسئله ۷۱۴
۱۷۱	مسئله ۷۱۵
۱۷۱	مسئله ۷۱۶
۱۷۱	مسئله ۷۱۷
۱۷۲	مسئله ۷۱۸
۱۷۲	مسئله ۷۱۹
۱۷۲	مسئله ۷۲۰
۱۷۲	مسئله ۷۲۱
۱۷۲	مسئله ۷۲۲

۱۷۲	مسأله ۷۲۳
۱۷۲	مسأله ۷۲۴
۱۷۲	مسأله ۷۲۵
۱۷۳	مسأله ۷۲۶
۱۷۳	مستحبات سعی
۱۷۴	تقصیر، کوتاه کردن مو و ناخن
۱۷۴	امسایل
۱۷۴	مسأله ۷۲۸
۱۷۴	مسأله ۷۲۹
۱۷۴	مسأله ۷۳۰
۱۷۴	مسأله ۷۳۱
۱۷۴	مسأله ۷۳۲
۱۷۵	مسأله ۷۳۳
۱۷۵	مسأله ۷۳۴
۱۷۵	مسأله ۷۳۵
۱۷۵	مسأله ۷۳۶
۱۷۵	مسأله ۷۳۷
۱۷۵	مسأله ۷۳۸
۱۷۵	مسأله ۷۳۹
۱۷۵	مسأله ۷۴۰
۱۷۶	مسأله ۷۴۱
۱۷۶	مسأله ۷۴۲
۱۷۶	مسأله ۷۴۳
۱۷۶	مسأله ۷۴۴

- مسأله ۷۴۵ ۱۷۶
- مسائل متفرقه سعی و تقصیر ۱۷۶
- مسأله ۷۴۶ ۱۷۶
- مسأله ۷۴۷ ۱۷۶
- مسأله ۷۴۸ ۱۷۶
- مسأله ۷۴۹ ۱۷۶
- مسأله ۷۵۰ ۱۷۷
- مسأله ۷۵۱ ۱۷۷
- مسأله ۷۵۲ ۱۷۷
- مسأله ۷۵۳ ۱۷۷
- مسأله ۷۵۴ ۱۷۷
- مسأله ۷۵۵ ۱۷۷
- مسأله ۷۵۶ ۱۷۷
- مسأله ۷۵۷ ۱۷۸
- تبدل حج تمتع به حج افراد ۱۷۸
- مسأله ۷۵۸ ۱۷۸
- مسأله ۷۵۹ ۱۷۸
- مسأله ۷۶۰ ۱۷۸
- مسأله ۷۶۱ ۱۷۸
- مسأله ۷۶۲ ۱۷۸
- مسأله ۷۶۳ ۱۷۸
- مسأله ۷۶۴ ۱۷۹
- مسأله ۷۶۵ ۱۷۹
- مسأله ۷۶۶ ۱۷۹

۱۷۹	مسائل متفرقه عمره تمتع
۱۷۹	مسأله ۷۶۷
۱۷۹	مسأله ۷۶۸
۱۷۹	مسأله ۷۶۹
۱۸۰	مسأله ۷۷۰
۱۸۰	مسأله ۷۷۱
۱۸۰	مسأله ۷۷۲
۱۸۰	مسأله ۷۷۳
۱۸۰	مسأله ۷۷۴
۱۸۰	مسأله ۷۷۵
۱۸۰	مسأله ۷۷۶
۱۸۰	مسأله ۷۷۷
۱۸۱	مسأله ۷۷۸
۱۸۱	مسأله ۷۷۹
۱۸۱	مسأله ۷۸۰
۱۸۱	مسأله ۷۸۱
۱۸۱	مسأله ۷۸۲
۱۸۱	مسأله ۷۸۳
۱۸۲	مسأله ۷۸۴
۱۸۲	مسأله ۷۸۵
۱۸۲	مسأله ۷۸۶
۱۸۲	مسأله ۷۸۷
۱۸۲	مسأله ۷۸۸
۱۸۲	مسأله ۷۸۹

۱۸۲	مسأله ۷۹۰
۱۸۳	مسأله ۷۹۱
۱۸۳	مسأله ۷۹۲
۱۸۳	اعمال حج تمتع
۱۸۳	واجبات حج تمتع
۱۸۳	اشاره
۱۸۳	اول: احرام:
۱۸۳	امسایل
۱۸۳	مسأله ۷۹۳
۱۸۳	مسأله ۷۹۴
۱۸۳	مسأله ۷۹۵
۱۸۴	مسأله ۷۹۶
۱۸۴	مسأله ۷۹۷
۱۸۴	مسأله ۷۹۸
۱۸۴	مسأله ۷۹۹
۱۸۴	مسأله ۸۰۰
۱۸۴	مسأله ۸۰۱
۱۸۴	مسأله ۸۰۲
۱۸۵	مستحبات احرام تا وقوف به عرفات: «۱»
۱۸۵	مسأله ۸۰۳
۱۸۵	مسأله ۸۰۴
۱۸۵	مسأله ۸۰۵
۱۸۵	مسأله ۸۰۶
۱۸۵	مسأله ۸۰۷

۱۸۵	دوم: وقوف در عرفات:
۱۸۵	امسایل
۱۸۶	اشاره
۱۸۶	مسأله ۸۰۸
۱۸۶	مسأله ۸۰۹
۱۸۶	مسأله ۸۱۰
۱۸۶	مسأله ۸۱۱
۱۸۶	مسأله ۸۱۲
۱۸۶	مسأله ۸۱۳
۱۸۷	مسأله ۸۱۴
۱۸۷	مسأله ۸۱۵
۱۸۷	مسأله ۸۱۶
۱۸۷	مسأله ۸۱۷
۱۸۷	مسأله ۸۱۸
۱۸۷	مسأله ۸۱۹
۱۸۷	مسأله ۸۲۰
۱۸۸	مسأله ۸۲۱
۱۸۸	مسأله ۸۲۲
۱۸۸	مستحبات وقوف به عرفات «۱»
۱۹۰	سوم: وقوف در مشعر الحرام:
۱۹۰	امسایل
۱۹۰	اشاره
۱۹۰	مسأله ۸۲۴
۱۹۰	مسأله ۸۲۵

۱۹۰	مسئله ۸۲۶
۱۹۱	مسئله ۸۲۷
۱۹۱	مسئله ۸۲۸
۱۹۱	مسئله ۸۲۹
۱۹۱	مسئله ۸۳۰
۱۹۱	مسئله ۸۳۱
۱۹۲	مسئله ۸۳۲
۱۹۳	مستحبات و قوف در مشعر الحرام:
۱۹۴	چهارم: رمی جمره عقبه: «۱»
۱۹۴	امسایل
۱۹۴	اشاره
۱۹۴	مسئله ۸۳۴
۱۹۴	مسئله ۸۳۵
۱۹۵	مسئله ۸۳۶
۱۹۵	مسئله ۸۳۷
۱۹۵	مسئله ۸۳۸
۱۹۵	مسئله ۸۳۹
۱۹۵	مسئله ۸۴۰
۱۹۵	مسئله ۸۴۱
۱۹۵	مسئله ۸۴۲
۱۹۵	مسئله ۸۴۳
۱۹۵	مسئله ۸۴۴
۱۹۶	مسئله ۸۴۵
۱۹۶	مسئله ۸۴۶

۱۹۶	مسئله ۸۴۷
۱۹۶	مسئله ۸۴۸
۱۹۶	مسئله ۸۴۹
۱۹۶	مسئله ۸۵۰
۱۹۷	مسئله ۸۵۱
۱۹۷	مسئله ۸۵۲
۱۹۷	مسئله ۸۵۳
۱۹۷	مسئله ۸۵۴
۱۹۷	مسئله ۸۵۵
۱۹۷	مسئله ۸۵۶
۱۹۷	مسئله ۸۵۷
۱۹۸	مستحبات رمی جمرات:
۱۹۸	پنجم: قربانی:
۱۹۸	امسایل
۱۹۸	اشاره
۱۹۸	مسئله ۸۵۹
۱۹۸	مسئله ۸۶۰
۱۹۸	مسئله ۸۶۱
۱۹۹	مسئله ۸۶۲
۱۹۹	مسئله ۸۶۳
۱۹۹	مسئله ۸۶۴
۱۹۹	مسئله ۸۶۵
۲۰۰	مسئله ۸۶۶
۲۰۰	مسئله ۸۶۷

۲۰۰	مسئله ۸۶۸
۲۰۰	مسئله ۸۶۹
۲۰۰	مسئله ۸۷۰
۲۰۰	مسئله ۸۷۱
۲۰۰	مسئله ۸۷۲
۲۰۱	مسئله ۸۷۳
۲۰۱	مسئله ۸۷۴
۲۰۱	مسئله ۸۷۵
۲۰۱	مسئله ۸۷۶
۲۰۱	مسئله ۸۷۷
۲۰۱	مسئله ۸۷۸
۲۰۱	مسئله ۸۷۹
۲۰۱	مسئله ۸۸۰
۲۰۲	مسئله ۸۸۱
۲۰۲	مسئله ۸۸۲
۲۰۲	مسئله ۸۸۳
۲۰۲	مسئله ۸۸۴
۲۰۲	مسئله ۸۸۵
۲۰۲	مسئله ۸۸۶
۲۰۲	مسئله ۸۸۷
۲۰۳	مسئله ۸۸۸
۲۰۳	مسئله ۸۸۹
۲۰۳	مسئله ۸۹۰
۲۰۳	مسئله ۸۹۱

- مسأله ۸۹۲ ۲۰۳
- مسأله ۸۹۳ ۲۰۳
- مسأله ۸۹۴ ۲۰۴
- مسأله ۸۹۵ ۲۰۴
- مسأله ۸۹۶ ۲۰۴
- مسأله ۸۹۷ ۲۰۴
- مسأله ۸۹۸ ۲۰۴
- مسأله ۸۹۹ ۲۰۴
- مسأله ۹۰۰ ۲۰۴
- مسأله ۹۰۱ ۲۰۴
- مسأله ۹۰۲ ۲۰۵
- مسأله ۹۰۳ ۲۰۵
- مسأله ۹۰۴ ۲۰۵
- مسأله ۹۰۵ ۲۰۵
- مسأله ۹۰۶ ۲۰۵
- مسأله ۹۰۷ ۲۰۵
- مسأله ۹۰۸ ۲۰۵
- مسأله ۹۰۹ ۲۰۵
- مسأله ۹۱۰ ۲۰۶
- مستحبات قربانی: ۲۰۶
- حکم بدل قربانی ۲۰۶
- مسأله ۹۱۲ ۲۰۶
- مسأله ۹۱۳ ۲۰۶
- مسأله ۹۱۴ ۲۰۶

۲۰۶	مسأله ۹۱۵
۲۰۷	مسأله ۹۱۶
۲۰۷	مسأله ۹۱۷
۲۰۷	مسأله ۹۱۸
۲۰۷	مسأله ۹۱۹
۲۰۷	مسأله ۹۲۰
۲۰۷	مسأله ۹۲۱
۲۰۷	مسأله ۹۲۲
۲۰۷	مسأله ۹۲۳
۲۰۸	مسأله ۹۲۴
۲۰۸	مسأله ۹۲۵
۲۰۸	مسأله ۹۲۶
۲۰۸	مسأله ۹۲۷
۲۰۸	مسأله ۹۲۸
۲۰۸	ششم: حلق یا تقصیر:
۲۰۸	امسایل
۲۰۸	اشاره
۲۰۹	مسأله ۹۲۹
۲۰۹	مسأله ۹۳۰
۲۰۹	مسأله ۹۳۱
۲۰۹	مسأله ۹۳۲
۲۰۹	مسأله ۹۳۳
۲۰۹	مسأله ۹۳۴
۲۰۹	مسأله ۹۳۵

۲۰۹	مسئله ۹۳۶
۲۱۰	مسئله ۹۳۷
۲۱۰	مسئله ۹۳۸
۲۱۰	مسئله ۹۳۹
۲۱۰	مسئله ۹۴۰
۲۱۰	مسئله ۹۴۱
۲۱۰	مسئله ۹۴۲
۲۱۰	مسئله ۹۴۳
۲۱۱	مسئله ۹۴۴
۲۱۱	مسئله ۹۴۵
۲۱۱	مسئله ۹۴۶
۲۱۱	مسئله ۹۴۷
۲۱۱	مسئله ۹۴۸
۲۱۱	مسئله ۹۴۹
۲۱۱	مسئله ۹۵۰
۲۱۱	مسئله ۹۵۱
۲۱۲	مسئله ۹۵۲
۲۱۲	مسئله ۹۵۳
۲۱۲	مسئله ۹۵۴
۲۱۲	مسئله ۹۵۵
۲۱۲	مسئله ۹۵۶
۲۱۲	مسئله ۹۵۷
۲۱۲	مسئله ۹۵۸
۲۱۲	مسئله ۹۵۹

- مسأله ۹۶۰ ۲۱۳
- مسأله ۹۶۱ ۲۱۳
- مسأله ۹۶۲ ۲۱۳
- مستحبات حلق یا تقصیر: ۲۱۳
- هفتم و هشتم: طواف حج و نماز طواف حج: ۲۱۳
- اشاره ۲۱۳
- مسأله ۹۶۴ ۲۱۳
- مسأله ۹۶۵ ۲۱۴
- مسأله ۹۶۶ ۲۱۴
- مسأله ۹۶۷ ۲۱۴
- مسأله ۹۶۸ ۲۱۴
- نهم: سعی بین صفا و مروه: ۲۱۴
- امسایل ۲۱۴
- اشاره ۲۱۴
- مسأله ۹۶۹ ۲۱۴
- مسأله ۹۷۰ ۲۱۵
- مستحبات طواف حج تمتع و نماز آن و سعی: ۲۱۵
- دهم و یازدهم: طواف نساء و نماز طواف نساء: ۲۱۵
- امسایل ۲۱۵
- اشاره ۲۱۵
- مسأله ۹۷۲ ۲۱۵
- مسأله ۹۷۳ ۲۱۵
- مسأله ۹۷۴ ۲۱۶
- مسأله ۹۷۵ ۲۱۶

۲۱۶	مسأله ۹۷۶
۲۱۶	مسأله ۹۷۷
۲۱۶	مسأله ۹۷۸
۲۱۶	مسأله ۹۷۹
۲۱۶	مسأله ۹۸۰
۲۱۷	مسأله ۹۸۱
۲۱۷	مسأله ۹۸۲
۲۱۷	مسأله ۹۸۳
۲۱۷	مسأله ۹۸۴
۲۱۷	مسأله ۹۸۵
۲۱۷	مسأله ۹۸۶
۲۱۷	مسأله ۹۸۷
۲۱۷	مسأله ۹۸۸
۲۱۸	مسأله ۹۸۹
۲۱۸	مسأله ۹۹۰
۲۱۸	مسأله ۹۹۱
۲۱۸	مسأله ۹۹۲
۲۱۸	مسأله ۹۹۳
۲۱۸	مسأله ۹۹۴
۲۱۸	مسائل متفرقه اعمال مکه مکرمه
۲۱۸	مسأله ۹۹۵
۲۱۹	مسأله ۹۹۶
۲۱۹	مسأله ۹۹۷
۲۱۹	مسأله ۹۹۸

مسأله ۹۹۹ ۲۱۹

مسأله ۱۰۰۰ ۲۱۹

مسأله ۱۰۰۱ ۲۱۹

مسأله ۱۰۰۲ ۲۲۰

مسأله ۱۰۰۳ ۲۲۰

مسأله ۱۰۰۴ ۲۲۰

مسأله ۱۰۰۵ ۲۲۰

مسأله ۱۰۰۶ ۲۲۰

مسأله ۱۰۰۷ ۲۲۰

مسأله ۱۰۰۸ ۲۲۱

مسأله ۱۰۰۹ ۲۲۱

مسأله ۱۰۱۰ ۲۲۱

مسأله ۱۰۱۱ ۲۲۱

مسأله ۱۰۱۲ ۲۲۱

مسأله ۱۰۱۳ ۲۲۱

مسأله ۱۰۱۴ ۲۲۱

مسأله ۱۰۱۵ ۲۲۱

مسأله ۱۰۱۶ ۲۲۲

مسأله ۱۰۱۷ ۲۲۲

مسأله ۱۰۱۸ ۲۲۲

مسأله ۱۰۱۹ ۲۲۲

مسأله ۱۰۲۰ ۲۲۲

مسأله ۱۰۲۱ ۲۲۲

دوازدهم: بیتوته: ۲۲۲

۲۲۳	اشاره
۲۲۳	مسأله ۱۰۲۲
۲۲۳	مسأله ۱۰۲۳
۲۲۳	مسأله ۱۰۲۴
۲۲۳	مسأله ۱۰۲۵
۲۲۳	مسأله ۱۰۲۶
۲۲۴	مسأله ۱۰۲۷
۲۲۴	مسأله ۱۰۲۸
۲۲۴	مسأله ۱۰۲۹
۲۲۴	مسأله ۱۰۳۰
۲۲۴	مسأله ۱۰۳۱
۲۲۵	مسأله ۱۰۳۲
۲۲۵	مسأله ۱۰۳۳
۲۲۵	مسأله ۱۰۳۴
۲۲۵	مسأله ۱۰۳۵
۲۲۵	مسأله ۱۰۳۶
۲۲۵	مسأله ۱۰۳۷
۲۲۵	مسأله ۱۰۳۸
۲۲۶	مسأله ۱۰۳۹
۲۲۶	مسأله ۱۰۴۰
۲۲۶	مسأله ۱۰۴۱
۲۲۶	مسأله ۱۰۴۲
۲۲۶	مسأله ۱۰۴۳
۲۲۶	مسأله ۱۰۴۴

مسأله ۱۰۴۵ ۲۲۷

مسأله ۱۰۴۶ ۲۲۷

مسأله ۱۰۴۷ ۲۲۷

مسأله ۱۰۴۸ ۲۲۷

مسأله ۱۰۴۹ ۲۲۷

مسأله ۱۰۵۰ ۲۲۸

مسأله ۱۰۵۱ ۲۲۸

مسأله ۱۰۵۲ ۲۲۸

سیزدهم: رمی جمرات سه گانه: ۲۲۸

اشاره ۲۲۸

امسایل ۲۲۸

مسأله ۱۰۵۳ ۲۲۸

مسأله ۱۰۵۴ ۲۲۹

مسأله ۱۰۵۵ ۲۲۹

مسأله ۱۰۵۶ ۲۲۹

مسأله ۱۰۵۷ ۲۲۹

مسأله ۱۰۵۸ ۲۲۹

مسأله ۱۰۵۹ ۲۲۹

مسأله ۱۰۶۰ ۲۳۰

مسأله ۱۰۶۱ ۲۳۰

مسأله ۱۰۶۲ ۲۳۰

مسأله ۱۰۶۳ ۲۳۰

مسأله ۱۰۶۴ ۲۳۰

مسأله ۱۰۶۵ ۲۳۰

۲۳۰	مسأله ۱۰۶۶
۲۳۱	مسأله ۱۰۶۷
۲۳۱	مسأله ۱۰۶۸
۲۳۱	مسأله ۱۰۶۹
۲۳۱	مسأله ۱۰۷۰
۲۳۱	مسأله ۱۰۷۱
۲۳۱	مسأله ۱۰۷۲
۲۳۱	مسأله ۱۰۷۳
۲۳۱	مسأله ۱۰۷۴
۲۳۲	مسأله ۱۰۷۵
۲۳۲	مسأله ۱۰۷۶
۲۳۲	مسأله ۱۰۷۷
۲۳۲	مسأله ۱۰۷۸
۲۳۲	مسأله ۱۰۷۹
۲۳۲	مسأله ۱۰۸۰
۲۳۲	مسأله ۱۰۸۱
۲۳۲	مسأله ۱۰۸۲
۲۳۳	مسأله ۱۰۸۳
۲۳۳	مسأله ۱۰۸۴
۲۳۳	مسأله ۱۰۸۵
۲۳۳	مسأله ۱۰۸۶
۲۳۳	مستحبات منی:
۲۳۴	مسائل متفرقه حج تمتع
۲۳۴	مسأله ۱۰۸۸

۲۳۴	مسأله ۱۰۸۹
۲۳۴	مسأله ۱۰۹۰
۲۳۴	مسأله ۱۰۹۱
۲۳۴	استحباب عمره مفرده
۲۳۴	مسأله ۱۰۹۲
۲۳۴	مسأله ۱۰۹۳
۲۳۴	مسأله ۱۰۹۴
۲۳۵	مسأله ۱۰۹۵
۲۳۵	طواف و داع
۲۳۵	احکام مصدود و محصور
۲۳۵	مسأله ۱۰۹۷
۲۳۵	مسأله ۱۰۹۸
۲۳۵	مسأله ۱۰۹۹
۲۳۶	مسأله ۱۱۰۰
۲۳۶	مسأله ۱۱۰۱
۲۳۶	مسأله ۱۱۰۲
۲۳۶	مسأله ۱۱۰۳
۲۳۶	مسأله ۱۱۰۴
۲۳۶	مسأله ۱۱۰۵
۲۳۶	مسأله ۱۱۰۶
۲۳۷	مسأله ۱۱۰۷
۲۳۷	مسأله ۱۱۰۸
۲۳۷	مسأله ۱۱۰۹
۲۳۷	مسأله ۱۱۱۰

۲۳۷	مسأله ۱۱۱۱
۲۳۷	مسأله ۱۱۱۲
۲۳۸	مسأله ۱۱۱۳
۲۳۸	مسأله ۱۱۱۴
۲۳۸	مسأله ۱۱۱۵
۲۳۸	مسأله ۱۱۱۶
۲۳۸	مسأله ۱۱۱۷
۲۳۸	مسأله ۱۱۱۸
۲۳۹	مسأله ۱۱۱۹
۲۳۹	مسأله ۱۱۲۰
۲۳۹	مسأله ۱۱۲۱
۲۳۹	مسأله ۱۱۲۲
۲۳۹	مسأله ۱۱۲۳
۲۳۹	مسائل متفرقه
۲۳۹	مسأله ۱۱۲۴
۲۴۰	مسأله ۱۱۲۵
۲۴۰	مسأله ۱۱۲۶
۲۴۰	مسأله ۱۱۲۷
۲۴۰	مسأله ۱۱۲۸
۲۴۰	مسأله ۱۱۲۹
۲۴۰	مسأله ۱۱۳۰
۲۴۰	مسأله ۱۱۳۱
۲۴۱	مسأله ۱۱۳۲
۲۴۱	مسأله ۱۱۳۳

۲۴۱	مسأله ۱۱۳۴
۲۴۱	مسأله ۱۱۳۵
۲۴۱	مسأله ۱۱۳۶
۲۴۱	مسأله ۱۱۳۷
۲۴۱	مسأله ۱۱۳۸
۲۴۲	مسأله ۱۱۳۹
۲۴۲	مسأله ۱۱۴۰
۲۴۲	مسأله ۱۱۴۱
۲۴۲	مسأله ۱۱۴۲
۲۴۲	مسأله ۱۱۴۳
۲۴۲	مسأله ۱۱۴۴
۲۴۲	مسأله ۱۱۴۵
۲۴۳	مسأله ۱۱۴۶
۲۴۳	مسأله ۱۱۴۷
۲۴۳	مسأله ۱۱۴۸
۲۴۳	مسأله ۱۱۴۹
۲۴۳	مسأله ۱۱۵۰
۲۴۳	مسأله ۱۱۵۱
۲۴۳	مسأله ۱۱۵۲
۲۴۴	مسأله ۱۱۵۳
۲۴۴	مسأله ۱۱۵۴
۲۴۴	مسأله ۱۱۵۵
۲۴۴	مسأله ۱۱۵۶
۲۴۴	مسأله ۱۱۵۷

۲۴۴	مسأله ۱۱۵۸
۲۴۴	مسأله ۱۱۵۹
۲۴۵	مسأله ۱۱۶۰
۲۴۵	مسأله ۱۱۶۱
۲۴۵	مسأله ۱۱۶۲
۲۴۵	مسأله ۱۱۶۳
۲۴۵	مسأله ۱۱۶۴
۲۴۵	مسأله ۱۱۶۵
۲۴۵	مسأله ۱۱۶۶
۲۴۶	مسأله ۱۱۶۷
۲۴۶	مسأله ۱۱۶۸
۲۴۶	مسأله ۱۱۶۹
۲۴۶	مسأله ۱۱۷۰
۲۴۶	مسأله ۱۱۷۱
۲۴۶	مسأله ۱۱۷۲
۲۴۷	مسأله ۱۱۷۳
۲۴۷	مسأله ۱۱۷۴
۲۴۷	مسأله ۱۱۷۵
۲۴۷	مسأله ۱۱۷۶
۲۴۷	مسأله ۱۱۷۷
۲۴۸	مسأله ۱۱۷۸
۲۴۸	مسأله ۱۱۷۹
۲۴۸	مسأله ۱۱۸۰
۲۴۸	مسأله ۱۱۸۱

۲۴۸	مسأله ۱۱۸۲
۲۴۹	مسأله ۱۱۸۳
۲۴۹	مسأله ۱۱۸۴
۲۴۹	مسأله ۱۱۸۵
۲۴۹	مسأله ۱۱۸۶
۲۴۹	مسأله ۱۱۸۷
۲۴۹	مسأله ۱۱۸۸
۲۵۰	مسأله ۱۱۸۹
۲۵۰	مسأله ۱۱۹۰
۲۵۰	مسأله ۱۱۹۱
۲۵۰	مسأله ۱۱۹۲
۲۵۰	مسأله ۱۱۹۳
۲۵۱	مسأله ۱۱۹۴
۲۵۱	مسأله ۱۱۹۵
۲۵۱	مسأله ۱۱۹۶
۲۵۱	مسأله ۱۱۹۷
۲۵۱	مسأله ۱۱۹۸
۲۵۱	مسأله ۱۱۹۹
۲۵۱	مسأله ۱۲۰۰
۲۵۲	مسأله ۱۲۰۱
۲۵۲	مسأله ۱۲۰۲
۲۵۲	مسأله ۱۲۰۳
۲۵۲	مسأله ۱۲۰۴
۲۵۳	دعای شب عرفه

- ۲۵۵ دعاء امام حسین علیه السلام در روز عرفه
- ۲۶۰ دعای امام سجاد علیه السلام در روز عرفه
- ۲۶۴ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

توضیح المناسک

مشخصات کتاب

نویسنده: السيد محمد حسن اللنگرودی ناشر: السيد محمد حسن اللنگرودی موضوع: الفقه الفتاوی زبان: فارسی تعداد جلد: ۱

[پیش گفتار]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَ سَيِّئِهَا وَ جَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَ مَيْتَهُمْ، وَ عَنِّ وَ الْوَلَدَى وَ عَنَى مِنَ الصَّلَوَاتِ وَ التَّحِيَّاتِ، زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَ مُنْتَهَى رِضَا، وَ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً فِي رَقَبَتِي، اللَّهُمَّ كَمَا شَرَفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَ فَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَ خَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلُهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ صَيِّمًا كَأَنَّهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعِيَهُ رَسُولُكَ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَكَ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الصَّلَاةَ عَمُودًا لِلدِّينِ، وَ الصَّوْمَ جَنَّةً مِنَ النَّارِ، وَ الزَّكَاةَ تَرْكِيَةً لِلْمَالِ، وَ الْحَجَّ قِيَامًا لِلنَّاسِ، وَ الصَّلَاةَ وَ السَّلَامَ عَلَى مَنْ أَمَرَ وَصِيهِ بِتَطْهِيرِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ عَنِ الْأَصْنَامِ، وَ عَلَى آلِهِ الْمَعْصُومِينَ، سَيِّمًا مِنْ يَلْعَنُ دَعْوَتَهُ مِنْ بَيْتِ اللَّهِ مُسْنَدًا ظَهَرَ بِالْكَعْبَةِ الْمَعْظُمَةِ، لِإِقَامَةِ الْعَدْلِ وَ إِحْيَاءِ الشَّرِيعَةِ، كَمَا مَلَّتِ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، وَ اللَّعْنَةُ الدَّائِمَةُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ. وَ بَعْدُ: حَجَّ وَ زِيَارَتِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ انْجَامِ مَنَاسِكِ آن از شعائر اسلام توضیح المناسک، ص: ۸ و یکی از ارکان پنج گانه است که اسلام بر آنها نهاده شده؛ و از ضروریات دین به شمار رفته، هرگاه مستطیع عمداً حج را ترک کند با اعتراف به واجب بودن آن گناه بزرگ مرتکب شده؛ و هرگاه آن را انکار کند در صورتی که انکار حج برگردد به انکار رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله کافر و نجس است؛ در قرآن مجید و روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و آئمه معصومین علیهم السلام تأکیدات زیادی به رفتن حج شده که از حوصله رساله خارج است فقط به یک آیه شریفه و یک روایت بسنده می شود؛ خداوند متعال در قرآن مجید فرموده: **لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ**. (۱) شیخ کلینی رحمه الله در کافی به سند معتبر از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده: «هر کس از دنیا برود و حجه الاسلام را بجا نیاورده باشد بدون این که او را حاجتی ضروری بوده؛ یا این که به جهت بیمار شدن از آن بازمانده؛ یا این که پادشاهی از رفتن آن جلوگیری کرده؛ چنین شخصی در حال مردن به آئین یهودیان یا نصرانیان از دنیا خواهد رفت». بنا بر این لازم است مسلمانان نسبت به این واجب بزرگ عنایت توضیح المناسک، ص: ۹ مخصوص داشته باشند و کسانی که دارای شرایط آن هستند در اولین فرصت اقدام کنند و در کنگره عظیم اسلامی شرکت کنند و از برکات و فیوضات دنیایی و آخرتی آن بهرمنند گردند. چون مناسکی که حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت به چاپ رسانده و در اختیار حجاج بیت الله الحرام زاده الله شرفاً و عزاً قرار داده از بهترین مناسک موجود است از نظر جامعیت مسائل و کثرت فروع و در بردارنده استفتاءات مکرری که در آن مطرح شده و محل ابتلاء حجاج گرامی است و از آن گذشته رساله مطرح انظار و توجه مراجع تقلید گذشته و حال قرار گرفته؛ شایسته بود مورد نظر و توجه قرار گیرد. له الحمد توفیق ربانی نصیب گردید مسائل و فروعی که در آن رساله شریفه آمده مورد بررسی قرار گرفت و با تغییر بعضی عبارات و اسقاط متن استفتاءات و سؤالات و بعضی مسائل تکراری، در این رساله آمده بنا بر این رساله توضیح المناسک نمودی از آن رساله و مواد اکثر مسائل آن، از آن رساله مبارکه اقتباس شده. ناگفته نماند سعی شده در این رساله جنبه احتیاطی مسائل بیشتر ملاحظه شود چنانچه روش شیخ اعظم انصاری قدس سره در تنظیم مناسک بوده برای این که ممکن است

بعضی در طول عمر فقط یک بار توفیق تشرف نصییشان شود و مراعات نکردن احتیاط با اختلاف نظر فقهاء چه بسا برای حاج مشکلاتی پیش آورد. توضیح المناسک، ص: ۱۰ به هر حال در مواردی که در این رساله احتیاطات واجبی شده به لحاظ اهمیتی که دارند تا می‌شود به آنها عمل شود ولی می‌توان به مجتهد دیگری مراجعه شود؛ با مراعات الاعلم فالاعلم علی الاحوط. به هر حال امید است این رساله مورد توجه حجاج گرامی و زائرین بیت الله الحرام زاده الله شرفاً قرار گیرد و بتوانند تا حدودی گمشده خود را در آن بیابند و دچار سردرگمی و حیرت نشوند و الله الهادی إلى الصراط المستقیم.

اقسام حج

مسئله ۱

حجۃ الإسلام یعنی حجی که به اصل شریعت در تمام عمر یک مرتبه واجب می‌شود بر سه نوع است: ۱ حج تمتع. ۲ حج افراد. ۳ حج قران.

مسئله ۲

حج تمتع از دو عمل عبادی ترکیب شده: یکی عمره تمتع و دیگری حج تمتع، حج افراد و قران عمره ندارد؛ ولی به جای آن پس از آن که از حج مُحل شد باید عمره مفرده انجام دهد؛ فرقی بین حج افراد و قران نیست مگر این که در حج قران در حال احرام باید قربانی باشد.

مسئله ۳

حج تمتع بر کسی واجب می‌شود که محل او تا مکه مکرمه چهل و هشت میل برابر شانزده فرسخ که حدود هفتاد و شش کیلو متر تفسیر شده فاصله داشته باشد یا زیادتر از این مقدار باشد؛ حج افراد و قران وظیفه کسی است که فاصله محل او تا مکه مکرمه کمتر از فاصله مذکور باشد؛ توضیح المناسک، ص: ۱۳ بنا بر این بر اکثر مردم جهان حج تمتع واجب می‌شود لذا احکام آن در این رساله مفصلاً بیان می‌شود.

مسئله ۴

در حج تمتع باید اول عمره تمتع، بعد از آن حج تمتع را انجام داد؛ ولی هرگاه شخصی به جهتی نتوانست عمره تمتع را قبل از حج تمتع انجام دهد (چنانچه شرح آن ان شاء الله خواهد آمد) حج او تبدیل به حج افراد می‌شود پس از انجام اعمال حج باید عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۵

گرچه بر هر مکلفی که دارای شرایطی که گفته می‌شود در تمام عمر بیش از یک مرتبه به اصل شرع، حج واجب نمی‌شود و از او به حجۃ الإسلام تعبیر می‌شود؛ ولی ممکن است به جهات دیگری مانند خراب کردن حج اول، یا نذر، عهد، اجاره و مانند اینها بیش از یک بار واجب شود.

مسئله ۶

واجب شدن حج بر شخص مستطیع فوری است به این معنی که لازم است در سال اول استطاعت حج را بجا آورد و تأخیر آن جایز نیست؛ بلکه چنانچه فرموده‌اند بعید نیست تأخیر آن از گناهان بزرگ باشد؛ و در صورت تأخیر لازم است در سال آینده انجام دهد گرچه از استطاعت خارج شود؛ و همچنین ..

مسأله ۷

بر کسی که مستطیع شده واجب است در اولین فرصت مقدمات سفر از قبیل ثبت نام، گرفتن گذرنامه، تعیین کاروان و دیگر لوازم سفر را به موقع فراهم کند به نحوی که بتواند در سال استطاعت مناسک حج توضیح المناسک، ص: ۱۴ را در موقع خود انجام دهد؛ و در صورتی که کوتاهی کند و در آن سال به حج نرسد حج بر او مستقر می‌شود؛ و در صورتی که معلوم شود اگر در اولین فرصت می‌رفت به حج می‌رسید باید بعداً به حج برود گرچه از استطاعت خارج شود؛ مگر انجام حج با وضعی که دارد بر او مشقت زیاد داشته باشد به نحوی که از توان و قدرت عرفی او خارج باشد گرچه در این حال حج بر او واجب نیست ولی بعداً در صورت قدرت باید انجام دهد یا پس از مرگش از ترکه‌اش حج نیابتی و لو از میقات انجام دهند؛ و همچنین بنا بر احتیاط واجب هرگاه کوتاهی هم نکرده باشد به اعتقاد این که با تأخیر می‌تواند حج را در همان سال درک کند در اولین فرصت اقدام نکرد ولی اتفاقاً درک نکرده؛ حج بر عهده او مستقر می‌شود گرچه در تأخیر معصیت نکرده باشد.

مسأله ۸

هرگاه درک حج پس از حاصل شدن استطاعت منحصر به نام نویسی برای چند سال بعد باشد لازم است در اولین فرصت ثبت نام کند.

شرایط واجب شدن حج تمتع

اشاره

مسأله ۹ با چهار شرط حج بر انسان واجب می‌شود:

اول و دوم: بلوغ و عقل:

اشاره

کودک گرچه ممیز باشد؛ و یا دیوانه گرچه همیشگی نباشد؛ حج بر او واجب نیست مگر دیوانه در حالی که سالم و عاقل است بتواند مناسک حج توضیح المناسک، ص: ۱۵ را بجا آورد.

مسأله ۱۰

هرگاه ممیز غیر بالغ گرچه نزدیک به حد بلوغ باشد حج را بجا آورد حجش صحیح است ولی از حجه الإسلام کفایت نمی‌کند باید پس از بالغ شدن اگر شرایط دیگر را داشته باشد حج را بجا آورد.

مسئله ۱۱

هرگاه ممیز غیر بالغ برای حج مُحرم شود و هنگام درک مشعر الحرام بالغ شود؛ گرچه مشهور فرموده‌اند کفایت از حجه الإسلام می‌کند ولی احوط عدم کفایت است بعد از استطاعت حج را اعاده کند؛ و همچنین است امر در مجنون، ولی اگر در میقات به اذن ولی شرعی او را رجاء مُحرم کنند و قبل از درک مشعر الحرام عاقل بشود بعید نیست کفایت از حجه الإسلام بکند ولی مع ذلک احوط این است اگر مستطیع باشد حج را اعاده کند.

مسئله ۱۲

کسی که گمان می‌کرده بالغ نشده و قصد حج استحبابی کرده بعد معلوم شود بالغ بوده؛ حج او از حجه الإسلام کفایت نمی‌کند مگر این که قصد مأمور به واقعی داشته و اشتباهاً آن را بر حج ندبی تطبیق کرده در این صورت کفایت از حجه الإسلام می‌کند.

مسئله ۱۳

مستحب است کودک ممیز به حج رود؛ و حشش صحیح و اذن ولی در صحت حج او شرط نیست؛ مگر این که ترک آن موجب اذیت ولی شود در این صورت احتیاط بر گرفتن اذن است؛ ولی در مواردی که حج او باعث تصرف در اموالش می‌باشد برای مصرف در آن اذن ولی لازم توضیح المناسک، ص: ۱۶ است؛ به هر حال بعد از بالغ شدن هرگاه استطاعت داشت باید به حج برود.

مسئله ۱۴

مستحب است ولی پسر بچه غیر ممیز را مُحرم کند و او را لباس احرام بپوشاند؛ و نیت کند که طفل را مُحرم می‌کنم برای عمره تمتع، یا این طفل را مُحرم می‌کنم برای حج تمتع، و اگر می‌شود تلبیه را به او تلقین کند و الا خودش به عوض او بگوید؛ و او را از تروک احرام باز دارد و به آنچه از اعمال عمره و حج قدرت دارد وادارش کند و در آنچه توانایی ندارد از طرفش نیابت کند؛ مثلاً او را وادار به طواف، نماز طواف، سعی و رمی نماید و اگر نتوانست از طرف او نیابت کند؛ و در عرفات، مشعر الحرام و منی وقفش دهد؛ سرش را بترشد و یا تقصیر کند و همچنین در بقیه اعمال، و هرگاه خود کودک طواف و نماز طواف می‌خواند باید پاک و با وضو باشد؛ و در کودک غیر ممیز او را وضوء دهد گرچه به صورت وضوء باشد و خودش هم وضوء بگیرد و هرگاه در طول طواف کردن و نماز خواندن طاهر بودن او ممکن نباشد ولی از جانب او طواف کرده نماز طواف می‌خواند.

مسئله ۱۵

بعید نیست ولی بتواند دختر غیر ممیز را نیز مُحرم کند اما خلاف احتیاط است؛ احرام ولی دیوانه را محل اشکال است و احتیاط واجب بر ترک آن است؛ ولی هرگاه ولی دیوانه را رجاء به امید مطلوبیت و رسیدن به ثواب مُحرم کند اشکال ندارد.

مسئله ۱۶

ولی می‌تواند کودک خود را مُحرم نماید گرچه خودش مُحرم نباشد.

مسئله ۱۷

مشکل است عمو، برادر و مانند آنها گرچه کفیل بچه غیر ممیز و نگه‌دار او باشند؛ بتوانند او را مُحرم نمایند؛ قدر میقتن آن است که ولی شرعی بچه باشد مانند پدر، پدر پدر، وصی آن دو، حاکم شرع و نماینده و وکیل هر یک از آنها، بلی چنانچه نص داریم مادر می‌تواند او را مُحرم کند.

مسئله ۱۸

بعد از آن که کودک مُحرم شد یا او را مُحرم کردند؛ باید ولی او را از محرمات احرام بازدارد مخصوصاً در صورتی که کودک ممیز نباشد.

مسئله ۱۹

هرگاه طفلی که مُحرم است یکی از محرمات احرام را بجا آورد در صورتی که طفل صید کرده باشد کفاره آن بر ولی طفل است و در غیر صید بنا بر احتیاط واجب بر عهده ولی او است.

مسئله ۲۰

قربانی برای حج بر عهده ولی طفل است.

مسئله ۲۱

هرگاه کودک قبل از آن که در میقات مُحرم شود بالغ گردد اگر از همان‌جا که مُحرم می‌شود مستطیع باشد حج او حجه الإسلام است.

مسئله ۲۲

واجب نیست پدر یا مادر، بچه غیر ممیز خود را در میقات مُحرم کند یا از طرف او حج انجام دهد می‌تواند بدون احرام داخل حرم شود؛ ولی هرگاه او را مُحرم کرد باید تمام دستورات و اعمال احرام عمره و حج را مطابق آنچه که در رساله مناسک ذکر شده انجام دهد مثلاً در میقات نیت احرام و تلبیه را از طرف بچه انجام دهد و در طواف زیارت و حج و طواف نساء، سعی بین صفا و مروه، وقوف به عرفات، مشعر الحرام و منی، توضیح المناسک، ص: ۱۸ قربانی، رمی حجرات و غیر ذلک را ولی بچه از طرف او انجام دهد؛ در صورتی که تمام اعمال مطابق دستور انجام شد بچه از احرام خارج می‌شود و بعد از بلوغ می‌تواند پسر زن بگیرد و دختر شوهر کند؛ وگرنه اگر درست انجام نشود در بعضی صورت‌ها بچه در حال احرام باقی می‌ماند تا انجام ندهد نمی‌تواند ازدواج کند.

مسئله ۲۳

کسی که بعد از عمره حج تمتع دیوانه شد لازم نیست او را برای حج مُحرم کنند.

سوم: آزاد بودن:

اشاره

کسی که بنده است حج بر او واجب نیست گرچه با اجازه مالک حج کند.

مسئله ۲۴

چون مسئله بندگی فعلاً در خارج نیست متعرض فروع آن نشدیم به کتاب‌های مفصل مراجعه شود.

چهارم: استطاعت از جهت مال، جان، راه و وقت:

[مسائل استطاعت

مسئله ۲۵

استطاعت عقلی به تنهایی برای واجب شدن حج کفایت نمی‌کند بلکه باید استطاعت شرعی داشته باشد یعنی هزینه حج را فعلاً داشته باشد؛ پس بر کسی که مخارج حج را ندارد ولی قدرت بر تحصیل آن از راه کسب کردن و غیره را دارد حج واجب نیست.

مسئله ۲۶

استطاعت از جهت مال یعنی داشتن زاد، که مراد توشه راه توضیح المناسک، ص: ۱۹ است؛ و راحله، که مراد وسیله سفر مانند مرکب سواری، ماشین، کشتی، هواپیما و ...

مسئله ۲۷

داشتن راحله و وسیله سفر برای کسی که نیاز به آن دارد شرط واجب شدن حجه الاسلام است چه به جهت قادر نبودن بر پیاده روی یا سخت بودن آن یا خلاف شأن بودن آن باشد؛ ولی کسی که نیاز به مرکب سواری ندارد و می‌تواند بدون زحمت و بدون این که خلاف شأن او باشد مناسک را انجام دهد مخصوصاً برای کسی که در نزدیکی مکه مکرمه باشد؛ شرط داشتن راحله در واجب شدن حج مشکل است احتیاطاً مراعات شود.

مسئله ۲۸

در زاد و راحله لازم نیست عین آنها را داشته باشد همین که پول یا چیز دیگری داشته باشد که ممکن باشد آن را صرف تهیه آنها نماید کفایت می‌کند.

مسئله ۲۹

همان گونه که داشتن هزینه رفتن به حج و انجام مناسک حج در واجب شدن حج شرط است داشتن هزینه بازگشت به محلی که در آن زندگی می‌کرده شرط می‌باشد؛ مگر این که قصد بازگشتن به آنجا را نداشته باشد و بخواهد در مکه مکرمه زندگی کند و در صورتی که بخواهد در جای دیگری ساکن شود هزینه رفتن به آنجا را باید داشته باشد اگر بیشتر از هزینه بازگشت به محل خود نباشد؛ مگر این که ناگزیر بر سکونت در آنجا باشد در این صورت زیادی هم از مخارج سفر حساب می‌شود.

مسئله ۳۰

شرط است در واجب شدن حج گذشته بر مخارج رفتن به حج و برگشتن؛ این که لوازم زندگی خود را که در معاش روزانه به آنها نیاز دارد داشته باشد؛ مثلاً خانه مسکونی گرچه اجاره‌ای باشد در صورتی که برایش حرجی نباشد و وسیله سواری، فرش، ظروف، سایر اثاث خانه، لباس‌های خود گرچه لباس‌های تجملی، کتاب‌های علمی، وسائل کار، زیور آلات زنانه و دیگر چیزهایی که مورد نیاز است در حدی که مناسب با شأن او باشد داشته باشد مخصوصاً در صورتی که نداشتن آنها موجب حرج باشد؛ ولی فروش چیزهایی که در حال حاضر مورد نیاز نیست گرچه قبلاً مورد نیاز بوده لازم است؛ بنا بر این زنی که پیر شده از زیور آلات استفاده نمی‌کند و یا ابزار کار شخصی که بازنشسته شده و توانایی کار ندارد لازم است برای تحصیل لوازم سفر حج آنها را بفروش برساند؛ و چنانچه عین لوازم زندگی را ندارد و نداشتن آنها بر او حرج و مشقت داشته باشد باید پول یا چیز دیگری که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد.

مسئله ۳۱

اگر چیزهایی که در لوازم زندگی خود به آنها نیازمند است یا پول آنها را در حج مصرف کند از حجه الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسئله ۳۲

کسی که به مقدار حج پول یا چیز دیگری که به آن نیاز ندارد دارد ولی ازدواج نکرده در صورتی که اگر ازدواج نکند به حرج و مشقت یا مرض یا به حرام دچار می‌شود؛ در صورتی مستطیع است که گذشته از هزینه حج هزینه ازدواج را هم داشته باشد.

مسئله ۳۳

هرگاه کسی طلب دارد که با دریافت آن می‌تواند به حج برود اگر وقت طلب او رسیده و حال است و می‌تواند بدون واقع شدن در حرج و مشقت آن را وصول کند واجب است مطالبه کند و بگیرد و به حج رود؛ مگر این که مدیون نتواند بپردازد در این صورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نیست؛ مگر این که بتواند طلب خود را به مقدار کمتر بفروشد در صورتی که باعث ضرر و مشقت برایش نباشد و با پول آن و یا با ضمیمه مال دیگر بتواند حج رود در این صورت مستطیع است؛ و همچنین است اگر وقت طلب او نرسیده (مدت دار است) ولی مدیون بخواهد طلب خود را بپردازد لازم است طلب کار آن را بگیرد و مستطیع می‌شود؛ ولی هرگاه مدیون نمی‌خواهد پرداخت کند مطالبه واجب نیست برای این که تحصیل استطاعت واجب نیست ولی هرگاه بداند که با مطالبه حاضر به پرداخت است و محذوری ندارد مطالبه لازم است بلکه در صورتی که احتمال می‌دهد که با مطالبه پرداخت می‌کند احتیاط آن است که مطالبه کند برای این که ممکن است مطالبه در این صورت فحص از استطاعت باشد نه تحصیل استطاعت.

مسئله ۳۴

هرگاه کسی که هزینه حج را ندارد ولی می‌تواند آن را قرض کند گرچه بتواند به سهولت آن را ادا کند مستطیع نیست؛ ولی هرگاه قرض کرد و بتواند بدون مشقت آن را پرداخت کند به جهت صدق استطاعت، حج بر او واجب می‌شود.

مسئله ۳۵

هرگاه مالی داشته که به مقدار هزینه حج است ولی فعلاً نمی‌تواند آن را بفروشد ولی پس از حج می‌تواند بفروشد و یا با آن قرض خود را ادا کند حج بر او واجب می‌شود باید قرض کند.

مسئله ۳۶

هرگاه کسی که هزینه حج را دارد ولی بدهی هم دارد چنانچه بدهی او مدت دار است و مطمئن است که هنگام اداء بدهی قدرت پرداخت آن را بدون حرج و مشقت دارد واجب است به حج برود؛ و همچنین هرگاه وقت اداء بدهی رسیده ولی طلب کار راضی به تأخیر پرداخت آن باشد در صورتی که بدهکار مطمئن است که هنگام مطالبه می‌تواند بدهی را بدون زحمت و مشقت اداء نماید واجب است به حج برود؛ و نیز اگر بداند طلب کار از طلب خود خواهد گذشت یا بنا بر تسامح است مانند مهریه بعضی خانم‌ها، یا این که می‌داند شخص یا اشخاصی دین او را اداء می‌کنند؛ چنین قرضی مانع از استطاعت نیست باید به حج برود.

مسئله ۳۷

هرگاه بر عهده کسی خمس و زکات باشد حکم سایر بدهکاری‌های او را دارد؛ ولی هرگاه عین مالی که در حج هزینه می‌کند متعلق خمس و زکات باشد باید ابتداء خمس و زکات آن را بدهد و در صورتی مستطیع است که گذشته بر آن مخارج حج را داشته باشد.

مسئله ۳۸

کسی که از جهت مالی مستطیع است ولی از جهت صحت بدن یا باز بودن راه استطاعت نداشته هرگاه بداند یا اطمینان داشته باشد که در همان سال استطاعت پیدا می‌کند نمی‌تواند در مال خود تصرف کند و توضیح المناسک، ص: ۲۳ خود را از استطاعت مالی خارج کند بلکه اگر بداند در سال آینده یا سال‌های بعد متمکن از حج می‌شود بنا بر احتیاط واجب قدرت مالی خود را حفظ کند؛ و گرنه می‌تواند خود را از استطاعت مالی خارج کند مگر این که امید خوب شدن تا آخر عمر را نداشته باشد واجب است در همان سال نایب بگیرد و چنانچه عذر بر طرف شد در صورتی که استطاعت مالی باقی بود خودش نیز به حج برود و الا حج بر او واجب نیست.

مسئله ۳۹

کسی که از جهت مالی و بدنی و راه استطاعت دارد ولی هنوز وسائل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده گرچه چند ماهی به موسم حج باقی باشد؛ نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند و اگر خارج کرد حج بر او مستقر شده و باید به هر نحو که هست به حج رود مگر این که حج از قدرت عرفی او خارج باشد.

مسئله ۴۰

کسی که استطاعت حج دارد باید خرج‌های مقدماتی را از قبیل هزینه گذرنامه، ویزا، ودیعه و آنچه که مربوط به حج است بدهد و به حج رود؛ ولی کسی که استطاعت این نحو مخارج را نداشته باشد مستطیع نیست و واجب نیست به حج برود.

مسئله ۴۱

هرگاه کرایه اتومبیل یا کشتی یا هواپیما زیاد باشد یا زیادتر از حد معمول باشد؛ و همچنین هرگاه قیمت اجناس در سال استطاعت زیاد باشد یا زیادتر از حد متعارف باشد؛ باید به حج برود و جایز نیست تأخیر از سال استطاعت مگر آن که قیمت به قدری زیاد باشد که موجب حج و توضیح المناسک، ص: ۲۴ مشقت در زندگی باشد؛ یا به حدی قیمت زیاد باشد که عرفاً اجحاف شمرده شود گرچه موجب حج و مشقت نباشد؛ در این صورت حج واجب نیست.

مسئله ۴۲

کسی که استطاعت دارد اگر پول ندارد ولی ملک یا چیزی که از لوازم زندگی او نیست دارد؛ باید بفروشد و به حج رود گرچه به واسطه مشتری نداشتن یا تعجیل به کمتر از قیمت معمولی بفروشد؛ ولی هرگاه فروش آنها به آن مبلغ باعث ضرر و مشقت در زندگانی باشد یا باعث ضرر کلی شود و اجحاف باشد فروش واجب نیست.

مسئله ۴۳

کسی که بیش از احتیاجش کتاب یا چیز دیگری دارد و در معرض استفاده‌اش نیست اگر آنها را بفروشد به قدر مخارج حج می‌شود؛ در صورتی که سایر شرایط حج را دارا باشد واجب است به حج برود بلکه هرگاه کتاب‌های وقفی یا چیزهای دیگر وقفی که در اختیار او است و در معرض زوال نباشد و بتواند بدون زحمت و مشقت رفع نیازمندی‌های خود را بکند و ارزش آنها به اندازه هزینه حج باشد واجب است به حج برود.

مسئله ۴۴

هرگاه خانه وقفی در اختیارش باشد یا بتواند در اختیار خود قرار دهد و استفاده از آن مناسب شأنش باشد و هیچ‌گونه زحمت و مشقتی در استفاده از آن برایش نباشد هرگاه خانه ملکی داشته باشد که ارزش آن به اندازه هزینه حج است؛ واجب است به حج برود.

مسئله ۴۵

هرگاه شک کند مالی که دارد به اندازه استطاعت هست یا توضیح المناسک، ص: ۲۵ نه، بنا بر احتیاط واجب بلکه خالی از وجه نیست که فحص و تحقیق کند؛ و فرقی نیست در وجوب فحص و تحقیق بین این که نداند مالی که دارد به اندازه هزینه حج است؛ یا این که مقدار مال خود را بداند ولی نداند برای مصارف حج کفایت می‌کند یا نه.

مسئله ۴۶

هرگاه نذر کند که روز عرفه به زیارت امام حسین علیه السلام یا یکی از ائمه معصومین علیهم السلام مشرف شود نذرش صحیح است باید به آن عمل کند؛ ولی اگر مستطیع بوده یا در این سال مستطیع شود نذرش منحل می‌شود باید به حج برود و اگر به حج نرفت حج بر او مستقر می‌شود؛ چون نذرش منحل شده عمل نکردن به نذر کفاره ندارد گرچه به حج هم نرود.

مسئله ۴۷

اگر رفتن به حج باعث ترک واجبی یا انجام حرامی می‌شود؛ یا از بین رفتن مال قابل توجهی شود؛ باید ملاحظه اهمیت حج با حرام و واجب بودن و از بین رفتن مال را کرد؛ هرگاه اهمیت حج یا احتمال اهمیت آن بیشتر باشد باید به حج رود و اگر اهمیت آنها یا احتمال اهمیت آنها بیشتر باشد به حج نمی‌رود و هرگاه احتمال اهمیت در هر یک داده شود مخیر است و در صورتی که اهمیت غیر حج معلوم یا محتمل باشد؛ هرگاه حرام را قبلاً بجا آورد یا واجب را ترک کرد و به حج رفت گناه کار است اما حج او صحیح است.

مسئله ۴۸

هرگاه به اعتقاد این که مستطیع نیست نیت حج استحبابی کند به نحوی که به اصطلاح به نحو تقیید باشد بعد معلوم شود که مستطیع توضیح المناسک، ص: ۲۶ بوده کفایت از حجه الإسلام نمی‌کند؛ ولی هرگاه قصد وظیفه فعلی را داشته و حجی را که خداوند از او خواسته نیت کرده و اشتهاً آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده کفایت از حجه الإسلام می‌کند.

مسئله ۴۹

هرگاه به کسی که مستطیع نیست گفته شود حج بجا آور خرج تو بر عهده من، حج بر او واجب می‌شود در صورتی که قبول آن منتهی نداشته باشد و سبب هتک نباشد و این حج را حج بذلی گویند؛ و در واجب شدن حج بذلی شرط نیست که اطمینان داشته باشد که طرفش از بذلش برنگردد بلکه همین که به او بگوید بر او واجب می‌شود؛ ولی هرگاه وثوق و اطمینان داشته باشد که از بذلش برمی‌گردد حج بر او واجب نمی‌شود؛ و همچنین در استطاعت بذلی شرط نیست که عهده‌دار خرج عیالات شخص شود کسی که خرج عیالاتش به عهده او نیست؛ یا چیزی که عیالات را تا بازگشت تأمین کند در اختیار باشد؛ یا رفتن به حج و برگشت از آن تأثیری در تأمین هزینه آنان ندارد و در حرج و مشقت واقع نمی‌شود حج بر او واجب می‌شود؛ ولی هرگاه خرج عیالات به عهده او باشد و چیزی که عیالات را تا بازگشت تأمین کند در اختیار ندارد و رفتن و برگشتن تأثیری در تأمین هزینه داشته باشد و در حرج و مشقت واقع می‌شود باید عهده‌دار خرج عیالات شخص شود؛ و الاً حج بر او واجب نمی‌شود چنانچه در شرایط واجب شدن حج رجوع به کفایت به تفصیلی که در مسئله (۲۷) گفته شد در استطاعت بذلی هم معتبر است مخصوصاً در صورتی که رفتن به حج توضیح المناسک، ص: ۲۷ موجب اخلال در امر زندگی او بشود مگر این که هزینه بازگشت را داشته باشد.

مسئله ۵۰

هرگاه مالی را که برای حج کفایت می‌کند به او ببخشند که به حج برود در صورتی که قبولش منت و سرشکستگی نباشد واجب است قبول کند و حج بر او واجب می‌شود؛ و همچنین بنا بر احتیاط واجب اگر مالی را به او ببخشند و او را مخیر کنند بین این که حج بجا آورد یا نه، ولی هرگاه نام حج را نبرند فقط مال را به او ببخشند قبول واجب نیست مگر این که عرفاً غرض استطاعت باشد

در این صورت قبول واجب است.

مسئله ۵۱

در استطاعت بذلی جایز است باذل قبل از این که طرف مُحرم شده رجوع به بذلش نماید ولی اگر در بین راه بوده باید هزینه بازگشت را به او بدهد و اگر بعد از احرام بوده احتیاط آن است که رجوع نکند گرچه بعید نیست جایز باشد؛ و در صورتی که اتمام حج در فرض واجب باشد باید هزینه حج را بدهد؛ ولی واجب بودن اتمام در فرض محل اشکال است.

مسئله ۵۲

پول قربانی در حج بذلی بر عهده باذل است هرگاه پول قربانی را ندهد حج واجب نمی‌شود مگر این که خودش تمکن داشته باشد و دادن آن حرج و مشقت نداشته باشد در این صورت حج واجب می‌شود.

مسئله ۵۳

در استطاعت بذلی هرگاه قربانی کفاره به وسیله کاری که مُحرم عمداً و از روی اختیار انجام داده واجب شود بر خود او است؛ ولی توضیح المناسک، ص: ۲۸ اگر به سبب جهل یا نسیان یا اضطرار کار را انجام داده مثل کفاره صید، احوط این است که بر عهده باذل باشد.

مسئله ۵۴

کسی که در راه حج برای خدمت اجیر شود به اجرتی که با آن مستطیع می‌شود حج بر او واجب می‌شود گرچه اجیر شدن بر او واجب نباشد؛ در صورتی که بتواند با اجیر بودن به خدمت اعمال حج را بجا آورد و الاً واجب نیست؛ ولی هرگاه شخص عادت و شغلش خدمت باشد احتیاط و شایسته است که قبول کند.

مسئله ۵۵

شخصی که به جهت نیابت در حج اجیر شده و با اجرت آن مستطیع شده در صورتی که استیجار برای سال اول بوده باید حج نیابتی را مقدم بدارد و چنانچه استطاعت او تا سال بعد باقی بماند برای خودش در سال بعد حج بجا آورد؛ و چنانچه حج نیابتی مقید به آن سال نباشد در صورتی که اطمینان داشته باشد که می‌تواند حج نیابتی را در سال بعد انجام دهد حج خودش را مقدم بدارد.

مسئله ۵۶

چنانچه در تحقق استطاعت شرط است که باید مخارج عائله‌ای که انفاق بر آنها واجب است تا بازگشت از حج داشته باشد؛ همچنان شرط است که باید مخارج انفاق کسانی که عرفاً ملترم به پرداخت هزینه مخارج آنها است مانند برادر کوچک یا بزرگی که قدرت بر کسب و اداره زندگانی خود ندارند داشته باشد؛ در صورتی که زیر نظر او اداره می‌شوند مخصوصاً اگر به آنها انفاق نکند در عسر و حرج واقع می‌شوند؛ توضیح المناسک، ص: ۲۹ خلاصه شرط است مخارج کسانی که در کفالت او هستند گرچه

شراً اتفاق بر آنها واجب نباشد؛ تا بازگشت از حج داشته باشد.

مسئله ۵۷

شرط است در استطاعت به این که پس از بازگشت از حج رجوع به کفایت داشته باشد به این معنی که پس از برگشت تجارت یا زراعت یا منفعت ملک مثل باغ و دکان داشته باشد به طوری که برای زندگانی به مشقت و حرج نیفتد؛ و اگر قدرت بر کسب لایق به حالش هم داشته باشد کافی است بلکه کسی که از جوه شرعیه مانند خمس، زکات و سایر جوه شرعیه زندگی می‌کند و بر حسب عادت مخارجش بدون مشقت تأمین می‌شود کفایت می‌کند؛ بنا بر این بر اهل علمی که هزینه حج و عیالات خود را دارند و در بازگشت از حج نیاز خود را بدون زحمت و مشقت از شهریه حوزه علمیه رفع می‌کنند حج واجب است.

مسئله ۵۸

شرط است در واجب شدن حج گذشته بر استطاعت از جهت مال این که از جهت بدن استطاعت داشته باشد؛ پس بر مریضی که قدرت به رفتن حج ندارد؛ و یا رفتن به حج برایش مشقت و زحمت فوق العاده دارد؛ حج واجب نیست؛ ولی کسی که استطاعت از نظر بدن داشته و حج بر او مستقر شده ولی مریض شده هرگاه امید به خوب شدن ندارد واجب است فوراً نایب بگیرد.

مسئله ۵۹

شرط است در واجب شدن حج گذشته بر استطاعت مالی و بدنی استطاعت از جهت باز بودن راه و از جهت زمان داشته باشد؛ پس توضیح المناسک، ص: ۳۰ کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است به نحوی که نمی‌تواند به حج برسد؛ حج بر او واجب نیست.

مسئله ۶۰

هرگاه با وجود شرایط استطاعت حج را ترک کرد حج بر او مستقر می‌شود باید بعداً به هر نحوی که می‌تواند به حج برود؛ مگر این که قدرت انجام آن را نداشته باشد در این صورت استحقاق عذاب ترک حج را دارد گرچه حج از خودش ساقط است؛ هرگاه با این حال از دنیا برود باید از ترکه او و لو حج میقاتی نایب گرفته شود یا شخص دیگری حج او را انجام دهد.

مسئله ۶۱

کسی که مستطیع است باید خودش به حج برود و حج دیگری از طرف او کفایت نمی‌کند مگر در مورد مریض یا پیر به شرطی که بعداً بیان می‌شود.

مسئله ۶۲

کسی که حج بر او مستقر شده و تمکن از انجام آن را دارد بنا بر احتیاط واجب چنانچه مشهور فرموده‌اند نمی‌تواند از جانب دیگری برای حج نایب شود چه تبرعی باشد یا با اجاره یا حج استحبابی بجا آورد؛ و هرگاه حج نیابتی یا استحبابی بجا آورد صحت

آن محل اشکال است؛ ولی اگر تمکن از انجام حج برای خود ندارد می‌تواند به نیابت از دیگری بجا آورد.

مسئله ۶۳

کسی که حج بر او مستقر شده و بجا نیاورده تا فوت نمود؛ باید از ترکه او برای او حج بدهند و حج میقاتی کفایت می‌کند؛ ولی احوط توضیح المناسک، ص: ۳۱ این است که حج بلدی داده شود و در مقدار زیادی بلدی نسبت به میقاتی از سهم صغیر و مانند آن حساب نشود؛ و تا حج او را ندهند ورثه نمی‌توانند در ترکه تصرف نمایند چه هزینه حج برابر ترکه باشد یا کمتر، بلی هرگاه ترکه میت خیلی زیاد باشد و بنای قطعی ورثه بر اداء حج باشد بعید نیست بتوانند در زیادی تصرف کنند؛ ولی احوط آن است که قبل از اخراج هزینه حج در ترکه تصرف نشود؛ و لازم است در سالی که فوت شده حج او را بجا آورند و تأخیر آن جایز نیست و چنانچه در آن سال استیجار ممکن نشود مگر از بلد، لازم است از بلد اجیر گرفته شود گرچه بدانند در سال بعد از میقات می‌شود اجیر گرفت؛ ولی در این صورت هزینه ما زاد بلدی از میقاتی از سهم صغیر و مانند آن حساب نشود؛ به هر حال هزینه حج از اصل ترکه خارج می‌شود مگر این که وصیت کرده باشد که هزینه حج از ثلث پرداخت و ثلث وافی باشد و اگر وافی نبود از اصل ترکه تکمیل شود؛ و همچنین هرگاه در آن سال هزینه گرفتن اجیر از میقات پیش از متعارف باشد لازم است اجیر بگیرند و تأخیر نیندازند ولی هزینه ما زاد از سهم صغیر و مانند آن حساب نشود؛ و هرگاه وصی یا وارث اهمال کنند و در آن سال حج ندهند و ترکه از بین برود ضامنند، بلی اگر میت ترکه نداشته باشد بر وارث حج او واجب نمی‌شود.

مسائل متفرقه استطاعت

مسئله ۶۴

زن یا شوهری که در زمان حیات یکدیگر استطاعت مالی نداشته ولی با ارثی که از یکدیگر می‌برند استطاعت مالی پیدا می‌کنند ولی در آن حال استطاعت بدنی ندارند و نمی‌توانند به حج بروند حج بر آنها واجب نیست؛ و همچنین هرگاه از ارثی که برده‌اند می‌توانند به حج بروند و برگردند ولی پس از برگشتن رجوع به کفایت به تفصیلی که در مسئله (۵۷) گفته شد ندارند؛ مستطیع نیستند.

مسئله ۶۵

مهریه زنی که به اندازه هزینه حج می‌باشد و آن را از شوهرش طلب کار است؛ اگر شوهرش تمکن از اداء آن را ندارد زن حق مطالبه ندارد و مستطیع نیست؛ همچنین اگر شوهر تمکن دارد اما مطالبه مهر برای زن مفسده داشته باشد؛ مثلاً ممکن است مطالبه به نزاع و طلاق کشیده شود که برای زن تحمل آن مفسده دارد مستطیع نیست؛ ولی اگر شوهرش تمکن دارد و مطالبه مهریه برای زن مفسده ندارد با فرض این که شوهر نفقه و هزینه زندگی را می‌پردازد لازم است زن مطالبه کند و به حج برود.

مسئله ۶۶

مستحب است مهر زن به مقدار مهر السنه (پانصد درهم نقره) باشد.

مسأله ۶۷

با وجوه شرعیه مثل سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات توضیح المناسك، ص: ۳۳ شخص مستطیع نمی‌شود؛ ولی هرگاه از روی استحقاق و خدمات دینی از طرف حاکم شرع به او داده شود اگر به مقدار رفتن و برگشتن باشد مستطیع است گرچه پس از برگشت از وجوه شرعیه استفاده کند چنانچه در مسأله (۵۷) گفته شد.

مسأله ۶۸

هرگاه کسی منزل گران قیمت دارد در صورتی که آن را بفروشد و منزل ارزان بخرد و با تفاوت قیمت آن بتواند به حج برود چنانچه منزلی که دارد زیادت از شأن او نباشد و فروش خانه سبب حرج و مشقت او می‌شود مستطیع نیست لازم نیست آن را بفروشد؛ ولی اگر فروش خانه برایش حرج و مشقت ندارد یا منزلی که دارد زیادت از شئون او باشد با وجود سایر شرایط مستطیع است.

مسأله ۶۹

کسی که از راه کسب یا غیر کسب هزینه رفتن به حج و برگشتن را دارد و پس از بازگشت از حج مقداری از مئونه زندگی خود را از درآمد کسب منبر و بقیه را از وجوه شرعیه مانند شهریه بدون مشقت و رنج تأمین می‌کند چنانچه در مسأله (۵۷) گفته شد مستطیع است.

مسأله ۷۰

هرگاه کسی زمین یا چیز دیگری را بفروشد که منزل مسکونی تهیه کند در صورت نیاز به منزل مسکونی و سکونت در منزل اجاره‌ای یا وقفی منافی با شأن او باشد؛ یا باعث مشقت و ناراحتی یا تحقیر او شود؛ مستطیع نیست گرچه پولی که به دست آورده برای مخارج حج کافی باشد؛ ولی هرگاه سکونت در منزل اجاره‌ای یا وقفی منافی با شأنش توضیح المناسك، ص: ۳۴ نباشد و باعث مشقت و ناراحتی یا تحقیر او نشود مستطیع است باید به حج برود.

مسأله ۷۱

هرگاه کسی که از سال‌های گذشته مستطیع بوده و نرفته و فعلاً مسافرت با هواپیما به جهت کسالت برای او مقدور نیست و غیر از هواپیما وسیله دیگری برای او فراهم نیست؛ تا آنجا که امکان دارد باید خودش به حج برود و هرگاه متمکن نشد تا فوت نمود باید از ترکه او برایش حج بدهند؛ ولی اگر امید بهبودی و تمکن از انجام حج را نداشته باشد واجب است نایب بگیرد و اگر از سال‌های گذشته استطاعت نداشته در فرض مزبور مستطیع نیست.

مسأله ۷۲

هرگاه زنی با کسب می‌تواند هزینه زندگی خود را تأمین کند و هزینه رفت و برگشت حج را دارد ولی اگر به حج برود شوهرش برای هزینه زندگی به زحمت می‌افتد اگر به زحمت افتادن شوهر سبب می‌شود که زن در مشقت و رنج باشد و تحمل آن برایش

طاقت فرسا باشد مستطیع نیست؛ ولی هرگاه در حرج و مشقت واقع نمی‌شود مستطیع است.

مسأله ۷۳

کسی که در محل خودش مستطیع نیست واجب نیست به حج برود هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد؛ و اگر رفت و وقتی که به میقات رسید هرگاه استطاعت حج از آنجا را با شرایط دیگر داشت مستطیع می‌شود و اگر به حج رفت کفایت از حجه الاسلام می‌کند.

مسأله ۷۴

کسی که بعد از استطاعت مالی بدون تأخیر سعی در رفتن به توضیح المناسک، ص: ۳۵ حج داشته و در قرعه کشی شرکت نموده و از جهت این که قرعه به نامش اصابت نکرده نتوانسته به حج برود؛ در صورتی که راه رفتن به حج منحصر به شرکت در قرعه کشی باشد مستطیع نیست و حج بر او واجب نیست؛ ولی هرگاه مسامحه کرده و تأخیر نموده و در سال‌های بعد در قرعه کشی شرکت کرد حج بر او مستقر شده هر چند قرعه به نام او اصابت نکند؛ در صورتی که مطمئن باشد اگر در قرعه کشی شرکت می‌کرده قرعه به نامش اصابت می‌کرد.

مسأله ۷۵

کسی که به حج نیابتی اجیر شده پس از آن در همان سال استطاعت مالی پیدا کند چنانچه برای حج در آن سال اجیر شده و استطاعت از مال الاجاره باشد باید حج نیابتی بجا آورد؛ اگر استطاعت او باقی ماند حج خودش را در سال بعد انجام دهد ولی اگر استطاعت از غیر مال الاجاره باشد اجاره باطل می‌شود باید حج خود را بجا آورد.

مسأله ۷۶

در مستطیع شدن فرق نیست مالی که در اختیار او قرار گرفته در یکی از ماه‌های حج یعنی شوال، ذیقعد و ذیحجه باشد یا قبل از آن، بنا بر این هرگاه در اوایل سال و قبل از ماه‌های حج مالی به دست آورد در صورتی که استطاعت بدنی و سایر شرایط را داشته باشد نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند.

مسأله ۷۷

خدمه و روحانی کاروان که وارد جده یا یکی از میقات‌ها می‌شوند اگر سایر شرایط استطاعت را دارند؛ از قبیل داشتن وسائل زندگی توضیح المناسک، ص: ۳۶ بالفعل یا بالقوه و رجوع به کفایت چنانچه در مسأله (۵۷) گفته شد مستطیع هستند در صورتی که خدمت به کاروان مانع از اعمال حج او نباشد باید حجه الاسلام را بجا آورد و کفایت از حج واجب آنان می‌شود؛ ولی چنانچه خدمت مانع از اعمال حج او باشد یا سایر شرایط را ندارد به مجرد امکان حج برای آنان استطاعت حاصل نشده و حج آنان استحبایی است؛ چنانچه بعداً استطاعت پیدا کرد باید حج واجب را بجا آورد.

مسأله ۷۸

پزشکان یا کسان دیگر که با مأموریت به میقات رفته‌اند و در میقات واجد شرایط باشند واجب است حجه الاسلام را بجا آورند هر چند که لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند؛ مگر این که مأموریت به گونه‌ای باشد که نتوانند به اعمال حج عمل کنند در این صورت مستطیع نیستند.

مسئله ۷۹

کسی که در مدینه منوره مریض شده مثلاً سگته کرده و طبق دستور دکتر باید استراحت کند و اعمال حج برایش دشوار و مشقت دارد؛ اگر سال اول استطاعت او باشد هرگاه قدرت اعمال حج و لو اضطراری آن را ندارد؛ یا انجام آن برایش مشقت و حرج شدید دارد از استطاعت افتاده و حج بر او نیست؛ اگر نمی‌تواند برگردد باید با کاروان به مکه مکرمه برود و برای داخل شدن به مکه مکرمه باید مُحرم شود و با انجام اعمال عمره مفرده و لو اضطراری آن از احرام خارج می‌شود؛ ولی چنانچه از قبل مستطیع بوده و حج بر او مستقر شده باشد اگر مایوس از خوب شدن باشد توضیح المناسک، ص: ۳۷ باید نایب بگیرد که عمره تمتع و حج تمتع برایش انجام دهد و خودش برای داخل شدن به مکه مُحرم شود و با انجام عمره مفرده و لو اضطراری آن، از احرام خارج شود.

مسئله ۸۰

کسی که احتمال می‌دهد اگر وسواسی نباشد حجی را که در گذشته انجام داده صحیح نبوده یا مستطیع نبوده و فعلاً استطاعت پیدا کرده بخواهد احتیاطاً حج کند؛ می‌تواند به قصد حجه الاسلام احتیاطی انجام دهد یا به قصد امتثال امر واقعی به اعم از واجب و مستحب بجا آورد.

مسئله ۸۱

کسی که حج را به طور صحیح انجام داد و وجهی برای اعاده آن ندارد و موردی برای قصد ما فی الذمه نیست؛ ولی می‌تواند به رجاء امر که عنوان احتیاط است بجا آورد و اگر حجی که قبلاً انجام داده باطل بوده حجی که اکنون انجام می‌دهد صحیح است و بجا حجه الاسلام است.

مسئله ۸۲

کسی که بعد از انجام عمره تمتع مریض شد و قدرت انجام مناسک حج تمتع را نداشت هرگاه سال اول استطاعت او بود و در اثر مرض قدرت انجام اعمال حج را نداشته عمره او مفرده می‌شود و احتیاطاً باید طواف نساء و نماز آن را بجا آورد حج بر او واجب نیست مگر این که استطاعت او تا سال‌های بعد باقی بماند؛ ولی اگر سال اول استطاعت او نبود بلکه از قبل بر او واجب شده بود چنانچه مایوس از خوب شدن باشد باید در همان سال، و اگر نشد در سال بعد برای عمره تمتع و حج تمتع نایب بگیرد؛ ولی اگر مایوس از خوب شدن نباشد نمی‌تواند نایب بگیرد باید توضیح المناسک، ص: ۳۸ خودش حج تمتع و عمره تمتع را مجدداً انجام دهد؛ و در هر صورت فعلاً از احرام خارج و محرمات احرام بر او حلال می‌شود.

مسئله ۸۳

هرگاه کسی برای رفتن به حج ثبت نام کند ولی نوبت او برای چند سال بعد اعلام شود اگر قبل از رسیدن نوبتش هرگاه از راه دیگر وسیله رفتن به حج فراهم شود در صورتی که بدون قرض کردن بتواند به حج رود حج او حجه الاسلام حساب می‌شود؛ بلکه اگر قرض کند ولی هنگام قرض کردن مالی داشته باشد که به راحتی با آن قرض خود را اداء کند؛ یا بتواند نوبت حج خود را در مقابل قرضی که کرده به او واگذار کند؛ حج بر او واجب می‌شود و کفایت از حجه الاسلام می‌کند.

مسئله ۸۴

هرگاه به تصور این که مستطیع است به قصد عمره تمتع مُحرم شود و به ترتیب اعمال عمره و حج را بجا آورد پس از انجام مناسک حج معلوم شود که مستطیع نبود اگر به قصد وظیفه فعلی مناسک حج را انجام داده احرامش صحیح، و حج او استحبایی است کفایت از حجه الاسلام نمی‌کند؛ و هرگاه در آینده مستطیع شد باید حجه الاسلام بجا آورد.

مسئله ۸۵

هرگاه به تصور این که مستطیع نیست به نیت حج استحبایی به عمره تمتع مُحرم و بعد از انجام عمره در مکه مکرمه معلوم شود که مستطیع بوده؛ اگر به قصد انجام عمره‌ایی که فعلاً وظیفه او بوده انجام داده بعید نیست کفایت از عمره حجه الاسلام بکند لازم نیست مجدداً مُحرم شود؛ ولی احتیاط آن است که مجدداً مُحرم شود.

مسئله ۸۶

هرگاه برای زیارت عتبات عالیات یا سوریه ثبت نام کرده ولی فعلاً پولی به دست آورده که با پولی که برای ثبت نام داده می‌تواند به حج رود؛ در صورتی که سایر شرایط استطاعت را داشته باشد باید به حج برود.

مسئله ۸۷

هرگاه پدری پس از ثبت نام برای حج فوت کند و چند ورثه داشته باشد؛ در صورتی که حج واجب بر پدر بوده بر هیچ یک از ورثه رفتن و قبول نیابت واجب نیست باید برای پدر حج استیجاری بدهند؛ و در صورتی که بر پدر حج واجب نبوده اگر ورثه سایر شرایط حج را داشته باشند باید هر یک از آنان سعی کند که به حج برود و در صورت نزاع و درگیری یکی از آنان با قرعه تعیین شود؛ و در هر صورت ارزش فیش را نسبت به بیشتر از سهم خود به ورثه مدیون است.

مسئله ۸۸

هرگاه پدری برای حج ثبت نام کرده و در وصیت نامه نوشته حج مستحبی برایش بجا آورند در صورتی که وصیت در مقدار ثلث مالش باشد باید برایش حج استحبایی آورده شود؛ اگر پسر بزرگ‌تر که استطاعت بدنی و مالی دارد سوء استفاده کند از این فیش برای خود حج رود حج صحیح، ولی به خاطر ترک عمل به وصیت گناه کرده باید حج مستحبی پدر را خودش انجام دهد یا کسی را اجیر کند تا انجام دهد.

مسئله ۸۹

مسلمانی که در مملکت کفر است هرگاه بخواهد به حج برود دولت از او پول زیادی می‌گیرد اگر رفتن به حج منحصر به آن راه باشد توضیح المناسک، ص: ۴۰ در صورتی که گرفتن این مقدار پول متعارف باشد و بر انسان اجحاف نباشد و تمکن داشته باشد باید پول را بدهد و کفایت از حجة الإسلام می‌کند.

مسئله ۹۰

زنی که استطاعت دارد و برای حج ثبت نام کرده نمی‌تواند نوبت خود را به شوهر خود که مستطیع است واگذار کند؛ ولی اگر گناه کرد و نوبت خود را به شوهرش داد حج شوهرش صحیح است.

مسئله ۹۱

هرگاه شخص مستطیع پولی قرض کند و به حج برود اگر پرداخت بدهی در آتیه برایش امکان دارد حش صحیح و کفایت از حجة الإسلام می‌کند؛ اما کسی که استطاعت ندارد و به قرض کردن استطاعت پیدا کند این شخص مستطیع نیست و حش کفایت از حجة الإسلام نمی‌کند.

مسئله ۹۲

شخص مستطیع باید به حج برود و جایز نیست پول آن را به پدر، مادر یا دیگری ببخشد و خود را از استطاعت خارج کند؛ ولی اگر بخشید صحیح است و به بخشیدن حج از او ساقط نمی‌شود و باید به حج برود.

مسئله ۹۳

کسی که هنگام ثبت نام برای حج استطاعت مالی دارد ولی دولت برای چند سال، مثلاً پنج سال بعد اسم نویسی می‌کند؛ هرگاه یقین یا اطمینان داشته باشد که در قرعه کشی سال اول نامش بیرون می‌آید واجب است شرکت کند و اگر شرکت نکرد حکم کسی را دارد که حج بر او مستقر شده؛ و همچنین است بنا بر احتیاط واجب هرگاه بداند یا اطمینان داشته توضیح المناسک، ص: ۴۱ باشد که بعد از چند سال قرعه به نامش اصابت می‌کند و اگر مسامحه کرد و ثبت نام نکرد پس از آن مُرد بنا بر احتیاط واجب برایش حج استیجاری بجا آورند.

مسئله ۹۴

کسی که در حد زندگی معمول با قناعت از کسب حلال و مالی که خمس آن را داده بدون مشقت و زحمت بتواند هزینه کامل رفت و برگشت حج خود را تأمین کند و پس از بازگشت بتواند هزینه زندگی خود و عائله خود را تأمین کند؛ حج بر او واجب می‌شود و لو خانه ملکی نداشته باشد و اجاره نشین باشد و ماشین شخصی و سایر امکانات را هم نداشته باشد.

مسئله ۹۵

هرگاه کسی که مستطیع بود و در اثر مسامحه برای حج نام نویسی نکرد و فعلاً به طور متعارف نمی‌تواند به حج برود ولی می‌تواند با صرف هزینه زیاد و لو به این که از خارج کشور باشد به حج برود؛ در صورتی که حرج شدید و ضرر فوق العاده برایش نباشد گرچه مستلزم بعض گناهان جزئی باشد باید به حج رود.

مسئله ۹۶

کسی که هنگام ثبت نام جهت حج مستطیع بود و ثبت نام نموده ولی بعد از آن برای هزینه لازم زندگی احتیاج به پولی که سپرده دارد و پول دیگری ندارد؛ می‌تواند پول خود را پس بگیرد و مستطیع نیست.

مسئله ۹۷

کسی که در سالی مستطیع شده و در سال بعد به حج می‌رود پس از بستن احرام قبل از انجام عملی فوت می‌کند چون حج بر او توضیح المناسک، ص: ۴۲ مستقر شده باید از طرف او حج نیابتی داده شود؛ چه قبل از داخل شدن در حرم فوت کرده باشد یا بعد از داخل شدن در حرم.

مسئله ۹۸

کسی که در زمان حیات خود هزینه رفتن به حج و برگشتن را از ارث و مالی که در اختیار او است دارا بوده و در بازگشت از حج درآمد شایسته جهت هزینه خود و خانواده‌اش را داشته و تأخیر انداخته؛ خلاصه مستطیع بوده و به حج نرفته؛ چنانچه وصیت به حج بلدی نکرده حج میقاتی از اصل ترکه خارج می‌شود.

مسئله ۹۹

گذشت کسی که حج انجام داده ولی با وجوه شرعی و امثال آن زندگی می‌کند حجی که بجا آورده کفایت از حجه الاسلام می‌کند؛ پس هرگاه پس از این به نحوی دیگر مستطیع شود و در آن حال حج نیابتی انجام دهد حج نیابتی او صحیح است.

مسئله ۱۰۰

شوهری که در هنگام ازدواج به همسر خود وعده بردن به حج داده اگر آن را جزء مهر یا شرط ضمن عقدی قرار داده واجب است به آن وفا کند؛ ولی هرگاه صرفاً وعده بوده تخلف از وعده کراهت شدید دارد بلکه وفاء به آن مستحب مؤکد است.

مسئله ۱۰۱

کسی که از تمام جهات مستطیع بوده ولی به حج نرفته هرگاه به جهت پیری یا بیماری که امید به خوب شدن نباشد تمکن از رفتن به حج نباشد واجب است در زمان حیات نایب بگیرد تا برایش حج بجا آورد.

مسئله ۱۰۲

کسی که پدرش وصیت کرده که فرزندش پس از فوتش در سال اول از جانب او شخصاً برایش حج بجا آورد؛ یا این که گرچه نسبت به زمان مطلق بوده ولی انصراف به سال اول داشته و فرزند وصیت را قبول کرده باشد؛ هرگاه فرزند بعد از فوت پدرش مستطیع شود لازم است سال بعد از فوت پدر حج نیابتی برای پدر انجام دهد و اگر برای خودش انجام دهد صحیح است گرچه در مخالفت وصیت معصیت کرده؛ و در غیر این صورت باید برای خود حج کند و اگر در این صورت حج نیابتی بجا آورد حجی که بجا آورده نه برای خود و نه برای پدرش واقع نمی‌شود؛ چون حج بر خودش مستقر شده باید به هر نحوی که شده در سال بعد بجا آورد.

مسئله ۱۰۳

زنی که حج برایش واجب شده اجازه شوهر شرط نیست باید به حج واجب برود گرچه شوهرش راضی نباشد؛ ولی بهتر است به هر نحوی که بتواند با رضایت شوهر باشد.

مسئله ۱۰۴

فرزندى که طبق وصیت پدرش لازم است به نیابت از او به مکه مکرمه برود در حالی که خودش استطاعت مالی دارد؛ باید برای خود حج بجا آورد و برای پدرش نایب بگیرد.

مسئله ۱۰۵

قدرت خرید قربانی جزء استطاعت مالی حج است کسی که قدرت خرید قربانی را ندارد گرچه تمکن از سایر مصارف حج را داشته باشد مستطیع نیست؛ ولی هرگاه بتواند بدون حرج و مشقت به جای قربانی روزه بگیرد بعید نیست چنین کسی عرفاً مستطیع باشد.

مسئله ۱۰۶

کسی که استطاعت مالی ندارد و قدرت سفر به حج را هم ندارد و مایوس از تمکن انجام حج در آینده باشد؛ اگر کسی هزینه حج را به او ببخشد یا او را مهمان کند لازم نیست قبول کند تا لازم باشد نایب بگیرد.

مسئله ۱۰۷

اگر کسی در میقات مستطیع شد و حج بجا آورد کفایت از حجة الإسلام می‌کند؛ ولی رجوع به کفایت شرط است مگر این که انجام حج در آن شرایط تأثیری در وضع حال او نداشته و در زندگی او قبل و بعد از حج تفاوتی پیدا نشود در این صورت رجوع به کفایت شرط نیست.

مسئله ۱۰۸

کسی که استطاعت رفتن به حج را پیدا کرده نمی‌تواند پول حج را به مصارف لازمی در غیر مؤنه خود و افراد واجب‌النفسه‌اش خرج کند؛ مثلاً خرج جهیزیه کند و خود را از استطاعت خارج کند و اگر خرج کرد و از استطاعت افتاد باید به هر نحوی که هست به حج رود.

مسئله ۱۰۹

در مواردی که نهاد یا ارگانی فردی را به حج می‌فرستد بدون این که او ملزم باشد کاری انجام دهد در صورتی که قصد بذل داشته‌اند حکم استطاعت بذلی را دارد.

مسئله ۱۱۰

کسی که پول برای رفتن به حج را دارد ولی از طرف دولت وقتی برای ثبت نام اعلام نشده هرگاه سایر شرایط را داشته باشد در صورتی که یقین دارد در همان سال دولت ثبت نام می‌کند باید پول را نگه دارد تا ثبت نام کند؛ و اگر بتواند از راه آزاد به حج رود مستطیع است باید به حج برود؛ ولی هرگاه اصل ثبت نام از طرف دولت معلوم نباشد و تمکن رفتن به توضیح المناسك، ص: ۴۵ حج را از راه آزاد ندارد مستطیع نیست و نگه‌داری پول هم لازم نیست.

مسئله ۱۱۱

هرگاه پدری با فرزندانش جمع المال و شریک هستند اگر فرضاً درآمد را تقسیم کنند هر کدام مستطیع می‌شوند باید همگی به حج روند و گر نه هیچ کدام مستطیع نیستند؛ ولی اگر بعضی سهم خود را به دیگری واگذار کند و ببخشد تا دیگری مستطیع شود حج بر او واجب می‌شود.

مسئله ۱۱۲

کسی که استطاعت مالی دارد اما نوه‌ایی دارد که هزینه ازدواج او به عهده پدر بزرگ است به نحوی که ترک تزویج او بر پدر بزرگ حرجی باشد؛ و تمکن ندارد هم به حج برود و هم نوه را زن بدهد؛ در این صورت بعید نیست تزویج نوه مقدم بر رفتن به حج باشد و الا رفتن به حج مقدم است.

مسئله ۱۱۳

هرگاه کسی که استطاعت مالی دارد معتاد به خوردن تریاک است و طبق مقررات کشوری اداره بهزیستی از رفتن به حج جلوگیری می‌کند اگر قبل از اعتیاد مستطیع بوده و به حج نرفته حج بر او مستقر است باید به نحوی که بشود و لو به ترک اعتیاد به حج رود؛ و اگر راهی برای رفتن ندارد و مأیوس از ترک اعتیاد است بنا بر احتیاط نایب بگیرد؛ ولی هرگاه بعد از اعتیاد استطاعت مالی پیدا کرده حج بر او واجب نیست مگر این که بتواند به ترک اعتیاد یا از راه دیگر به حج برود.

مسئله ۱۱۴

کسی که از وجوه شرعیه استفاده می‌کند در صورتی که هنگام گرفتن زکات و سهم سادات مستحق آن بوده مالک می‌شود و جزء توضیح المناسک، ص: ۴۶ ترکه او حساب می‌شود و با وجود سایر شرایط مستطیع می‌شود؛ و در سهم مبارک امام علیه السلام هرگاه فقط مجاز در تصرف باشد مالک نمی‌شود و جزء ترکه او نمی‌شود و موجب استطاعت نیست مگر این که از طرف حاکم شرع به او تملیک شده باشد یا با سهم مبارک چیزی را بخرد آن چیز ملک او می‌شود و جزء ترکه قرار می‌گیرد و استطاعت می‌آورد.

مسأله ۱۱۵

هرگاه کسی مقداری از سرمایه یا ابزار کار خود را بفروشد می‌تواند بدون زحمت در صورتی که فروختن آن خلاف شأن او نباشد و با باقی مانده آن زندگی کند؛ به حج رود اگر سایر شرایط باشد مستطیع است.

مسأله ۱۱۶

هرگاه کسی باغی که چند سال در آمدی نداشته ولی قیمت آن برای حج کافی است و صاحب باغ اطمینان دارد هنگامی که باغ به ثمر بیاید از کار افتاده می‌شود باید از درآمد باغ زندگی کند اگر در حال حاضر و پس از بازگشت از حج زندگی از راه دیگر تأمین می‌شود مستطیع است.

احکام نیابت در حج

[شرایط نایب]

مسأله ۱۱۷ نایب، یعنی کسی که از طرف دیگری حج بجا می‌آورد؛ باید شرایطی داشته باشد: اول: بالغ باشد؛ در حج واجب نایب باید بالغ باشد و بنا بر احتیاط واجب در حج استحبابی هم بلوغ رعایت شود. دوم: عاقل باشد؛ دیوانه گرچه گاه به گاه باشد در صورتی که در حال توضیح المناسک، ص: ۴۷ دیوانگی باشد نیابتش صحیح نیست ولی نیابت سفیه صحیح است. سوم: مؤمن باشد؛ یعنی دوازده امامی باشد؛ نیابت غیر دوازده امامی صحیح نیست گرچه اعمال را مطابق مذهب امامیه انجام دهد. چهارم: اطمینان به انجام عمل صحیح در او باشد؛ اگر بعد از انجام عمل نایب شک شود که عمل را صحیح انجام داده؛ حکم به صحت می‌شود. پنجم: نایب معرفت و آشنایی به مناسک و احکام حج داشته باشد؛ و لو به راهنمایی کسی در حال عمل. ششم: ذمه نایب در سالی که نایب شده مشغول به حج واجب نباشد؛ بنا بر احتیاط حتی در موردی که نایب جاهل یا غافل به آن باشد؛ بنا بر این صحت حج نیابتی کسی که حج واجب بر عهده او بوده گرچه غافل و جاهل به او بوده محل اشکال است و احوط عدم اکتفاء به حج او است. هفتم: نایب باید بتواند تمام مناسک حج را بجا آورد و معذور در ترک بعضی آنها نباشد حتی در حج تبرعی، ولی چیزهایی که در خود حج تصادفاً پیش می‌آید مانند وقوف اضطراری اشکال ندارد؛ بلی شخص می‌تواند برای خود حج انجام دهد و ثواب آن را اهداء کند.

شرایط منوب عنه

مسأله ۱۱۸ در منوب عنه، یعنی کسی که از طرف او حج انجام می‌شود شرایطی معتبر است: اول: اسلام. دوم: ایمان. توضیح المناسک، ص: ۴۸ نیابت از کافر و مخالف صحیح نیست. سوم: در حج واجب شرط است منوب عنه مرده باشد و اگر زنده باشد

باید حج بر او مستقر شده باشد و خودش از جهت مرضی که امید خوب شدن در آن نباشد یا از جهت پیری نتواند به حج رود؛ این شرط در حج استحبابی نیست می‌شود به نیابت از کسی که زنده است حج استحبابی بجا آورد.

مسئله ۱۱۹

در منوب عنه بلوغ شرط نیست می‌شود از صبوی و ممیز نیابت کرد و نیابت از مجنونی که حج بر او مستقر نشده اشکال دارد؛ ولی هرگاه در حال سلامت حج بر او مستقر شده باشد و پس از آن دیوانه شود و امید به خوبی آن نباشد؛ و یا در حال دیوانگی مرده باشد واجب است از مالش برای او استیجار حج شود و لو از میقات.

مسئله ۱۲۰

لازم نیست نایب همجنس منوب عنه باشد می‌تواند مرد نایب زن شود و بعکس، ولی بهتر آن است که هم جنس باشند و نیابت زن از مرد مرجوح است.

مسئله ۱۲۱

جایز است کسی که تا کنون به حج نرفته و به اصطلاح ضروره است و مستطیع نیست برای دیگری نایب شود؛ ولی بهتر این است که نایب ضروره مرد باشد مخصوصاً اگر بخواهد نیابت از کسی کند که زنده است ولی نمی‌تواند حجه الإسلام را بجا آورد.

مسئله ۱۲۲

نایب باید در عمل قصد نیابت کرده و منوب عنه را در نیت توضیح المناسک، ص: ۴۹ تعیین کند و لو اجمالاً، لازم نیست اسم او را ذکر کند و به لفظ بیاورد.

مسئله ۱۲۳

ذمه منوب عنه فارغ نمی‌شود مگر این که نایب عمل را صحیحاً انجام دهد؛ بلی هرگاه نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد از منوب عنه مجزی است؛ و در اجراء این حکم در حج تبرعی اشکال است ولی فرقی بین اقسام حج نیست.

مسئله ۱۲۴

لباس احرام و پول قربانی در حج نیابتی بر اجیر است مگر در صورتی که شرط شده باشد که مستأجر بدهد؛ و همچنین هرگاه موجبات کفاره را اجیر انجام دهد کفاره بر عهده اجیر است نه مستأجر.

مسئله ۱۲۵

نایب در طواف نساء نیز باید قصد منوب عنه نماید و احتیاط استحبابی آن است که به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

مسئله ۱۲۶

هرگاه نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر او حلال نمی‌شود و بر منوب عنه چیزی نیست مگر این که نایب در خصوص طواف نساء نایب نشده در این صورت بر منوب عنه نیز حلال نمی‌شود.

مسئله ۱۲۷

استیجار کسی که وقتش از اتمام حج تمتع تنگ شده و وظیفه او عدول از حج تمتع به حج افراد است برای کسی که وظیفه او حج تمتع است صحیح نیست؛ بلی اگر او را در وسعت وقت اجیر کرده و بعد وقت تنگ شده باشد باید عدول به حج افراد کند و ذمه منوب عنه تفریغ می‌شود و در صورتی که نیابت بر تفریغ ذمه منوب عنه شده اجیر استحقاق اجرت را دارد؛ اما اگر اجاره بر اعمال عمره تمتع و حج تمتع بوده اجیر توضیح المناسک، ص: ۵۰ مستحق اجرت نیست.

مسئله ۱۲۸

در حج واجب نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست مگر این که حج بر ایشان به نحو شرکت واجب شده باشد؛ مثل این که دو نفر یا بیشتر نذر کرده باشند که با شرکت یکدیگر کسی را برای حج اجیر کنند در این صورت می‌تواند یک نفر از طرف چند نفر نیابت کند؛ و نیابت یک نفر از چند حجی که بر یک نفر واجب شده در یک سال جایز نیست؛ ولی نیابت در حج استحبابی از چند نفر مانعی ندارد چنانچه حج استحبابی را برای خود نیت کند و ثواب آن را برای چند نفر اهداء نماید مانعی ندارد.

مسئله ۱۲۹

کسی که حج بر او مستقر شده و در سال اول استطاعت به حج نرفته اگر به واسطه پیری یا مرض قدرت رفتن را ندارد؛ یا رفتن برایش حرج و مشقت زیاد دارد؛ در صورتی که امید قدرت و خوب شدن را نداشته باشد بنا بر احتیاط واجب فوراً نایب بگیرد؛ ولی اگر حج بر او مستقر نشده باشد نایب گرفتن واجب نیست؛ هرگاه در اثناء عمل نایب عذر منوب عنه بر طرف شود باید خودش به حج رود؛ و همچنین است اگر پس از تمام شدن عمل نایب عذر منوب عنه بر طرف شود باید خودش بجا آورد.

مسئله ۱۳۰

کسی که حج بر او واجب شده چه سال استطاعتش باشد و چه حج بر او مستقر شده بوده؛ بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند از طرف کسی نیابت کند و بنا بر احتیاط واجب فرقی بین عالم به حکم و جاهل و غافل به توضیح المناسک، ص: ۵۱ حکم نیست.

مسئله ۱۳۱

هرگاه اجیر برای حجه الاسلام یا حج واجب دیگری بعد از احرام بستن و داخل شدن در حرم بمیرد؛ کفایت می‌کند از حج کسی که برای او بجا آورده و لازم نیست حج کردن برای او، ولی هرگاه اجیر قبل از احرام یا بعد از آن و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد باید دو مرتبه اجیر بگیرد و همین حکم جاری است در باره کسی که برای خودش به حج برود در صورتی که همان سال مستطیع شده باشد؛ ولی کسی که حج بر او مستقر شده بمیرد باید از طرف او حج نیابتی داده شود گرچه بعد از احرام و داخل شدن در حرم باشد.

مسئله ۱۳۲

هرگاه کسی برای حج اجیر شده باشد ظاهر حال این است که اجازه بر تفریح ذمه منوب عنه است و اگر بعد از احرام و داخل شدن در حرم بمیرد مستحق تمام اجرت است؛ ولی اگر قبل از احرام و داخل شدن باشد بعید نیست استحقاق اجرة المثل به مقدار راهی را که پیموده است داشته باشد؛ و اگر برای اعمال حج و مقدمات آن اجیر شده هرگاه قبل از داخل شدن در حرم بمیرد ظاهراً مستحق اجرت گرفتن تا محل فوت می‌باشد؛ و اگر بعض اعمال را بجا آورده مستحق آن اعمال نیز می‌باشد و اگر اعمال را به نحوی بجا آورده باشد که در عرف گفته شود که عمره و حج را بجا آورده مستحق تمام اجرت می‌شود گرچه بعض اعمال را که مضر به صحت حج نیست و محتاج به اعاده نیست نسیاناً ترک کرده است.

مسئله ۱۳۳

کسی که به عنوان نیابت حج به مکه مکرمه رفته پس از انجام حج نیابی می‌تواند برای خودش عمره مفرده و طواف بجا آورد؛ و هرگاه استطاعت برای عمره مفرده داشته باشد عمره مفرده بر او واجب نیست گرچه احتیاط مؤکد انجام آن است.

مسئله ۱۳۴

کسی که اجیر شده برای حج تمتع می‌تواند اجیر دیگری شود برای طواف یا قربانی یا سعی یا عمره مفرده بعد از انجام مناسک حج.

مسئله ۱۳۵

گذشت کسی که معذور از انجام بعض افعال حج است نمی‌تواند نایب شود؛ هرگاه نایب شد باید پول آن را به صاحبش برگرداند مگر این که از صاحب پول اجازه داشته باشد که نایب بگیرد در این صورت می‌تواند دیگری را در اصل انجام حج نایب بگیرد؛ در صورتی که بدون اجازه، دیگری را نایب کند و او عمل را انجام دهد حج از طرف منوب عنه اگر می‌دانسته واقع می‌شود ولی پول را باید به صاحبش برگرداند و صاحب پول ضامن چیزی نیست و اجرت نایب را باید امر کننده پردازد؛ ولی هرگاه منوب عنه زنده باشد نیابت بدون اجازه مجزی نیست.

مسئله ۱۳۶

خدمه کاروان که ناچارند و باید نیمه شب از مشعر الحرام برای انجام کارهای لازم در منی همراه ضعفاً به منی بروند چون نمی‌توانند وقوف اختیاری مشعر الحرام را درک کنند نمی‌توانند اجیر در نیابت حج بشوند؛ و هرگاه قبل از استخدام اجیر شده باشند باید حج را بجا آورند و وقوف اختیاری را درک کنند.

مسئله ۱۳۷

کسی که از رفتن به حج معذور و مأیوس از خوب شدن است باید خودش نایب بگیرد؛ نایب گرفتن از میقات کفایت می‌کند لازم نیست از بلد باشد؛ و نایب گرفتن دیگری برای او کفایت نمی‌کند مگر این که از طرف او وکالت داشته باشد.

مسئله ۱۳۸

در عمره مفرده یا طواف استحبابی می‌شود یک نفر به نیابت از چند نفر انجام دهد در این صورت باید اعمال را از آن جمله طواف

نساء را به نیت همه بجا آورد.

مسئله ۱۳۹

کسی را که روز عید قربان قبل از حلق یا تقصیر دستگیر کنند و به وطن خود برگردانند رفقاییش نمی‌توانند به نیابت او بقیه اعمال را انجام دهند باید خودش نایب بگیرد مگر این که احراز رضایتش بشود و شاهد حال هم گواهی بدهد به این که اگر بفهمد راضی است؛ و برای خارج شدن از احرام اگر به او مهلت دهند و بتواند بایدمنی آود و حلق یا تقصیر کند و اعمال مرتبه را انجام دهد و اگر نمی‌تواند در محل خودش حلق تقصیر کند و اگر می‌تواند موی خود را به بفرستد برای اعمال مرتبه بگیرد.

مسئله ۱۴۰

کسی از قبیل خدمه کاروان‌ها که هر ساله به حج می‌روند هرگاه در محل خود از کسی نیابت قبول کند ولی در میقات در اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل شود و به نیت خود مُحرم شود هرگاه محرک و داعی اصلی او در احرام منوب عنه بوده ولی غفله و ناخودآگاه عمل را برای خود توضیح المناسک، ص: ۵۴ بجا آورده به نحوی که اگر هنگام احرام از او پرسیده می‌شد چه می‌کند؟ جواب می‌داد برای منوب عنه مُحرم می‌شوم؛ احرام به عنوان نیابت محقق شده و صحیح است؛ ولی هرگاه در حال احرام غافل بوده به نحوی که اگر از او پرسیده می‌شد جواب می‌گفت برای خودم مُحرم شدم باید حج را به نیت خود تمام کند؛ ولی هرگاه پس از انجام عمره مفرده به نحوی از مکه مکرمه خارج شود گرچه باطل کردن عمره تمتع عمداً صحیح نیست و گناه است اما می‌تواند از میقات به نیت منوب عنه احرام ببندد.

مسئله ۱۴۱

هرگاه کسی در میقات برای خودش مُحرم شود و تلویه بگوید بعد به خاطرش می‌رسد چون حج واجب خود را انجام داده خوب است این حج را تبرعاً برای پدر یا مادر یا یکی از خویشان خود بجا آورد؛ در صورتی که به احرام صحیح مُحرم شده نمی‌تواند نیت را عوض کند باید عملش را به همان نیتی که در احرام داشته تمام کند ولی هرگاه پس از انجام عمره مفرده به نحوی از مکه مکرمه خارج شد گرچه باطل کردن عمره مفرده عمداً صحیح نیست می‌تواند از میقات به نیت از غیر مُحرم شود.

مسئله ۱۴۲

کسی که در احرام تمتع پس از وارد شدن در مکه مکرمه شک کند در میقات قصد نیابت کرده و مُحرم شد یا برای خود مُحرم شد؛ چون در نیت خطور لازم نیست هرگاه انگیزه او در احرام نیابت بوده عمل را به نیابت انجام دهد و اگر در داعی و انگیزه هم شک دارد به عنوان نیابت نمی‌تواند به آن اکتفاء کند باید به میقات برگردد و مجدداً به نیابت از غیر، توضیح المناسک، ص: ۵۵ مُحرم شود.

مسئله ۱۴۳

هرگاه کسی در اثناء مناسک حج دیوانه شود چون تکلیف ندارد نمی‌شود برای او نایب بگیرند ظاهراً احرام او باطل می‌شود.

مسئله ۱۴۴

کسی که برای عمره تمتع مُحرم شده و لو مستحبی، نمی‌تواند در اصل عمره یا حج برای کسی که بعد از احرام عمره قادر به انجام اعمال نباشد نایب شود باید عمل خود را تمام کند؛ ولی هرگاه مریض بتواند وقوفین را درک کند می‌تواند دیگران را در طواف، سعی و اعمال بعد نایب بگیرد هر چند خودشان هم حج یا عمره بجا آورند.

مسئله ۱۴۵

کسی که چون مسؤل گروه حج بوده ناچار است همراه زنان و بیماران باشد هرگاه آنان از وقوف اختیاری معذور بوده فقط توانسته‌اند وقوف اضطراری را انجام دهد برای او هم اشکال ندارد؛ ولی چنانچه گذشت اگر نایب از کسی شده نیابتش صحیح نیست.

مسئله ۱۴۶

هرگاه کسی به عنوان خادم کاروان حج بجا آورده می‌تواند در دفعه دوم به نیابت از پدر یا مادر که فوت کرده‌اند حج بجا آورد و کفایت از آنها می‌کند مگر آن که سال اول مستطیع نبوده و سال دوم مستطیع باشد.

مسئله ۱۴۷

غیر از زن کسانی که در شب عید قربان پس از درک اضطراری مشعر الحرام می‌توانند به منی بروند نیابت آنها و لو تبرعاً برای این که ذوی الاعذار هستند صحیح نیست؛ ولی زن می‌تواند نایب شود.

مسئله ۱۴۸

کسی که هنگام قرارداد اجاره برای انجام مناسک حج توضیح المناسک، ص: ۵۶ عذری نداشته ولی بعد از انجام حج متوجه شد که در وقوف به مشعر الحرام به عنوان راهنما با زن‌ها و مریض‌ها وقوف اضطراری کرده و به منی رفته و غافل بوده که نایب باید وقوف اختیاری بکند؛ ظاهراً عمل مزبور مجزی از حج نیابتی استیجاری نیست و از جهت اجرت باید به اجیر مراجعه کند و یا در صورتی که اجاره متوقف به زمان مخصوصی نشده دوباره حج نیابتی بجا آورد.

مسئله ۱۴۹

در یک سال نمی‌توان هم برای خود و هم برای دیگری فریضه حج را بجا آورد.

مسئله ۱۵۰

کسی که به عنوان نیابت در میقات مُحرم شد به مکه مکرمه رفته در مکه مکرمه بفهمد که خودش مستطیع بوده؛ احرام او صحیح نبوده باید برگردد و برای عمره تمتع برای خودش مُحرم شود و وظیفه خودش را انجام دهد؛ و راجع به حج نیابتی نمی‌تواند نایب بگیرد مگر اجازه داشته باشد یا استیجار او برای مطلق تحصیل حج بوده.

مسئله ۱۵۱

کسی که نایب بوده و عمره تمتع را انجام داده و بعد ناچار شده که به محلش بازگردد نمی تواند بقیه اعمال را به دیگری واگذار کند که حج تمتع را انجام دهد.

مسئله ۱۵۲

چنانچه گذشت شرط است در اصل نیابت که نایب باید ایمان داشته باشد؛ و همچنین در سایر اعمالی که نیابت در آنها جایز است مانند طواف و رمی باید مؤمن باشد؛ ولی در ذابح باید مسلمان باشد توضیح المناسك، ص: ۵۷ هر چند دوازده امامی نباشد؛ اما احتیاط آن است که دوازده امامی باشد بلکه احوط است اگر ذابح را در انجام قربانی نایب کرده باشد نه خصوص ذبح را از او خواسته باشد.

مسئله ۱۵۳

اگر فرزند تمام اختیار اموال پدرش را دارد و پدر عاجز است از انجام حج، هرگاه پسر اختیارات تامه داشته باشد حتی در مثل نایب گرفتن؛ می تواند بدون تذکر دادن به پدر برایش کسی را برای انجام حج اجیر کند و کفایت از حجه الإسلام پدر می شود و گرنه عمل نایب کفایت از حجه الإسلام پدر نمی کند؛ مگر این که قبل از احرام پدر مطلع شود و موافقت نماید.

مسئله ۱۵۴

هرگاه کسی که حج بر او مستقر شده باشد قبل از احرام دیوانه شود در زمان حیات او نمی شود برایش نایب گرفت یا تبرعاً انجام داد؛ ولی پس از مرگش باید برایش نایب بگیرند یا تبرعاً انجام دهند.

مسئله ۱۵۵

نایب باید طبق وظیفه خود عمل کند و لازم نیست سؤال کند که وظیفه منوب عنه یا مستأجر چگونه است؛ مگر این که اجیر شده باشد که مطابق وظیفه منوب عنه یا مستأجر عمل کند در این صورت باید به همان نحو عمل کند مگر این که یقین به فساد عمل داشته باشد.

مسئله ۱۵۶

کسی که از شهری مثلاً از قم اجیر به حج بلدی شد باید از همان شهر برود مگر این که مستأجر راضی باشد از شهر دیگر برود.

مسئله ۱۵۷

هرگاه نایب چند ماه قبل از حج به شهر منوب عنه رفته و به توضیح المناسك، ص: ۵۸ عنوان حج حرکت کرد و به وطن خود یا محل دیگری برود؛ هنگامی که عازم حج می شود لازم نیست به شهر منوب عنه رفته بلکه از همان محلی که هست حرکت کند کفایت می کند.

مسئله ۱۵۸

در موردی که پدر وصیت کرده که پسر بزرگ مثلاً به نیابت از او به حج برود؛ و پسر به وسیله ارث مستطیع شده ولی نتوانسته سهم الارث خود را فعلاً به پول تبدیل کند با فرض امکان فروش و صرف قیمت آن در حج باید اول پسر برای خودش به حج برود و برای پدر نایب بگیرد؛ مگر این که شرط مباشرت شده باشد در این صورت سال بعد برای پدرش انجام بدهد.

مسئله ۱۵۹

کسی که نایب شده در طواف عمره تمتع یا طواف حج تمتع، نمی‌تواند آن را در غیر موسم حج بجا آورد بلکه باید طواف عمره تمتع را در شهر حج و طواف حج تمتع را در ذیحجه روز عید و بعد از آن بجا آورد؛ مگر این که منوب عنه طواف را فراموش کرده باشد و بعد از گذشتن موسم متذکر شود در این صورت خود او، و در فرض عدم تمکن نایب او می‌تواند طواف را در غیر موسم حج بجا آورد.

مسئله ۱۶۰

کسی که مستطیع بوده و به حج نرفته و الآن قدرت مالی انجام حج را ندارد فرزندش نمی‌تواند تبرعاً از طرف او حج نیابتی انجام دهد مگر این که پدرش از جهت پیری یا مرض یا عذر دیگر نتواند به حج رود و مأیوس از بین رفتن عذر تا آخر عمر باشد.

مسئله ۱۶۱

حج به نیابت از حضرت ولی عصر ارواحنا فداء گرچه گفته می‌شود در موسم حج تشریف دارند؛ به رجاء مطلوبیت مانعی ندارد گفته شده احتیاط آن است که حج را انسان برای خود انجام دهد و ثواب آن را هدیه به آن حضرت نماید.

مسئله ۱۶۲

کسی که حج نیابتی انجام می‌دهد هرگاه در قربانی شخص ثالثی را وکیل کند که ذبح کند لازم نیست ذابح نام میت را ببرد همین که نیت کند آنچه که بر عهده نایب است انجام می‌دهم کفایت می‌کند.

مسئله ۱۶۳

کسی که برای حج اجیر شده اگر عذر دارد نمی‌تواند شرط کند برای مثل طواف نساء یا عمل دیگری که نیابت بردار نیست نایب بگیرد؛ بلی در قربانی مانعی ندارد و نیاز به شرط نیست.

مسئله ۱۶۴

کسی که احتمال قوی عقلی می‌دهد که نتواند اعمال را به نحو عادی انجام دهد و چه بسا حج تمتع را به افراد بدل کند می‌تواند نیابت کند؛ ولی هرگاه وظیفه او عدول به افراد شد بنا بر احتیاط واجب منوب عنه به آن اکتفاء نکند.

مسئله ۱۶۵

نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده و بعد از عقد اجاره قبل از احرام یا بعد از احرام جزء معذورین شود کفایت

حج او از منوب عنه مشکل است؛ گرچه در هر عذری که پیش آمده به وظیفه معذور رفتار نکند و نسبت به استحقاق تمام اجرت تراضی کنند.

مسئله ۱۶۶

معذوری که نمی‌تواند نایب شود کسی است که نتواند توضیح المناسک، ص: ۶۰ اعمال اختیاری حج را بجا آورد؛ یا نمی‌تواند نماز طواف را صحیح بخواند؛ یا نمی‌تواند رمی جمرات کند؛ ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار لزوم ندارد و لذا کسی که نمی‌تواند ذبح کند می‌تواند برای حج نایب شود و برای ذبح نایب بگیرد.

مسئله ۱۶۷

کسی که نایب می‌گیرد؛ یا منوب عنه در هنگام نیابت بدانند که نایب جزء معذورین است نمی‌تواند او را نایب کنند و حجی که بجا می‌آورد کفایت نمی‌کند؛ بعید نیست استحقاق اجرت را داشته باشد ولی احتیاط آن است که با مستأجر تراضی کنند.

احکام حج استجابی

مسئله ۱۶۸

مستحب است کسی که شرایط واجب شدن حج را ندارد و مستطیع نیست در صورت امکان حج بجا آورد؛ و همچنین بر کسی که حج واجبش را انجام داده مستحب است مرتبه دیگر به حج برود و ترک آن در پنج سال متوالی بلکه چهار سال کراهت دارد؛ بلکه تکرار آن در هر سال مطلوب است؛ روشن است آنچه درباره استجاب حج‌های مستحبی و تکرار آن آمده در صورتی است که موجب محرومیت تشرف کسانی که بر آنها حج واجب شده نباشد در این صورت شایسته است وقت به آنها داده شود.

مسئله ۱۶۹

مستحب است برای کسی که از مکه مکرمه خارج می‌شود توضیح المناسک، ص: ۶۱ نیت بازگشت داشته باشد بلکه مکروه است نیت بازنگشتن داشته باشد؛ و در خبر آمده نیت بازگشت موجب طول عمر، و نیت برنگشتن موجب کوتاهی عمر می‌گردد و چه بسا اگر قصد برنگشتن استخفاف به حج باشد حرام باشد.

مسئله ۱۷۰

مستحب است انسان حج تبرعی برای حضرات معصومین علیهم السلام، بستگان، برادران و خواهران ایمانی چه زنده باشند یا مرده انجام دهد؛ و هم چنین مستحب است از طرف آنها طواف کنند به شرط آن که در مکه مکرمه نباشند یا این که از انجام آن معذور باشند.

مسئله ۱۷۱

کسی که مال ندارد که با آن حج بجا آورد مستحب است قرض کند و به حج برود در صورتی که بتواند قرض خود را اداء کند یا اجیر شود و به نیابت از دیگری به حج رود؛ در خبر آمده نه سهم از ثواب حج به اجیر داده می‌شود و یک سهم آن به منوب عنه

می‌رسد.

مسئله ۱۷۲

فرستادن افراد غیر مستطیع به حج مستحب است حتی جایز است از سهم سبیل الله به فقیر داد تا برای حج استطاعت پیدا کند.

مسئله ۱۷۳

با مال حرام جائز نیست به حج برود بلکه با مال مشتبھی که حلال و حرام بودن آن را نمی‌داند در صورتی که به حسب ظاهر حلال بودن آن ثابت نباشد جائز نیست.

مسئله ۱۷۴

می‌تواند ثواب حج استجابی را قبل از انجام آن، و در اثناء و پس از انجام آن به دیگری هدیه کند.

مسئله ۱۷۵

کسی می‌تواند به حج استجابی برود که حج واجب بر عهده او نباشد.

مسئله ۱۷۶

انفاق، بذل و بخشش زیاد در سفر حج مستحب است؛ در خبر است خداوند اسراف را مبعوض دارد مگر در سفر حج و عمره، ظاهراً مراد دست باز بودن و کثرت انفاقات به همراهان و کسانی که در مسیر زیارت و ساکنین آن دیار است.

مسئله ۱۷۷

در حج مستحبی زن اجازه شوهر لازم است و در حج مستحبی فرزند شرط است که نهی پدر نباشد.

احکام عمره

اشاره

عمره مانند حج به واجب اصلی، واجب عرضی و مستحب تقسیم می‌شود.

مسئله ۱۷۸

عمره مفرده برای کسی که مستطیع باشد و اهل مکه مکرمه باشد؛ یا فاصله منزلش با مکه مکرمه کمتر از شانزده فرسخ باشد؛ عمره مفرده در عمر یک بار واجب می‌شود و وجوب آن مانند وجوب حج فوری است؛ و در واجب شدن آن استطاعت حج معتبر نیست بلکه اگر برای عمره مستطیع باشد عمره مفرده واجب می‌شود هر چند برای حج مستطیع نباشد؛ چنانچه کسی که وظیفه‌اش حج افراد یا قران باشد هرگاه استطاعت نسبت به حج داشته باشد حج بر او واجب می‌شود و عمره مفرده واجب توضیح المناسک، ص: ۶۳ نیست؛ بلی کسانی که از مکه مکرمه دورند مانند ایرانیان که وظیفه آنان حج تمتع است چون حج تمتع مرکب از دو عمل است

هیچ گاه استطاعت حج از استطاعت عمره، و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست.

مسئله ۱۷۹

عمره مانند حج قابل استیجار و نیابت است و اموری که در استیجار و نیابت حج گفته شد در عمره جاری است.

مسئله ۱۸۰

عمره با نذر، عهد، قسم و شرط در ضمن عقد لازم، مانند بیع، اجاره و مصالحه واجب می‌شود. «۱»

مسئله ۱۸۱

واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه مکرمه شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد؛ و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه مکرمه شود واجب است عمره مفرده انجام دهد؛ و از این حکم کسانی استثناء شده‌اند مانند کسانی که مقتضی شغلشان این است که زیاد وارد مکه مکرمه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند؛ مریض و کسانی که عمره مفرده بجا آورده یا بعد از تمام شدن اعمال حج از حرم خارج شوند در صورتی که مجدداً در همان ماه هلالی به مکه مکرمه بازگردند لازم نیست مُحرم شوند.

مسئله ۱۸۲

در مقدار فاصله بین دو عمره اختلاف فرموده‌اند؛ اما ظاهراً فاصله بین دو عمره لازم نیست بلکه می‌توان در یک روز چند عمره مفرده توضیح المناسک، ص: ۶۴ بجا آورد؛ ولی احوط آن است که در کمتر از یک ماه به قصد رجاء آورده شود.

[تصویر اجمالی انواع حج

تصویر اجمالی حج تمتع حجه الإسلام:

اشاره

حج تمتع از دو قسمت تشکیل می‌شود: ۱ عمره تمتع. ۲ حج تمتع. عمره تمتع مقدم بر حج تمتع است.

صورت اجمالی عمره تمتع:

عمره تمتع دارای شش عمل است به این ترتیب: ۱ نیت. ۲ احرام از یکی از میقات‌ها. ۳ طواف هفت شوط (مرتبه) به دور خانه خدا (کعبه معظمه). ۴ دو رکعت نماز طواف پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام. ۵ هفت بار سعی بین کوه صفا و مروه. ۶ تقصیر یعنی کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن، و احتیاط آن است که تنها به گرفتن ناخن اکتفاء نکند. مُحرم به عمره تمتع با تقصیر از احرام خارج می‌شود و همه کارهایی که با احرام بستن بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر حلق (سر تراشیدن)، توضیح المناسک، ص: ۶۵ و هرگاه عمداً سرش را بتراشد بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره دهد.

صورت اجمالی حج تمتع:

حج تمتع دارای چهارده عمل است به این ترتیب: ۱. نیت. ۲. احرام از مکه مکرمه. ۳. وقوف در عرفات از ظهر روز نهم ذیحجه تا غروب آفتاب. ۴. وقوف در مشعر الحرام از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید. ۵. انداختن تعدادی از سنگ ریزه روز عید در منی به جمره عقبه. ۶. قربانی در منی. ۷. تراشیدن سر یا تقصیر در منی. ۸. طواف هفت شوط (مرتبه) به دور خانه خدا (کعبه معظمه). ۹. دو رکعت نماز طواف زیارت، پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام. ۱۰. هفت بار سعی بین کوه صفا و مروه. ۱۱. هفت شوط طواف نساء. ۱۲. دو رکعت نماز طواف نساء پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام. ۱۳. بیتوته (شب ماندن) در منی شب یازدهم و دوازدهم، و شب سیزدهم برای بعضی. توضیح المناسک، ص: ۶۶ ۱۴. انداختن سنگ ریزه به جمرات (جمره اولی، جمره وسطی و جمره عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم و روز سیزدهم برای افرادی که شب سیزدهم در منی مانده‌اند. آنچه که ذکر شد صورت اجمالی عمره تمتع و حج تمتع بود؛ تفصیل آنها در مسائل آینده ذکر می‌شود.

صورت حج افراد، قران و عمره مفرده:

گرچه رساله برای کسانی است که تکلیف آنها حج تمتع است ولی چون بعضی افرادی که حج تمتع بر آنها واجب است مبتلی به حج افراد می‌شوند به صورت حج افراد و عمره مفرده آن اشاره می‌شود؛ مثلاً زن حائض یا کسی که به واسطه تنگی وقت نمی‌تواند عمره تمتع را بجا آورد و وقوف اضطراری عرفات را درک کند باید در میقات از احرام عمره تمتع به احرام حج افراد عدول کند و به عرفات برود و مانند سایر حجاج در عرفات و مشعر الحرام وقوف کند و به منی برود اعمال منی را بجا آورد مگر قربانی که بر او واجب نیست؛ و آن گاه به مکه مکرمه برود و طواف زیارت و نماز آن را بجا آورد بعد برگردد به منی برای بیتوته در آن و انجام اعمال روزهای یازدهم و دوازدهم به همان کیفیتی که سایر حجاج بجا می‌آورند بجا آورد؛ خلاصه صورت حج افراد عین صورت حج تمتع است ولی مع توضیح المناسک، ص: ۶۷ ذلک فرق‌هایی ذکر می‌شود:

فرق‌های حج افراد و حج تمتع

اول: در حج تمتع قربانی واجب است؛ ولی در حج افراد واجب نیست گرچه مستحب است. دوم: در حج تمتع باید عمره و حج در ماه‌های شوال، ذیقعد و ذیحجه از یک سال انجام شود؛ ولی در حج افراد لازم نیست در یک سال واقع شود. سوم: احرام حج تمتع باید در مکه مکرمه بسته شود؛ ولی محل احرام حج افراد برای اهل مکه مکرمه و غیر آنها چنانچه خواهد آمد متفاوت است. چهارم: واجب است عمره تمتع را پیش از حج تمتع انجام داد؛ ولی در حج افراد معتبر نیست. پنجم: بنا بر احتیاط چنانچه می‌آید در حج تمتع در صورت نبودن عذر طواف و سعی حج را بر وقوف مقدم ننماید؛ ولی در حج افراد جایز است. ششم: بنا بر احتیاط جایز نیست بعد از احرام حج تمتع طواف مستحب انجام داد؛ ولی در حج افراد جایز است.

مسئله ۱۸۳

کیفیت حج قران مانند حج افراد است فرقی که دارد این است که حاج در حج قران قربانی خود را هنگام احرام با خود می‌برد و لازم است که همان حیوان را قربانی کند ولی حج افراد قربانی ندارد؛ چون حج توضیح المناسک، ص: ۶۸ قران واجب تعیینی نیست و مورد ابتلاء هم نیست کسانی که احکام آن را خواسته باشند به کتب مفصله مراجعه کنند.

مسئله ۱۸۴

صورت عمره مفرده که باید کسی که حج تمتع او بدل به حج افراد شده بعد از حج بجا آورد آن است که از حرم خارج شود و از

ادنی الحل و افضل آن است که از جعرانه، یا حدیبیه، یا تنعیم که از همه نزدیک‌تر به مکه مکرمه است مُحرم شود و به مکه مکرمه برود و طواف زیارت بجا آورد و نماز طواف و سعی بین صفا و مروه بکند و تقصیر کند یا سر بتراشد و طواف نساء و نماز طواف نساء بجا آورد.

مسئله ۱۸۵

عمره مفرده که بعد از حج افراد انجام می‌دهد با عمره تمتع در صورت فرق ندارد مگر در چند چیز: اول: در عمره تمتع باید تقصیر کند (یعنی مقداری از مو یا ناخن خود را بگیرد) و تراشیدن سر جایز نیست؛ ولی در عمره مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر، با افضلیت سر تراشیدن. دوم: در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست گرچه مستحب است؛ ولی در عمره مفرده طواف نساء واجب است. سوم: میقات عمره تمتع باید در یکی از مواقیت پنج‌گانه یا محاذی آنان که خواهد آمد باشد؛ ولی میقات عمره مفرده اگر در مکه مکرمه باشد ادنی الحل است و جایز است از یکی از مواقیت پنج‌گانه باشد.

مسئله ۱۸۶

کیفیت افعال حج افراد و عمره مفرده با افعال حج تمتع و توضیح المناسک، ص: ۶۹ عمره تمتع مشترکند.

مسئله ۱۸۷

هرگاه کسی عمره تمتع را بجا آورد لازم نیست عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۱۸۸

کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است مانند کسی که از مکه مکرمه شانزده فرسخ شرعی دور باشد هرگاه استطاعت برای عمره مفرده داشته باشد و برای حج نداشته باشد عمره مفرده بر او واجب نیست؛ ولی کسی که به نیابت حج کرده اگر استطاعت داشته باشد که عمره مفرده انجام دهد احتیاط آن است که انجام دهد.

مسئله ۱۸۹

کسی که به احرام عمره مفرده مُحرم شده حرام می‌شود بر او تمام چیزهایی که در احرام عمره تمتع گفته شد و بعد از تقصیر یا سر تراشیدن همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زن، و بعد از انجام طواف نساء و نماز آن زن هم بر او حلال می‌شود.

مسئله ۱۹۰

طواف نساء و نماز آن را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر یا سر تراشیدن بجا آورد.

مسئله ۱۹۱

کسی که در احرام عمره مفرده وارد مکه مکرمه شده هرگاه احرامش در ماه‌های حج بود و تا وقت حج در مکه مکرمه بماند می‌تواند قصد عمره تمتع کند و دنبال آن حج تمتع را بجا آورد در این صورت قربانی بر او واجب می‌شود.

مسئله ۱۹۲

لازم نیست مکلف اعمال عمره تمتع، حج تمتع، عمره توضیح المناسک، ص: ۷۰ مفرده و حج افراد را قبل از انجام آنها گرچه اجمالی آن باشد بداند؛ بلکه هنگام نیت عمره تمتع یا حج تمتع نیت کند عمره تمتع یا حج تمتع را به نحوی که خداوند متعال بر او واجب کرده بجا می‌آورد؛ و کیفیت و تفصیل هر یک را از رساله یا به نحو دیگر یاد بگیرد و انجام دهد کفایت می‌کند ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق با احتیاط است.

مسئله ۱۹۳

کسی که در اثناء عمره مفرده در شوط پنجم سعی بین صفا و مروه مریض شد و نتوانست عمره را تمام کند و به مملکت خود برگشته و پس از بهبودی هم نتوانسته به مکه مکرمه برود؛ برای سعی نایب بگیرد ابتداء احتیاطاً سعی را تمام کند و بعد آن را اعاده کند و به منوب عنہ خبر دهد که تقصیر کند و بعد از تقصیر برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد.

مسئله ۱۹۴

کسی که عمره مفرده را انجام داده و بدون انجام طواف نساء و نماز آن به مدینه منوره رفته می‌تواند برای عمره تمتع مُحرم شود و پس از انجام عمره تمتع طواف نساء و نماز آن را انجام دهد؛ و همچنین هرگاه پس از انجام حج تمتع طواف نساء و نماز آن را ترک کرده می‌تواند برای عمره مفرده مُحرم شود و بعد از آن طواف نساء حج و نماز آن را بجا آورد.

مسئله ۱۹۵

زنی که به نیت عمره مفرده مُحرم شده پس از آن عادت زنانه شود و در همه روزهایی که می‌تواند در مکه مکرمه باشد حیض بوده؛ باید برای طواف و نماز طواف نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد و چنانچه اینها را انجام نداده به مملکت خود رفته باید برگردد و توضیح المناسک، ص: ۷۱ آن اعمال را بجا آورد و اگر نمی‌تواند برگردد باید برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال بجا آورده نشود آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی‌شود.

مسئله ۱۹۶

نماز طواف عمره مفرده استجبایی حکم نماز طواف عمره واجب را دارد که باید پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام خوانده شود؛ ولی نماز طواف مستحبی را در حال اختیار می‌توان در هر جای مسجد بجا آورد.

مسئله ۱۹۷

انجام عمره مفرده در ماه‌های حج پیش از عمره تمتع جایز است؛ در این مسئله فرقی بین ضروره (کسی که اولین بار است که به حج مشرف می‌شود) و غیر ضروره نیست.

مسئله ۱۹۸

بنا بر احتیاط واجب در حج افراد باید مبادرت به عمره مفرده کند و آن را تأخیر نیندازد.

مسئله ۱۹۹

هرگاه احتمال دهد بعد از احرام عادت زنانه می‌شود؛ یا مریض احتمال دهد نتواند اعمال مفرده را انجام دهد؛ می‌تواند برای عمره مفرده مستحبی مُحرم شوند و هرگاه زن خون ببیند یا مریض نتواند انجام دهد و نتواند طواف نساء و نماز را خودش بجا آورد؛ نایب بگیرد و سایر اعمال را خودش بجا آورد.

مسئله ۲۰۰

کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده مُحرم شده؛ اگر حقیقۀ عمره مفرده نیت کرده باید عمره مفرده انجام توضیح المناسک، ص: ۷۲ دهد و بعد عمره تمتع را بجا آورد؛ ولی چنانچه اشتباه در تطبیق بوده عمره تمتع واقع می‌شود و صحیح است.

مسئله ۲۰۱

هرگاه تقصیر را در عمره مفرده جاهلاً یا نسیاناً بجا نیاورد و طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورد چون هنوز از احرام عمره مفرده خارج نشده احرام عمره تمتع برای این شخص درست نیست باید پس از تقصیر، طواف نساء و نماز آن به میقات برود و برای عمره تمتع مجدداً مُحرم شود.

مسئله ۲۰۲

کسی که حجش بدل به افراد شده و باید بعد از حج، عمره مفرده را بجا آورد فوراً آن را انجام دهد نمی‌تواند آن را به سال بعد تأخیر بیندازد و یا عمره مفرده را انجام نداده برای عمره و حج دیگر مُحرم شود.

مسئله ۲۰۳

کسی که غیر حجازی یا غیر از اهل مکه مکرمه و اطراف آن بوده و قصد مجاورت مکه مکرمه نموده هرگاه قبل از آن مستطیع بوده باید حج تمتع بجا آورد و همچنین اگر قبل از اقامت دو سال مستطیع شود حج تمتع بجا آورد؛ ولی اگر بعد از دو سال مستطیع شود حکم اهل مکه مکرمه را دارد؛ و همچنین اگر ابتداء ماندن قصد توطن داشته باشد در این صورت پس از گذشتن مدتی که وطن صدق کند حکم اهل مکه مکرمه را دارد.

بیان تفصیلی اعمال عمره تمتع و حج تمتع

[اعمال عمره تمتع]

[واجبات عمره تمتع]

[احرام]

محل احرام عمره تمتع و عمره مفرده**اشاره**

میقات:

مسئله ۲۰۴

میقات در لغت به اعم از اسم زمان و اسم مکان آمده؛ به زمانی که برای کار خاصی قرار داده شده میقات گفته می‌شود؛ چنانچه به مکان خاصی برای کار مخصوصی میقات گفته می‌شود؛ بنا بر این میقات احرام را به هر دو نوع می‌توان تقسیم کرد میقات زمانی احرام همانا ماه‌های حج است که عبارتند از شوال، ذی‌قعدة و ذیحجه، که احرام حج تمتع باید در آنها واقع شود؛ و میقات مکانی مکان‌هایی است که تعیین شده که گذشتن از آنها یا محاذی با آنها بدون احرام برای حاج و کسی که عمره بجا می‌آورد جایز نیست.

[مکانهای میقات]**اشاره**

مسئله ۲۰۵ میقات و محل احرام بستن برای عمره تمتع یا عمره مفرده به حسب اختلاف راه‌هایی که اشخاص از آنها به طرف مکه مکرمه می‌روند پنج مکان است:

اول: مسجد شجره:**اشاره**

که به آن ذو الحلیفه، یا ابار علی هم گفته می‌شود؛ و آن میقات کسانی توضیح المناسک، ص: ۷۵ است که از مدینه منوره به مکه مکرمه مشرف می‌شوند؛ و میقاتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن محل برای رفتن به مکه مکرمه مُحرم شدند؛ و دورترین میقات نسبت به مکه مکرمه است؛ گفته می‌شود که از مدینه منوره هفت کیلو متر فاصله دارد و فاصله آن تا مکه مکرمه ۴۸۶ کیلو متر است.

مسئله ۲۰۶

احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره مُحرم شوند خارج از مسجد هر چند نزدیک به آن باشد مُحرم نشوند؛ بلی در تمام مسجد که جدیداً اضافه شده احرام جایز است گرچه مستحب است در محل اصلی مسجد باشد.

مسئله ۲۰۷

جنب، حائض و نفساء می‌توانند در حال عبور از مسجد مُحرم شوند؛ یا این که از دربی وارد شوند و تلبیه گویند و از درب دیگر خارج شوند ولی توقف در مسجد نکنند.

مسئله ۲۰۸

هرگاه جنب به واسطه جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد و همچنین حائض و نفساء که از خون حیض و نفاس پاک شده‌اند و آب برای غسل ندارند و نتوانند صبر کنند تا آب پیدا شود؛ باید تیمم کنند و داخل مسجد شوند و احرام ببندند.

مسئله ۲۰۹

زن حائض که عذر شرعی از داخل شدن در مسجد شجره دارد می‌تواند در مدینه منوره با اذن شوهر یا نذر مُحرم شود؛ در این صورت لازم نیست به مسجد شجره برود.

مسئله ۲۱۰

زن حائض که از مدینه منوره عازم مکه مکرمه شده و گمان توضیح المناسک، ص: ۷۶ می‌کرد در حال عبور در مسجد شجره می‌تواند مُحرم شود ولی هنگامی که به محوطه حیاط مسجد رسید به جهت ازدحام نتوانست با عبور از مسجد مُحرم شود؛ از مسجد فاصله بگیرد با اجازه شوهرش که حاضر باشد نذر احرام در آنجا بکند و از آنجا مُحرم شود کفایت می‌کند.

مسئله ۲۱۱

هرگاه زن حائض به خیال این که می‌تواند در حال عبور در مسجد شجره مُحرم شود وارد مسجد شد و بلافاصله احرام بست و تلبیه گفت و چند قدم هم به طرف درب دیگر که می‌خواست خارج بشود رفت ولی نتوانست خارج شود برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد احرامش صحیح است.

دوم: وادی عتیق:

اشاره

میقات کسانی است که از طریق عراق و نجد به مکه مکرمه مشرف می‌شوند؛ ابتداء آن از طرف عراق مسلخ، و وسط آن غمره، و آخر آن ذات عرق است؛ گفته می‌شود که عامه از ذات عرق مُحرم می‌شوند و فاصله تقریبی آن به مکه مکرمه ۱۰۰ کیلو متر است

مسئله ۲۱۲

هرگاه محل مسلخ را می‌شناسد افضل آن است که از آنجا مُحرم شود؛ و اگر نمی‌شناسد همین که یقین کرد به وادی عتیق رسید احتیاط واجب آن است که مُحرم می‌شود و احرام خود را تا ذات عرق تأخیر نیندازد.

سوم: قرن المنازل:

میقات کسانی است که از طریق طائف به مکه مکرمه مشرف می‌شوند؛ گفته می‌شود فاصله آن تا مکه مکرمه حدود ۹۴ کیلو متر است.

چهارم: یلملم:

میقات کسانی است که از راه یمن به مکه مکرمه مشرف می‌شوند؛ گفته می‌شود که فاصله آن تا مکه مکرمه حدود ۸۴ کیلو متر است.

پنجم: جحفه:

اشاره

میقات کسانی است که از راه شام، مصر و مغرب به مکه مکرمه مشرف می‌شوند؛ گفته می‌شود که فاصله آن تا مکه مکرمه حدود ۱۵۶ کیلو متر است.

مسأله ۲۱۳

هر یک از میقات‌ها باید به یکی از این راه‌ها ثابت شود؛ یا علم و یقین پیدا کند که فلان مکان میقات است؛ یا بینه شرعی (یعنی دو نفر عادل) شهادت دهند؛ یا از شیاع و گفته اهل خیره و اطلاع اطمینان حاصل شود که فلان مکان میقات است؛ و هرگاه از گفته اهل خیره و اطلاع اطمینان حاصل نشد احتیاط آن است که به وسیله نذر در آن محل مُحرم شود.

مسأله ۲۱۴

هرگاه از راهی برود که به هیچ یک از میقات‌ها عبورش نیفتد باید از محاذات یکی از میقات‌ها باشد.

مسأله ۲۱۵

هرگاه عبور او طوری است که از دو میقات یا محاذات دو توضیح المناسک، ص: ۷۸ میقات، یکی جلوتر از دیگری باشد؛ احتیاط واجب بلکه خالی از قوت نیست از جائی که میقات اول یا محاذات آن است مُحرم شود و در میقات دوم یا محاذات آن نیت احرام را تجدید کند.

مسأله ۲۱۶

هرگاه مستطیع عمداً و بدون عذر احرام را از میقات تأخیر بیندازد باید برگردد و از میقات مُحرم شود؛ ولی هرگاه به جهت ضیق وقت یا عذر دیگر نتواند به میقات برگردد؛ و میقات دیگر هم در پیش نباشد بنا بر احتیاط از جائی که ممکن است برگردد و احرام ببندد و عمره را انجام دهد ولی باید سال دیگر حج را بجا آورد.

مسأله ۲۱۷

هرگاه کسی که می‌خواهد از محاذی میقات مُحرم شود باید یقین یا اطمینان به محاذات داشته باشد گرچه از گفته اهل محل که مورد وثوق باشند؛ و به گمان نمی‌شود اکتفاء کرد گرچه به گفته مجتهدی که اهل اطلاع به آن مکان‌ها نیست حاصل شود؛ و در صورتی که نتواند محاذات را بفهمد احوط این است که قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد از محاذات می‌گذرد به وسیله نذر مُحرم شود.

مسأله ۲۱۸

محاذی بودن جده با هیچ یک از میقات‌ها ثابت نیست باید به یکی از میقات‌ها یا محاذات میقات برود و مُحرم شود؛ بنا بر این کسانی که با هواپیما به حج مشرف می‌شوند و می‌خواهند مستقیماً عازم مکه مکرمه شوند میقات آنان جحفه است و اگر نمی‌توانند به جحفه یا میقات دیگر بروند لازم است در محل خود یا در هواپیما قبل از رسیدن به جده نذر توضیح المناسک، ص: ۷۹ احرام در جده کنند و در جده مُحرم شوند؛ و بهتر است که در حده تجدید احرام کنند.

مسأله ۲۱۹

مراد از محاذات میقات جایی است که هرگاه انسان رو به قبله باشد میقات بدون فاصله زیاد به خط مستقیم در طرف راست یا چپ او قرار گیرد به نحوی که اگر از آنجا به طرف مکه مکرمه برود میقات متمایل به پشت او شود.

مسأله ۲۲۰

اگر ثابت نباشد که رابع محاذی با جحفه است احرام از آن جایز نیست مگر با نذر.

مسأله ۲۲۱

هرگاه از کسی احرام از میقات به واسطه فراموشی یا عذر یا مجوز دیگری از قبیل ندانستن حکم وجوب احرام و محل آن، بدون تقصیر ترک شود؛ واجب است برگردد و از میقات مُحرم شود؛ و هرگاه برگشت ممکن نباشد در صورتی که از میقات دیگر عبور می‌کند باید از آن میقات مُحرم شود و اگر میقات دیگری در مسیر نباشد مقداری که بتواند باید به طرف میقات برگردد و از آنجا مُحرم شود. و هرگاه داخل حرم شده اگر بتواند به اعمال عمره برسد باید به طرف میقات به مقداری که ممکن است برگردد و از آنجا مُحرم شود؛ و الا از حرم خارج شود و در ادنی الحل مُحرم شود و اگر به آن میقات هم ممکن نباشد در همان محل مُحرم شود و عمره او صحیح است.

مسأله ۲۲۲

حکم زن حائضی که به جهت ندانستن مسأله و بدون توضیح المناسک، ص: ۸۰ تقصیر، عقیده داشته که در حال حیض نباید از میقات مُحرم شود و احرام نیست، همان است که در مسأله گذشته بیان شد.

مسأله ۲۲۳

جائز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات مگر این که نذر کند قبل از میقات از آن محل مُحرم شود؛ مثلاً نذر کند از قم مُحرم شود از همان جا مُحرم شود؛ در این صورت احتیاط مستحب آن است که هنگامی که به میقات یا محاذات آن برسد احرام را تجدید کند.

مسأله ۲۲۴

جائز نیست در حال اختیار احرام را از میقات تأخیر بیندازد گرچه میقات دیگری بعد از آن باشد؛ بلکه احتیاط آن است که از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند گرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

مسئله ۲۲۵

اگر از میقات بدون عذر بدون احرام عبور کرد واجب است در صورت امکان برگردد و از آن میقات مُحرم شود؛ بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد باید برگردد به میقاتی که از آن گذشته و مُحرم شود.

مسئله ۲۲۶

زنی که در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی‌تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد چون ممکن است بر خلاف عادت پاک شود: احتیاط آن است که هنگام احرام بستن نیت کند مُحرم می‌شوم به احرامی که بر من واجب است از عمره تمتع یا حج افراد، چنانچه قبل از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره تمتع را بجا آورد و مُحل شود و بعد اعمال حج را بجا آورد حج تمتع او صحیح است و اگر پاک نشد اعمال حج افراد را بجا آورد و بعد عمره مفرده بجا آورد و حجش به صورت حج توضیح المناسک، ص: ۸۱ افراد صحیح است.

مسئله ۲۲۷

کسی که در غیر ماه‌های حج به مکه مکرمه رفته و عمره مفرده بجا آورده و در مکه مکرمه مانده تا ماه‌های حج برای احرام تمتع باید به یکی از میقات‌های پنج‌گانه معروف برود نمی‌تواند از تنعیم که ادنی الحل است مُحرم شود.

مسئله ۲۲۸

کسی که برای عمره مفرده به مکه مکرمه مشرف می‌شود باید از یکی از میقات‌های معروف مُحرم شود نمی‌تواند بدون احرام از میقات عبور کند و اگر بدون احرام عبور کرد باید به میقاتی که از آن عبور کرده برگردد و مُحرم شود؛ و اگر نتوانست برگردد از ادنی الحل مُحرم شود.

مسئله ۲۲۹

کسی که در مکه مکرمه باشد و نخواهد عمره تمتع بجا آورد و به جهتی از رفتن به یکی از میقات‌های معروف معذور باشد؛ لازم است به خارج حرم رفته و مقداری که ممکن است به طرف میقات برود و از آنجا مُحرم شود.

مسئله ۲۳۰

میقات ایرانیان و غیر آنها که در جده شغلی دارند در عمره تمتع و عمره مفرده همان میقات‌های معروف است نمی‌توانند از جده یا ادنی الحل مُحرم شوند؛ و هرگاه عالماً عامداً یا از روی نادانی مُحرم شوند احرام آنها صحیح نیست و محرمات احرام به آنها حرام نیست.

مسئله ۲۳۱

خدمه کاروان‌ها که به مکه مکرمه می‌روند و بعد از آن از مکه مکرمه خارج می‌شوند عمره تمتع را انجام ندهند بلکه از یکی از توضیح المناسک، ص: ۸۲ میقات‌های معروفه عمره مفرده انجام دهند و پس از انجام اعمال عمره مفرده می‌توانند از مکه مکرمه

خارج شوند؛ و هر گاه بخواهند مجدداً به مکه مکرمه مراجعت کنند برای مرتبه دوم و سوم اگر در همان ماه قمری که مُحرم شده بودند وارد شوند لازم نیست مُحرم شوند؛ به هر حال این اشخاص آخرین مرتبه‌ای که به مکه مکرمه می‌روند باید به یکی از میقات‌های معروفه بروند و از آنجا برای عمره تمتع مُحرم شوند.

مسئله ۲۳۲

کسی که مثلاً از راه طائف عازم مکه مکرمه بوده ولی قبل از رسیدن به قرن المنازل از راه قرن المنازل جلوگیری شده از وادی عقیق مُحرم شود احرامش صحیح است.

مسئله ۲۳۳

کسی که مُحرم برای عمره تمتع شده و وارد حرم شده خواه اعمال عمره تمتع را انجام داده یا هنوز انجام نداده یادش بیاید که وسائش مثلاً در جحفه مانده نمی‌تواند از مکه مکرمه خارج شود مگر حاجت و ضرورتی داشته باشد.

مسئله ۲۳۴

کسی که در میقات مُحرم به عمره تمتع شده می‌تواند به طرف خلاف مکه مکرمه برود و بعد از چند روز به مکه مکرمه برود؛ مثلاً در مسجد شجره مُحرم شده می‌تواند به مدینه منوره رفته بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه مکرمه برود.

مسئله ۲۳۵

بعد از اتمام حج تمتع هر گاه شخصی از مکه مکرمه خارج شود و بخواهد مراجعت کند؛ اگر در همان ماه قمری باشد که عمره تمتع توضیح المناسک، ص: ۸۳ را انجام داده لازم نیست مُحرم شود؛ ولی احتیاط آن است که برای عمره مفرده مُحرم شود.

مسئله ۲۳۶

کسی که عمره مفرده انجام داده می‌تواند در فاصله کمتر از یک ماه قمری بدون احرام وارد مکه مکرمه شود؛ ولی احتیاط آن است که برای عمره مفرده دیگر مُحرم شود.

مسئله ۲۳۷

کسی که در مدینه منوره یا جده دیوانه شده چون تکلیف ندارد می‌تواند بدون احرام وارد مکه مکرمه شود.

مسئله ۲۳۸

زن حائضی که نمی‌توانست صبر کند تا پاک شود و نزدیک مسجد شجره مُحرم شده و بنا داشت محاذی جحفه احرام را تجدید کند ولی در ماشین خوابش برد و وارد مکه مکرمه شده؛ هر گاه ممکن است باید برگردد از جحفه یا محاذی آن مُحرم شود و اگر ممکن نیست به مقداری که بتواند به میقات برود و از آنجا مُحرم شود.

مسئله ۲۳۹

کسی که پس از خارج شدن از میقات در عمره تمتع در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت احرام نکرده؛ یا به جهت دیگر احرامش درست نبوده؛ اگر بتواند از همان جا یا بعد از داخل شدن به مکه مکرمه به میقات برگردد نمی‌تواند برای عمل واجب از غیر میقات مُحرم شود؛ ولی برای داخل شدن به مکه مکرمه از ادنی الحل به نیت عمره مفرده مُحرم شود و بعد از اعمال آن به یکی از مواقیت معروف برود و برای عمره تمتع احرام ببندد.

مسئله ۲۴۰

اگر زنی بدون اذن شوهر احرام قبل از میقات را نذر کند و مُحرم شود احرامش درست نیست باید از میقات مُحرم شود.

مسئله ۲۴۱

نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است.

مسئله ۲۴۲

هرگاه جنب یا حائض عصباناً وارد مسجد شجره شوند و مانند دیگران توقف نمایند و مُحرم شوند گرچه معصیت کرده‌اند؛ ولی اگر قصد قربت از آنان متمشی شود بعید نیست احرامشان درست باشد اما احتیاط آن است که احرام و تلبیه را در حال خروج از مسجد تجدید کنند.

مسئله ۲۴۳

کسی که در مکه مکرمه اقامت موقت کرده؛ هرگاه فریضه حج او تبدیل نشده باید از یکی از میقات‌های پنج‌گانه مُحرم شود؛ ولی اگر فریضه او تبدیل شده باشد از مکه مکرمه مُحرم شود.

مسئله ۲۴۴

چنانچه گذشت کسی که عمداً و بدون عذر بدون احرام وارد مکه مکرمه شده باید به یکی از میقات‌های معروف برگردد و مُحرم شود و گرانی بیش از حد کرایه و مانند آن عذر نیست تا بتواند ترک احرام از میقات نکند مگر این که موجب حرج و طاقت فرسا باشد؛ هرگاه نتوانست به میقات برگردد اگر مستطیع است سال بعد باید حج انجام دهد؛ و احتیاط آن است که از حرم بیرون رود و در خارج حرم مُحرم شود؛ و احتیاط آن است که در این صورت هر چه بتواند از حرم دور شود و احرام ببندد؛ ولی هرگاه سهواً یا از روی جهل قصوری به حکم یا موضوع بدون احرام وارد مکه مکرمه شده باشد اگر ممکن نباشد به میقات برود لازم است از حرم توضیح المناسک، ص: ۸۵ بیرون رفته و از خارج حرم مُحرم شود و احتیاط آن است که هر اندازه بتواند از حرم دور شود و مُحرم شود؛ و اگر آن را هم نتواند از ادنی الحل مُحرم شود.

واجبات احرام

اشاره

مسأله ۲۴۵ واجبات هنگام احرام بستن سه چیز است:

اول: نیت:

اشاره

یعنی قصد بجا آوردن عمره یا حج تمتع را مثلاً داشته باشد؛ لازم نیست به طور تفصیل اعمال عمره یا حج را بداند همین که شناخت اجمالی از آن دو داشته باشد کفایت می‌کند؛ پس هرگاه نیت اعمالی که در عمره یا حج واجب است اجمالاً بداند به نحوی که به تدریج آنها را از روی رساله یا آموزنده‌ای که به او اطمینان دارد انجام دهد کفایت می‌کند.

مسأله ۲۴۶

در نیت چند امر معتبر است: ۱ مانند عبادات دیگر باید قصد قربت و اخلاص داشته باشد به این معنی که مثلاً عمره تمتع صرفاً برای نزدیک شدن به رضای خداوند باشد و هیچ هدفی غیر از آن نداشته باشد؛ پس هرگاه عمره یا حج یا احرام آنها را که عبادتند، ریاء انجام دهد باطل است. ۲ نیت باید در جای مخصوص باشد؛ مثلاً در احرام عمره تمتع در یکی از میقات‌ها باشد. توضیح المناسک، ص: ۳۸۶ مشخص نمودن عبادتی که قصد احرام برای آن را دارد؛ به این که عمره است یا حج، و تعیین حج که تمتع است یا افراد یا قران، و در صورتی که قصد انجام عبادت را برای دیگری دارد باید آن را نیت کند؛ و تعیین این که حجه الاسلام است که برای اولین بار به استطاعت بر او واجب شده یا حج مستحبی است؛ خلاصه هر یک از اینها باشد باید در نیت مشخص شود پس اگر بدون تعیین نیت احرام بست احرامش باطل است.

مسأله ۲۴۷

در صحت احرام عزم بر ترک محرمات احرام لازم نیست گرچه احتیاط آن است که قصد ترک محرمات داشته باشد؛ چه هنگام بستن احرام و چه بعد از آن تا پایان احرام، بلکه هرگاه در حال احرام قصد انجام بعضی محرمات را داشته باشد مانند رفتن زیر سایه در حال سفر، احرامش صحیح است؛ بلی نسبت به بعضی محرماتی که عمره یا حج را باطل می‌کنند؛ مثل نزدیکی با زن در بعضی صور چنانچه خواهد آمد؛ با قصد ارتکاب آن احرام باطل می‌شود بلکه احرام منعقد نمی‌شود.

مسأله ۲۴۸

کسی که حج واجبش را انجام داده و بنا دارد حج مستحبی بجا آورد؛ هرگاه از روی نا آگاهی یا فراموشی در نیت احرام حجه الاسلام را ببرد؛ مثلاً بگوید احرام عمره تمتع از حج تمتع از حجه الاسلام بجا می‌آورم قربه‌ای الی الله، هرگاه قصدش این بوده عمره‌ایی را که وظیفه او است انجام می‌دهد و اشتباهاً لفظ حجه الاسلام را به زبان آورد چنانچه غالباً پیش می‌آید اشکال ندارد.

دوم تلبیه:

[کیفیت گفتن لبیک‌های چهارگانه

یعنی گفتن لبیک برای انعقاد احرام، گفتن لبیک‌های چهارگانه به این کیفیت است: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». احتیاط لازم این است که این جمله را بر چهار لبیک اضافه کند: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

فرموده‌اند اگر بخواهد احتیاط بیشتری بکند پس از گفتن آنچه که ذکر شد بگوید: «لَيْتِكَ، أَللَّهُمَّ لَيْتِكَ، لَيْتِكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَيْتِكَ».

مسئله ۲۴۹

ترجمه لیتک‌ها از این قرار است: «خداوندا دعوت تو را با کمال میل و رغبت اجابت می‌کنم؛ با کمال میل و رغبت دعوت تو را اجابت می‌کنم؛ اجابت می‌کنم دعوت تو را با کمال میل و رغبت، شریکی نیست تو را اجابت می‌کنم دعوت تو را با کمال میل و رغبت، همانا ستایش و نعمت و ملک و سلطنت برای تو است اجابت می‌کنم دعوت تو را با کمال میل و رغبت». در مواردی که باید ترجمه لیتک‌ها را بگوید اگر کلمه «دعوت» را نگوید کفایت می‌کند. توضیح المناسک، ص: ۸۸ مستحب است بعد از آن بگوید: «لَيْتِكَ ذَا الْمَعَارِجِ، لَيْتِكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ، لَيْتِكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ، لَيْتِكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ، لَيْتِكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، لَيْتِكَ تَبْدِيئًا وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ، لَيْتِكَ تَشْتَعْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ، لَيْتِكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ، لَيْتِكَ لَيْتِكَ إِلَهَ الْحَقِّ، لَيْتِكَ ذَا النَّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ، لَيْتِكَ كَشَافَ الْكُربِ الْعِظَامِ، لَيْتِكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِيكَ، اگر زن است بگوید: (أُمَّتُكَ وَابْنَتُ عَبْدِيكَ)، لَيْتِكَ لَيْتِكَ يَا كَرِيمَ لَيْتِكَ». هرگاه احرام عمره تمتع است شایسته است این جملات را بگوید: «لَيْتِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، لَيْتِكَ بِحَجَّهِ وَعُمْرِهِ، لَيْتِكَ لَيْتِكَ وَ هَذِهِ مُتَعَةٌ عُمْرِهِ إِلَى الْحَجِّ، لَيْتِكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ، لَيْتِكَ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ».

مسئله ۲۵۰

واجب است تلبیه‌های واجب را که در مسئله سابق گذشت صحیح بگوید چنانچه صحیح گفتن تکبیره الاحرام در نماز واجب است؛ و هرگاه غلط بگوید احرام منعقد نمی‌شود.

مسئله ۲۵۱

هرگاه لیتک‌های واجب را یک مرتبه بگوید کفایت می‌کند و مُحْرَم می‌شود و احرامش صحیح است؛ ولی مستحب است تکرار تلبیه و توضیح المناسک، ص: ۸۹ زیاد گفتن آن به هر اندازه که می‌تواند و برای گفتن لیتک هفتاد مرتبه ثواب زیادی ذکر شده؛ و گفتن آن بعد از نماز واجب و مستحب، در هر پستی و بلندی، در حال سوار شدن؛ در برخورد با سواری، هنگام بیدار شدن و در سحر تأکید شده؛ لازم نیست آنچه را که در حال احرام بستن گفته می‌شود تکرار کند بلکه کافی است به قصد رجاء بگوید: «لَيْتِكَ، أَللَّهُمَّ لَيْتِكَ»، یا فقط «لَيْتِكَ»، را تکرار کند.

مسئله ۲۵۲

جایز نیست لیتک‌های واجب را از میقات تأخیر بیندازد و هرگاه تأخیر افتاد باید به دستوری که در مساله (۲۲۱) ذکر شد عمل کند.

مسئله ۲۵۳

هرگاه کسی که برای عمره تمتع مُحْرَم شده وقتی که خانه‌های مکه مکرمه پیدا شد لیتک را ترک کند؛ بعید نیست مراد از خانه‌های مکه مکرمه خانه‌های قدیمی آن باشد؛ و احتیاط آن است که در مشاهده خانه‌های جدید مکه مکرمه هم ترک کند؛ و هرگاه برای حج احرام ببندد تا ظهر روز عرفه لیتک بگوید.

مسئله ۲۵۴

هرگاه لبیک‌های واجب را نداند واجب است یاد بگیرد یا کسی به او تلقیق کند؛ یعنی هنگام گفتن تلبیه کلمه به کلمه به او گفته شود و کسی که می‌خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید.

مسئله ۲۵۵

لال و کسی که قدرت حرف زدن ندارد به وسیله حرکت دادن دست معنی تلبیه را مانند سایر مطالب خود بیان کند؛ و احتیاط آن است که نایب هم برای اداء تلبیه بگیرد.

مسئله ۲۵۶

هرگاه کسی که می‌خواهد احرام ببندد نتواند لبیک‌ها را یاد بگیرد؛ یا وقت برای یاد گرفتن نباشد؛ و یا با تلقین هم نتواند بگوید؛ به هر نحوی که می‌تواند بگوید اگر عرفاً تلبیه صدق بکند؛ مستحب است مرادف عربی آن را، یا ترجمه آن را به زبان خود بگوید و بهتر آن است که نایب هم بگیرد که از طرف او صحیح بگوید؛ و هرگاه عرفاً صدق تلبیه نکند بنا بر احتیاط واجب مرادف عربی آن، و هم ترجمه آن را به زبان خود بگوید و نایب هم بگیرد.

مسئله ۲۵۷

هرگاه گفتن لبیک‌ها را در میقات فراموش کرد؛ یا به واسطه ندانستن حکم آنها را نگفت، واجب است اگر ممکن است برگردد به میقات و احرام ببندد و لبیک بگوید؛ و اگر نتواند به میقات برگردد به مقداری که ممکن است به میقات برگردد و احرام ببندد و لبیک بگوید؛ و هرگاه در اصل حرم مُحرم شده باشد برگردد به خارج حرم و احرام ببندد و لبیک بگوید؛ و اگر ممکن نباشد به مقداری که می‌تواند برگردد و احرام ببندد و لبیک بگوید.

مسئله ۲۵۸

هرگاه لبیک‌های واجب را ریاء گفت، یا به واسطه عذری یا بدون عذر نگفت، چیزهای که بر مُحرم حرام می‌شود بر او حرام نمی‌شود و اگر آنچه که در احرام باعث کفاره می‌شود بجا آورد کفاره ندارد.

مسئله ۲۵۹

هرگاه بعد از گفتن لبیک‌های واجب در میقات فراموش کند که نیت عمره تمتع کرده یا حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است؛ و هرگاه بعد از لبیک گفتن در روز هشتم ذیحجه که توضیح المناسک، ص: ۹۱ باید برای حج تمتع بگوید فراموش کند لبیک را برای حج تمتع گفته یا برای عمره تمتع، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است و احتیاط مستحب تجدید تلبیه است.

مسئله ۲۶۰

هرگاه کسی نداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه مُحرم نمی‌شود و عمداً غلط بگوید و اعمال را بجا آورد اعمالش صحیح نیست

ولی هرگاه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله بوده به مسأله (۲۵۷) مراجعه شود.

مسأله ۲۶۱

کسی که به دیگری تلقین نیت احرام و تلبیه می‌کند؛ می‌تواند برای خود نیت احرام و تلبیه داشته باشد و مُحرم می‌شود؛ ولی اگر فراموش کرد برای نیت انجام عمره یا حج خود تلبیه بگوید مُحرم نشده؛ در صورت امکان باید به میقات برگردد و مُحرم شود به مسأله (۲۳۹) مراجعه شود.

سوم: پوشیدن دو جامه احرام (إزار و رداء):

مسأله ۲۶۲

واجب است در حال بستن احرام پوشیدن دو جامه احرام که باید ندوخته باشند؛ یکی مانند لنگ از ناف تا زانو را بپوشاند و احتیاط آن است که ناف و زانوها هم را بپوشاند؛ و دیگری را مانند عبا به دوش بیندازد و احتیاط آن است که به اندازه‌ای باشد که دو شانه و دو بازو، و مقدار قابل توجهی از کمر را هم بپوشاند؛ و احتیاط واجب آن است که این توضیح المناسک، ص: ۹۲ دو جامه را قبل از نیت احرام و گفتن لبیک بپوشد.

مسأله ۲۶۳

پوشیدن دو لباس ندوخته احرام بر مردها حتمی است و بنا بر احتیاط لازم خانم‌ها هم در حال احرام باید بپوشند ولی جایز است پس از بستن احرام دو جامه احرام را کنار بگذارند.

مسأله ۲۶۴

واجب است مردها لباس‌های دوخته، حتی لباس‌های زیر را در حال احرام بستن از تن بیرون آورند؛ ولی کندن لباس دوخته بر زن‌ها واجب نیست می‌توانند روی لباس‌های دوخته دو لباس احرام را بپوشند.

مسأله ۲۶۵

در حال اختیار اکتفاء نشود به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ و مقداری را رداء قرار دهد؛ بلکه باید دو جامه جدا از هم باشند.

مسأله ۲۶۶

در پوشیدن دو جامه احرام باید نیت قربت و اطاعت امر خداوند داشته باشد و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم قصد اطاعت امر الهی داشته باشد.

مسأله ۲۶۷

لازم نیست تا آخر عمره و حج با دو جامه‌ای که در آنها احرام بسته باشد؛ می‌تواند آنها را برای شتو و نظافت عوض کند؛ بلکه

می‌تواند آنها را در حمام و در مکان خلوت از خود دور نماید و لخت شود.

مسئله ۲۶۸

مُحرم می‌تواند بیش از دو لباس احرام برای حفظ از سرما یا گرما بپوشد؛ ولی باید شرایط دو لباس احرام را داشته باشد.

مسئله ۲۶۹

آنچه که در لباس نمازگزار شرط است؛ در دو جامه احرام نیز شرط است؛ پس لازم است که دو جامه احرام از حریر خالص، زربفت، توضیح المناسک، ص: ۹۳ از اجزای حیوانات غیر مأكول اللحم، غضبی و نجس نباشد؛ ولی هرگاه متنجس به نجاستی که در نماز بخشوده شده باشد مانعی ندارد؛ و احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن از حریر خالص و زربفت نباشد بلکه احتیاط واجب آن است که تا آخر احرام حریر و زربفت نپوشد.

مسئله ۲۷۰

لازم است جامه‌ای که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد به طوری که بدن نمایان باشد؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب رداء هم بدن نما نباشد.

مسئله ۲۷۱

هرگاه این دو جامه در بین اعمال یا غیر آن در حال احرام نجس شود؛ احتیاط آن است که آن را عوض کند یا تطهیر نماید؛ چنانچه بدن در حال احرام نجس شود احتیاط آن است که آن را تطهیر کند.

مسئله ۲۷۲

هرگاه لباس یا بدن را تطهیر نکرد احرامش باطل نمی‌شود و کفاره هم ندارد.

مسئله ۲۷۳

احتیاط آن است که دو جامه احرام از منسوجات باشد و از پوست و نمد مالیده و نایلون و مانند آنها نباشد.

مسئله ۲۷۴

افضل آن است که مُحرم هرگاه دو جامه احرام را عوض کرده برای طواف از همان دو جامه استفاده کند؛ بلکه موافق با احتیاط استحبابی است و بعضی آن را واجب دانسته‌اند.

مسئله ۲۷۵

مکروه است دو جامه احرام را بفروشد.

مسئله ۲۷۶

هرگاه مُحرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای توضیح المناسک، ص: ۹۴ سردی هوا یا نیافتن رداء و ازار و مانند آنها، می‌تواند قبا و پیراهن بپوشد؛ لکن باید قباء را پایین و بالا کند و به دوش بیندازد و دست از آستین آن بیرون نیاورد؛ و احتیاط آن است که آن را پشت و رو کند و پیراهن را به دوش بیندازد و نپوشد؛ و هرگاه اضطرار رفع نمی‌شود مگر به پوشیدن قبا و پیراهن به طور معمول، می‌تواند بپوشد ولی احتیاط آن است که كفاره بدهد.

مسئله ۲۷۷

هرگاه در حال احرام بستن عالماً عامداً لباس دوخته را بیرون نیاورد معصیت کرده و صحت احرامش خالی از اشکال نیست؛ ولی اگر از روی عذر باشد معصیت نکرده و احرامش صحیح است.

مسئله ۲۷۸

احتیاط آن است که آنچه را که لنگ قرار داده به گردن خود گره نزنند بلکه مطلقاً گره نزنند و با سنجاق نیز آن را به هم وصل نکنند؛ و احتیاط آن است که آنچه را به صورت هوله می‌اندازد گره و سنجاق نزنند و سنگ بین دو طرف آن نگذارد به نحوی که هوله به صورت یقه پیراهن درآید؛ و نباید پارچه احرام را چاک دهد و مانند پیراهن بپوشد؛ و هرگاه این کارها را از روی ندانستن یا فراموشی کرده باشد فوراً باز کند و به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست.

مسئله ۲۷۹

هرگاه بعد از آن که مُحرم شد پیراهن بپوشد لازم است پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد؛ بلکه بنا بر احتیاط هرگاه در پیراهن مُحرم شده باشد آن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد و بعد احرام بپوشد؛ خلاصه در هر دو صورت لباس دوخته را به نحوی از خود توضیح المناسک، ص: ۹۵ جدا کند که سر پوشیده نشود؛ و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

مسئله ۲۸۰

هرگاه فراموش کند احرام عمره تمتع را، یا از روی جهل ترک احرام کرده باشد و به خاطرش نیاید تا بعد از اتمام همه واجبات عمره و نتواند جبران کند؛ بنا بر احتیاط عمره‌اش باطل می‌شود باید به غیر حج تمتع عدول کند؛ و هرگاه بعد از تمام شدن اعمال حج به خاطرش بیاید عمره‌اش صحیح است.

مسئله ۲۸۱

شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر پس جایز است احرام بستن در حالی که وضو ندارد یا در حالی که جنب و حیض و نفاس است؛ بلی غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.

مسئله ۲۸۲

زنی که قبل از احرام برای عمره تمتع می‌داند که عادت ماهیانه او طول می‌کشد و نمی‌تواند قبل از احرام حج اعمال عمره تمتع را انجام دهد نیت را به حج افراد برگرداند؛ و هرگاه به نیت انجام وظیفه فعلی بوده و نیت عمره تمتع کرده کفایت می‌کند و حج افراد بجا آورد؛ ولی اگر با التفات به این که نمی‌تواند عمره تمتع را انجام دهد مع ذلک نیت عمره تمتع کرده صحت این احرام بلکه

حصول جدّ به آن محل اشکال است.

مسأله ۲۸۳

هرگاه مُحْرَم برای این که موقع وزش باد یا سوار شدن به ماشین و مانند آن عورتش ظاهر نشود اضافه بر آن دو هوله مثلاً یک متر پارچه ندوخته از وسط عبور بدهد به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر هوله قرار بگیرد اشکال ندارد.

مسأله ۲۸۴

لباس احرام که معلوم نیست از درآمد سالیانه تهیه شده یا غیر درآمد است؛ لازم نیست خمس آن را بدهد؛ ولی اگر بداند از درآمد است ولی نداند از منبر است یا وجوهات باید خمس آن را بدهد.

مستحبات «۱» احرام

مسأله ۲۸۵ فرموده‌اند مستحبات احرام چند چیز است: ۱ بدن خود را قبل از احرام پاکیزه نماید؛ ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه (پشت عورت و زیر شکم) را زائل کند؛ افضل آن است که با داروی نظافت باشد؛ بلکه هرگاه در مدت کمتر از پانزده روز داروی نظافت استفاده کرده باشد مستحب است همین که می‌خواهد مُحْرَم شود مجدداً از داروی نظافت استفاده کند. ۲ مسواک کند. ۳ کسی که قصد حج دارد؛ گرچه حج تمتع نباشد؛ از اول ماه ذی القعدة الحرام، و شخصی که قصد عمره مفرده را دارد یک ماه قبل، موی سر و ریش خود را رها کند آنها را اصلاح نکند؛ گرچه بعضی آن را واجب دانسته‌اند و فرموده‌اند هرگاه سرش را بترشد خونی بریزد؛ ولی این قول ضعیف است ولی شایسته است احتیاط شود. ۴ در میقات غسل احرام کند؛ و این غسل از مستحباتی است که توضیح المناسک، ص: ۹۷ خیلی در باره آن تأکید شده و بعضی آن را واجب دانسته‌اند ولی ثابت نیست اما تا ممکن است ترک نشود؛ و هرگاه عذر از استعمال آب داشته باشد می‌تواند تیمم بدل از غسل کند؛ و این غسل از زن حائض و نفساء صحیح است بلکه مستحب است؛ و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که بترسد که در میقات آب یافت نشود؛ یا ترس از استعمال آب برای سرما و ضرر داشته باشد جایز است؛ و در صورت تقدیم هرگاه در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده کند و بعد از این غسل هرگاه لباس دوخته بپوشد یا چیزی را بخورد که بر مُحْرَم حرام است مستحب است غسل را اعاده کند؛ و هرگاه در اول روز غسل کند تا آخر روز کفایت می‌کند؛ و هرگاه در اول شب غسل کند تا آخر شب کفایت می‌کند؛ بلکه هرگاه در روز غسل کند تا آخر شب کفایت می‌کند و چنانچه در شب غسل کند تا آخر روز بعد کفایت می‌کند؛ ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر مخصوصاً به خواب محدث شد مستحب است غسل را اعاده کند. ۵ دو جامه احرام از پنبه باشد. ۶ دو پارچه احرام سفید باشد. ۷ نیت احرام و نیت پوشیدن دو جامه احرام، بلکه نیت کندن لباس دوخته را به زبان آورد. ۸ احرام را به این ترتیب ببندد؛ در صورت تمکن بعد از فریضه توضیح المناسک، ص: ۹۸ ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر، و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه ادائی بعد از فریضه قضایی مُحْرَم شود؛ و در صورت عدم تمکن از آن بعد از شش یا چهار یا دو رکعت نماز نافله مُحْرَم شود؛ بعد از خواندن شش رکعت افضل است؛ هر وقت بتواند نافله‌ها را بجا آورد کراهت ندارد؛ شایسته است در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد (کافرون) را بخواند؛ و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل آن حضرت صلوات و درود بفرستد و آن گاه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ، وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ، لَا أَوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَ قَدْ ذَكَرْتَ

الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْرِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تَقْوِينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ، وَ تَسْلِيمَ مِنِّي مَنَاسِكِي فِي يُشِيرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفِدِكَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ، وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَ أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَحُلْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ أَحْرِمْ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَخِي وَ عَصْبِي، مِنَ النَّسَاءِ وَ الثِّيَابِ تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۹۹ وَ الطَّيِّبِ، أَبْتِغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ». ۹

هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي، وَ أُوْدِي بِهِ فَوْضِي، وَ أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَ أَنْتَهَى فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي، وَ قَبَلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي، وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حِضْنِي وَ كَهْفِي وَ حِزْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ مَلْجَأِي وَ مَنْجَايَ وَ ذُخْرِي وَ عُدَّتِي، فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي». ۱۰ تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند به خصوص در این موارد: الف وقت برخاستن از خواب. ب بعد از نماز واجب یا مستحب. ج هنگامی که به سواره می‌رسد. د هنگام بالا رفتن از تل و بلندی یا سرازیر شدن از آن. ه هنگام سوار شدن یا پیاده شدن. و آخر شب. ز هنگام سحر. ۱۱ مردها تلبیه را بلند بگویند. ۱۲ زن حائض و نفساء و جنب نیز این تلبیه‌ها را بگویند. ۱۳ در مسأله (۲۵۳) گذشت کسی که احرام عمره تمتع بسته تلبیه را توضیح المناسک، ص: ۱۰۰ ادامه دهد تا آن که خانه‌های مکه مکرمه را ببیند؛ و در احرام حج تا ظهر روز عرفه ادامه دهد.

مکروهات احرام

مسأله ۲۸۶ فرموده‌اند مکروهات احرام چند چیز است: ۱ احرام در جامه سیاه، بعضی احتیاط در ترک آن کرده‌اند؛ بلکه در هر جامه رنگ شده مگر رنگ سبز چنانچه از خبر خالد ابن ابی العلاء استفاده می‌شود که امام باقر علیه السلام را دیده که رداء سبز در حال احرام بر آن حضرت بوده. ۲ خوابیدن مُحْرَم بر رختخواب و بالش و پارچه زرد و سیاه. ۳ احرام بستن در جامه چرکین، گرچه پاک باشد؛ و هرگاه جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که آن را در حال احرام نشوید مگر نجس شود؛ ولی می‌تواند آن را تبدیل به احرامی تمیز کند. ۴ احرام بستن در جامه راه راه و نقش دار و مانند آن. ۵ استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند؛ چه در مرد باشد چه زن، و اگر قصد زینت داشته باشد احتیاط آن است که حنا استعمال نکند؛ ظاهراً فرقی بین حنا و رنگ‌های امروزی نیست. ۶ حمام رفتن؛ ولی آب ریختن بر سر و صورت اشکال ندارد. توضیح المناسک، ص: ۱۰۱ ۷ سائیدن مُحْرَم پا، بدن، سر و صورت خود را با کیسه، سنگ پا و مانند آن گرچه در حمام نباشد؛ زیاد مسواک زدن در صورتی که نداند باعث بیرون آمدن خون باشد و الا جایز نیست. ۸ لبیک گفتن مُحْرَم در حال احرام در جواب کسی که او را صدا می‌کند؛ بعضی احتیاط را در ترک آن دانسته‌اند ولی بعد از پایان احرام مانعی ندارد. ۹ شستن سر با سدر و خطمی. ۱۰ گفتار بی فایده و هذر. ۱۱ شستشوی بدن با آب سرد برای خنک شدن. ۱۲ کشتی گرفتن و هر کاری که در آن بیم مجروح شدن و یا ریختن مواز بدن باشد. ۱۳ شعر خواندن گرچه به حق باشد. ۱۴ تکیه دادن مخصوصاً در مسجد الحرام.

تروک یا محرّمات احرام

اشاره

در گذشته گفته شد که احرام عمره و حج تنها به نیت منعقد نمی‌شود بلکه باید با تلبیه یا آنچه که در حکم آن است باشد؛ پس از آن که مکلف احرام بست چیزهایی بر او حرام می‌شود که نباید آنها را انجام دهد و هرگاه آنها را بجا آورد چه بسا کفارہ دارد؛ و

از آنها به تروک احرام یا محرمات احرام توضیح المناسک، ص: ۱۰۲ نام می‌برند؛ ناگفته نماند که تروک احرام دو قسمند: ۱. یک قسم آن فقط در حال احرام بر مکلف حرام است و پس از این که از حال احرام به وسیله تقصیر یا حلق خارج شد حرمتی بر او ندارد؛ مانند استعمال عطریات، نگاه کردن در آینه، سرمه کشیدن در چشم، پوشیدن کفش، جوراب و لباس دوخته بر مردها و مانند اینها. ۲. قسم دیگر آن ذاتاً بر مکلف حرام است گرچه در حال احرام نباشد؛ مانند استمناء، نگاه کردن با لذت به محارم غیر از زن خود، فسوق و صید در حرم و مانند اینها، این قسم از تروک با احرام بستن شدت بیشتری پیدا می‌کند و چه بسا موجب کفاره می‌شود؛ پس معنی این که مُحرم به وسیله حلق یا تقصیر از احرام بیرون می‌آید نسبت به این قسم از تروک آن است که از جهت احرام بستن چیزی بر او نیست گرچه از جهت حرمت قبل از احرام به حال خود باقی است.

[کلیات تروک احرام]

مسئله ۲۸۷ تروک احرام یا محرمات احرام بیست و چهار چیز است: ۱. شکار حیوان صحرائی، کشتن، نگه‌داری و خوردن آن. ۲. استمتاع و بهره‌گیری مرد از زن، و زن از مرد، گرچه به دست زدن و نگاه شهوانی باشد. ۳. خواند عقد ازدواج برای خود یا دیگری. ۴. استمناء، یعنی انجام دادن کاری که باعث خارج شدن منی شود. ۵. استعمال بوی خوش. توضیح المناسک، ص: ۱۰۳. ۶. پوشیدن لباس دوخته و آنچه که در حکم آن است برای مرد. ۷. سرمه کشیدن. ۸. نگاه در آینه. ۹. پوشیدن تمام پشت پا برای مرد. ۱۰. دروغ گفتن؛ دشنام دادن؛ گفتن کلمات قبیح و فخر به دیگران. ۱۱. جدال کردن یعنی گفتن (بلی و الله) یا (نه و الله). ۱۲. کشتن جانورانی که در بدن انسان ساکن می‌شوند. ۱۳. انگشتر به دست کردن برای زینت. ۱۴. پوشیدن زیور آلات. ۱۵. روغن مالی کردن بدن. ۱۶. جدا نمودن مو از بدن خود یا غیر. ۱۷. پوشاندن مرد سر خود را به هر چه که او را پوشاند. ۱۸. پوشاندن زن صورت خود را به نقاب، روبند و برقع. ۱۹. زیر سایه رفتن مرد. ۲۰. بیرون آوردن خون از بدن. ۲۱. ناخن گرفتن. ۲۲. کندن دندان. ۲۳. کندن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده. ۲۴. سلاح برداشتن. توضیح المناسک، ص: ۱۰۴ این بود اجمالی از تروک احرام تفصیل احکام مربوطه به این امور در مسائل آینده بیان خواهد شد.

[تفصیل تروک احرام]

اول [شکار حیوان]

شکار حیوان صحرائی، کشتن، نگه‌داری و خوردن آن:

مسئله ۲۸۸

شکار کردن حیوان صحرائی، نگه‌داری و کشتن آن، چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت، پرنده باشد یا غیر پرنده، جایز نیست ولی درندگان که مُحرم بترسد به او ضرر برسانند؛ یا پرندگان درنده‌ایی که به کبوتران حرم ضرر می‌رسانند از این حکم مستثنی هستند.

مسئله ۲۸۹

مقصود از حیوان صحرائی حیوانی است که به حسب طبع اولی خود وحشی و گریزنده باشد گرچه به سبب عارضی اهلی شده باشد.

مسئله ۲۹۰

خوردن گوشت شکار بر مُحرم حرام است چه خودش شکار کرده باشد یا دیگری، چه مُحرم شکار کرده باشد یا غیر مُحرم.

مسئله ۲۹۱

نشان دادن شکار و راهنمایی شکارچی به شکار به هر نحوی که باشد حرام است.

مسئله ۲۹۲

هرگاه مُحرم حیوان صحرائی را شکار کند یا سر ببرد حکم میته را دارد؛ خوردن گوشت آن حرام است حتی برای کسی که مُحرم نیست؛ و بنا بر احتیاط واجب نماز با پوست آن باطل است.

مسئله ۲۹۳

شکار حیوان دریایی مانعی ندارد و آن حیوانی است که در آب زندگی می‌کند و تخم و جوجه در آن می‌گذارد گرچه در دریا نباشد؛ توضیح المناسک، ص: ۱۰۵ مانند ماهی، و اما حیوانی که در صحرا و دریا زندگی می‌کند ملحق به صحرائی است؛ و هرگاه شک کند حیوان صحرائی است یا نه احوط اجتناب است.

مسئله ۲۹۴

سر بریدن یا نحر و خوردن حیوان اهلی مانند مرغ خانگی، گاو، گوسفند و شتر مانعی ندارد گرچه بعداً وحشی شده باشند.

مسئله ۲۹۵

ملخ جزء پرندگان صحرائی می‌باشد شکار و خوردن آن در حال احرام جایز نیست؛ ولی رویان (میگو) از حیوانات دریایی است شکار و خوردن آن در حال احرام جایز است.

مسئله ۲۹۶

احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد؛ چه زنبور عسل باشد یا نه، مگر این که قصد آزار او را داشته باشد.

مسئله ۲۹۷

جایز نیست مُحرم شکار را نزد خود نگه دارد چه خودش آن را شکار کرده باشد گرچه شکارش پیش از احرام باشد؛ یا دیگری شکار کرده؛ و چه شکارش در حرم صورت گرفته باشد یا در بیرون آن.

مسئله ۲۹۸

جوجه و تخم هر حیوانی حکم اصل حیوان را دارد؛ هرگاه شکار حیوان حرام باشد شکار جوجه و تخم آن نیز حرام است.

مسئله ۲۹۹

کشتن افعی، مار خطرناک، عقرب و موش جایز است.

مسئله ۳۰۰

کشتن مارمولک و از این قبیل حیوانات جایز نیست مگر این که او را اذیت کنند.

مسئله ۳۰۱

بنا بر احتیاط واجب کشتن هر حیوانی جایز نیست مگر این توضیح المناسک، ص: ۱۰۶ که مودی باشند. در صید احکام دیگری هست به کتب مفصله مراجعه شود.

کفاره شکار:

اشاره

کفاره حیواناتی که شکار آنها حرام است مختلف بوده فروع زیادی دارد که در کتب مفصله آمده و به جهت این که در این زمان کمتر مورد نیاز است از ذکر آنها خودداری می‌کنیم علاقمندان می‌توانند به کتاب‌های مفصل مراجعه کنند؛ به بعضی فروع که ممکن است محل ابتلاء واقع شود اشاره می‌شود.

مسئله ۳۰۲

فرموده‌اند کفاره کشتن قطا (سنگخوار)، کبک، دراج و مانند آن یک بره است که از شیر گرفته شده و علف‌خوار باشد؛ و کفاره شکار گنجشک، قُبره (چکاوک) و صعوه (سنگامه) یک مد طعام «۱» از گندم یا جو یا نان و مانند آن، و کفاره کشتن پرندگان غیر از آنچه که ذکر شد مانند کبوتر و مانند آن یک گوسفند است؛ و کفاره کشتن جوجه آن یک بره یا بزغاله است.

مسئله ۳۰۳

کفاره کشتن یک ملخ یک دانه خرما، و یا یک مشت طعام است؛ و دومی افضل است؛ و در صورتی که بیش از یک ملخ بکشد، به تعدادی که کشته کفاره حساب می‌شود مگر این که مقداری که کشته از نظر عرف زیاد باشد در این صورت باید یک گوسفند کفاره بدهد؛ در راهی که توضیح المناسک، ص: ۱۰۷ ملخ زیاد است بایستی مُحرم راه خود را کج کند که آنها را نکشد؛ و اگر نتواند این کار را بکند کشتن آنها اشکال ندارد؛ و کفاره هم ندارد.

مسئله ۳۰۴

کفاره کشتن موش صحرائی، خارپشت و سوسمار، یک بزغاله است.

مسئله ۳۰۵

کفاره کشتن مارمولکی به نام عظایه یک مشت طعام است.

مسئله ۳۰۶

کفاره کشتن عمدی زنبور، مقداری از طعام است؛ و در صورتی که کشتن به جهت دفع اذیت باشد؛ کفاره ندارد.

مسئله ۳۰۷

هرگاه عده‌ای که مُحرمند در کشتن شکاری شرکت کردند؛ بر هر یک کفاره مستقلاً واجب است.

مسئله ۳۰۸

کفاره خوردن شکار مانند کفاره خود شکار است؛ پس هرگاه مُحرم شکاری کرد و آن را خورد؛ دو کفاره باید بدهد؛ یکی برای شکار کردن و دیگری برای خوردن آن.

مسئله ۳۰۹

فرقی نیست در وجوب کفاره در کشتن و خوردن شکار، بین این که از روی عمد، یا سهو، یا ندانستن مسأله باشد.

مسئله ۳۱۰

در شکار مکرر، کفاره نیز مکرر می‌شود.

دوم: استمناعات زن و مرد از یکدیگر:

[مسائل]

مسئله ۳۱۱

نزدیکی کردن مُحرم با زن گرچه زن خود باشد؛ و در آغوش گرفتن او با شهوت، بوسیدن، دست‌بازی، لمس و نگاه با شهوت حرام توضیح المناسک، ص: ۱۰۸ است؛ و اگر نگاه، لمس و مانند آن بدون شهوت به زن خود باشد اشکال ندارد و برای زن مُحرم همین حکم نسبت به مرد جاری است گرچه مرد مُحرم زن باشد.

مسئله ۳۱۲

گرچه بعضی فقهاء فرموده‌اند لذت بردن مرد مُحرم از زن خود به غیر آنچه که در مسأله گذشته ذکر شد؛ مانند لذت بردن از همنشینی با او یا سخن گفتن با او، شنیدن صدای او و مانند اینها جایز است؛ ولی احتیاط واجب در ترک آنها است.

مسئله ۳۱۳

هرگاه در احرام عمره مفرده از روی علم و عمد با زن خود در جلو یا عقب نزدیکی کند؛ اگر قبل از سعی باشد عمره‌اش باطل می‌شود و موجب کفاره است که بیان می‌شود؛ و بنا بر احتیاط آن را تمام کند؛ و اگر بعد از سعی قبل از تقصیر باشد عمره‌اش باطل نمی‌شود ولی کفاره دارد.

مسئله ۳۱۴

هرگاه در احرام عمره تمتع از روی علم و عمد عملی که در مسأله قبل بیان شد را انجام دهد بنا بر احتیاط واجب اگر پیش از سعی باشد عمره او فاسد است و باید احتیاطاً آن را تمام کند؛ و اگر بعد از تمام کردن عمره پیش از حج واجب بوده عمره را اعاده کند؛ و هرگاه به واسطه تنگی وقت نتواند آن را پیش از حج اعاده کند حج او افراد می‌شود باید بعد از حج، عمره مفرده انجام دهد؛ و احوط اعاده حج تمتع است در سال آینده، و اگر بعد از سعی باشد عمره را تمام کند و در هر دو صورت کفاره دارد که بیان می‌شود.

مسأله ۳۱۵

هرگاه در احرام حج این عمل از روی علم و عمد واقع شود؛ اگر قبل از وقوف به عرفات بوده حج باطل است؛ و همچنین است اگر بعد از وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعر الحرام بوده؛ و در هر دو صورت کفاره دارد که بیان می‌شود؛ و در هر دو صورت باید حج را تمام کند و در سال آینده حج بجا آورد؛ و زن اگر خود را در اختیار شوهرش قرار دهد همین حکم را دارد؛ ولی هرگاه زن مکره از طرف شوهر بوده حج او صحیح است و کفاره‌اش بر عهده شوهرش می‌باشد و لازم است از جایی که این عمل واقع شده تا پایان مناسک از یکدیگر جدا باشند؛ و هرگاه در سال آینده با هم به حج رفتند باید از محلی که این معصیت واقع شده تا آخر مناسک از هم جدا باشند؛ و اگر بعد از وقوف به عرفات و مشعر الحرام بوده دو صورت دارد: یکی آن که پیش از طواف نساء یا قبل از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده در این صورت حج او صحیح است فقط باید کفاره بدهد؛ و دوم آن که بعد از تجاوز از نصف طواف نساء مرتکب شده حج او صحیح است و کفاره هم ندارد ولی احوط است.

مسأله ۳۱۶

شوهر پس از آن که از احرام خارج شد گرچه می‌تواند از روی التذاذ به زن خود که در حال احرام است دست بزند ولی هرگاه زن لذت می‌برد نباید حاضر شود.

مسأله ۳۱۷

اگر در حال احرام با زن دائمی یا موقت خود نزدیکی کند زن بر او حرام ابدی می‌شود در صورتی که علم به حکم و موضوع داشته توضیح المناسک، ص: ۱۱۰ باشد.

کفاره استمتاع زن و مرد از یکدیگر:

مسأله ۳۱۸

هرگاه مُحرم با زن خود از روی علم و عمد در احرام عمره مفرده در جلو یا عقب نزدیکی کند اگر قبل از سعی بوده یک شتر کفاره دارد؛ بلکه هرگاه بعد از سعی بوده گفته شده یک شتر کفاره دارد.

مسأله ۳۱۹

هرگاه در عمره تمتع این عمل را از روی علم و عمد قبل از تقصیر انجام دهد اگر قبل از سعی بوده باید یک شتر کفاره بدهد؛ و اگر بعد از سعی قبل از تقصیر بوده بنا بر احتیاط واجب اگر متمکن است یک شتر، و اگر متوسط الحال است یک گاو، و اگر فقیر

است یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۳۲۰

هرگاه در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد انجام دهد اگر قبل از وقوف به مشعر الحرام بوده یک شتر کفاره دارد؛ و اگر بعد از وقوف به مشعر الحرام و قبل از انجام طواف زیارت حج بوده اگر متمکن است یک شتر، و اگر نمی‌تواند احوط دادن یک گاو، و گرنه یک گوسفند کفاره دهد؛ و اگر قبل از طواف نساء یا قبل از انجام کمتر از نصف طواف نساء باشد؛ صحیح و در هر دو صورت کفاره واجب است؛ ولی اگر بعد از تجاوز از نصف طواف نساء باشد کفاره واجب نیست ولی احوط است.

مسئله ۳۲۱

جایز نیست مُحرم زن خود را ببوسد و اگر او را از روی شهوت ببوسد و منی خارج شود لازم است یک شتر کفاره بدهد؛ و همچنین توضیح المناسک، ص: ۱۱۱ بنا بر احتیاط یک شتر کفاره دارد اگر از روی شهوت ببوسد و منی از او خارج نشده باشد؛ ولی اگر زن خود را بدون شهوت ببوسد یک گوسفند کفاره دارد.

مسئله ۳۲۲

هرگاه مردی بعد از طواف، زن خود را که در حال احرام است ببوسد در صورتی که زن راضی نبوده و اختیار نداشته بر زن چیزی نیست؛ ولی مرد بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۳۲۳

اگر مُحرم به غیر همسر خود عمداً نگاه کند چه با شهوت باشد یا بدون شهوت، هرگاه منی از او خارج شود اگر متمکن است یک شتر کفاره بدهد؛ و اگر متوسط الحال است یک گاو، و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد و هرگاه منی از او خارج نشود کفاره ندارد گرچه اگر نظر از روی شهوت بود یا نگاهی که جایز نبوده گناه کرده است.

مسئله ۳۲۴

هرگاه مُحرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند و منی از او خارج بشود یک شتر کفاره بدهد؛ ولی اگر منی خارج نشد گرچه گناه کرده ولی کفاره ندارد؛ چنانچه اگر از روی شهوت نگاه نکرده ولی بی اختیار منی از او خارج شود کفاره ندارد.

مسئله ۳۲۵

هرگاه مُحرم با همسر خود ملاعبه و دست‌بازی می‌کند اگر منی از او خارج نشود یک گوسفند کفاره بدهد؛ و اگر منی خارج شود هرگاه متمکن است یک شتر، و اگر متمکن نیست یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۳۲۶

هرگاه از مُحرم یکی از این اموری که موجب کفاره است از روی جهل به مسأله، یا از روی غفلت، یا از روی فراموشی صادر شود به توضیح المناسک، ص: ۱۱۲ عمره و حج او ضرر نمی‌رساند و کفاره هم بر او نیست.

مسئله ۳۲۷

هرگاه مُحرم با زن خود که مُحرم است از روی اجبار نزدیکی کند بر زن چیزی نیست؛ مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد؛ و اگر زن رضایت بر نزدیکی بدهد کفاره خودش بر عهده خودش می‌باشد؛ و بر مرد فقط یک کفاره واجب است.

سوم: خواندن عقد ازدواج برای خود و دیگری:

[مسائل]

مسئله ۳۲۸

جایز نیست مُحرم در حال احرام برای خود یا دیگری زنی را عقد کند؛ چه آن دیگری مُحرم باشد یا نباشد؛ و چه عقد دائم باشد یا موقت، و عقد در تمام این صورت‌ها باطل و فاسد است.

مسئله ۳۲۹

هرگاه مُحرم در حال احرام ازدواج کند اگر بداند ازدواج در حال احرام حرام است بر او حرام ابدی می‌شود چه نزدیکی با او کرده باشد یا نه، و اگر جاهل بوده گرچه عقد باطل است ولی زن بر او حرام ابدی نمی‌شود گرچه بعد از عقد با او نزدیکی هم کرده باشد می‌تواند او را به عقد خود درآورد؛ ولی در موردی که نزدیکی کرده احتیاط در ترک ازدواج است.

مسئله ۳۳۰

هرگاه کسی که مُحرم است زنی را در حال احرام عقد کند با علم به حکم شرعی، و لکن غفلت داشت که مُحرم است یا فراموش کرده بود که مُحرم است عقدش باطل است و در این که حرام ابدی می‌شود اشکال است؛ ولی احتیاط واجب آن است که با او ازدواج نکند.

مسئله ۳۳۱

هرگاه در حال احرام ازدواج کند زنی را که قطع نظر از احرام، ازدواج با او باطل بوده؛ مثل این که با خواهر زن خود ازدواج کرده یا این که زن پنجم دائمی را برای خود عقد کند؛ گرچه بعضی فقهاء فرموده‌اند حرام ابدی می‌شود و نمی‌تواند در صورتی که خواهرش در ازدواج او نباشد و یا در صورتی که زن‌هایش کمتر از چهارتا بشوند او را عقد کند؛ ولی محل اشکال است احتیاط واجب آن است که با او ازدواج نکند.

مسئله ۳۳۲

هرگاه مردی که مُحرم نیست زن در حال احرام را عقد کند عقدش باطل است و احتیاط آن است که او را طلاق دهد؛ و در صورت علم به مسأله احتیاط آن است که او را طلاق دهد و با او هیچ وقت ازدواج نکند.

مسئله ۳۳۳

فرقی نیست در باطل بودن عقد نکاح در حال احرام و حرام شدن ابدی در صورت علم به حرمت بین این که در احرام حج واجب باشد یا مستحب، و یا در احرام عمره واجب بوده یا مستحب.

مسئله ۳۳۴

چنانچه مشهور فرموده‌اند جایز نیست مُحرم شاهد برای عقد ازدواج بشود گرچه آن عقد برای مُحرم باشد؛ بلکه احتیاط واجب آن است که در مجلس عقد ازدواج حاضر نشود؛ بلکه احتیاط آن است که از شهادت دادن بر واقع شدن عقد ازدواج در سابق نیز بپرهیزد گرچه پیش از احرام در مجلس عقد حاضر بوده.

مسئله ۳۳۵

احتیاط واجب آن است که در حال احرام خواستگاری نکند ولی رجوع کردن به زنی که او را طلاق رجعی داده مانعی ندارد.

کفاره خواندن عقد ازدواج:

مسئله ۳۳۶ هر گاه برای کسی که مُحرم است زنی را عقد کند و مُحرم با آن زن نزدیکی کند؛ در صورتی که عقد کننده و مُحرم و زنی که برایش عقد کرده عالم به حکم و موضوع آن (یعنی بداند که مُحرم است) بودند؛ باید هر یک از آن سه نفر یک شتر کفاره بدهند؛ و در آنچه که ذکر شد فرق نیست بین آن که زن و کسی که عقد خوانده در حال احرام باشند یا نباشند؛ و اگر بعضی حکم و موضوع را می‌دانند و بعضی نمی‌دانند؛ بر آنانی که نمی‌دانند کفاره نیست.

چهارم: استمناء:

[مسائل]

مسئله ۳۳۷

استمناء، یعنی انجام کاری به وسیله دست یا غیر آن و لو به وسیله خیال و تصورات مناظر شهوی یا بازی کردن با زن خود یا دیگری که موجب خارج شدن منی از انسان بشود؛ بر مُحرم حرام است.

مسئله ۳۳۸

احتیاط واجب آن است که استمناء زن هم حکم استمناء مرد را داشته باشد.

مسئله ۳۳۹

استمناء حکم نزدیکی و مجامعت را دارد در جایی که جماع موجب بطلان است استمناء هم سبب بطلان می‌شود به تفصیلی که در جماع گفته شد مراجعه شود.

کفاره استمناء:

مسئله ۳۴۰ هر گاه از روی عمد کاری کند که از او منی خارج شود به نحوی که بیان شده باید یک شتر کفاره بدهد؛ ولی هر گاه به

شنیدن صدای زن یا نظر افتادن به بدن زن بی اختیار از او منی خارج شود کفاره ندارد.

پنجم: استعمال بوی خوش:

[مسائل]

مسئله ۳۴۱

استفاده مُحرم از عطریات مانند مشک، زعفران، کافور، عود و عنبر حرام است؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب مُحرم استفاده از هر ماده‌ای که برای خوشبو کردن بدن یا لباس یا خوراک یا غیر اینها مورد استفاده قرار می‌گیرد مانند عطر گل محمدی، یاس رازقی، ادکلن و مانند آنها اجتناب کند.

مسئله ۳۴۲

فرق نمی‌کند در حرمت استفاده مُحرم از عطریات بین این که به وسیله بوئیدن باشد؛ یا خوردن، یا مالیدن، گرچه قبل از احرام بر لباس یا بدن مالیده و اثرش باقی باشد؛ و بخور دادن؛ بلکه با پراکنده کردن در فضا به وسیله اسپری و مانند آن باشد؛ و بنا بر احتیاط واجب از شامپو و صابون و سیگاری که بوی عطر دارد اجتناب کند.

مسئله ۳۴۳

بنا بر آنچه در مسئله گذشته اشاره شد مالیدن عطر بر لباس و بدن جایز نیست؛ و اگر به بدن و لباس بریزد لازم است فوراً آن را با شستن و مانند آن زائل کند؛ و همچنین پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد گرچه توضیح المناسک، ص: ۱۱۶ قبل از احرام عطر به آن زده یا مالیده باشند؛ و همچنین خوردن غذایی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد مانند زعفران، جایز نیست.

مسئله ۳۴۴

هرگاه به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد مجبور شود باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد؛ مگر این که موجب عسر و حرج باشد در این صورت گرفتن بینی لازم نیست.

مسئله ۳۴۵

احتیاط اجتناب از گل‌ها یا سبزی‌های خوشبو است؛ حتی انواع صحرایی آن مانند بومادران، چنانچه احتیاط اجتناب از دارچین، زنجبیل، هل و مانند آن است.

مسئله ۳۴۶

لازم نیست از خوردن میوه‌های خوشبو مانند سیب و به، اجتناب کند ولی احتیاط آن است که آنها را نبوید.

مسئله ۳۴۷

گرفتن دماغ از بوی بد جایز نیست ولی تند رفتن از جایی که بوی بد می‌آید مانعی ندارد.

مسئله ۳۴۸

خرید و فروش عطریات و نگاه کردن به آنها اشکال ندارد؛ لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال نماید.

مسئله ۳۴۹

گرچه مشهور فرموده‌اند استعمال خلوق کعبه معظمه و آن چیزی است که کعبه معظمه را با او خوش بو می‌کنند جایز است؛ ولی چون معلوم نیست که خلوق چیست؛ گفته می‌شود قسمت زیاد آن زعفران است؛ و آنچه اکنون استفاده می‌شود معلوم نیست چه می‌باشد؛ احتیاط آن است که از آن اجتناب شود.

کفاره استفاده از بوی خوش:**مسئله ۳۵۰**

مشهور فرموده‌اند کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است؛ ولی در مورد خوردن یقینی است و در استعمالات دیگر آن بنا بر احتیاط واجب است.

مسئله ۳۵۱

هرگاه استعمال بوی خوش را مکرراً در یک زمان، یا در یک مجلس به نحوی باشد که عرفاً آن را یک بار استعمال بدانند؛ دادن یک گوسفند کفایت می‌کند و در غیر آن باید کفاره را به تعداد استعمال تکرار کند.

ششم: پوشیدن لباس دوخته و مانند آن برای مرد:**[مسائل]****مسئله ۳۵۲**

پوشیدن لباس دوخته مثل پیراهن، شلوار، زیر شلوار، قبا، لباده و مانند آنها بر مُحرم مرد حرام است؛ بلکه پوشیدن چیزهایی که شبیه به دوخته است؛ مانند لباس‌هایی که با دست یا چرخ می‌بافند؛ یا چیزهایی که با نم‌شکل بالا پوش چوپان یا مثل کلیجه و پستک و مانند آن درست می‌کنند؛ یا لباس‌هایی که قطعات آن را به هم می‌چسبانند بر مُحرم مرد حرام است.

مسئله ۳۵۳

جایز نیست پوشیدن کلاه نمدی، عرقچین، شب کلاه و مانند آنها، ولی بستن همیان که برای حفظ پول بر کمر می‌بند مانعی ندارد؛ ولی هرگاه بتواند از همیان ندوخته، چنانچه در این زمان درست می‌کنند؛ استفاده کند از همیان دوخته استفاده نکند.

مسئله ۳۵۴

فتق بند اگر دوخته باشد در صورتی که ضرورت داشته باشد و ندوخته نباشد؛ جایز است ولی احتیاط دادن کفاره است.

مسئله ۳۵۵

احتیاط آن است که حمل قمقمه که در محفظه دوخته نگه‌داری می‌شود به دوش نیندازد به دست بگیرد.

مسأله ۳۵۶

هرگاه به لباس دوخته احتیاج پیدا کند و ضرورت داشته باشد جایز است بپوشد ولی باید کفاره بدهد.

مسأله ۳۵۷

پوشیدن لباس دوخته برای خانم‌ها به هر اندازه‌ای که بخواهند جایز است و کفاره ندارد؛ ولی پوشیدن قفازین بر زنان جایز نیست و آن چیزی بوده که به جای دستکش امروزه زن‌های عرب در آن پنبه می‌گذاشتند و برای حفظ از سرما به دست می‌کردند؛ گفته می‌شود برای قفازین تکمه بوده که بر بازو می‌بستند و آن را برای زینت می‌پوشیدند؛ بعید نیست پوشیدن دست‌کش برای خانم‌ها همین حکم را داشته باشد.

کفاره پوشیدن لباس دوخته:

مسأله ۳۵۸

کفاره پوشیدن لباسی که بر مُحرم حرام می‌باشد یک گوسفند است؛ و در صورت اضطرار گرچه پوشیدن آن جایز است ولی باید کفاره بدهد؛ مگر این که دادن کفاره برایش عسر و حرج داشته باشد در این صورت کفاره واجب نیست.

مسأله ۳۵۹

در صورتی که از روی سهو و فراموشی یا از روی نادانی توضیح المناسك، ص: ۱۱۹ لباسی که برای مُحرم حرام است بپوشد کفاره ندارد.

مسأله ۳۶۰

هرگاه مُحرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثلاً پیراهن، قبا و عبا بپوشد؛ یا چند لباس از یک نوع بپوشد؛ برای هر یک جداگانه کفاره بدهد گرچه یک جا بپوشد؛ ولی در صورتی که لباس‌های متعدد را روی هم کرده یک دفعه بپوشد به نحوی که یک پوشیدن صدق کند یک کفاره دارد؛ ولی مع ذلک احتیاط دادن کفاره است برای هر کدام مخصوصاً در موردی که چند نوع لباس را یک جا بپوشد.

مسأله ۳۶۱

هرگاه یک نوع لباس بپوشد مثلاً پیراهن بپوشد و کفاره دهد؛ و باز پیراهن دیگر بپوشد؛ یا آن پیراهن را که پوشیده بکند و باز بپوشد؛ برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.

هفتم: سر مه کشیدن:

مسئله ۳۶۲

برای مُحرم سرمه سیاه کشیدن در صورتی که در آن زینت باشد حرام است گرچه مُحرم قصد زینت نداشته باشد؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب از کشیدن هر گونه سرمه که در آن زینت باشد هر چند سیاه نباشد خودداری کند؛ بلکه اگر بوی خوش در سرمه باشد بنا بر اقوی اجتناب کند.

مسئله ۳۶۳

حرام بودن سرمه کشیدن اختصاص به زن ندارد برای مرد هم حرام است.

مسئله ۳۶۴

در صورتی که مُحرم برای معالجه ناچار به کشیدن سرمه توضیح المناسک، ص: ۱۲۰ باشد اشکال ندارد.

کفاره سرمه کشیدن:

مسئله ۳۶۵ بنا بر احتیاط واجب هرگاه عمداً سرمه بکشد کفاره دارد و احتیاط دادن یک گوسفند است؛ بلکه هرگاه در سرمه بوی خوش باشد بنا بر اقوی کفاره دارد.

هشتم: نگاه کردن در آئینه:**[مسائل]****مسئله ۳۶۶**

نگاه کردن مُحرم در آئینه برای زینت دادن خود و اصلاح سر و صورت خود جایز نیست؛ بلکه احتیاط نگاه نکردن در آئینه است گرچه برای زینت نباشد؛ ولی هرگاه نگاه در آن برای جهت دیگری باشد؛ مانند نگاه کردن راننده ماشین در آئینه به جهت دیدن ماشین‌هایی که در پشت سرش این طرف و آن طرف قرار دارند اشکال ندارد.

مسئله ۳۶۷

حرمت نگاه کردن در آئینه اختصاص به زن ندارد بر مرد هم جایز نیست.

مسئله ۳۶۸

اجسام صاف و صیقل داده شده که عکس در آن پیدا است بنا بر احتیاط حکم آئینه را دارد؛ و همچنین است نگاه کردن در آب صاف هرگاه در آن عکس به خوبی دیده شود.

مسئله ۳۶۹

هرگاه در محلی باشد که آئینه در آنجا است و بداند گاهی سهواً چشمش به او می‌افتد اشکال ندارد؛ ولی احتیاط آن است که آئینه

را توضیح المناسک، ص: ۱۲۱ بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

مسئله ۳۷۰

نگاه کردن به وسیله عینک مانعی ندارد ولی در صورتی که عینک زدن عرفاً زینت محسوب شود گرچه قصد زینت نداشته باشد؛ یا به قصد زینت استفاده کند جایز نیست؛ چنانچه خواهد آمد.

کفاره نظر کردن در آینه:

مسئله ۳۷۱ گرچه فرموده‌اند در نظر کردن در آینه کفاره نیست بلکه مستحب است بعد از نگاه کردن در آینه لبیک بگوید و بعضی فرموده‌اند کفاره آن استغفار است؛ ولی بنا بر احتیاط کفاره آن دادن یک گوسفند است.

نهم: پوشیدن تمام پشت پا برای مرد:

[مسائل]

مسئله ۳۷۲

پوشیدن کفش، جوراب، چکمه و هر چه که تمام روی پا را می‌پوشاند برای مرد مُحرم جایز نیست؛ ولی برای زن مُحرم مانعی ندارد ولی احتیاط آن است که زن‌ها هم مراعات کنند.

مسئله ۳۷۳

پوشیده شدن روی پا هنگام راه رفتن، نشستن و خوابیدن به وسیله هوله احرام یا ملافه و روانداز هنگام خواب اشکال ندارد.

مسئله ۳۷۴

هرگاه مرد مُحرم مضطر شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می‌گیرد احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.

کفاره پوشیدن پشت پا:

مسئله ۳۷۵ در صورتی که عمداً پشت پا را بپوشاند احتیاط واجب آن توضیح المناسک، ص: ۱۲۲ است که یک گوسفند کفاره بدهد و در صورتی که از روی سهو یا فراموشی یا نادانی پشت پا را بپوشاند کفاره ندارد.

دهم: دروغ گفتن، دشنام دادن و فخر کردن به دیگران:

[مسائل]

مسئله ۳۷۶

فسوق که عبارت از دروغ گفتن، دشنام دادن و فخر کردن به دیگران که مستلزم اهانت و تحقیر مؤمن باشد؛ گرچه در هر حال حرام است ولی حرمت آن در حال احرام شدیدتر است باید کسی که احرام بسته از آنها پرهیز کند؛ بلکه باید از فخر کردن به دیگران در

حال احرام گرچه اهانت و تحقیر به دیگران نباشد اجتناب کند.

مسئله ۳۷۷

مراد از فخر کردن این است که در مقابل دیگران به نسب یا مال یا مقام و منصب و مانند اینها افتخار و مباهات کند.

کفاره دروغ و ..:

مسئله ۳۷۸ گرچه مشهور فرموده‌اند اگر مُحرم دروغ بگوید یا دشنام دهد یا فخر کند غیر از استغفار و گفتن لبیک چیزی بر او نیست چنانچه از صحیح حلبی استفاده می‌شود؛ ولی چنانچه صحیح سلیمان ابن خالد دلالت دارد و بعضی فرموده‌اند احتیاط آن است که یک گاو کفاره بدهد.

یازدهم: جدال کردن:

[مسائل]

مسئله ۳۷۹

جدال کردن و آن گفتن "لا- و الله" برای نفی مطلبی، و یا توضیح المناسک، ص: ۱۲۳ گفتن "بلی و الله" برای اثبات مطلبی بر مُحرم حرام است.

مسئله ۳۸۰

هرگاه معنی و مرادف "لا و الله" یا "بلی و الله" را به زبان‌های دیگر بگوید بنا بر احتیاط واجب جدال است؛ مثلاً در زبان فارسی بگوید "نه به خدا" یا "بلی به خدا".

مسئله ۳۸۱

قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا رد آن جدال است گرچه با "لا" یا "بلی" شروع نشده باشد.

مسئله ۳۸۲

احتیاط واجب آن است که سایر اسماء حسنی الهی مانند رحمان، یا رحیم، یا خالق السموات و الارض، ملحق به لفظ جلاله الله است.

مسئله ۳۸۳

قسم خوردن به غیر ذات مقدس الهی از مقدسات دیگر مانند نام رسول خدا صلی الله علیه و آله یا یکی از ائمه معصومین علیهم السلام جدال محسوب نمی‌شود چه رسد به این که بگوید "نه به جان تو" یا "بله به جان شما".

مسئله ۳۸۴

هر گاه در قسم جنبه خبری در او نباشد؛ مثلاً قسم بخورد برای درخواست چیزی از طرف، مثلاً بگوید: «تو را به خدا قسم این را به من بده» یا برای تأکید تصمیم و اراده انجام عملی بگوید: «و الله این چیز را به تو خواهم داد» جدال نیست.

مسئله ۳۸۵

هر گاه جدال در مقام ضرورت باشد به این که اگر قسم نخورد حقیقت ضایع می‌شود جایز است.

کفاره جدال:

مسئله ۳۸۶

اگر جدال کننده در قسم خوردن راست گو باشد در کمتر از توضیح المناسک، ص: ۱۲۴ سه مرتبه پی در پی چیزی بر او نیست مگر استغفار، و در مرتبه سوم باید یک گوسفند کفاره بدهد؛ و اگر قسم‌های پی در پی او از سه مرتبه بیشتر باشد کفاره تکرار نمی‌شود؛ ولی هر گاه بعد از سه بار یا بیشتر که قسم خورد کفاره بدهد و مجدداً سه بار یا بیشتر قسم بخورد بنا بر احتیاط باید کفاره دیگر بدهد.

مسئله ۳۸۷

اگر جدال کننده در قسم خوردن دروغ گو باشد در مرتبه اول یک گوسفند کفاره بدهد؛ و احتیاط آن است که در مرتبه دوم یک گاو، و در مرتبه سوم یک شتر کفاره بدهد؛ و احتیاط کامل به این است که در مرتبه دوم جمع کند بین دو گوسفند و گاو، و در مرتبه سوم جمع کند بین گاو و شتر.

مسئله ۳۸۸

هر گاه جدال کننده در قسم خوردن به دورغ در دفعه اول یک گوسفند کفاره داد؛ اگر بعد از آن در جدال دوم و سوم دروغ بگوید بعید نیست باید به ترتیبی که گذشت کفاره بدهد؛ پس اگر در دفعه اول یک گوسفند کفاره داد پس از دادن کفاره جدال به دورغ قسم بخورد احتیاطاً یک گاو کفاره دهد؛ و اگر بعد از دادن کفاره جدال قسم به دورغ بخورد گفته‌اند احتیاطاً یک شتر کفاره بدهد؛ و احتیاط کامل در مسئله گذشته بیان شد.

مسئله ۳۸۹

هر گاه در جدال به دورغ ده مرتبه یا بیشتر قسم بخورد؛ گرچه فرموده‌اند اگر بعد از سه مرتبه یا بیشتر باشد اگر کفاره را نداده فقط یک شتر کفاره بدهد؛ و اگر داده در این صورت در دفعه اول یک گوسفند، و در دفعه دوم یک گاو، در دفعه سوم یک شتر کفاره دهد؛ ولی احتیاط آن است توضیح المناسک، ص: ۱۲۵ که فرقی بین دادن کفاره و ندادن آن نمی‌کند و در موردی که کفاره نداده حکم موردی را دارد که کفاره داده.

دوازدهم: کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند:

[مسائل]

مسئله ۳۹۰

کشتن جانورانی که در بدن به وجود می‌آیند مانند شپش، بر مُحرم حرام است گرچه به وسیله حشره کش باشد؛ و ظاهراً فرقی نمی‌کند که خود مُحرم مباشرةً آن را بکشد یا به نحوی سبب کشته شدن او شود.

مسئله ۳۹۱

انداختن شپش از بدن و لباس جایز نیست.

مسئله ۳۹۲

جایز نیست نقل دادن شپش از مکانی که محفوظ است به جایی که از آنجا ساقط می‌شود؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب جایز نیست آن را به محلی که در معرض سقوط است نقل دهد؛ بلکه بنا بر احتیاط آن را از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهد در صورتی که در مکان اول محفوظتر بماند؛ ولی هرگاه محل دیگر از بدن محفوظتر باشد؛ یا در حفظ و نگهداری آن مانند اول باشد مانع ندارد؛ ولی مع ذلک بهتر این است که آن را از جای خود نقل ندهد.

مسئله ۳۹۳

بنا بر احتیاط واجب پشه و کیک «۱» و کنه «۲» و مانند آن را توضیح المناسک، ص: ۱۲۶ نکشد؛ و اما راندن آنها ظاهراً جایز است هر چند احتیاط در ترک است خصوصاً در حرم، ولی در صورتی که ضرری از آنها متوجه مُحرم شود جایز است گرچه احتیاط آن است که خصوصاً در حرم، تا می‌تواند او را نکشد و از خود دور نکند.

مسئله ۳۹۴

جایز نیست که کیک و کنه را که در بدن حیوان مانند شتر ساکن است بکشد.

کفاره کشتن جانوران بدن:

مسئله ۳۹۵ در کشتن حیوان یا انتقال دادن آن از جایی به جایی خصوصاً شپش، احتیاط واجب دادن یک مشت طعام صدقه است.

سیزدهم: انگشتی به دست کردن برای زینت:**اشاره**

مسئله ۳۹۶ انگشتی به دست کردن به قصد زینت بر مرد مُحرم یا زنی که در حال احرام است حرام است؛ بلکه بنا بر احتیاط اگر زینت حساب شود اجتناب کند گرچه قصد زینت نداشته باشد؛ ولی استفاده از انگشتی عقیق و فیروزه و مانند آنها برای استحباب شرعی، یا خاصیتی که در آنها است؛ یا به جهت حفظ و نگهداری آنها از گم شدن؛ یا حساب شوط طواف و سعی اشکال ندارد.

کفاره انگشتی به دست کردن:

مسئله ۳۹۷ کفاره انگشتی به دست کردن به قصد زینت بنا بر احتیاط توضیح المناسک، ص: ۱۲۷ یک گوسفند است.

چهاردهم: پوشیدن زیور آلات:**[مسائل]****مسئله ۳۹۸**

مردی که مُحرم است و زنی که در حال احرام است باید از هر چیزی که عرفاً زینت شمره می‌شود اجتناب نماید؛ بلکه بنا بر احتیاط اگر زینت حساب شود اجتناب کند گرچه قصد زینت نداشته باشند؛ و شایسته است در حال احرام از هر چیزی که منافات با سادگی دارد پرهیزد.

مسئله ۳۹۹

حنا بستن در صورتی که به قصد زینت باشد بر مُحرم چه زن باشد چه مرد، جایز نیست؛ بلکه اگر زینت حساب شود گرچه قصد زینت نداشته باشد اجتناب کند؛ اما استعمال آن جهت درمان اشکال ندارد.

مسئله ۴۰۰

هرگاه قبل از احرام حنا ببندد به قصد ادامه زینت در حال احرام، احوط اجتناب است.

مسئله ۴۰۱

بنا بر احتیاط زن از زیورهایی که عادت به پوشیدن آنها قبل از احرام داشته اجتناب کند؛ مگر آن که قصد زینت به آنها را نداشته باشد و برای نگه‌داری از گم شدن پوشیده باشد؛ در این حال برای شوهرش و مردان، حتی مردانی که با او مُحرمند ظاهر نسازد و نشان ندهد؛ اما نشان دادن به زنان مانعی ندارد.

کفاره پوشیدن زیور آلات:

مسئله ۴۰۲ کفاره پوشیدن زیور آلات بر مُحرم و حنا بستن به قصد توضیح المناسک، ص: ۱۲۸ زینت بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

پانزدهم: روغن مالیدن به بدن:**[مسائل]****مسئله ۴۰۳**

جایز نیست کسی که احرام بسته بدن خود را روغن مالی کند هر چند بوی خوشی در آن نباشد؛ ولی خوردن روغنی که خالی از مواد خوشبو کننده مثل زعفران باشد اشکال ندارد؛ گرچه روغن به خودی خودش خوشبو باشد.

مسئله ۴۰۴

جایز نیست استعمال روغنی که بوی خوش دارد قبل از احرام بستن هرگاه بداند اثرش تا وقت احرام باقی می‌ماند.

مسئله ۴۰۵

روغن مالی بدن در حال ضرورت مثل معالجه تَرَک خوردگی و مانند آن اشکال ندارد؛ گرچه روغن خوشبو باشد.

کفاره روغن مالیدن:

مسئله ۴۰۶ هرگاه بدن خود را روغن مالی کند در صورتی که در حال علم و التفات باشد؛ اگر روغن خوشبو نباشد کفاره ندارد؛ ولی اگر خوشبو باشد کفاره آن یک گوسفند است اگر چه از روی اضطرار باشد؛ و اگر از روی علم و التفات نبوده کفاره‌اش اطعام یک فقیر است.

شانزدهم: جدا نمودن مو از بدن:**[مسائل]****مسئله ۴۰۷**

جایز نیست مُحرم موی سر، صورت و سایر بدن خود را توضیح المناسک، ص: ۱۲۹ جدا کند؛ چه به تراشیدن و کندن و استعمال دارو باشد؛ یا قیچی کردن؛ بلکه جایز نیست این کارها را در باره دیگری گرچه مُحرم نباشد انجام دهد.

مسئله ۴۰۸

فرقی نیست بین این که مو زیاد باشد یا کم، حتی کندن یک مو، یا جدا کردن قسمتی از یک مو هم جایز نیست.

مسئله ۴۰۹

جدا کردن مو هرگاه از روی ضرورت باشد جایز است؛ مثل این که شپش زیاد در سر و بدن او است و او را اذیت می‌کند؛ یا موی زیاد سرش موجب سردرد شدید شده؛ یا مو در پلک چشمش تولید شده و او را ناراحت کرده باشد.

مسئله ۴۱۰

هرگاه هنگام غسل، یا وضو، یا تیمم، یا تطهیر بدن از نجاست، یا برطرف کردن مانعی که به بدن چسبیده باشد و مانع از رسیدن آب به بدن باشد و مانند آنها مویی از بدن مُحرم بدون این که قصد جدا کردن داشته باشد جدا شود اشکال ندارد.

کفاره جدا کردن مو:**مسئله ۴۱۱**

هرگاه کسی که مُحرم است سر خود را بدون این که ضرورت داشته باشد بتراند کفاره آن یک گوسفند است؛ و هرگاه از روی ضرورت باشد کفاره آن یکی از سه چیز است: ۱ یک گوسفند. ۲ سه روز روزه. توضیح المناسک، ص: ۱۳۰ ۳ اطعام شش مسکین به هر یک دو مد طعام. «۱»

مسئله ۴۱۲

هرگاه موی سر خود را بدون تراشیدن جدا کند؛ مثل این که آن را بکند یا بسوزاند یا با داروی نظافت از بین ببرد؛ بنا بر احتیاط واجب حکم تراشیدن را دارد.

مسئله ۴۱۳

هرگاه مقداری از سر خود را بتراشد؛ مثلاً نصف یا ثلث و ربع آن را بتراشد احتیاط آن است که حکم تراشیدن تمام سر را دارد.

مسئله ۴۱۴

هرگاه موهای زیر هر دو بغل خود را جدا کند کفاره آن یک گوسفند است؛ و همچنین است بنا بر احتیاط واجب هرگاه موی زیر یک بغل خود را جدا کند یک گوسفند کفاره بدهد؛ بعضی فرموده‌اند در این صورت مخیر است بین دادن گوسفند و اطعام سه مسکین.

مسئله ۴۱۵

خاراندن مُحرم سر و صورت خود را در صورتی که سبب افتادن مو نشود و خون از سر و صورت و بدنش نیاید اشکال ندارد؛ ولی هرگاه بی جهت بدون این که غرض عقلایی داشته باشد دست به سر و صورت خود بکشد و یک مو یا بیشتر جدا شود واجب است یک مشت طعام به مسکین بدهد؛ ولی هرگاه جدا شدن مو در اثر وضو گرفتن و مانند آن باشد کفاره‌ایی واجب نیست.

هفدهم: پوشاندن سر برای مرد:**[مسائل]****مسئله ۴۱۶**

جایز نیست مرد مُحرم تمام سر یا قسمتی از آن را بپوشاند و فرقی نیست بین پوشاندن سر با روسری، لباس و مانند اینها، و بین پوشاندن آن به چیزی غیر پوششی مانند پوشال، گل، حنا، دوا و مانند اینها، ولی پوشاندن صورت برای مرد مُحرم اشکال ندارد.

مسئله ۴۱۷

گذاشتن پا بر روی سر یا روی دوش به طوری که قسمتی از سر را بپوشاند جایز نیست؛ ولی گذاشتن بند مشک آب بر سر هنگام حمل مشک، و بستن سر با مثل دستمال به علت سردرد و مانند آن اشکال ندارد.

مسئله ۴۱۸

دست کشیدن به سر هنگام غسل کردن؛ و مسح کردن آن هنگام وضو گرفتن اشکال ندارد؛ و همچنین جایز است خاراندن سر در صورتی که بداند مویی از سرش نمی‌ریزد یا خون نمی‌آید؛ ولی احتیاط آن است که بی جهت دست‌ها را بر روی سر ننگه ندارد مخصوصاً اگر مدت گذاشتن طولانی باشد.

مسئله ۴۱۹

گذاشتن سر روی بالش یا فرش برای خواب و استراحت گرچه قسمتی از سر را بپوشاند جائز است.

مسئله ۴۲۰

هرگاه مُحرم سر خود را شست نباید آن را با هوله یا دستمال و مانند آن خشک کند؛ و بعضی سر حکم تمام سر را دارد؛ ولی هرگاه به نحوی خشک کند که سر پوشیده نشود اشکال ندارد.

مسئله ۴۲۱

رفتن مُحرم در پشه‌بند یا جایی که پارچه‌ای را روی کمان یا طنابی بیندازند به نحوی که بالای سر باشد و سرش را برای حفظ از پشه و مانند آن زیر آن قرار دهد اشکال ندارد.

مسئله ۴۲۲

مرد نباید هنگام خواب سر خود را بپوشاند و هرگاه بدون التفات پوشیده شد باید فوراً بعد از التفات آن را باز کند؛ و همچنین هرگاه از روی فراموشی پوشانید واجب است بعد از توجه فوراً سر را باز کند؛ و مستحب بلکه احتیاط گفتن لیکن است بعد از آن.

مسئله ۴۲۳

جائز نیست مرد مُحرم تمام سر خود را زیر آب یا مایعات دیگر فرو برد؛ بلکه بعضی سر را هم فرو نبرد؛ گوش در اینجا حکم سر را دارد نباید آن را در آب و مانند آن فرو برد؛ خلاصه منظور از سر در این حکم بالای گردن است.

مسئله ۴۲۴

آب ریختن بر سر، و دوش گرفتن برای مُحرم جایز است؛ ولی زیر آبشار و مانند آن که سر را فرا می‌گیرد جایز نیست.

کفاره پوشانیدن سر:

مسئله ۴۲۵

کفاره پوشاندن تمام سر دادن یک گوسفند است؛ بلکه بنا بر احتیاط دادن کفاره است برای پوشاندن بعضی سر.

مسئله ۴۲۶

ظاهر این است در مواردی که پوشانیدن سر جایز است؛ و در موردی که پوشاندن آن از روی ناچاری صورت می‌گیرد کفاره واجب توضیح المناسک، ص: ۱۳۳ نیست؛ ولی احتیاط در مورد اضطرار دادن کفاره است.

مسئله ۴۲۷

احتیاط آن است که هرگاه مکرراً سر را بپوشاند کفاره تکرار شود؛ مخصوصاً اگر مجلس متعدد و بعد از دادن کفاره باشد.

مسئله ۴۲۸

کفاره در صورتی واجب می‌شود که از روی علم به مسئله و عمد سر خود را بپوشاند؛ پس هرگاه از روی ندانستن مسئله، یا غفلت، سهو و نسیان باشد کفاره ندارد.

مسئله ۴۲۹

هرگاه سر خود را به چیزی بپوشاند و روی آن را دستمال دیگری ببندد کفاره متعدد نمی‌شود.

هیجدهم: پوشاندن صورت بر زنان:**[مسائل]****مسئله ۴۳۰**

جایز نیست زن در حال احرام صورت خود را به پوشیه یا نقاب یا باد بزن و یا هر چیز دیگری بپوشاند؛ احتیاط واجب آن است که قسمتی از صورت خود را هم نپوشاند؛ لذا پوشیدن مقنعه که اطراف صورت را می‌پوشاند خلاف احتیاط است.

مسئله ۴۳۱

جایز است صورت خود را در حال ضرورت بپوشاند؛ و همچنین جایز است برای یقین پیدا نمودن پوشیدن سر که در نماز واجب است فقط به مقداری که یقین به پوشیدن سر باشد اطراف صورت خود را بپوشاند نه بیشتر از آن، ولی همین که تمام شد باید فوراً پوشش را از صورت بردارد.

مسئله ۴۳۲

جایز نیست بنا بر احتیاط صورت خود را با هوله یا دستمال هر چند تمام صورت خود را بپوشاند خشک کند؛ ولی هرگاه به نحوی خشک کند که صورت پوشیده نشود اشکال ندارد.

مسئله ۴۳۳

هرگاه زن مُحرم دست‌های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد ولی بهتر است تا ضرورت نباشد این کار را نکند.

مسئله ۴۳۴

هرگاه صورت خود را برای خوابیدن و استراحت روی بالش یا فرش بگذارد مانع ندارد.

مسئله ۴۳۵

زن در حال احرام جایز است که صورت خود را از نامحرم بپوشاند به این کیفیت که طرف چادر یا هر چیزی را که با آن سر خود را پوشانده به طرف صورت رها کند و تا محاذی بینی بیاورد؛ و در مورد ضرورت می‌تواند تا محاذی گردن پایین بیاورد؛ ولی بنا بر

احتیاط واجب بیش از محاذی بینی پایین نیاورد و احتیاط آن است که این پوشش از صورت به وسیله دست یا چیز دیگری فاصله داشته باشد و به صورت نچسبد.

مسأله ۴۳۶

زن در حال احرام باید سعی کند که مقنعه در حال پوشیدن و کندن؛ صورتش را نپوشاند.

کفاره پوشانیدن صورت زن:

مسأله ۴۳۷ گرچه بعضی برای پوشاندن صورت زنی که مُحرم است توضیح المناسک، ص: ۱۳۵ دادن یک گوسفند به عنوان کفاره را واجب و بعضی مستحب دانسته‌اند؛ ولی احتیاط واجب دادن یک گوسفند است.

نوزدهم: زیر سایه رفتن مرد:

[مسائل]

مسأله ۴۳۸

جایز نیست بر مرد در حال احرام هنگامی که در حال سیر و پیمودن راه است خود را زیر سقف ماشین، هواپیما، کشتی، محمل، چتر و مانند آنها قرار دهد؛ در این حکم فرقی نیست که مرد مُحرم سواره باشد یا پیاده در صورتی که جسم سایه دار بالای سرش قرار گرفته باشد؛ ولی در سایه ابر متحرک قرار گرفتن اشکال ندارد.

مسأله ۴۳۹

سایه قرار دادن مرد مُحرم جسم سایه‌دار متحرک را هنگامی که در منزل فرود آمده؛ مثلاً در مکه مکرمه یا در منی اشکال ندارد؛ پس می‌تواند در مکه، عرفات و منی مثلاً زیر چتر قرار گیرد گرچه در حال راه رفتن باشد؛ بنا بر این می‌تواند در منی از چادر خود تا جایی که برای قربانی کردن می‌رود؛ یا برای رمی جمرات می‌رود با چتر برود؛ گرچه احتیاط مستحب آن است که در حال راه رفتن زیر چتر نباشد.

مسأله ۴۴۰

هرگاه مردی که مُحرم است در بین راه پیمودن در جایی برای استراحت یا کاری توقف کند؛ جایز است زیر سایه قرار گیرد.

مسأله ۴۴۱

مردی که مُحرم است در حال پیمودن راه هرگاه سواره است اگر پهلوئی راست یا چپ یا پیش رو یا پشت سر او چیزی بر او سایه توضیح المناسک، ص: ۱۳۶ می‌افکند به نحوی که تأثیر در کم شدن سرما و گرما یا باد و مانند آنها داشته باشد باید اجتناب کند؛ مگر این که خیلی کوتاه باشد که عرفاً مانع تابش آفتاب و مانند آن نباشد به طوری که سر و سینه را بپوشاند مانند دیواره بعضی ماشین‌های رو باز، بلکه بنا بر احتیاط هرگاه پیاده راه می‌رود در سایه چنین سایه‌ای هم راه نرود مثلاً احتیاطاً در سایه محمل یا ماشین و مانند اینها هم راه نرود.

مسئله ۴۴۲

سایه قرار دادن اشیاء ثابت مانند تونل‌ها، پل‌ها، درخت‌ها و کوه‌ها برای مردی که مُحرم است مانع ندارد خواه سواره باشد یا پیاده.

مسئله ۴۴۳

مردی که مُحرم است می‌تواند سر خود را با دو دست خود از آفتاب بپوشاند؛ ولی احتیاط در ترک آن است.

مسئله ۴۴۴

مراد از سایه قرار دادنی که بر مرد مُحرم حرام است پوشانیدن خود از شعاع آفتاب و باران، بلکه بنا بر احتیاط پوشانیدن خود از باد، سرما و گرما است مگر این که برایش ضرر و حرج داشته باشد؛ بنا بر این سوار شدن در ماشین سقف دار، هواپیما و کشتی در شب که بارانی نباشد و باد و سرما هم نباشد اشکال ندارد.

مسئله ۴۴۵

کسی که نذر کرده از تهران یا محل دیگر مُحرم شود باید مُحرم شود.

مسئله ۴۴۶

کسی که با هواپیما به مکه مکرمه مشرف می‌شود می‌تواند ابتداء به مدینه منوره برود و از آنجا در مسجد شجره مُحرم شود؛ یا به توضیح المناسک، ص: ۱۳۷ جحفه برود و در آنجا مُحرم شود؛ و هرگاه روز آفتابی یا بارانی یا باد و سرما است با ماشینی که سقف ندارد به مکه مکرمه مشرف شود.

کفاره سایه قرار دادن مرد:**مسئله ۴۴۷**

در کفاره زیر سایه رفتن مرد هنگام سیر و پیمودن راه، یک گوسفند کفایت می‌کند.

مسئله ۴۴۸

مردی که مُحرم است هنگام سیر و پیمودن راه برای عذری مانند شدت گرما یا سرما یا بارندگی و مانند آنها جایز است زیر سایه قرار گیرد؛ ولی باید کفاره بدهد و کفاره آن یک گوسفند است.

مسئله ۴۴۹

هرگاه راننده و کارمند کاروان برای محافظت زنان مجبور باشد از ماشین سر پوشیده استفاده کند جایز است؛ ولی باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۴۵۰

ظاهراً دادن یک گوسفند در احرام عمره کفایت می‌کند هر چند بیش از یک مرتبه زیر سایه قرار گرفته باشد؛ و همچنین دادن یک گوسفند در احرام حج کفایت می‌کند هر چند بیش از یک مرتبه زیر سایه رفته باشد؛ گرچه احتیاط مستحب آن است که برای هر روز یک گوسفند کفاره بدهد چه در احرام عمره باشد یا در احرام حج.

بیستم: بیرون آوردن خون از بدن خود:

[مسائل]

مسئله ۴۵۱

جایز نیست کسی که مُحرم است از بدن خود با خاراندن؛ توضیح المناسک، ص: ۱۳۸ رگ زدن و مانند آنها خون بیرون کند؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب به وسیله مسواک کردن هم خون از بن دندان‌ها و دهان خود خارج نکند.

مسئله ۴۵۲

بیرون آوردن خون از بدن دیگری به وسیله حجامت و رگ زدن و مانند آن در صورتی که مُحرم نباشد حرام نیست و در صورتی که مُحرم است احوط ترک است.

مسئله ۴۵۳

در حال ضرورت یا رفع ناراحتی مثلاً فشار خون، جایز است به وسیله حجامت و رگ زدن خون از خود خارج کند؛ و همچنین جایز است در حال احتیاج دُمل را بیرون آورد؛ و یا در کسالت جَرَب در صورتی که موجب آزار باشد می‌تواند بدن خود را بخاراند گرچه از آن خون خارج شود.

مسئله ۴۵۴

هرگاه احتمال دهد به وسیله خاراندن و مسواک کردن خون خارج می‌شود اشکال ندارد ولی در غیر حال احتیاج مکروه است.

کفاره بیرون آوردن خون از بدن:

مسئله ۴۵۵ گرچه بعضی فقهاء برای بیرون آوردن خون از بدن یک گوسفند کفاره گفته‌اند و بعضی دادن یک مد طعام به فقیر را دانسته‌اند؛ ولی روشن نیست مع ذلک احتیاط دادن یک گوسفند است.

بیست و یکم: ناخن گرفتن:

[مسائل]

مسئله ۴۵۶

کسی که مُحرم است حرام است ناخن یا قسمتی از آن را توضیح المناسک، ص: ۱۳۹ بگیرد؛ مگر آن که ضرورت داشته باشد یا از باقی ماندن آن اذیت شود؛ مانند این که قسمتی از یک ناخن شکسته باشد و از باقی ماندن بقیه اذیت شود در این صورت می‌تواند

بقیه را بگیرد.

مسئله ۴۵۷

فرقی نیست در جایز نبودن گرفتن ناخن بین این که با قیچی باشد یا چاقو، یا ناخون گیر، بلکه بنا بر احتیاط واجب به وسیله دندان و سوهان و مانند آنها هم ناخن را از بین نبرد.

مسئله ۴۵۸

هرگاه انگشت زیادی داشته باشد بنا بر احتیاط واجب جایز نیست ناخن آن را بگیرد گرچه معلوم باشد که آن انگشت زیادی است؛ و همچنین هرگاه دست زیادی داشته باشد بنا بر احتیاط واجب ناخن انگشت‌های آن دست را نگیرد گرچه معلوم باشد که آن دست زیادی است.

کفاره ناخن گرفتن:

مسئله ۴۵۹

هرگاه یک ناخن از دست یا پا را بگیرد باید یک مد از طعام (۷۵۰ گرم) کفاره بدهد؛ و بنا بر احتیاط خود طعام را بدهد نه قیمت آن را، و هرگاه دو ناخن از دست یا پا را بگیرد دو مد طعام کفاره بدهد؛ و به همین صورت تا ناخن انگشت نهم، در این حکم فرق نمی‌کند که ناخن‌ها را در یک مجلس بگیرد یا در چند مجلس، ولی هرگاه تمام ده ناخن دست یا پا را بگیرد باید یک گوسفند برای گرفتن ده ناخن دست، یا ده ناخن پا بدهد.

مسئله ۴۶۰

هرگاه تمام ناخن دست‌ها و پاها را در یک مجلس بگیرد توضیح المناسک، ص: ۱۴۰ یک گوسفند کفاره او است؛ ولی هرگاه تمام ناخن‌های دست را در یک مجلس یا چند مجلس، و در مجلس دیگر یا چند مجلس ناخن‌های پا را بگیرد دو گوسفند کفاره دارد.

مسئله ۴۶۱

اگر تمام ناخن‌های دست را بگیرد و کمتر از ده ناخن پاها را بگیرد یک گوسفند برای گرفتن ناخن‌های دست و برای هر یک از ناخن‌های پا یک مد طعام باید کفاره بدهد؛ و همچنین در صورتی که تمام ناخن‌های پا را بگیرد و کمتر از ده ناخن دست را بگیرد؛ یک گوسفند برای کفاره گرفتن ناخن‌های پا، و برای هر یک از ناخن‌های دست یک مد طعام بدهد.

مسئله ۴۶۲

هرگاه تمام ناخن‌های دست را گرفت و کفاره آن را داد بعد در همان مجلس تمام ناخن‌های پا را گرفت؛ باید بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند دیگر کفاره دهد.

مسئله ۴۶۳

اگر پنج ناخن از دست و پنج ناخن از پا بگیرد؛ برای گرفتن هر یک از ناخن‌ها یک مد طعام کفاره دهد؛ و همچنین است هرگاه کمتر از ده ناخن در هر یک از دست و پا بگیرد برای هر یک باید یک کفاره بدهد.

مسئله ۴۶۴

اگر بیشتر از ده ناخن داشته باشد هرگاه تمام ناخن‌ها را بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد و برای یک از ناخن‌های زیادی بنا بر احتیاط واجب یک مد طعام کفاره بدهد.

مسئله ۴۶۵

هرگاه کسی کمتر از ده ناخن دارد و تمام آن را گرفت برای هر یک باید یک مد طعام بدهد؛ و احتیاط واجب آن است که یک گوسفند توضیح المناسک، ص: ۱۴۱ کفاره دهد.

مسئله ۴۶۶

هرگاه محتاج به گرفتن ناخن شد احتیاط واجب آن است که کفاره را به همان نحوی که ذکر شد بدهد.

مسئله ۴۶۷

هرگاه مُحرم به استناد گفته کسی که از روی اشتباه فتوی به جواز ناخن گرفتن را نقل کرده است ناخن خود را گرفت و باعث خون آمدن انگشتش شد؛ بنا بر احتیاط واجب کفاره بر کسی است که فتوی نقل کرده.

بیست و دوم: کندن دندان:

اشاره

مسئله ۴۶۸ حرام است مُحرم دندان خود را بکشد بلکه بنا بر احتیاط واجب حرام است کندن دندان گرچه خون نیاید اگر فرض داشته باشد.

کفاره کندن دندان:

مسئله ۴۶۹

کفاره کندن دندان یک گوسفند است اگر خون بیاید؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب اگر خون نیاید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۴۷۰

در حال ضرورت گرچه جایز است مُحرم دندان خود را بکشد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

بیست و سوم: کندن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده:

مسئله ۴۷۱

حرام است کندن و بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده باشد؛ این حکم مخصوص به مُحرم نمی‌باشد و از احکام احرام توضیح المناسک، ص: ۱۴۲ نیست؛ بلکه از احکام حرم است برای غیر مُحرم هم جایز نیست.

مسئله ۴۷۲

هرگاه بعد از آن که جایی در حرم منزل انسان شده درخت یا گیاهی روئیده باشد احتیاط واجب آن است که آن را نکند؛ ولی اگر خودش درخت یا گیاهی را بعد از آن که منزل او شد کاشته باشد جایز است آن را بکند گرچه احتیاط مستحب آن است که آن را هم نکند.

مسئله ۴۷۳

هرگاه منزلی خریده باشد؛ یا در آن سکونت کرده باشد گرچه نخریده باشد؛ اگر دارای درخت و گیاه باشد نباید آن را ببرد یا بکند.

مسئله ۴۷۴

گرچه مشهور فرموده‌اند که درخت خرما و درخت میوه از این حکم خارج است انسان می‌تواند آنها را قطع کند؛ ولی هرگاه آنها را نکاشته باشد مشکل است بتواند قطع کند؛ بلی می‌تواند میوه‌ها و شاخه‌هایی از آن را که در کیفیت و کمیت محصول تأثیر دارد قطع کند.

مسئله ۴۷۵

کندن اذخر که گیاه بیابانی معطر و معروفی است جایز می‌باشد.

مسئله ۴۷۶

جایز است شتر خود یا چهارپای دیگر خود را رها کند که علف بخورد؛ ولی احتیاط آن است که خودش برای او قطع نکند.

مسئله ۴۷۷

انسان می‌تواند به طور متعارف در زمین سبزه‌زار و دارای گیاه راه برود و اگر گیاهی از راه رفتن او کننده شود مانعی ندارد اما بنا بر احتیاط اگر بداند گیاهی قطع می‌شود و مجبور به راه رفتن نیست از آن راه نرود.

کفاره کندن درخت و گیاه:

مسئله ۴۷۸ اگر درختی را که کندنش جایز نیست بکند و درخت بزرگ باشد بنا بر احتیاط واجب یک گاو کفاره بدهد؛ و اگر بعضی درخت را قطع کند قیمت آن را کفاره دهد؛ و اگر گیاهی را قطع کند غیر از استغفار کفاره ندارد.

[مسائل]

مسئله ۴۷۹

جایز نیست مُحرَم سلاح بر تن کند؛ بلکه حمل سلاح به طوری که او را مسلح بدانند هم جایز نیست؛ ولی همراه داشتن سلاحی که ظاهر نباشد و او را مسلح نگویند اشکال ندارد ولی احوط ترک آن است.

مسئله ۴۸۰

همراه داشتن چاقوی کوچک که معمولاً مورد نیاز است اشکال ندارد؛ و همچنین اگر سلاح در جامه‌دان و مانند آن همراهش باشد مانعی ندارد.

مسئله ۴۸۱

مقصود از سلاحی که حکمش بر مُحرَم حرام است هر چیزی است که عرفاً به آن سلاح و آلات جنگی گفته شود؛ چه اسلحه گرم باشد مانند هفت تیر، مسلسل و نارنجک، و چه اسلحه سرد مانند شمشیر، خنجر و نیزه، و ابزار حفاظت و دفاع مانند زره و سپر که سلاح جنگی نیست اشکال ندارد.

مسئله ۴۸۲

حرمت مسلح شدن مُحرَم مخصوص حال اختیار است اما توضیح المناسک، ص: ۱۴۴ در حال ناچاری مثل ترس از دشمن یا دزد و مانند آن، مسلح شدن مُحرَم اشکال ندارد.

فاره سلاح برداشتن:

مسئله ۴۸۳ احتیاط واجب دادن یک گوسفند است به عنوان کفاره برای مُحرَمی است که در غیر حال ضرورت سلاح برداشته باشد.

حدود حرم

مسئله ۴۸۴ حرم به محدوده‌ایی گفته می‌شود که اطراف کعبه معظمه را احاطه کرده و جبریل امین علیه السلام به امر الهی برای حضرت ابراهیم علیه السلام حدود آن را مشخص کردند؛ و آن حضرت علائمی برای شناسایی آنها نصب کردند و آن علائم در اعصار مختلف به جهت خرابی و فرسودگی تجدید بنا می‌شده تا این که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله آن علائم دیگر بار تثبیت و تعیین گردید و تا به حال با ترسیم و تجدید بنا نگاه داشته شده؛ است حدود تعیین شده با اشاره به مقدار مسافت آنها به مسجد الحرام ذکر شود: ۱ در طرف شمال در راه مدینه مکانی است به نام تنعیم که به مسجد العمرة نیز مشهور است: فاصله آن تا مسجد الحرام حدود ۶۱۴۸ متر است. ۲ در طرف غرب در راه جده مکانی است به نام حدیبیه که به آن علمین هم گفته می‌شود؛ فاصله آن تا مسجد الحرام حدود ۴۸ کیلو متر توضیح المناسک، ص: ۱۴۵ است. ۳ در طرف جنوب در راه عرفات مکانی است به نام نمره، گفته می‌شود فاصله آن تا مسجد الحرام حدود ۱۲۰۹۵ متر است. ۴ در طرف شرق در راه نجد محلی است به نام جعرانه، گفته می‌شود فاصله آن تا مسجد الحرام حدود ۳۰ کیلو متر است. آنچه که ذکر شد حدود حرم امن الهی است و ادنی الحل حساب

می‌شود؛ داخل آنها حرم امن الهی است و دارای احکام مخصوص است به بعضی از آنها اشاره می‌شود: ۱ صید در حرم چنانچه گذشت حرام است. ۲ کندن درخت و گیاه به نحوی که در مسأله (۴۷۲) و بعد از آن بیان شد؛ جایز نیست. ۳ انتقال خاک و سنگ حرم بنا بر احتیاط جایز نیست. ۴ ورود کفار به حرم به قصد ماندن باشد و یا به قصد عبور منع شده. ۵ هرگاه کسی چیزی را در حرم پیدا کرد نباید آن را بردارد؛ و اگر برداشت باید تا یک سال تمام اعلان نماید تا صاحبش پیدا شود و در صورتی که پس از یک سال پیدا نشد می‌تواند آن را صدقه دهد و می‌تواند برای صاحبش نگه دارد؛ تملک آن برای خودش پس از یأس از پیدا شدن صاحبش جایز نیست. توضیح المناسک، ص: ۱۴۶ ۶ دفن کافر در حرم جایز نیست و هرگاه دفن شده باشد نبش قبر شود و بدن او را به بیرون حرم منتقل کنند. ۷ انجام کارهای عبادی و گناه در حرم الهی ده برابر است.»

آداب داخل شدن به حرم «۲»

مسأله ۴۸۵ مستحب است همین که به حرم رسید: ۱ پیاده شود و غسل نماید. ۲ هرگاه برای تعظیم و فروتنی به خداوند متعال پای برهنه کند و نعلین خود را به دست بگیرد و داخل حرم شود ثواب زیادی دارد. ۳ این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَأَذَّنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّرَ رَجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِنْ أَجَابِ دَعْوَتِكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَمِنْ فَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعًا لِنِدَائِكَ، وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَلَمَّا كُنْتُ عَلَى الْحَمِيدِ عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ الرُّزْمَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَىٰ إِلَيْكَ، وَالْمَنْزِلَةَ لِمَدْيِكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِمُدُنُوبِي، وَالْتَوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ بَدَنِي تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۱۴۷ عَلَى النَّارِ، وَآمِنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». ۴ هنگام داخل شدن حرم مقداری از علف اذخر که گیاهی است خوش بو گرفته و بجزود تا دهندش خوش بو شود.

آداب داخل شدن به مکه مکرمه

مسأله ۴۸۶ مستحب است برای داخل شدن به مکه مکرمه: ۱ شستشو کند تا بدنش عرقی نباشد بلکه غسل کند تا با طهارت باشد. ۲ با حالت تواضع، فروتنی، سکینه و وقار وارد شود. ۳ با لباس ساده و بی آرایش باشد. ۴ کسی که از راه مدینه منوره می‌رود از بالای مکه مکرمه وارد شود و هنگامی که از مکه مکرمه بیرون می‌رود از پایین آن خارج شود. ۵ کسی که احرام به عمره تمتع بسته هنگامی که خانه‌های مکه مکرمه را ببیند گفتن لیک را قطع کند. ۶ زیاد ذکر خدا کند و قرآن بخواند. ۷ ختم قرآن کند. ۸ آب زمزم بخورد و بعد از خوردن آن این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ». و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرِ لِلَّهِ».

آداب داخل شدن به مسجد الحرام

مسأله ۴۸۷ مستحب است برای داخل شدن به مسجد الحرام: ۱ غسل کند. ۲ با پای برهنه یا حالت سکینه و وقار و تواضع باشد. ۳ از باب بنی شیبیه وارد شود؛ گفته‌اند که باب بنی شیبیه در حال کنونی مقابل باب السلام است؛ بنا بر این شایسته است از باب السلام وارد شود. ۴ بر در مسجد الحرام ایستاده و بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَمَا شَاءَ

اللَّهُ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۱۴۹ وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَوَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ نَسَاءُ وَجْهَكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزَوَّارِهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُسَاجِدُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَعَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَا تَتَى وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَبِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحَفَّتِكَ إِنِّي بَزِيَارَتِي، إِنِّي أَسْأَلُكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ». پس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ». توضیح المناسک، ص: ۱۵۰ سپس بگوید: «وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ». پس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دست‌ها را بلند کرده و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنَاسِكَ، أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي حَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بِلَدِكَ، وَالْبَيْتُ بِبَيْتِكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْفَى طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ (الْفَقِيرِ ن خ) إِلَيْكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ». بعد خطاب بکند به سوی کعبه معظمه و بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصِدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ». در روایت معتبر است وقتی که نزدیک حجر الاسود رسیدی دست‌های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور و صلوات بر پیغمبر و آلش بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند؛ پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما، و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن بکن و بگو: «اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا، وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ، اللَّهُمَّ تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۱۵۲ تُصَدِّقًا بِكِتَابِكَ، وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةِ كُلِّ نَمِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ». و وقتی که نظرش به حجر الاسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصِدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ». در روایت معتبر است وقتی که نزدیک حجر الاسود رسیدی دست‌های خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور و صلوات بر پیغمبر و آلش بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند؛ پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما، و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن بکن و بگو: «اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا، وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ، اللَّهُمَّ تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۱۵۲ تُصَدِّقًا بِكِتَابِكَ، وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّى، وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ، وَعِبَادَةِ كُلِّ نَمِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ». و اگر نتوانی همه را بخوانی، بعضی را بخوان و بگو: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَّطْتُ يَدِي، وَفِي مَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سَبِّحَتِي، وَاعْفُؤْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». ۵ نظر کردن به کعبه معظمه، بلکه بسیار تکرار کردن آن. ۶ در هر شبانه روز ده مرتبه طواف کند؛ در اول شب سه تا، در آخر شب سه تا، و بعد از داخل شدن صبح دو تا، و بعد از ظهر دو تا، شایسته است مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است طواف‌های مستحب ترک شود تا فرصتی باشد برای کسانی که طواف واجب بجا می‌آورند. ۷ هنگام توقف در مکه مکره سی صد و شصت مرتبه طواف کند؛ و هر گاه این تعداد نشد پنجاه دو مرتبه، و اگر آن هم میسر نشد هر مقدار که بتواند طواف کند. ۸ به داخل کعبه معظمه مشرف شود خصوصاً کسی که سفر اول او توضیح المناسک، ص: ۱۵۳ است؛ و مستحب است قبل از داخل شدن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمْنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ». پس از داخل شدن در کعبه معظمه دو رکعت نماز بین دو ستون قرمز بخواند؛ در رکعت اول بعد از حمد سوره حم سجده، و در رکعت دوم بعد از حمد پنجاه و پنج آیه از جاهای دیگر قرآن بخواند. ۹ در هر یک از چهار زاویه کعبه معظمه دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعْيَدَ أَوْ اسْتَعَدَّ لِفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ، فَإِنَّكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتِي وَ تَعَبَّيْتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تُغَطِّبَنِي مَسْأَلَتِي، وَ تُقْبَلَنِي عَثْرَتِي، وَ تُقْبَلَنِي بَرِّعَتِي، وَ لَا تَزِدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ لَا خَائِبًا، يَا عَظِيمَ يَا عَظِيمَ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمَ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». توضیح المناسک، ص: ۱۵۴ ۱۰ هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و سپس بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا، وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا، فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ».

طواف واجب

[مسائل]

مسئله ۴۸۸

کسی که مُحْرَم به احرام عمره تمتع شده اول عملی که بر او واجب می‌شود طواف و دور زدن به دور کعبه معظمه است.

مسئله ۴۸۹

طواف واجب عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه معظمه گردیدن به نحوی که خواهد آمد؛ و دوری را "شوط" گویند؛ پس طواف واجب عبارت است از هفت شوط.

مسئله ۴۹۰

طواف از واجبات رکنی عمره است هر گاه کسی طواف را عمداً ترک کند تا وقتی که وقت آن فوت شود؛ عمره او باطل می‌شود چه عالم به حکم باشد و چه جاهل.

مسئله ۴۹۱

وقت فوت طواف عمره تمتع هنگامی است که اگر بخواند آن را با بقیه اعمال بجا آورد نتواند وقوف به عرفات را درک کند؛ پس

آخر زمان آن وقتی است که نتواند اعمال عمره تمتع را تا ظهر روز عرفه تمام کند.

مسئله ۴۹۲

چنین شخصی که عمره خود را باطل کرده احتیاط واجب آن است که عدول به حج افراد کند و پس از آن عمره بجا آورد؛ مع ذلک کفایت از حج تمتع نمی‌کند باید سال بعد حج را اعاده کند.

مسئله ۴۹۳

هرگاه مُحرم از روی سهو طواف را ترک کند؛ یا آن را به طور باطل انجام دهد؛ هر وقت یادش بیاید لازم است آن را بجا آورد و سعی بین صفا و مروه را بعد از طواف و نماز آن اعاده کند و هرگاه پس از بازگشت به محلش یادش بیاید اگر بتواند باید برگردد و طواف و نماز آن و سعی را بجا آورد؛ ولی اگر نتواند به مکه مکرّمه برگردد؛ یا رفتن برایش مشقت و حرج دارد؛ باید کسی را که مورد اطمینان است نایب بگیرد تا طواف و نماز آن و سعی را از طرف او انجام دهد.

مسئله ۴۹۴

هرگاه پیش از آن که طواف را بجا آورد سهواً سعی بین صفا و مروه کرده؛ یا نماز طواف خوانده؛ باید بعد از طواف نماز طواف و سعی را اعاده نماید.

مسئله ۴۹۵

هرگاه مُحرم به واسطه مرض قدرت ندارد که خودش طواف کند تا وقت تنگ شود؛ در آن حال واجب است اگر بشود خود او را به نحوی ببرند که طواف کند اگر بشود پاهایش به زمین کشیده شود و اگر ممکن نشود او را به وسیله دوش گرفتن یا بر تخت گذاشته طواف دهند اگر بشود در مطاف انجام شود و نایب هم بگیرد؛ و اگر این هم ممکن نباشد نایب بگیرد.

مسئله ۴۹۶

شخص مریضی را که طواف می‌دهند باید شرایط و احکام طواف را به هر اندازه‌ای که برایش امکان دارد انجام دهد.

واجبات طواف

اشاره

واجبات طواف بر دو قسم است: قسم اول: چیزهایی که شرط طواف است. قسم دوم: چیزهایی که گفته‌اند دخالت در حقیقت طواف دارند؛ گرچه بعضی از آنها شرط طواف هم می‌باشد لکن در عمل فرق نمی‌کنند.

قسم اول: شرایط طواف

اشاره

چیزهایی که شرط طواف است چند چیز است:

اول: نیت:

اشاره

باید طواف را به نیت طواف عمره یا طواف حج، و همچنین هفت دور آن را برای انجام و امتثال امر خداوند و تقرب به ذات مقدس الهی باشد.

مسئله ۴۹۷

لازم نیست نیت را به زبان بیاورد یا از خاطر بگذراند بلکه همین که بنا دارد طواف را بجا آورد کفایت می‌کند؛ اساساً نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد همان طور که راه رفتن انسان و آب خوردن او با نیت است لازم نیست آن را به زبان بیاورد یا از خاطر بگذراند آنچه در کارهای عبادی لازم است باید انجام کار تنها برای انجام فرمان الهی باشد فقط از این جهت عبادت با کارهای دیگر فرق می‌کند.

مسئله ۴۹۸

مستحب است در اعمال و مناسک حج نیت را به زبان بیاورد و این از مختصات حج است.

مسئله ۴۹۹

هرگاه در انجام طواف یا سایر اعمال عمره و حج ریاء کند (یعنی اعمال عمره و حج که باید برای انجام فرمان خداوند باشد؛ اصل عمل یا خوب جلوه دادن آن را برای نشان دادن و به رخ دیگران کشیدن انجام دهد) گذشته بر این که آن کار معصیت است عملی که در آن ریاء کرده باطل است.

مسئله ۵۰۰

هرگاه هنگام طواف یا سایر اعمال عمره و حج برای اطاعت و فرمان خداوند انجام دهد ولی بعد از انجام عمل کاری که انجام داده به رخ دیگران بکشد گرچه کار درستی نیست بلکه زشت است؛ ولی عملی که انجام داده باطل نمی‌شود.

مسئله ۵۰۱

همین که طواف یا سایر اعمال عمره و حج برای خداوند، یا برای اطاعت امر خداوند، یا برای ترس از جهنم، یا رسیدن به بهشت و ثواب آن باشد عمل صحیح است.

مسئله ۵۰۲

اگر در عملی که برای خداوند انجام می‌دهد رضایت دیگری را هم دخالت دهد نتیجه عمل تنها برای خداوند نباشد؛ عمل باطل است.

دوم: طهارت از حدث اکبر و اصغر:**مسئله ۵۰۳**

کسی که طواف واجب انجام می‌دهد باید از جنابت و حیض و نفاس پاک باشد و با طهارت و وضوء باشد.

مسئله ۵۰۴

طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست می‌تواند انسان طواف مستحبی را بی طهارت انجام دهد؛ ولی نماز طواف باید با طهارت باشد.

مسئله ۵۰۵

کسی که جنب یا حائض یا نفساء است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود ولی هرگاه از روی غفلت یا فراموشی یا نادانی طواف مستحب کند طوافش صحیح است.

مسئله ۵۰۶

مستحب است طواف کردن به غیر هفت دور اطراف کعبه معظمه گردیدن بلکه هر اندازه بتوان طواف کرد شایسته است ولی هنگام ازدحام جمعیت برای طواف واجب شایسته است مراعات حال آنها بشود.

مسئله ۵۰۷

در طهارتی که باید در طواف واجب باشد فرق نیست که طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء باشد؛ بلکه در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند باید با طهارت از حدث اکبر و اصغر باشد.

مسئله ۵۰۸

هرگاه کسی در طواف واجب از روی عمد، یا غفلت، یا فراموشی، یا ندانستن مسئله، با حالت جنابت، یا حیض، یا نفاس، یا بی وضوء طواف کند طوافش باطل است.

مسئله ۵۰۹

هرگاه در بین طواف کردن محدث شود؛ چه اختیاری باشد و چه بی اختیار، اگر قبل از رسیدن به نصف باشد طوافش باطل است باید پس از تحصیل طهارت طواف را از سر بگیرد؛ و اگر بعد از تمام شدن نصف توضیح المناسک، ص: ۱۵۹ قبل از تمام شدن دور چهارم محدث شود؛ چه با اختیار بوده یا بدون اختیار، بنا بر احتیاط واجب پس از تحصیل طهارت طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و دوباره طواف و نماز آن را بخواند؛ و اگر بعد از تمام شدن دور چهارم محدث شود و با اختیار خود را محدث کرده مانند صورت گذشته احتیاط کند و به جای احتیاط در این دو صورت چنانچه فرموده‌اند هرگاه پس از قطع طواف و تحصیل طهارت یک طواف کامل به قصد اعم از تمام کردن طواف پیش و یک طواف کامل بجا آورد کفایت می‌کند؛ و اگر بی اختیار محدث شده پس از تحصیل طهارت طواف را از جایی که محدث شده تمام کند و طوافش صحیح است؛ ظاهراً در این مسئله فرقی

بین حدث اصغر و اکبر نباشد.

مسئله ۵۱۰

هرگاه در بین طواف حدث اکبر مانند جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجد بیرون رود اگر پیش از نصف بوده پس از تحصیل طهارت طواف را اعاده کند و اگر بعد از نصف بوده به تفصیلی که در مسئله گذشته بیان شد عمل کند.

مسئله ۵۱۱

هرگاه عذری داشته از وضوء گرفتن یا غسل کردن و نتواند صبر کند تا عذرش برطرف شود تیمم بدل از وضوء یا بدل از غسل کند و طواف را بجا آورد؛ و در تیمم بدل از غسل غیر جنابت هرگاه بتواند باید وضوء هم بگیرد و اگر نتواند وضوء بگیرد تیمم دیگری بدل از وضوء بگیرد؛ فرموده‌اند مستحب است جنبی که با تیمم طواف کرده پس از آن که خودش توضیح المناسک، ص: ۱۶۰ طواف کرد نایب هم بگیرد که طواف را بجا آورد.

مسئله ۵۱۲

هرگاه عذر داشته باشد از وضوء گرفتن یا غسل کردن؛ اگر بداند عذرش باقی می‌ماند تا آخر وقتی که می‌تواند طواف کند می‌تواند تیمم کند و طواف را بجا آورد؛ و اگر احتمال می‌دهد که عذرش باقی می‌ماند می‌تواند به امید باقی بودن عذر تیمم کند و طواف را بجا آورد؛ ولی در هر دو صورت هرگاه عذرش برطرف شد باید طواف را با وضوء یا غسل بجا آورد؛ ولی احتیاط آن است که اگر امید دارد که عذرش برطرف می‌شود صبر کند تا وقت تنگ شود.

مسئله ۵۱۳

هرگاه طواف کننده که از حدث اکبر پاک بوده؛ یا با وضوء بوده؛ شک کند که حدث اکبر یا اصغر عارض شده لازم نیست غسل کند یا وضوء بگیرد.

مسئله ۵۱۴

هرگاه طواف کننده که مثلاً جنب یا بی وضوء بود؛ شک کند غسل کرده یا وضوء گرفته یا نه، در صورت اول باید غسل کند و در صورت دوم باید وضوء بگیرد.

مسئله ۵۱۵

هرگاه بعد از تمام شدن طواف شک کند که طواف را با غسل یا وضوء انجام داده یا نه، طواف او صحیح است؛ ولی برای اعمال بعد که طهارت شرط آنهاست باید تحصیل طهارت کند.

مسئله ۵۱۶

هرگاه بعد از تقصیر در عمره تمتع متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضوء نداشته با آن حال طواف کرده و نماز طواف خوانده؛ توضیح المناسک، ص: ۱۶۱ طواف و نماز را اعاده کند؛ عمره او صحیح است.

مسئله ۵۱۷

هرگاه در اثناء طواف شک کند که با وضوء بوده یا نه، اگر حالت سابقه خود را نداند که با وضوء بوده یا نه، بنا بر احتیاط واجب وضوء بگیرد و طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن طواف و نماز را اعاده کند؛ ولی اگر بداند که حالت سابقه او طهارت بوده جایز است طواف را تمام کند و طوافش صحیح است و وضوء گرفتن لازم نیست؛ و اما اگر بداند که حالت سابقه‌اش بر حدث بوده هر مقدار طوافی که انجام داده درست نبوده وضوء بگیرد و طواف را از سر بگیرد؛ در این سه صورت فرقی نیست که شک قبل از دور چهارم عارض شده باشد یا بعد از آن.

مسئله ۵۱۸

در تمام صورت‌هایی که در شک بناء می‌گذارد بر طهارت و طوافش صحیح است چون ممکن است بعد معلوم شود که وضوء یا غسل نداشته و مشکلاتی برایش حاصل شود بهتر است که تجدید وضوء کند و رجاء غسل کند و طواف را بجا آورد.

مسئله ۵۱۹

هرگاه در اثناء طواف شک کند غسل جنابت یا حیض یا نفاس را انجام داده یا نه، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود و غسل کند و طواف را از سر بگیرد؛ در این حکم فرق نمی‌کند شک بعد از دور چهارم باشد یا قبل از آن.

مسئله ۵۲۰

هرگاه کسی عذری دارد و وضوء و غسل را به کیفیت مخصوصی انجام می‌دهد؛ مثلاً وضوء جبیره‌ایی می‌گیرد؛ با همان کیفیت توضیح المناسک، ص: ۱۶۲ می‌تواند طواف و نمازش را انجام دهد.

مسئله ۵۲۱

هرگاه آب نباشد که وضوء یا غسل کند؛ و چیزی هم نباشد که با او تیمم کند اگر فرض داشته باشد؛ «۱» حکم غیر متمکن از طواف را دارد؛ اگر مأیوس از پیدا شدن یکی از این دو باشد باید نایب بگیرد؛ و بنا بر احتیاط واجب اگر جنب یا حائض و نفساء باشد خودش هم طواف کند؛ و اگر مستحاضه متوسطه یا کثیره است در صورتی که غسل‌هایی که بر او واجب است انجام داده می‌تواند وارد مسجد الحرام بشود و طواف و نماز آن را بجا آورد؛ بنا بر این به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نفساء گفته شد باید عمل کند.

مسئله ۵۲۲

احتیاط واجب آن است که مستحاضه قلیله برای هر یک از طواف و نماز آن وضوء بگیرد؛ و اگر مستحاضه متوسطه است یک غسل هم برای هر دو اضافه کند؛ و اگر مستحاضه کثیره است برای هر یک از طواف و نماز آن غسل کند و بنا بر احتیاط برای هر یک وضوء هم بگیرد.

سوم: طهارت بدن و لباس از نجاست:

مسئله ۵۲۳

کسی که مُحرم است باید بدن و لباسش پاک باشد؛ با بدن و لباس نجس طواف صحیح نیست بلکه از نجاساتی که در نماز عفو شده مانند خونی که کمتر از یک درهم است «۲» و جامه‌های کوچکی که نمی‌توان توضیح المناسک، ص: ۱۶۳ با آنها عورت را پوشاند مانند عرق چین و جوراب ساقه کوتاه و مانند آنها اجتناب کند؛ احتیاط آن است که انگشترش هم نجس نباشد.

مسئله ۵۲۴

در خون دمل و جراحت هرگاه تطهیر و تعویض آن زحمت و مشقت نداشته باشد باید تطهیر یا تعویض کند؛ ولی هرگاه مشقت داشته باشد و تحملش مشکل باشد اگر بتواند طواف را تأخیر بیندازد به شرطی که وقت تنگ نشود؛ تأخیر بیندازد تا بی مشقت تطهیر یا تعویض کند؛ و اگر نتواند تأخیر بیندازد یا وقت تنگ است لازم نیست تطهیر و تعویض کند ولی احتیاط آن است که بعد از آن که خودش طواف را بجا آورد نایب بگیرد تا برای او طواف کند.

مسئله ۵۲۵

هرگاه بعد از طواف یقین کند که بدن یا لباسش در حال طواف نجس بوده طوافش صحیح است.

مسئله ۵۲۶

اگر شك داشته باشد که بدن یا لباسش نجس است اگر یقین داشته که نجس بوده و شك دارد که تطهیر کرده نمی‌تواند با آن حال طواف کند باید آن را تطهیر کند و طواف نماید؛ ولی اگر بداند پاک بوده ولی نمی‌داند نجس شده یا نه، می‌تواند با حال شك طواف کند و طوافش صحیح است.

مسئله ۵۲۷

هرگاه در بین طواف نجاستی به بدن یا لباسش برسد؛ یا این که احتمال دهد که نجاست در آن حال به او رسیده؛ یا این که یقین کند که از اول طواف نجس بوده ولی نمی‌دانسته؛ اگر بتواند بدون رها کردن طواف توضیح المناسک، ص: ۱۶۴ تطهیر کند یا لباس پاکی داشته باشد تطهیر کند یا عوض کند و طواف را تمام کند طوافش صحیح است؛ ولی هرگاه این کار ممکن نباشد طواف را رها کرده لباس یا بدنش را تطهیر کند و فوراً برگردد و طواف را از همان جایی که قطع کرده تمام کند طوافش صحیح است و نماز طواف بخواند؛ ولی احتیاط مستحب است در صورتی که یقین داشته باشد که از اول طواف بدن یا لباسش نجس بوده طواف و نماز طواف را اعاده کند؛ مخصوصاً در صورتی که تطهیر زیاد طول کشیده باشد.

مسئله ۵۲۸

هرگاه می‌دانسته لباس یا بدنش نجس بوده ولی فراموش کرده و با حالت نجاست طواف کرده؛ اگر بعد از طواف یادش بیاید طوافش صحیح است؛ و همچنین است اگر در بین طواف یادش بیاید مقدار طوافی که انجام داده صحیح است در بقیه طواف از آنچه که در مسئله گذشته بیان شد عمل کند ولی مستحب است طواف را اعاده کند؛ اما هرگاه بعد از نماز طواف یادش بیاید فقط باید نماز را اعاده کند.

چهارم: ختان برای مرد:**مسئله ۵۲۹**

مرد طواف کننده باید ختنه شده باشد چنانچه ختنه نشده باشد طوافش باطل است؛ ولی در طواف زن شرط نیست که ختنه شده باشد؛ در طواف پسر بچه ممیز (بچه‌ایی که خوب و بد را می‌فهمد) شرط است که ختنه شده باشد و احتیاط واجب آن است که بچه‌ایی که خوب و بد توضیح المناسک، ص: ۱۶۵ را نمی‌فهمد و ولّیش او را طواف می‌دهد ختنه شده باشد.

مسئله ۵۳۰

هر گاه بچه ختنه نشده مُحرم شود یا او را وادار به احرام بستن کنند؛ گرچه احرامش صحیح است ولی طوافش صحیح نیست؛ پس اگر مُحرم به حج یا عمره شده باشد چون طواف نساء او باطل است زن بر او حلال نیست مگر این که او را ختنه کنند و بعد از ختنه شدن خودش طواف کند یا او را طواف دهند؛ و نایب گرفتن برای طواف قبل از ختنه کردن مشکل است.

مسئله ۵۳۱

هر گاه بچه ختنه شده به دنیا بیاید طوافش صحیح است.

مسئله ۵۳۲

هر گاه کسی که ختنه نشده مستطیع شود اگر بتواند در سالی که مستطیع شده ختنه شود و حج نماید حجش صحیح است؛ ولی اگر نتواند به جهت ضرر یا سختی و مشقت زیاد اصلاً ختنه کند حج از او ساقط نمی‌شود احتیاط آن است در عمره و حج هم خودش طواف کند و نماز طواف بجا آورد و هم برای طواف نایب بگیرد و پس از طواف نایب نماز طواف را خودش بخواند؛ و در صورتی که دو طواف با هم انجام شود خودش یک نماز طواف بخواند کفایت می‌کند؛ و اگر به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگری نتواند در سالی که مستطیع شده ختنه کند بعضی فرموده‌اند باید حج را تا پس از ختنه نمودن تأخیر اندازد؛ ولی بعید نیست با فوریت و جوب حج حکم صورت ضرر را داشته باشد که به واسطه ضرر و حرج نتواند ختنه کند.

پنجم: پوشاندن عورت و بدن:

مسئله ۵۳۳ پوشاندن عورتین به مقداری که در نماز واجب است شرط درست بودن طواف است؛ بلکه هر گاه فقط عورتین خود را بپوشاند و برهنه و عریان بر او صدق کند گرچه ناظری نباشد طوافش باطل است.

ششم: مراعات شرایط لباس نماز گزار:

مسئله ۵۳۴ باید چیزی که مُحرم عورت خود را با آن می‌پوشاند مباح باشد؛ بلکه هر گاه در جامه احرام یا کفش یا لباس‌های دیگر که غضبی باشد طواف کند طوافش باطل است؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب مراعات سایر شرایط نماز گزار را بنماید؛ پس لباس مُحرم از اجزاء میتة یا اجزاء حیوان غیر مأکول اللحم و حریر و طلا بافت نباشد.

هفتم: موالات:

مسئله ۵۳۵ در طواف واجب باید مراعات موالات عرفی در غیر موارد عذر بشود؛ به این معنی که در بین دوره‌های طواف آن قدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود ولی در طواف مستحب موالات شرط نیست.

قسم دوم: واجبات طواف

اشاره

واجبات طواف که گفته شده در حقیقت طواف دخالت دارد؛ گرچه توضیح المناسک، ص: ۱۶۷ بعضی آنها نیز شرط صحت طوافند، چند چیز است:

اول و دوم: ابتداء و ختم طواف به حجر الاسود:

مسئله ۵۳۶

واجب است طواف را در هر دور از جزء اول حجر الاسود شروع کند و به آن ختم کند؛ بنا بر این شروع طواف از غیر حجر الاسود و ختم به غیر آن صحیح نیست.

مسئله ۵۳۷

چون یقین به این که شروع طواف از حجر الاسود بوده و ختم طواف به آن شده لازم است؛ پیش از رسیدن به حجر الاسود نیت کند و قصد کند که ابتداء طواف در هر دور از برابر اولین جزء حجر الاسود باشد و انتهای آن همان موضعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زائد از باب مقدمه علمیه باشد؛ و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که برابر حجر الاسود شود؛ و با همین نیت هفت دور طواف کند؛ خلاصه واجب است شروع طواف از حجر الاسود و ختم آن به حجر الاسود باشد و برای یقین به این امر می‌تواند از باب مقدمه علمیه کمی قبل از حجر الاسود نیت و در پایان طواف کمی پس از حجر الاسود ختم کند.

مسئله ۵۳۸

همین که طواف را از برابر حجر الاسود شروع کرد لازم نیست در دوره‌های بعد توقف کند بلکه طواف را ادامه دهد تا هفت دور تمام شود؛ و مانند بعض نادانان نباشد که در هر دوری که می‌زنند می‌ایستند و عقب و جلو می‌روند که محاذات درست کنند؛ این کار باعث اشکال در توضیح المناسک، ص: ۱۶۸ طواف می‌شود.

سوم: قرار دادن کعبه معظمه در طرف چپ:

مسئله ۵۳۹

واجب است در تمام حالات طواف کعبه معظمه طرف چپ طواف کننده باشد؛ پس هر گاه کعبه معظمه رو بروی او قرار گیرد چه به واسطه بوسیدن چهار رکن کعبه، یا فشار جمعیت، پشت به آن کند یا کعبه معظمه در طرف راست قرار گیرد و لو به یک قدم، آن مقدار از طواف صحیح نیست باید برگردد و تدارک کند و بقیه طواف را بجا آورد؛ بنا بر این از بوسیدن کعبه معظمه و انجام سایر مستحبات با ازدحام جمعیت احتراز کند ممکن است کار طواف کننده را دشوار کند سعی کند طواف را به نحو صحیح انجام دهد.

مسئله ۵۴۰

میزان در قرار دادن کعبه معظمه در طرف چپ صدق عرفی است همانطور که از سواره طواف نمودن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دست می‌آید؛ نیازی نیست دقت کردن در آن و منحرف کردن بدن هنگام رسیدن به رکن‌های چهارگانه کعبه معظمه و در دهانه حجر اسماعیل علیه السلام تا یقین حاصل کند که طرف چپ بدن دقیقاً روی کعبه معظمه قرار گرفته؛ بنا بر این لازم نیست در تمام حالات طواف شانه چپ را برابر کعبه معظمه قرار دهد بلکه چه بسا هنگام دور زدن به حجر اسماعیل علیه السلام و به نش‌های کعبه معظمه، شانه چپ قدری از محاذات کعبه معظمه خارج می‌شود ولی توضیح المناسک، ص: ۱۶۹ اشکال ندارد در صورتی که دور زدن به نحو متعارف باشد.

مسئله ۵۴۱

گاهی دیده شده بعضی نادانان برای احتیاط، دیگری را وادار می‌کنند که او را طواف دهد و خود طواف کننده کانّ اختیار را از خود سلب می‌کند و خود زا به دست دیگری می‌دهد و تکیه به دست او می‌دهد و او را شخص دیگری با فشار دور می‌دهد؛ اگر این طواف باطل نباشد خالی از اشکال نیست از این نحو طواف اجتناب شود.

مسئله ۵۴۲

چنانچه در مسئله (۵۳۹) گفته شد در تمام حالات طواف باید کعبه معظمه در طرف چپ طواف کننده باشد گرچه به نحو ضعیف آن باشد؛ باید طواف را مانند سایر مسلمانان انجام داد و از دقت‌های بی‌جا و بی‌موردی که از بعضی نادانان و وسواسی‌ها صادر می‌شود که باعث وهن و تضعیف مذهب شیعه اثنی عشری می‌شود خودداری نمود؛ ولی هرگاه عالم آگاهی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه خود را هنگام رسیدن به حجر اسماعیل علیه السلام یا ارکان کعبه معظمه چپ کند به طوری که خلاف متعارف و انگشت نما نشود مانعی ندارد.

مسئله ۵۴۳

هرگاه به واسطه کثرت جمعیت طواف کننده را بدون اختیار ببرند و دور دادند کفایت نمی‌کند؛ اگر نتواند در اثر ازدحام جمعیت برگردد و جبران کند می‌تواند تا حجر الاسود بدون قصد طواف برود و از آنجا شوط را کاملاً اعاده کند؛ ولی هرگاه فشار جمعیت به نحوی نبوده که قصد طواف از او سلب شود فقط در وسط جمعیت قرار گرفته و جمعیت او توضیح المناسک، ص: ۱۷۰ را به پیش ببرند طوافش صحیح است.

مسئله ۵۴۴

در طواف کردن به هر طور که بخواهد می‌تواند طواف کند؛ می‌تواند آهسته برود یا تند برود و بدود؛ می‌تواند پیاده طواف کند یا سواره برود؛ ولی بهتر آن است که به طور متوسط پیاده طواف کند.

چهارم: داخل نمودن حجر اسماعیل «ا» در طواف:

مسئله ۵۴۵

حجر اسماعیل علیه السلام گرچه از کعبه معظمه نیست ولی باید طواف در خارج آن واقع شود همین که مقابل حجر اسماعیل علیه السلام واقع می‌شود به نحوی طواف کند که طواف کعبه معظمه صدق کند و طواف در داخل حجر اسماعیل علیه السلام باطل است؛ و همچنین بنا بر احتیاط واجب طواف در بالای دیوار حجر باطل است و باید اعاده کند.

مسئله ۵۴۶

اگر عمداً دور حجر اسماعیل علیه السلام نگردد حکم ابطال عمدی طواف را دارد و چنانچه اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

مسئله ۵۴۷

هرگاه در بعضی دورها حجر را داخل در دوره نکرده باید آن دور را اعاده کند؛ و احتیاط اعاده طواف است بعد از اتمام آن.

مسئله ۵۴۸

احتیاط واجب آن است که در حال طواف بر روی دیواره حجر اسماعیل علیه السلام دست نگذارد.

بنجم: خارج بودن طواف کننده از کعبه و آنچه از او است:

مسئله ۵۴۹

طواف در داخل کعبه معظمه و بر شاذروان «۱» که جزء کعبه است صحیح نیست طواف کننده باید شاذروان را در مطاف قرار دهد.

مسئله ۵۵۰

هرگاه طواف کننده در بعضی حالات به جهت کثرت جمعیت یا امر دیگر از بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است باید اعاده کند؛ ولی در حال حاضر شاذروان به نحوی ساخته شده که عملاً طواف روی آن ممکن نیست.

مسئله ۵۵۱

احتیاط واجب آن است که دست به دیوار کعبه که شاذروان دارد نگذارد و اگر گذاشت به مقداری که دست گذاشته طواف را اعاده کند.

ششم: انجام طواف در فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام:

مسئله ۵۵۲

گفته می‌شود که فاصله بین کعبه معظمه و مقام ابراهیم علیه السلام «۲» بیست و شش ذراع و نصف است؛ باید بنا بر احتیاط واجب در حال اختیار و تمکن و لو در حال ازدحام، طواف در این مقدار فاصله واقع شود دورتر از این مقدار نباشد؛ ولی در صورت عدم تمکن یا مشقت شدید طواف در آن مقدار، در صورتی که طواف کننده گان متصل به یکدیگر بوده و توضیح المناسک، ص: ۱۷۲ مشغول طواف باشند بعید نیست طواف در بیشتر از آن مقدار جایز باشد؛ ولی مع ذلک احوط مراعات آن حد است با امکان و انجام

طواف است در اوقاتی که نسبتاً جمعیت کمتر است.

مسئله ۵۵۳

هرگاه مُحرم از پشت مقام ابراهیم علیه السلام در حال اختیار طواف کند که مقام ابراهیم علیه السلام هم داخل در طوافش باشد بنا بر احتیاط واجب طوافش باطل است باید اعاده کند.

مسئله ۵۵۴

هرگاه در بعض دورها در حال اختیار از پشت مقام طواف کند بنا بر احتیاط واجب باید آن دور را با اعاده همان مقدار تمام کند گرچه احتیاط آن است که طواف را هم اعاده کند.

مسئله ۵۵۵

هرگاه در طواف کعبه معظمه مثلاً در چند قدمی از طواف اشکالی پیش آمد؛ مثل این که او را بی اختیار بردند یا این که در اثر فشار و ازدحام جمعیت به طرف کعبه معظمه کشیده شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گرفت؛ باید برگردد و از همان چند قدم طوافش را ادامه دهد و اگر نتوانست برگردد بدون نیت طواف دور بزند تا به محلی که بدون اختیار بوده برسد از آنجا به طواف خود ادامه دهد؛ ولی اگر از حجر الاسود به قصد طواف شروع کند اشکال دارد.

مسئله ۵۵۶

منظور از بی اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تند برود بلکه در این صورت هرگاه قدم‌ها را با اختیار خود بردارد به نحوی که هرگاه بخواهد توقف کند بتواند؛ طوافش صحیح است.

مسئله ۵۵۷

گرچه بعضی فرموده‌اند محل طواف در طرف حجر اسماعیل علیه السلام تنگ نمی‌شود و به مقدار بیست و شش ذراع و نیم (حدود ۱۲ متر) از دیوار حجر مطاف است؛ ولی این حکم خلاف احتیاط است و احتیاط آن است که محل طواف تنگ می‌شود و حجر اسماعیل علیه السلام که گفته می‌شود تقریباً بیست ذراع و نیم (حدود سه متر) برای طواف باقی می‌ماند.

مسئله ۵۵۸

هرگاه از جانب حجر اسماعیل علیه السلام پیش از ۶/۵ ذراع در دور زدن دور زند بنا بر احتیاط واجب آن مقدار را اعاده کند و از مطاف دور بزند.

هفتم: هفت بار دور کعبه معظمه طواف کند:

مسئله ۵۵۹

باید هفت بار کعبه معظمه را دور بزند (به هر دور یک شوط گفته می‌شود) کمتر از آن کفایت نمی‌کند و بیشتر از آن هم نباید

باشد.

مسئله ۵۶۰

هرگاه از روی عمد طواف کننده از اول قصد کند که کمتر از هفت دور یا بیشتر از هفت دور بجا آورد طوافش باطل است گرچه به هفت دور تمام کند؛ و همچنین اگر از روی نادانی به حکم مسئله قصد کمتر یا بیشتر از هفت دور را داشت در صورتی که جاهل مقصر باشد؛ و هرگاه جاهل قاصر باشد یا از روی سهو و غفلت نیت کرده باشد احتیاطاً طواف را اعاده کند.

مسئله ۵۶۱

اگر مقدار کمی قبل از شروع به طواف یا بعد از پایان طواف از باب اطمینان پیدا کردن به مقدار لازم طواف زیاد کند اشکال ندارد.

مسئله ۵۶۲

هرگاه در بین طواف از قصد هفت دور گشتن برگردد و قصدش زیادتیر یا کمتر از هفت دور باشد؛ از آنجا که این قصد را کرده آنچه که دور کرده باطل است باید اعاده کند و اگر با این نیت زیادتیر از هفت بار بجا آورد اصل طواف باطل می‌شود.

مسئله ۵۶۳

هرگاه از ابتداء قصد کند که هشت دور بجا آورد ولی با این نیت که هفت دور آن طواف واجب باشد و دور هشتم صرفاً به قصد تبرک یا به قصد دیگری باشد طوافش صحیح است.

مسئله ۵۶۴

هرگاه گمان می‌کرده پس از انجام هفت دور واجب یک دور مستحب است و آن دور را به نیت استحباب بجا آورد؛ طوافش صحیح است.

مسئله ۵۶۵

هرگاه سهواً از طواف کم کرد اگر چهار دور را تمام کرده باشد باید بقیه را تکمیل کند؛ و اگر کمتر از چهار دور انجام داده باید طواف را از سر بگیرد؛ و اگر از سه و نیم دور گذشته به چهار دور کامل نرسیده احتیاط در تکمیل دور و اعاده طواف است؛ بلکه سزاوار است در تمام موارد سهو به این که طواف ناقص را تمام کند و طواف را از سر بگیرد.

مسئله ۵۶۶

هرگاه بعضی طواف واجب را فراموش کند و پس از مراجعت به محل خود یادش بیاید باید برگردد و خودش طواف را بجا آورد؛ و اگر نتوانست یا برگشتن برایش سخت و دشوار باشد باید نایب بگیرد.

مسئله ۵۶۷

جایز نیست در طواف واجب قبل از بجا آوردن نماز طواف طواف دیگری بجا آورد و از این کار به قرآن بین طوافین تعبیر شده؛ و اگر این کار را انجام داد طواف دومی باطل است؛ بلکه اگر از اول یا در بین طواف قصد زیاد کردن طواف را داشته طواف اول هم باطل است؛ بلکه بنا بر احتیاط اگر بعد از تمام شدن طواف اول قصد زیاد کردن را کرده باشد طوافش باطل است.

مسئله ۵۶۸

هرگاه یک دور یا کمتر از یک دور زیاد کند و قصدش آن باشد که زیادی را جزء طواف دیگری قرار دهد داخل در قرآن بین دو طواف است و حکم آن در مسئله گذشته بیان شد.

مسئله ۵۶۹

هرگاه بعد از تمام شدن دور هفتم سهواً کمتر از یک دور زیاد کند آن را قطع کند طوافش صحیح است؛ و هرگاه یک دور کامل یا بیشتر اضافه کرده باشد احتیاط آن است که هفت دور دیگر را به قصد قربت تمام کند ولی نیت مستحب یا واجب را نکند؛ و قبل از سعی بین صفا و مروه دو رکعت نماز برای طواف واجب بخواند ولی تعیین نکند که برای طواف اول است یا طواف دوم، و دو رکعت دیگر بعد از سعی بخواند.

مسئله ۵۷۰

هرگاه بدون عذر طواف واجب را قطع کند اگر منافی، گرچه به فصل زیاد باشد؛ انجام نشده باشد طواف را تمام کند طوافش صحیح است؛ ولی اگر منافی بجا آورده باشد هرگاه قطع قبل از انجام دوره چهارم بوده طوافش باطل است باید از ابتداء طواف کند؛ ولی هرگاه بعد از انجام توضیح المناسک، ص: ۱۷۶ دور چهارم بوده طوافش را تمام کند و بعد طواف را اعاده کند.

هشتم: پی در پی بودن طواف:

مسئله ۵۷۱

باید هفت دور گشتن به دور کعبه معظمه از نظر شرع متوالی و پی در پی به حساب آید و فاصله زیادی در بین دورها یا در بین یکی از دورها واقع نشود مگر در بعضی موارد که بیان می‌شود.

مسئله ۵۷۲

موالات و پی در پی انجام دادن دورها از شرایط طواف واجب است در طواف مستحب موالات شرط نیست.

مسئله ۵۷۳

هرگاه در طواف واجب از روی نادانی به حکم مسئله عمداً یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور را کم کند اگر قبل از فوت موالات بود واجب است آن را تمام کند و اگر نکرد حکمش حکم کسی را دارد که طوافش را عمداً ترک کرده.

مسئله ۵۷۴

هر گاه به قصد کم کردن طواف کارهایی انجام دهد که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است.

مسأله ۵۷۵

جایز است طواف مستحب را بدون عذر قطع کند مانند جواز قطع نماز مستحب، ولی بنا بر احتیاط طواف واجب را بدون عذر و به مجرد خواهش نفس قطع نکند به نحوی که نتواند بقیه را بدون موالات عرفی بجا آورد.

مستحبات «۱» طواف:

مسأله ۵۷۶ بهترین وقت برای طواف کردن هنگام زوال ظهر است و مستحب است: ۱ پا برهنه طواف کند. ۲ گام‌ها را کوتاه بردارد. ۳ در حال طواف کردن مشغول ذکر، دعا و تلاوت قرآن باشد؛ و در روایتی تلاوت قرآن را افضل از ذکر دانسته. ۴ از هر چیزی که در نماز کراهت دارد؛ و از هر چیزی که بیهوده و لغو است اجتناب کند. ۵ از حرف زدن، خندیدن و شعر خواندن در طواف خودداری کند. ۶ در حال طواف این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى ظِلِّ الْمَاءِ، كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى حِدِّ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَجَنَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، تَوْضِيحُ الْمَنَاسِكِ، ص: ۱۷۸ وَ أْتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا». و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد. ۷ و نیز در حال طواف بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تَغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تُبَدِّلْ اسْمِي». ۸ اگر بتواند در صورتی که کسی را اذیت نکند و او را کنار نزنند و منحرف نشود؛ در هر دور طواف حجر الاسود را استلام و لمس کند و آن را ببوسد و در حال استلام بگوید: «أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ». ۹ در حال طواف کردن صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد مخصوصاً هنگامی که به درب کعبه معظمه برسد و این دعا را بخواند: «سَائِلُكَ فَقِيرٌ كَمِيسِكِ بِيَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِقْنِي وَ وَالِدَيَّ وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمٌ». روایت شده حضرت امام سجاد علیه السلام همین که به حجر اسماعیل علیه السلام می‌رسیدند قبل از این که به نادوان طلا برسند سر مبارک را بلند می‌کردند در حالی که به نادوان نظر می‌افکندند می‌گفتند توضیح المناسک، ص: ۱۷۹ «اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ أَجْرَنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَ عَافِنِي مِنَ الشَّقَمِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ». نیکو است پس از آن که از حجر گذشت و پشت کعبه قرار گرفت بگوید: «يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطُّوْلِ وَ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ لِي، وَ تَقَبَّلَهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». و همین که به رکن یمانی رسید دو دستش را بلند کند و بگوید: «يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنَّانَ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ، عَلَيَّ وَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ، فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». و پس از آن سرش را به طرف کعبه معظمه بلند کند و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا، وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا، اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ، وَ جَنِّبْهُ شَرَّ رَارِ خَلْقِكَ». توضیح المناسک، ص: ۱۸۰ و همین که در بین رکن یمانی و حجر الاسود رسید بگوید: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ». و در دور هفتم همین که به مستحار که نزدیک رکن یمانی است رسید بایستد مقابل کعبه معظمه و دو دست را در حالی که باز کرده بر دیوار کعبه بگذارد و شکم و صورت خود را به کعبه بچسباند و بگوید: «اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ». پس به گناهان خود یک به یک اقرار، و

توبه و استغفار کند و از خداوند متعال طلب آمرزش کند ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد و بعد بگوید: «اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّوْحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَاعْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيَّ مِنْهُ وَخَفَى عَلَيَّ خَلْقَكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ». از امام سجاد علیه السلام روایت شده همین که به ملتزم رسیدند گفتند: «اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجاً مِنْ ذُنُوبٍ، وَأَفْوَاجاً مِنْ خَطَايَا، وَعِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَتِهِ، وَأَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَتِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِأَبْغَضِ خَلْقِهِ إِلَيْهِ، إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ اسْتَجِبْ لِي». سپس حوایج خود را طلب کردند؛ حوایج خود را بخواهد و دعا زیاد بکند و به گناهان خود اعتراف کند؛ اگر آنها را مفصلاً به یاد دارد مفصلاً نام توضیح المناسک، ص: ۱۸۱ ببرد، و گرنه مجملاً نام ببرد و استغفار و طلب مغفرت کند ان شاء الله خداوند می‌آمرزد و همین که به حجر الاسود رسید طواف خود را تمام نمود بگوید: «اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي».

نماز طواف

[مسائل]

مسئله ۵۷۷

واجب است بعد از تمام شدن طواف واجب دو رکعت نماز طواف که مانند نماز صبح است بخواند.

مسئله ۵۷۸

باید بعد از طواف به فوریت عرفی نماز طواف خوانده شود به این معنی که به نظر عرف بین طواف و نماز آن فاصله نباشد؛ ولی فاصله به مقدار ده دقیقه برای استراحت یا یافتن جای مناسب برای نماز و مانند آن مانع ندارد اما به کار دیگری مثلاً خواندن نماز قضاء و مانند آن نپردازد؛ بلکه احتیاط آن است که در بین طواف و نماز آن نماز مستحبی یا عبادت دیگر بجا نیورد گرچه فاصله عرفی هم نشود.

مسئله ۵۷۹

اگر عالماً عامداً نماز طواف را تأخیر انداخت ظاهراً طوافش باطل می‌شود و اگر تدارک نکنند و وقت بگذرد حجتش هم باطل می‌شود.

مسئله ۵۸۰

می‌تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند مگر سوره‌هایی که آیه سجده واجب دارد.

مسئله ۵۸۱

مخیر است نماز طواف را مانند نماز صبح بلند بخواند و توضیح المناسک، ص: ۱۸۲ می‌تواند مانند نماز ظهر آهسته بخواند.

مسئله ۵۸۲

شک در رکعات نماز طواف مانند شک در رکعات نماز صبح است هرگاه پس از تروی و فکر شک مستقر شد؛ باعث باطل شدن

نماز می‌شود باید آن را اعاده کند.

مسئله ۵۸۳

ظن در رکعات نماز طواف و افعال آن معتبر است.

مسئله ۵۸۴

در نماز طواف تمام آنچه که در نماز واجب معتبر است؛ از قبیل پاک بودن لباس، با وضو بودن، مباح بودن لباس، استقبال و مانند آنها باید مراعات شود.

مسئله ۵۸۵

واجب است نماز طواف واجب نزد مقام ابراهیم علیه السلام که سنگی است به عرض و طول یک ذراع که جای پای حضرت ابراهیم علیه السلام بر او است واقع شود؛ بلکه احتیاط آن است که پشت مقام باشد که مقام بین نماز گزار و کعبه معظمه واقع شود؛ اگر مزاحمت با سایرین نباشد هر چه ممکن است نماز را در نزدیکی مقام بخواند و لو به کمک دیگران.

مسئله ۵۸۶

هر گاه به واسطه زیادی جمعیت نتوانست نماز را نزدیک مقام و پشت آن بخواند حتی با کمک دیگران به این که چند نفر اطراف او بایستند تا نماز را پشت مقام بخواند؛ با رعایت الاقرب فالاقرب دور بخواند حد معینی نمی‌توان فرض کرد ولی به طوری باشد که عرفاً نماز پشت مقام گفته شود؛ و اگر در نزدیکی دو طرف مقام جا باشد ولی پشت مقام صدق نکند عقب‌تر بایستند به نحوی که عرفاً صدق پشت مقام بکند.

مسئله ۵۸۷

هر گاه ممکن نشد که نماز را پشت مقام بجا آورد می‌تواند نماز را در دو طرف مقام با رعایت الاقرب فالاقرب بجا آورد؛ ولی احتیاط آن است که تا هنگامی که وقت برای سعی تنگ نشده نماز را پشت مقام اعاده کند؛ خلاصه اگر بر اثر کثرت جمعیت نتوانست پشت مقام نماز بخواند مگر این که چند روزی تأخیر بیندازد؛ تأخیر بیندازد تا نماز را پشت مقام بخواند.

مسئله ۵۸۸

هر گاه کسی نماز طواف واجب را فراموش کرد باید هر وقت که یادش بیاید پشت مقام به تفصیلی که در دو مسأله گذشته آمده بجا آورد.

مسئله ۵۸۹

هر گاه بعد از این که از مکه مکرمه خارج شد یادش بیاید که نماز طواف را نخوانده اگر باز گشت مشقت نداشته باشد باید برگردد و نماز را پشت مقام به تفصیلی که گفته شد بجا آورد؛ و هر گاه باز گشت برایش مشقت داشته باشد اگر می‌تواند بدون مشقت بنا بر احتیاط نماز را در حرم بخواند و هر گاه این کار هم برایش مشقت و دشوار باشد هر جا بخواند می‌تواند نماز را بخواند گرچه احتیاط

مستحب آن است که کسی را هم نایب بگیرد که نماز را پشت مقام بجا آورد.

مسئله ۵۹۰

هرگاه این نماز را بجا نیاورد تا مرد، بر وئیش به نحوی که در کتاب صلاة بیان شده واجب است انجام دهد؛ و اگر دیگری قربه‌ی الی الله انجام دهد کفایت می‌کند.

مسئله ۵۹۱

کسی که جاهل به حکم است و نماز طواف را بجا نیاورد توضیح المناسک، ص: ۱۸۴ باید پشت مقام بجا آورد؛ احکام کسی که آن را فراموش کرده چنانچه در مسائل گذشته بیان شده بر او جاری است.

مسئله ۵۹۲

واجب است بر هر مکلف مخصوصاً کسی که به حج می‌رود قرائت و ذکرهای واجب نماز را اگر بلد نیست یاد بگیرد تا بتواند نماز را به طور صحیح بجا آورد البته دقت‌های علماء تجوید لازم نیست همین اندازه که عربی صدق کند کفایت می‌کند.

مسئله ۵۹۳

هرگاه نتواند تمام قرائت و اذکار واجب را صحیح بخواند باید به هر اندازه‌ایی که می‌تواند آنها را یاد بگیرد.

مسئله ۵۹۴

هرگاه قرائت یا ذکرهای واجب را به خوبی نمی‌داند و نمی‌تواند یاد بگیرد یا وقت تنگ است و در آن وقت نمی‌تواند یاد بگیرد به هر نحوی که بتواند گرچه در سایه تلقین هم شده نماز را خودش بجا آورد کفایت می‌کند؛ چون مشروعیت جماعت در نماز طواف ثابت نیست و گذشته بر این در جماعت فقط حمد و سوره تصحیح می‌شود و انجام سایر اذکار به عهده مأوم است باید خودش بجا آورد پس از آن که خودش نماز را خوانده احتیاط آن است که نایب هم بگیرد؛ و هرگاه کسی پیدا نشد که تلقین کند یا نایب پیدا نشود به هر نحو که قدرت داشت بخواند کفایت می‌کند.

مسئله ۵۹۵

هرگاه کسی از روی بی‌مبالاتی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکرهای واجب تا این که وقت تنگ شد؛ گرچه معصیت کرده ولی باید نماز را به هر نحوی که بتواند گرچه در سایه تلقین باشد؛ بخواند و توضیح المناسک، ص: ۱۸۵ احتیاط آن است که پس از این که خودش خواند نایب هم بگیرد.

مسئله ۵۹۶

کسی که قرائت و اذکار واجبه نماز را می‌داند ولی عمداً غلط بخواند نمازش باطل است و عمره و حجش باطل است؛ بنا بر این حجه‌ی الاسلام از او ساقط نشده و چه بسا چیزهایی که در احرام بر او حرام شده مانند زن و چیزهایی که گذشت بر او حلال نمی‌شود؛ ولی هرگاه از روی جهل قصوری نماز غلط خوانده شود یا با اعتقاد به صحیح بودن قرائتش خوانده عمره و حجش باطل

نیست.

مسئله ۵۹۷

نماز طواف را در تمام اوقات شبانه روزی می‌توان خواند مگر در صورتی که مزاحمت با وقت نمازهای شبانه روزی یا نماز آیات بشود به نحوی که اگر نماز طواف بخواند سبب فوت آنها بشود در این صورت ابتداء آن نمازها را بخواند.

مسئله ۵۹۸

نماز طواف استحبابی را لازم نیست پشت مقام ابراهیم علیه السلام بخواند بلکه در هر جای از مسجد الحرام می‌تواند بخواند مخصوصاً هنگام ازدحام جمعیت مناسب است پشت مقام را برای کسانی که نماز طواف واجب انجام می‌دهند بگذارد.

مسئله ۵۹۹

نماز طواف مستحب را نمی‌توان به جماعت خواند بلکه مشروعیت جماعت در نماز طواف واجب ثابت نیست نمی‌توان نماز طواف را به نماز طواف واجب و یا نماز یومیه و بالعکس بجا آورد؛ پس در صورتی که قرائت کسی درست نیست به جماعت نخواند ولی بنا بر احتیاط توضیح المناسک، ص: ۱۸۶ پس از آن که خودش نماز را خواند نایب بگیرد.

مسئله ۶۰۰

کسی که قرائتش درست نیست و نمی‌تواند کلمات را درست ادا کند نمی‌تواند از طرف کسی که حج بر او واجب است نیابت کند و حج انجام دهد گرچه تبرعی باشد؛ مگر این که بتواند قرائت و اذکار را درست کند تا از ذوی الاعذار محسوب نشود.

مسئله ۶۰۱

کسی که قرائتش درست نیست و نمی‌تواند اذکار واجبه را درست ادا کند یا از جهت دیگر عاجز باشد؛ گرچه این شخص از اول نمی‌توانسته نایب بشود ولی بی توجه به عذر خود به نیابت از دیگری مُحرَم شده و در اثناء عمل و یا بعد از عمره تمتع متوجه می‌شود که نمی‌باید نایب شده باشد؛ اگر بتواند قرائت و اذکار واجبه را یاد بگیرد یا عذر را برطرف کند واجب است انجام دهد تا از احرام خارج شود؛ ولی اگر ممکن نباشد هرگاه هنگام قبول نیابت احتمال تصحیح قرائت و اذکار و رفع عذر را می‌داده با تصحیح قرائت و اذکار و رفع عذر و انجام اعمال از عمره خارج می‌شود؛ و الاً اصل احرام او باطل است باید پول نیابت را برگرداند؛ و در صورت بطلان احرام نیابی می‌تواند برای خودش مُحرَم شود و عمره و حج را بجا آورد و قرائت و اذکار واجبه را به نحوی که در مسئله (۵۹۴) بیان شد بجا آورد.

مسئله ۶۰۲

هرگاه کسی مطمئن بود که قرائتش یا ذکری که در نماز می‌گوید صحیح است نماز طواف حج و نساء را به همان گونه خواند بعد توضیح المناسک، ص: ۱۸۷ معلوم شود که اشتباه بوده؛ اگر در اشتباه خود معذور بوده نمازش صحیح است ولی اگر معذور نبوده گرچه حجش صحیح است ولی باید نمازش را به صورت صحیح قضاء کند و در قضای نماز طواف عمره و طواف حج و طواف نساء، ترتیب را مراعات کند.

مسئله ۶۰۳

هرگاه در حال قرائت یا گفتن ذکر واجب در نماز طواف نماز گزار را حرکت دادند اگر طوری بود که استقرارش بهم خورده باشد باید تکرار کند گرچه در مرتبه سوم و چهارم باشد؛ ولی اگر استقرار بهم نخورده تکرار نکند مگر به قصد احتیاط به شرط این که از جهت وسوسه نباشد.

مسئله ۶۰۴

پوشیدن لباس‌های نجس و متنجس و همراه داشتن آنها در طواف و نماز آن حکم پوشیدن و همراه داشتن آنها در نماز واجب یومیه را دارد آنچه که در نماز شبانه روزی عفو شده در نماز طواف عفو است.

مسئله ۶۰۵

هرگاه در پشت مقام جمعیت زیاد است و مرد و زن کنار هم واقع می‌شوند و چه بسا مورد فشار ازدحام جمعیت هم واقع می‌شوند در صورتی که ریه و فسادی در بین نباشد نماز خواندن در آنجا اشکال ندارد؛ و احتیاط آن است که زن مقدم بر مرد یا برابر مرد نماز نخواند بلکه مرد و لو به مقدار کمی از زن جلوتر باشد یا فاصله کمی و لو به مقدار یک وجب باشد؛ ولی اگر زن شیعه نباشد؛ یا با تأخیر نماز سبب فوت موالات عرفی بین طواف و نماز آن می‌شود؛ یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

مسئله ۶۰۶

هرگاه انسان بدانند یا اطمینان داشته باشد اگر نماز طواف را شروع کند طواف کنندگان او را حرکت می‌دهند و جابجا می‌کنند صحیح نیست نماز را شروع کند؛ ولی اگر احتمال دهد بتواند استقرار خود را حفظ کند و به امید و رجاء بقاء استقرار نماز را شروع کند و استقرار باقی باشد نمازش صحیح است.

مسئله ۶۰۷

هرگاه نماز را در غیر پشت مقام بخواند به اعتقاد این که لازم نیست در پشت مقام باشد؛ باید فقط نماز را پشت مقام اعاده کند.

مسئله ۶۰۸

هرگاه پشت مقام ابراهیم علیه السلام دو طبقه شود نماز طواف در طبقه بالا یا زیر زمین در صورتی صحیح است که احراز شود نماز پشت مقام است و الا صحیح نیست.

مسئله ۶۰۹

کسی که نماز طواف را به اعتقاد این که حجر اسماعیل علیه السلام مقام ابراهیم علیه السلام است در حجر اسماعیل علیه السلام خوانده باید نماز را در پشت مقام ابراهیم علیه السلام اعاده کند.

مسئله ۶۱۰

کسی که با احرام عمره تمتع وارد مکه مکرمه شده و وقت برای یاد گرفتن و صحیح خواندن قرائت و اذکار واجبه باقی است ولی خوب یاد نگرفته؛ اگر می‌تواند قرائتش را تا آخر وقت اصلاح کند باید در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند و نماز صحیح بخواند و همین که وقت ضیق شد یا این که بودن در احرام برایش عسر و حرج داشته باشد به هر نحوی که می‌تواند بعد از طواف بدون فوت موالات عرفی نماز را بخواند توضیح المناسک، ص: ۱۸۹ و احتیاطاً نایب بگیرد که نماز را بجا آورد.

مستحبات نماز طواف:

مسئله ۶۱۱ مستحب است: ۱ در نماز طواف در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرین خوانده شود. ۲ پس از نماز حمد و ثنای الهی را بجا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند متعال طلب قبول اعمال نماید و بگوید: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَ يَرْضَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ زَكِّ عَمَلِي». و در روایت دیگر آمده بگوید: «اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ، وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ». در روایت آمده که حضرت امام صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفتند و چنین گفتند: «سَجِدَ وَ جَهِي لَكَ تَعْبُدًا وَ رِقْمًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۱۹۰ شئء، وَ الْأَخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ غَيْرُكَ، فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ». و پس از سجده روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

مسائل متفرقه طواف و نماز طواف

مسئله ۶۱۲

هرگاه در بین طواف عذری پیدا کند که نتواند طواف را تمام کند مثل این که مریض شود یا بی اختیار محدث شود؛ اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از رفع عذر برگردد و از جایی که قطع کرده طواف را تمام کند و احتیاطاً اعاده طواف است؛ ولی اگر قبل از تمام شدن دور چهارم بوده طواف را اعاده کند.

مسئله ۶۱۳

هرگاه به واسطه مرض طواف را قطع کرد و نتوانست آن را بجا آورد تا این که وقت تنگ شد؛ اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند؛ و اگر ممکن نیست برای او نایب بگیرند؛ چنانچه فرموده‌اند بعید نیست طواف حکم نماز را داشته باشد و تبعیض در اشواط در نیابت محتاج به دلیل است نایب تمام طواف را انجام دهد.

مسئله ۶۱۴

هرگاه مشغول طواف بود وقت نماز واجب تنگ شود باید طواف را رها کند نماز بخواند پس اگر قطع بعد از دور چهارم بوده از توضیح المناسک، ص: ۱۹۱ همان جا که قطع شده طواف را تمام کند و احتیاطاً اعاده طواف است؛ ولی اگر قبل از آن بوده و فاصله طولانی شده طواف را اعاده کند اما احتیاط آن است که اولاً طواف را تمام کند و پس از خواندن نماز طواف، طواف و نماز آن را

اعاده کند؛ و اگر بعد از تمام شدن نصف بوده و چهار دور تمام نشده باشد احتیاط آن است که طواف را تمام کند و بعد اعاده کند.

مسئله ۶۱۵

جایز است بلکه مستحب است طواف را قطع کند برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرده از همان جا بعد از نماز اتمام کند و احتیاط واجب آن است که به دستور مسئله قبل عمل کند و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

مسئله ۶۱۶

هرگاه بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن گرچه وارد نماز طواف نشده شک کند که طواف را زیادتراً از هفت دور یا کمتر از هفت دور انجام داده به شک خود اعتناء نکند طوافش صحیح است.

مسئله ۶۱۷

هرگاه بعد از طواف شک کند که هفت دور گردیدن را صحیح بجا آورده؛ مثلاً شک کند که طواف را با طهارت انجام داده یا احتمال دهد که از طرف راست طواف کرده؛ اعتناء نکند طوافش صحیح است گرچه در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده باشد.

مسئله ۶۱۸

هرگاه در آخر دور که به حجر الاسود رسیده شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتراً، به شک خود اعتناء نکند؛ طوافش صحیح است.

مسئله ۶۱۹

اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور شک کند آنچه را که دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم، احوط بطلان طواف است.

مسئله ۶۲۰

هرگاه در آخر دور یا اثناء آن شک کند بین شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است؛ بنا بر احتیاط طوافش باطل است احتیاط آن است که طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده کند.

مسئله ۶۲۱

هرگاه در طواف مستحب شک در عدد دورها بکند در هر شرایط باشد بنا بر اقل بگذارد و طوافش صحیح است.

مسئله ۶۲۲

کسی که در عدد دورهای طواف زیاد شک کند به شکش اعتناء نکند چنانچه در نماز هرگاه زیاد شک کند اعتناء نمی‌کند؛ بنا بر آنچه که به نفع او است بگذارد؛ احتیاط آن است که کسی را بگمارد که شمارش دورها را برایش حفظ کند.

مسئله ۶۲۳

بعید نیست گمان در عدد دورها گمان در عدد رکعات نماز را داشته باشد؛ ولی احتیاط اجراء حکم شک است بر او.

مسئله ۶۲۴

هرگاه از روی سهو یا غفلت یا نادانی طواف را بی وضو یا با حالت جنابت یا حیض یا نفاس انجام داده طوافش باطل است.

مسئله ۶۲۵

هرگاه کسی که مریض یا طفلی را حمل کرده و طواف می‌دهد خودش هم قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

مسئله ۶۲۶

واجب نیست صورت طواف کننده در حال طواف به طرف جلو باشد جایز است صورت خود را به طرف راست یا چپ برگرداند ولی توضیح المناسک، ص: ۱۹۳ احتیاط آن است که به حدی صورت خود را برگرداند که پشت سر خود را ببیند؛ می‌تواند طواف کننده طواف را رها کند و کعبه معظمه را ببوسد و برگردد و از همان جا اتمام کند.

مسئله ۶۲۷

جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همان جا اتمام کند؛ ولی نباید آن قدر طول بدهد که موالات عرفیه بهم بخورد؛ و هرگاه به قدری نشست که موالات بهم خورد احتیاط آن است که طواف را تمام کند و سپس آن را اعاده کند.

مسئله ۶۲۸

هرگاه در حال طواف پولی که متعلق خمس است داشته باشد؛ یا پول غصبی همراهش باشد؛ حکم محمول غصبی در نماز را دارد طوافش اشکال پیدا می‌کند.

مسئله ۶۲۹

هرگاه بعد از طواف شک کند در حال طواف که کعبه معظمه را بوسیده چند قدمی هم راه رفته یا نه، طوافش صحیح است.

مسئله ۶۳۰

هرگاه در بین طواف کردن شک کند که دور سابق را یا جزیبی از دوری که در او است و محل آن گذشته درست انجام داده؛ مثلاً شک کند هنگامی که از مقابل حجر اسماعیل علیه السلام عبور می‌کرده از حد مطاف خارج شده یا نه، در صورتی که حکم مسئله را می‌دانسته و غافل نبوده طواف او صحیح است و در غیر این صورت طواف را تمام کند و نماز آن را بخواند و پس از آن احتیاطاً

طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسئله ۶۳۱

کسی که در بین طواف آن را قطع و از اول شروع کرده اگر توضیح المناسک، ص: ۱۹۴ بعد از دور چهارم بوده بنا بر احتیاط آن را تمام کند و بعد طواف دیگر بجا آورد و اگر قبل از دور چهارم بود همان طوافی را که از سر گرفته کفایت می‌کند.

مسئله ۶۳۲

هرگاه در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حجر اسماعیل علیه السلام شد بعد متوجه شد آن دور باطل است باید از حجر الاسود اعاده کند؛ چون غالباً به جهت کثرت جمعیت برگشتن به عقب مشکل است بهتر است همراه جمعیت آن دور را بدون نیت طواف ادامه دهد تا به حجر الاسود رسیده از حجر الاسود نیت کند؛ و بنا بر احتیاط طواف را اعاده کند.

مسئله ۶۳۳

هرگاه در حال طواف یا در نماز طواف شک کند که دور چندم یا رکعت چندم است؛ باید تروی کند (مقداری فکر کند) اگر به یک طرف اطمینان پیدا کرد طبق آن عمل کند و الا عمل را از نو انجام دهد.

مسئله ۶۳۴

شخصی که طواف را از حجر الاسود شروع کرده در هر دور که به رکن یمانی رسید نیت ختم کرده به گمان این که ختم طواف در هر دور آن باید در رکن یمانی باشد هفت دور طواف را این گونه تمام کرده طوافش درست نیست باید اعاده کند.

مسئله ۶۳۵

در صورتی که مأمورین نظافت مسجد الحرام از کنار کعبه معظمه دست به دست می‌دهند تا مقام ابراهیم علیه السلام به نحوی که نمی‌شود در مطاف طواف کند باید صبر کند تا نظافت تمام شود سپس طواف خود را توضیح المناسک، ص: ۱۹۵ ادامه دهد؛ نمی‌شود در خارج مطاف طواف کند؛ هرگاه کسی به خیال این که ضرورت است در خارج مطاف طواف کرد طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسئله ۶۳۶

هرگاه دو جامه احرام یا لباس‌های دیگر طواف کننده و کفش او با عین پولی که خمس آن را نداده خریداری شده حکم مال غضبی را دارد؛ ولی اگر آنها را به ذمه خریده و از پولی که متعلق خمس بوده ذمه خود را تفریغ نموده طواف در آنها صحیح است ولی ذمه‌اش به مقدار خمس مشغول است.

مسئله ۶۳۷

هرگاه با پولی که نمی‌داند متعلق خمس است اشیاء نامبرده را خریده طواف در آنها مانع ندارد گرچه احتیاط مطلوب است.

مسئله ۶۳۸

کسی که در حج تمتع واجب از روی جهالت به خیال این که طواف واجب نیست تنها نماز طواف را انجام داده و دنبال آن سایر اعمال را بجا آورد و به محل خود برگشته باید حج را اعاده نماید و یک شتر قربانی کند.

مسئله ۶۳۹

زنی که قادر بر طواف کردن نباشد هرگاه امرش دایر باشد بین این که با تخت روان در خارج مطاف طواف داده شود یا نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد؛ در صورتی که مفسده نباشد نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد.

مسئله ۶۴۰

کسی که وظیفه‌اش اتمام و اعاده طواف است هرگاه مشغول اعاده طواف بود و در بین یکی از دورها مانند مرتبه اول طوافش قطع شد توضیح المناسک، ص: ۱۹۶ باید این طواف را مانند گذشته اتمام و اعاده کند.

مسئله ۶۴۱

هرگاه در حال طواف کردن غش کرد و بعد از ساعتی به هوش آمد؛ چون اغما مانند حدث وضو را باطل می‌کند حکم کسی را دارد که در بین طواف وضوئش باطل شده؛ پس اگر قبل از دور چهارم بوده وضو بگیرد و طواف را اعاده کند و اگر بعد از شوط چهارم بوده باید وضو بگیرد و طواف را تمام کند.

مسئله ۶۴۲

بنا بر احتیاط طواف واجب را بدون عذر قطع نکند و هرگاه قطع کرد پس از فوت موالات آن را از سر بگیرد.

مسئله ۶۴۳

کسی که به حدود مطاف آگهی ندارد هرگاه بعد از طواف شک کند که در مطاف بوده یا نه، اگر در ابتدای طواف در مطاف بوده و شک در خارج شدن از مطاف را دارد طوافش صحیح است؛ ولی اگر از اول شک دارد که در مطاف بوده نمی‌تواند به آن طواف اکتفاء کند باید طواف را از سر بگیرد.

مسئله ۶۴۴

اگر شخصی با یقین به این که تماس با بدن زن در حال طواف حرام است در حال طواف تماس با بدن زن بنماید و از این تماس لذت ببرد به طوافش ضرر نمی‌رساند و اگر کاری که موجب کفاره است انجام داده باید کفاره بدهد؛ ولی هرگاه این کار را با علم و عمد انجام داده باشد و موجب انزال منی شده گذشته بر گناه طوافش باطل می‌شود باید یک شتر کفاره بدهد.

مسئله ۶۴۵

اگر با تأخیر طواف به وقت خلوت، امکان طواف در مطاف باشد باید طواف را تأخیر بیندازد تا در وقت خلوت در مطاف طواف

کند.

مسئله ۶۴۶

کسی که مُحرم است قبل از انجام طواف واجب خود چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، احتیاط آن است که این طواف‌ها را برای معذور نیابت نکند.

مسئله ۶۴۷

اگر یقین داشته باشد که در حال طواف او را هل می‌دهند؛ یا با اجنبی و اجنبیه برخورد می‌کند نمی‌تواند در خارج از مطاف طواف کند.

مسئله ۶۴۸

زنی که به جهت خوردن قرص نظم عادت ماهانه‌اش بهم خورده هرگاه سه روز پشت سر هم خون ببیند و لو به این که پس از خروج خون تا سه روز باطن فرج آلوده باشد حکم حیض را دارد؛ ولی هرگاه سه روز پشت سر هم نباشد مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک باشد و دوباره خون ببیند؛ بنا بر احتیاط لازم در روزهایی که خون می‌بیند جمع کند بین ترک چیزهایی که بر حائض حرام است و انجام کارهایی که بر مستحاضه واجب است؛ بلکه در روزهایی که خون نمی‌بیند همین کارها را انجام دهد یعنی جمع کند بین تروک حائض و انجام عمل مستحاضه.

مسئله ۶۴۹

مستحاضه کثیره باید برای هر یک از طواف و نماز آن غسل کند؛ ولی هرگاه از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد یک غسل کفایت می‌کند و اگر محدث به حدث اصغر بود احتیاطاً وضوء بگیرد.

مسئله ۶۵۰

زن مستحاضه که باید غسل کند و وضوء بگیرد؛ در صورتی که بین وضوء، غسل، طواف و نماز آن فاصله می‌شود؛ مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد؛ هرگاه در این فاصله خون قطع نشود برای هر یک از طواف و نماز آن باید غسل کند و وضوء بگیرد و بلا فاصله عمل را انجام دهد؛ اگر بتواند نزدیک مسجد الحرام غسل کند و وضوء بگیرد نباید به منزل برود؛ اگر بتواند در نزدیکی مسجد غسل کند احتیاطاً قبل از طواف و نماز آن تیمم بدل از غسل نموده وضوء بگیرد.

مسئله ۶۵۱

زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند و وضوء بگیرد؛ هرگاه غسل کرده وضوء گرفته و طواف را شروع کرد و در بین طواف وقت نماز ظهر مثلاً رسید نماز ظهر را خواند و با همان حال بعد از خواندن نماز ظهر طواف را ادامه داد؛ اگر از هنگام غسل و وضوء تا آخر طواف خون قطع بود طوافش صحیح است و در غیر این صورت احتیاط آن است که طواف را تمام کند و پس از انجام طواف، طواف را اعاده کند.

مسئله ۶۵۲

زنی که حیض نمی‌شود ولی هر چند وقتی دو سه روزی لک و ترشحات می‌بیند اگر خون تا سه روز استمرار داشته باشد حیض است؛ ولی اگر خون استمرار نداشته؛ و لو به این که پس از خارج شدن خون تا این مدت باطن فرجش آلوده باشد؛ احتیاط آن است که در این مدت جمع کند بین ترک چیزهایی که بر حائض حرام و انجام کارهایی که بر مستحاضه واجب است.

مسئله ۶۵۳

هرگاه زنی در حال طواف مستحاضه قلیله شده اگر بعد از تمام شدن سه دور و نیم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند؛ و اگر قبل از آن بوده بنا بر احتیاط پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، طواف را انجام و سپس آن را اعاده کند.

مسئله ۶۵۴

هرگاه زن (چه قرشیه باشد یا غیر قرشیه) بین پنجاه سال و شصت سال خون به صفات حیض ببیند و سه روز ادامه داشته باشد؛ احتیاط واجب آن است که جمع کند بین تروک حائض و عمل مستحاضه، ولی هرگاه بعد از شصت سال خون ببیند هر چند سه روز پی در پی باشد و خون هم به صفات حیض باشد حکم مستحاضه را دارد.

مسئله ۶۵۵

زنی که برای جلوگیری از قاعدگی قرص می‌خورد؛ در صورتی که در ایام عادت یک یا دو لکه خون کم رنگ ببیند حکم مستحاضه را دارد باید به وظیفه مستحاضه عمل کند.

مسئله ۶۵۶

کسی که غسل میت به عهده‌اش بوده یادش رفته غسل کند و اعمال حج را بجا آورده و پس از اعمال متذکر می‌شود؛ هرگاه پس از مس میت غسل جنابت کرده کفایت می‌کند و اعمالش صحیح است؛ و گرنه باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

مسئله ۶۵۷

کسی که مرتباً از او باد معده یا ادار یا مدفوع خارج می‌شود و به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می‌شود؛ برای هر یک از طواف و نماز آن باید وضو بگیرد و بلا فاصله شروع به طواف و نماز آن بکند؛ هرگاه توضیح المناسک، ص: ۲۰۰ در بین طواف و نماز آن خارج شود اگر بتواند در اثناء وضو بگیرد و لو با حمل آب باید تطهیر کند و وضو بگیرد؛ و اگر نتواند در اثناء وضو بگیرد یا مشقت شدید دارد باید برای هر یک از طواف و نماز آن وضو بگیرد و بلا فاصله شروع به طواف و نماز آن بکند و احتیاطاً برای طواف و نماز آن نایب بگیرد.

مسئله ۶۵۸

کسی که عمل جراحی کرده و کیسه‌ای به خود بسته و بول از غیر مجرای طبیعی قطره قطره در آن کیسه می‌ریزد حکم مسلول را

دارد که در مسأله گذشته بیان شد.

مسأله ۶۵۹

کسی که نیت طواف در دل گذرانده به قصد طواف حرکت می‌کند؛ مقداری که می‌رود به گمان این که نیت طواف را باید به زبان بگوید به قصد جواز استیناف طواف را از نو شروع کند طوافش صحیح است.

مسأله ۶۶۰

هر گاه طواف و نماز آن و بعضی اعمال حج را گرچه به حسب ظاهر درست انجام داده ولی برای اطمینان بیشتر آنها را احتیاطاً اعاده می‌کند؛ اگر از راه وسوسه نباشد مانعی ندارد ولی خیلی باید توجه داشته باشد تا در معرض وسوسه واقع نشود.

مسأله ۶۶۱

استحباب یک دور یا دو دور طواف ثابت نیست؛ ولی هر گاه کسی گمان می‌کرد که مستحب است و بعد از هفت شوط یکی دو دور طواف مستحبی بجا آورد و بعد نماز طواف خواند طوافش صحیح است.

مسأله ۶۶۲

میزان در کثیر الشک بودن در طواف عرف است هر گاه توضیح المناسک، ص: ۲۰۱ کسی که شکش در طواف بیشتر از اندازه‌ای باشد که مانند او شک می‌کنند کثیر الشک است.

مسأله ۶۶۳

این که گفته می‌شود که سنی‌ها طواف در محدوده ۵/۲۶ و نماز خواندن پشت مقام را بدعت می‌دانند ثابت نیست؛ بلکه جایز می‌دانند طواف در خارج محدوده و نماز دورتر از مقام خوانده شود؛ پس جایز نیست به عنوان تقیه طواف را در خارج محدوده و نماز را دور از مقام انجام داد.

مسأله ۶۶۴

در موردی که باید طواف را تمام کرد و اعاده نمود ترتیب لازم است؛ بنا بر احتیاط لازم است طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند سپس طواف و بعد از آن نماز را اعاده کند.

مسأله ۶۶۵

در مواردی که طواف و نماز آن لازم است اعاده شود چون هنوز بر احرام باقی است بنا بر احتیاط لازم با لباس احرام باشد و از محرّمات اجتناب داشته باشد.

مسأله ۶۶۶

هر گاه مُحرم به احرام عمره تمتع جنب باشد و آب برای او ضرر داشته باشد؛ یا آب ندارد؛ یا وقت می‌گذرد؛ باید تیمم کند و

طواف و نماز را با تیمم انجام دهد؛ و بنا بر احتیاط لازم نایب هم بگیرد.

مسئله ۶۶۷

حجاب زن در طواف به تمام بدن است و وجه و کفین مستثنی است و پوشانیدن پشت پا و کف پا احتیاطی است؛ و پوشاندن صورت از نامحرم بنا بر احتیاط لازم و جوب نفسی دارد ولی باید به نحوی توضیح المناسک، ص: ۲۰۲ باشد که ساتر صورت زن را مس نکند؛ و حجاب زن در نماز هم گرچه به تمام بدن است ولی وجه و کفین و پشت پا و کف آن استثناء شده و زن می‌تواند صورت خود را در حال نماز بیوشاند گرچه نامحرم نباشد.

مسئله ۶۶۸

هرگاه زن مقداری از موهای سر خود یا جاهای دیگر بدن خود را که در طواف باید بیوشاند عمداً ظاهر کند بنا بر احتیاط لازم طواف او صحیح نیست؛ و همچنین است بنا بر احتیاط در جهل تقصیری، ولی هرگاه از روی سهو، نسیان و جهل قصوری باشد طوافش صحیح است.

مسئله ۶۶۹

کسی که در عمره تمتع مثلاً طواف را تمام کرده ولی به دلش نچسبید و قبل از این که نماز طواف را بخواند طواف را اعاده می‌کند؛ گرچه چون این کار جنبه احتیاطی دارد قرآن بین دو طواف نیست تا حرام باشد؛ ولی از جهت این که فاصله بین طواف اول و نماز می‌شود خالی از اشکال نیست.

مسئله ۶۷۰

خوردن و آشامیدن در حال طواف مانع ندارد بهتر این است که اجتناب کند.

مسئله ۶۷۱

کسی که در حال طواف شخصی را از زمین بلند می‌کند ممکن است در این حال گامی به جلو بردارد؛ هرگاه قصد طواف را و لو اجمالاً داشته باشد مانعی ندارد به شک خود اعتناء نکند.

مسئله ۶۷۲

کسی که در دور ششم طواف نتوانست طواف را ادامه دهد و دیگری را به جای خود گذاشت که بقیه طواف را برای او بجا آورد ولی توضیح المناسک، ص: ۲۰۳ خودش نماز طواف را خواند؛ بعد متوجه شد که استراحت در اثناء طواف به طواف ضرر نمی‌رساند و با استراحت می‌توانست خودش طواف را تمام کند؛ در صورتی که موالات بهم نخورده باشد طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید؛ و در صورتی که موالات بهم خورده باشد طواف را از سر بگیرد و نماز را اعاده کند.

مسئله ۶۷۳

کسی که طواف خود را بهم زده طواف دوم را شروع کرده آن را هم بهم زده و طواف سوم را شروع کرده و تمام می‌کند؛ با فرض

اعتقاد به جواز از سرگرفتن طواف، طواف آخری را که تمام کرده مجزی است.

مسئله ۶۷۴

هرگاه شك كند در یکی از دوره‌های طواف که بهم خورده یا نه، در صورتی که شك او از روی وسوسه باشد نباید اعتناء کند و گرنه باید همان قسمت را اصلاح کند؛ و ادامه بعد از شك بدون قصد طواف به تصحیح آن قسمت موجب اشکال در طواف می‌شود و با آوردن یک دور بعد از طواف احتیاطاً رفع اشکال نمی‌شود.

مسئله ۶۷۵

شرایطی که در طواف واجب باید مراعات شود در طواف مستحب معتبر است مگر آنچه را که در مناسک استثناء شده باشد؛ مانند موالات، طهارت از حدث و خواندن نماز طواف که در طواف مستحب معتبر نیست؛ و همچنین قطع طواف مستحب بدون عذر جایز است و شك در عدد دوره‌های طواف مستحب موجب بطلان آن نمی‌شود بلکه بنا بر اقل می‌گذارد؛ و قرآن بین دو طواف مستحب حرام نیست بلکه مکروه توضیح المناسک، ص: ۲۰۴ است؛ و خواندن نماز آن در هر جای مسجد الحرام در حال اختیار صحیح است.

مسئله ۶۷۶

در طواف مستحبی، خانم‌ها هرگاه اختیاً به بدن نامحرم‌ان نگاه نکنند ولی می‌دانند نگاه‌شان بی اختیار به بدن آنان می‌افتد و احیاناً بین فشار مردان قرار می‌گیرند؛ شرعاً طواف اشکال ندارد ولی شایسته است خانم‌ها در هنگام ازدحام طواف نکنند؛ به هر حال طواف صحیح است.

مسئله ۶۷۷

هر دور از طواف مستحبی را به نیت یک نفر انجام ندهد ولی می‌تواند مجموع هفت دور را به نیت چند نفر انجام داد.

مسئله ۶۷۸

طواف مستحبی را باید در مطاف بجا آورد در خارج آن جایز نیست مگر در مورد ضرورت.

مسئله ۶۷۹

گرچه بعضی فرموده‌اند در طواف مستحبی می‌توان عمداً نماز آن را نخواند ولی در حال اختیار سزاوار نیست ترک آن، بلکه احتیاط آن است که نماز آن را بجا آورد.

سعی بین صفا و مروه

[مسائل]

مسئله ۶۸۰

سعی یعنی راه پیمودن بین کوه صفا و کوه مروه، را باید بعد از طواف و نماز طواف بجا آورد پس هرگاه سعی را عمداً یا از روی فراموشی یا نادانی بر طواف و نماز طواف مقدم داشت باید آن را بعد از طواف و نماز آن اعاده کند.

مسئله ۶۸۱

سعی بین صفا و مروه عبادت است باید به قصد اخلاص انجام شود یعنی سعی را صرفاً برای خداوند و امتثال امر باری تعالی انجام دهد پس ریاء و خودنمایی در آن سعی را باطل می‌کند.

مسئله ۶۸۲

باید در نیت سعی مشخص شود که برای عمره است یا حج.

مسئله ۶۸۳

واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد و به هر مرتبه یک شوط گویند؛ شوط اول از کوه صفا باید شروع شود و به کوه مروه ختم گردد؛ و شوط دوم بر عکس آن و شوط سوم مانند شوط اول و به همین ترتیب باید ادامه پیدا کند تا این که سعی در شوط هفتم به مروه تمام شود.

مسئله ۶۸۴

هرگاه شوط اول را از مروه آغاز کرد باید آنچه را انجام داده ملغی کند گرچه اشتباهاً انجام شده باشد؛ و از نو از صفا شروع کند.

مسئله ۶۸۵

باید در هر شوط تمام فاصله موجود بین دو کوه را دقیقاً پیموده چیزی از آن را فرو نگذارد؛ چون هم اکنون قسمتی از کوه صفا و مروه را مفروش کرده‌اند تنها قسمتی از دو کوه نمایان است لازم نیست به قسمت پایانی دو کوه برود بلکه همین اندازه که به قسمت سر بالایی برود کافی است.

مسئله ۶۸۶

جایز است در حال اختیار در سعی بین صفا و مروه سواره بر روی حیوان یا غیر آن باشد ولی افضل آن است که پیاده سعی کند.

مسئله ۶۸۷

طهارت از حدث و نجاست در سعی معتبر نیست گرچه احوط است بنا بر احتیاط واجب ستر عورت معتبر است.

مسئله ۶۸۸

در سعی معتبر است رفت و آمد بین صفا و مروه از راه متعارف بین آن دو انجام شود پس کفایت نمی‌کند که رفت یا برگشت از

راه مسجد الحرام یا راه دیگر انجام شود.

مسئله ۶۸۹

هرگاه طبقه زیر زمینی بین صفا و مروه احداث شده چنانچه طبقه فوقانی اخیراً بین آن دو احداث شده اگر صدق سعی متعارف بین صفا و مروه بکند جایز است؛ گرچه احتیاط آن است که سعی از طبقه روی زمین از همان راهی که از اول متعارف بوده انجام دهد؛ گفته می‌شود که طبقه دوم که فعلاً وجود دارد میان دو کوه نیست بنا بر این سعی در طبقه دوم صحیح نیست.

مسئله ۶۹۰

هنگامی که از صفا به طرف مروه می‌رود باید آن را استقبال کند و متوجه او باشد چنانچه در وقت برگشتن از مروه به صفا باید آن را استقبال کند و متوجه او باشد بنا بر این اگر در حالی که پشتش یا پهلویش به طرف او باشد به طرف مروه یا صفا حرکت کند باطل است؛ لکن نگاه کردن به طرف چپ یا راست بلکه احیاناً برای ملاحظه همراهان هرگاه نگاهی به پشت سر بیفکند مانع ندارد در صورتی که مقاوم بدن منحرف نشود.

مسئله ۶۹۱

سعی بین صفا و مروه باید طوری انجام شود که عرفاً آن را پی در پی و یک عمل بدانند چنانچه در طواف گفته شد؛ نشستن برای توضیح المناسک، ص: ۲۰۷ استراحت و رفع خستگی به مقداری که موالات عرفی بهم نخورد مانع ندارد جایز است بر کوه صفا یا مروه یا بین این دو بنشینند؛ و احتیاط آن است که بدون عذر در بین راه ننشینند.

مسئله ۶۹۲

قطع سعی برای درک فضیلت نماز و ادامه دادن آن پس از آن از جایی که قطع کرده اشکال ندارد.

مسئله ۶۹۳

جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف گرمای هوا، بلکه جایز است تأخیر تا شب گرچه احتیاط آن است که بدون عذر تأخیر نیندازد.

مسئله ۶۹۴

سعی مانند طواف از ارکان است هرگاه عمداً یا سهواً ترک شود حکم ترک طواف را دارد چنانچه گذشت.

مسئله ۶۹۵

هرگاه عمداً سعی را بیش از هفت مرتبه زیاد کرد موجب باطل شدن سعی می‌شود چنانچه در طواف گذشت.

مسئله ۶۹۶

هرگاه از روی فراموشی سعی را زیاد کرد چه کمتر از یک شوط باشد یا بیشتر، سعی او صحیح است؛ بهتر است که زائد را رها کند

گرچه بعید نیست اگر یک شوط یا بیشتر باشد بتواند بلکه فرموده‌اند مستحب است آن را به هفت شوط برساند.

مسئله ۶۹۷

هرگاه از روی فراموشی سعی را کم کرد اگر کمتر از یک مرتبه سعی کرده و بقیه را فراموش کرده احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد؛ و همچنین است اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد توضیح المناسک، ص: ۲۰۸ واجب است باقی را هر وقت یادش بیاید؛ هر چند بعد از اعمال حج باشد؛ تدارک کند؛ و هرگاه به محل خود مراجعت کرده اگر مراجعت برای او مشقت و حرج ندارد باید مراجعت کند و احتیاط آن است که کمبود را جبران کند سپس سعی را از سر بگیرد؛ و اگر خودش نتواند تدارک کند یا تدارک آن برایش مشقت و حرج داشته باشد واجب است نایب بگیرد و احتیاط واجب آن است که نایب هم جمع کند بین جبران کمبود و از سر گرفتن سعی.

مسئله ۶۹۸

اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا بعد از هر دوری شک کند که درست بجا آورده یا نه، اعتنا نکند و سعیش صحیح است؛ و همچنین اگر در بین رفت و آمد شک کند که جزء پیش را صحیح بجا آورده یا نه، اعتناء نکند.

مسئله ۶۹۹

هرگاه هنگامی که در کوه مروه است شک کند که هفت مرتبه رفت و آمد کرده یا زیاده‌تر، مثل این که شک کند بین هفت و نه، اعتناء نکند بنا بگذارد که هفتم است.

مسئله ۷۰۰

هرگاه قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور هفتم است یا کمتر سعی او باطل است و همچنین است هر شکمی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد مثل این که شک کند بین یک و دو، یا دو و چهار و هكذا.

مسئله ۷۰۱

کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفتن به مروه و بازگشت به صفا را توضیح المناسک، ص: ۲۰۹ یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده؛ اگر جاهل قاصر بوده سعیش صحیح است و اگر جاهل مقصر بوده سعیش خالی از اشکال نیست احتیاط آن است که سعی را اعاده کند.

مسئله ۷۰۲

هرگاه بعد از ظهر طواف و نماز آن را بجا آورد گرچه مبادرت سعی لازم نیست ولی تأخیر آن تا فردای آن روز بدون عذر مثل مرض و مانند آن، جایز نیست؛ هرگاه تأخیر انداخت طواف و نماز را اعاده کند؛ ولی تأخیر اگر عرفاً تأخیر حساب نشود مانع ندارد.

مسئله ۷۰۳

هرگاه در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت دور بوده احتیاطاً سعی را رها کند مقداری صبر کند که موالات عرفی

از بین برود پس از آن طواف و نماز و سعی را بجا آورد.

مسئله ۷۰۴

اگر مشغول سعی بین صفا و مروه باشد یادش بیاید که طواف را بجا نیاورده سعی را رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را از سر بگیرد.

مسئله ۷۰۵

اگر در حال سعی یادش بیاید که طواف را ناقص بجا آورده برگردد و طواف را از همان جا که ناقص کرده تکمیل کند و نماز آن را بخواند و بعد تتمه سعی را بجا آورد طواف و سعی صحیح است؛ ولی بنا بر احتیاط اگر کمتر از چهار دور بجا آورده بود طواف را تمام کند و سپس اعاده نماید؛ و همچنین احتیاط آن است اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند سپس اعاده کند.

مسئله ۷۰۶

هرگاه در اثناء سعی برای خوردن آب از مسیر منحرف شود و پس از خوردن آب سعی را ادامه دهد اگر سعی را قطع نکرده و به نیت سعی حرکت را ادامه داده و در بین راه آب خورد؛ و یا اگر قطع کرده از جایی که سعی را قطع کرده یا محاذی آن سعی را تمام کند سعی صحیح است.

مسئله ۷۰۷

زن حائض که برای طواف نایب می‌گیرد نمی‌تواند برای سعی نایب بگیرد برای این که محل سعی مسجد نیست؛ حائض باید پس از این که نایب طواف و نماز آن را بجا آورد سعی را خودش بجا آورد.

مسئله ۷۰۸

کسی که از روی فراموشی یا جهل به موضوع یا حکم، در عمره تمتع سعی را بجا نیاورد و مُرد، باید برایش نایب گرفته شود و در صورتی که سعی را فراموش کرده نایب باید سعی را به نیابت آن شخص انجام دهد گرفتن نایب برای تمام حج تمتع لازم نیست؛ و اگر از روی جهالت سعی را بجا نیاورده واجب است برای سعی نایب گرفته شود و احتیاط آن است که عمره مفرده برایش انجام شود و پس از آن حج اعاده شود.

مسئله ۷۰۹

بین صفا و مروه طوری است که از یک طرف می‌روند و از طرف دیگر برمی‌گردند اگر بتواند از مسیری که به مروه رفته به صفا برگردد اشکال ندارد ولی نباید مزاحم دیگران بشود.

مسئله ۷۱۰

هرگاه کسی در حال سعی کردن متوجه شد مقداری را که توضیح المناسک، ص: ۲۱۱ برای هروله کردن (آهسته دویدن) علامت

گذاری کرده‌اند به طور عادی سعی کرده گمان کرده که هروله لازم است برمی‌گردد مقداری را که به طور عادی رفته با هروله می‌رود؛ اگر به طور قهقری (پشت سرکی) به محل هروله برگردد یا به قصد انجام وظیفه واقعی برگردد سعیش باطل نیست؛ ولی هرگاه همین طور برگشته باشد بنا بر احتیاط واجب سعی را اعاده کند.

مسئله ۷۱۱

در سعی بین صفا و مروه هرگاه به جایی از صفا یا مروه می‌رسد برای شوط بعدی از محلی که رسیده برای شوط بعدی شروع نمی‌کند بلکه مقداری روی کوه صفا یا مروه حرکت می‌کند و در این مقدار حرکت متوجه نیست که با نیت سعی کرده یا نه، ولی اگر از او سؤال شود چه می‌کنی جواب می‌دهد سعی می‌کنم؛ سعیش درست است و راه رفتن روی کوه مضر به سعی نیست.

مسئله ۷۱۲

سعی باید بین دو کوه صفا و مروه باشد؛ از حدود دو متر بالاتر از سرایشی که مریض‌ها را با چرخ می‌برند مربوط به کوه است لازم نیست بالا برود؛ خلاصه مسیر چرخ سوارها اشکال ندارد.

مسئله ۷۱۳

هرگاه زن حائض یا نفساء در اثر ازدحام برای رفتن به صفا برای سعی در مسیر معمولی ناچار است از مسجد الحرام عبور کند اگر امکان نداشته باشد از راه دیگری برود باید سعی را تأخیر بیندازد و اگر آن هم ممکن نیست نایب بگیرد که سعی را انجام دهد ولی اگر مخالفت کرد و از مسجد رفت و خودش سعی را بجا آورد سعیش صحیح است گرچه گناه توضیح المناسک، ص: ۲۱۲ کرده.

مسئله ۷۱۴

زیاد کردن سعی اگر از روی جهل باشد حکم زیادی سهوی را دارد سعی باطل نمی‌شود؛ ولی مع ذلک احتیاط اعاده سعی است.

مسئله ۷۱۵

کسی که نمی‌تواند بدون سوار شدن در چرخ‌های معمولی در مسعی سعی کند و پولی هم برای این کار در اختیار ندارد؛ مثلاً سوغاتی خریده؛ نمی‌تواند نایب بگیرد باید خودش سعی کند به سوار شدن در چرخ و لو به فروش مقداری از سوغاتی یا قرض کردن؛ مگر این که حرج و مشقتی در بین باشد در این صورت می‌تواند برای سعی نایب بگیرد.

مسئله ۷۱۶

هرگاه به تصور این که در حال سعی باید با وضو باشد بعد از یک شوط و نیم مثلاً سعی خود را قطع می‌کند وضو می‌گیرد و هفت شوط دیگر سعی می‌کند هرگاه پس از فوت موالات عرفی بوده اگر جاهل قاصر بوده سعیش صحیح است و اگر جاهل مقصر بوده احتیاطاً سعی را اعاده کند.

مسئله ۷۱۷

هرگاه با اعتقاد به این که هر شوط سعی عبارت از رفتن به مروه و برگشت به صفا است سعی را شروع کرد و در شوط سوم متوجه

مسأله می‌شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می‌دهد سعی او صحیح است.

مسأله ۷۱۸

کسی که در حال سعی گاهی به طرف عقب به طرف صفا یا مروه برگشته باید آن مقدار را تدارک کند و سعی صحیح است؛ و اگر توضیح المناسک، ص: ۲۱۳ تدارک نکرده سعی محل اشکال است احتیاط در اتمام و اعاده است.

مسأله ۷۱۹

هرگاه به جهت کنترل همراهان خود هنگام سعی گاهی به عقب برمی‌گشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی می‌کرده سعی محل اشکال است باید اعاده کند مگر این که جاهل قاصر بوده یا مقدار اضافی را به قصد سعی انجام نداده باشد.

مسأله ۷۲۰

هرگاه به تصور این که رفتن بالای کوه صفا یا مروه واجب است چون این مقدار وارد سعی شده و بعد به نیت سعی برگشته و در واقع مقداری از مسافت را دوبار طی کرده اگر این کار را به نیت احتیاط انجام داده ضرر ندارد.

مسأله ۷۲۱

در صورتی که مقداری از شوطها را می‌داند انجام داده مثلاً می‌داند پنج شوط انجام داده؛ ولی شک دارد بقیه را انجام داده یا نه، چون شک در اشواط است سعی باطل است.

مسأله ۷۲۲

هرگاه قبل از رسیدن به مروه شک کند که هفت مرتبه شوط کرده یا نه مرتبه، چون شک در شوطهای سعی است سعی باطل است باید سعی را اعاده کند.

مسأله ۷۲۳

بنا بر احتیاط واجب اعتبار موالات عرفی است در تمام شوطهای سعی مگر در مواردی که استثناء شده باشد فرقی بین شوط اول و شوطهای دیگر نیست.

مسأله ۷۲۴

هرگاه در حال سعی غیر از صورت و دو کف دست زن توضیح المناسک، ص: ۲۱۴ آشکار شود اگر از روی عمد بوده معصیت کرده ولی سعی باطل نیست.

مسأله ۷۲۵

هرگاه در عدد شوطهای سعی شک دارد و با حال تردید به سعی خود ادامه داد پس از تأمل و داخل شدن در شوط بعدی یقین به عدد شوطها پیدا کرد و با یقین سعی را تمام کرد چون کفایت سعی در حال شک روشن نیست بلکه وظیفه او از سر گرفتن سعی

بوده صحت سعی محل اشکال است؛ و احتیاط اعاده سعی است مگر این که سعی را با حال تردید به رجاء کشف حال ادامه داده باشد در این صورت بعید نیست سعیش صحیح باشد؛ مع ذلک احتیاط بر اعاده سعی است.

مسئله ۷۲۶

هرگاه مُحْرَم لباس احرام را کنار گذارد و با لباس دوخته طواف و سعی عمره را بجا آورد طواف و سعیش صحیح است؛ ولی در صورت عمد معصیت کرده باید یک گوسفند کفاره دهد و در صورت سهو و فراموشی و جهالت کفاره ندارد.

مستحبات سعی

«۱» مسئله ۷۲۷ پس از فارغ شدن از نماز طواف و دعاهاى مربوط به آن شایسته است: ۱ اگر بتواند به طرف چاه زمزم برود مقداری از آب آن بردارد و از آن بیاشامد و مقداری از آن را به سر، صورت، پشت و شکم خود بریزد و توضیح المناسک، ص: ۲۱۵ بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَ رِزْقًا وَاسِعًا، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ». ۲ به طرف حجر الاسود برود و از آنجا به طرف کوه صفا بیرون رود. ۳ با آرامی و آرامش بدن بالای کوه صفا برود و به کعبه معظمه نظر کند و به رکنی که حجر الاسود در او است متوجه شود حمد و ثناء الهی بجا آورد و نعت‌های الهی را به خاطر بیاورد و این اذکار را بگوید: هر یک از «اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را هفت مرتبه بگوید. سپس سه مرتبه بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، يُؤْتِي وَ يَخِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». سپس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و آن گاه سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ». سپس سه مرتبه بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». توضیح المناسک، ص: ۲۱۶ آن گاه سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ». سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ». سپس هر یک از «اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ». را صد مرتبه بگوید؛ و آن گاه بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَخْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ». بسیار تکرار کند اعتقاد دینی خود را و خود و اهل و مال خود را به خداوند عالم بسپارد و بگوید: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ، الَّذِي لَا تَضِيعُ وَ دَائِعُهُ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ». سپس سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید؛ سپس دعای گذشته را دو مرتبه تکرار کند؛ و یک بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و باز دعا را اعاده کند؛ و هرگاه تمام توضیح المناسک، ص: ۲۱۷ این اعمال را نتوانست انجام دهد هر مقداری که می‌تواند بجا آورد. و از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده همین که آن حضرت به بالای کوه صفا قرار می‌گرفت رو به طرف کعبه معظمه می‌کرد و دو دست خود را بلند می‌کردند و می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعِدْتُ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي، وَ إِنْ تَعِدَّنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي، وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفَعَّلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تَعِدَّنِي وَ لَمْ تَظْلَمْنِي أَصِيبَتْ أَتَقَى عَيْدَكَ وَ لَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَيْدٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي». سپس بگوید: «يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ، وَ لَا يَنْفُذُ نَائِلُهُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَعِزَّنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ». ۴ از امام صادق علیه السلام روایت شده فرمودند: کسی که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن بر کوه صفا را طول دهد. ۵ پیاده سعی کند و با آرامش و وقار راه برود؛ همین که به مناره اول

رسید از آنجا تا مناره دوم آهسته بدود (هروله کند) اگر سواره باشد در میان دو مناره قدری سرعت کند؛ برای خانم‌ها هروله نیست؛ از مناره دوم با وقار و آرامش به طرف مروه حرکت کند؛ و هنگام بازگشت از مروه در بین دو توضیح المناسک، ص: ۲۱۸ مناره هروله کند. ۶ همین که به مروه رسید و بالای آن قرار گرفت آنچه را که در کوه صفا انجام داده بجا آورد و پس از آن بگوید: «اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يَجْزِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ زَيَّنَ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ». ۷ کوشش کند در حال سعی خود را به گریه اندازد و گریه کند و بسیار خداوند را بخواند و اظهار نیاز به پیشگاه او نماید و بخواند این دعا را: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

تقصیر، کوتاه کردن مو و ناخن

[مسائل]

مسئله ۷۲۸

واجب است در عمره تمتع بعد از انجام سعی بین صفا و مروه قدری از موی سر یا ریش یا شارب خود را بگیرد؛ گرچه مشهور فرموده‌اند که با گرفتن مقداری از ناخن دست یا پا تقصیر تحقق پیدا می‌کند؛ ولی بهتر بلکه احتیاط آن است که به گرفتن ناخن اکتفاء نکند و آن را پس از چیدن موی سر یا صورت تأخیر بیندازد.

مسئله ۷۲۹

تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند بلکه جایز نیست؛ و توضیح المناسک، ص: ۲۱۹ در صورتی که از روی عمد و با دانستن حکم شرعی سر خود را بترشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۷۳۰

تقصیر به کندن مو صادق نیست میزان کوتاه کردن موی سر یا صورت است و اکتفاء به کوتاه نمودن موی زیر بغل و مانند آن مشکل است.

مسئله ۷۳۱

تقصیر از عبادات است و واجب است به قصد قربت و اخلاص برای خداوند انجام شود هرگاه در آن ریا کند تقصیر محقق نمی‌شود باید جبران کند و اگر بدون تدارک تقصیر هرگاه برای حج مُحرم شود و اعمال حج را انجام دهد در این صورت حکم کسی را دارد که بدون تقصیر وارد اعمال حج شده لازم است سال آینده حج تمتع را بجا آورد.

مسئله ۷۳۲

هرگاه تقصیر را عمداً ترک کند تا وقتی که احرام حج می‌بندد؛ عمره او باطل می‌شود و حج افراد می‌شود و پس از تمام شدن مناسک حج، عمره مفرده بجا آورد؛ و بنا بر احتیاط واجب در سال بعد حج را اعاده کند.

مسئله ۷۳۳

اگر طواف یا نماز آن یا سعی در عمره به جهتی باطل شده و شخص بدون توجه به آن تقصیر نموده و لباس پوشیده و بعد متوجه شده که عمره مزبور باطل بوده باید عمره باطل شده را جبران کند؛ پس اگر در طواف بوده احتیاطاً بعد از اعاده طواف و نماز آن سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

مسئله ۷۳۴

هرگاه تقصیر را فراموش کند تا وقتی که احرام حج را ببندد عمره‌اش صحیح است ولی بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۷۳۵

بعد از تقصیر در عمره تمتع آنچه که بر او حرام شده حلال می‌شود حتی نزدیکی با زن ولی بنا بر احتیاط واجب سر خود را نتراند.

مسئله ۷۳۶

کسی که تقصیر او محکوم به بطلان شده و بعد از آن از روی جهل به حکم محرمات احرام را بجا آورد کفاره بر او نیست مگر این که با زن خود نزدیکی کرده باشد.

مسئله ۷۳۷

کسی که در عمره تمتع بعد از سعی و تقصیر شک کند تقصیری که انجام داده صحیح بوده یا نه، در صورتی که حال عمل عالم به مسأله بوده و التفات داشته اعتناء نکند.

مسئله ۷۳۸

در صورتی که یکی از خدمه کاروان به احرام عمره مفرده در میقات مُحرم شده و طواف و نماز و سعی را بجا آورده فکر می‌کند که کندن چند مو به عنوان تقصیر کفایت می‌کند چند نخ مو کند به حساب خود از احرام بیرون آمده سپس برای عمره تمتع که وظیفه‌اش بوده به میقات رفته و مُحرم شده اعمال عمره تمتع را با تقصیر انجام داده؛ چون به کندن چند مو از احرام عمره مفرده خارج نشده عمره تمتع او صحیح نیست تا این که با تقصیر صحیح از عمره مفرده خارج شود.

مسئله ۷۳۹

هرگاه در عمره مفرده تقصیر را فراموش کرد هر کجا که یادش بیاید گرچه پس از بازگشت به محل خود باشد می‌تواند انجام دهد توضیح المناسک، ص: ۲۲۱ ولی باید طواف نساء را اعاده کند و اگر خودش نمی‌تواند برود نایب بگیرد.

مسئله ۷۴۰

لازم نیست خودش تقصیر کند شخص دیگری گرچه سنی باشد می‌تواند برای شیعی تقصیر کند.

مسئله ۷۴۱

هرگاه بعد از انجام اعمال عمره مفرده در منزل خود تقصیر کند مانع ندارد.

مسئله ۷۴۲

هرگاه از روی جهل تقصیر را ترک کند در این مسئله جهل حکم عمد را دارد.

مسئله ۷۴۳

بین عمره تمتع و حج تمتع ماشین کردن سر مانع ندارد ولی احتیاط آن است که سر خود را تراشد و از ماشین کردنی که مانند تراشیدن است اجتناب کند.

مسئله ۷۴۴

هرگاه بین عمره تمتع و حج تمتع سر خود را تراشید؛ بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره دهد هر چند از روی جهالت و فراموشی تراشیده باشد.

مسئله ۷۴۵

تراشیدن صورت بین عمره تمتع و حج تمتع حکم خاصی ندارد همچنان که در غیر این مورد تراشیدن صورت جایز نبوده در این حال هم جایز نیست.

مسائل متفرقه سعی و تقصیر**مسئله ۷۴۶**

با تمام شدن سعی محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود توضیح المناسک، ص: ۲۲۲ بلکه در عمره تمتع به تقصیر حلال می‌شود.

مسئله ۷۴۷

هرگاه در عمره تمتع بعض سعی را فراموش کرد؛ گرچه شش شوط انجام داده باشد؛ به گمان این که اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شده و با زن خود نزدیکی کرد واجب است برگردد و سعی را تمام کند و یک گاو برای کفاره سر ببرد؛ و همچنین است اگر نزدیکی با زن در مفروض بعد از تقصیر باشد؛ بلکه احتیاط تمام کردن سعی و دادن کفاره است اگر در مفروض تقصیر کرده باشد گرچه نزدیکی با زن نکرده باشد و در تقصیر فرقی بین ناخن گرفتن و مو گرفتن نیست.

مسئله ۷۴۸

اتمام سعی و دادن کفاره که در مسئله گذشته بیان شد در غیر سعی عمره تمتع، یعنی در سعی عمره مفرده و حج، احتیاطی است.

مسئله ۷۴۹

هر گاه شك کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر و انصراف از سعی، باید اعتنا نکند سعیش صحیح است چه شك در زیاده باشد و چه در نقیصه.

مسئله ۷۵۰

هر گاه سعی را از مروه شروع کرده و به صفا ختم کرده بعد فهمیده که باید از صفا شروع کند و به مروه ختم کند باید سعی را از صفا شروع کند و به مروه ختم کند و تقصیر کند گرچه تقصیر کرده باشد.

مسئله ۷۵۱

هر گاه بعد از تمام شدن شوط ششم سعی در صفا گمان کند که شوط هفتم را بجا آورده تقصیر کند ولی فوراً به او گفته شود که باید یک شوط دیگر انجام شود او هم شوط هفتم را انجام داد و بار دیگر تقصیر کرد توضیح المناسک، ص: ۲۲۳ عملش صحیح است؛ ولی هر گاه در عمره تمتع بوده بنا بر احتیاط در صورتی که با گرفتن ناخن تقصیر کرده یک گاو کفاره بدهد.

مسئله ۷۵۲

هر گاه یقین کند که هفت شوط بین صفا و مروه را تمام کرده بعد از تقصیر متوجه شود که پنج شوط بوده باید سعی را تمام کند و احتیاطاً تقصیر را اعاده کند و احتیاطاً یک گاو کفاره بدهد.

مسئله ۷۵۳

هر گاه در اثناء سعی مثلاً در شوط سوم سعی را بهم زد اگر بعد از فوت موالات سعی را از سر گرفته باشد سعی و تقصیرش صحیح است و اگر قبل از فوت موالات عرفی بوده هر گاه جاهل قاصر بوده سعی و تقصیر او صحیح است و اگر جاهل مقصر بوده احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند.

مسئله ۷۵۴

کسی که از روی جهل سعی بین صفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می شود انجام داده و آن گاه متوجه حکم مسئله شد از همان جا سعی را قطع کرد و تقصیر کند؛ گذشت سعیش باطل نیست ولی مع ذلک احتیاط اعاده سعی است.

مسئله ۷۵۵

کسی که به طور کلی سعی را فراموش کرده و تقصیر کرده هر وقت یادش بیاید سعی را بجا آورد و احتیاط آن است که بعد از سعی تقصیر کند؛ و بنا بر احتیاط قبل از اعاده تقصیر محرمات احرام را ترک کند ولی کفاره ثابت نیست.

مسئله ۷۵۶

کسی که بعد از طواف و نماز طواف از روی سهو یا نادانی توضیح المناسک، ص: ۲۲۴ تقصیر کرد سپس سعی را بجا آورد و دوباره تقصیر کرد؛ چیزی بر او نیست.

مسئله ۷۵۷

هرگاه در اثناء سعی عمداً تقصیر نموده باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند؛ بلکه هرگاه از روی نادانی یا فراموشی انجام داده بنا بر احتیاط تقصیر را اعاده کند و اگر در ابتدای سعی قصد هفت شوط را نداشته سعی را اعاده کند.

تبدل حج تمتع به حج افراد**مسئله ۷۵۸**

کسی که به واسطه عذری مُحرم به احرام عمره تمتع شده؛ وقتی به مکه مکرمه وارد می‌شود اگر بخواهد عمره را بجا آورد وقت وقوف به عرفات می‌گذرد؛ یا می‌ترسد که وقت بگذرد؛ باید عدول کند به حج افراد و پس از بجا آوردن اعمال حج، عمره مفرده بجا آورد؛ حج او صحیح است و کفایت از حجّه الإسلام می‌کند.

مسئله ۷۵۹

هرگاه زنی احرام عمره تمتع بست پس از وارد شدن به مکه مکرمه به واسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف و نماز آن را بجا آورد؛ و اگر صبر کند تا پاک شود وقت وقوف به عرفات می‌گذرد یا می‌ترسد که وقت بگذرد؛ به دستوری که در مسأله گذشته بیان شد باید عمل کند.

مسئله ۷۶۰

هرگاه زنی در عمره تمتع قبل از این که سه دور و نیم طواف را انجام داده حائض شود و تا قبل از رفتن به عرفات پاک نشود وظیفه او عدول به حج افراد است.

مسئله ۷۶۱

هرگاه بدون احرام وارد مکه مکرمه شد و نبستن احرام به واسطه عذری بود و وقت هم تنگ باشد باید در مکه مکرمه احرام حج افراد ببندد و به دستوری که در دو مسأله گذشته گفته شد باید عمل کند.

مسئله ۷۶۲

هرگاه عمداً و بی جهت احرام نبست و عمره خود را باطل کرد و وارد مکه مکرمه شده و وقت برای انجام عمره تمتع نباشد بنا بر احتیاط واجب باید مُحرم به احرام حج افراد شود و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و در سال بعد حج تمتع را اعاده کند؛ و همچنین اگر مُحرم به احرام عمره تمتع از حج واجب شده ولی عمداً اعمال آن را تأخیر انداخت تا وقت تنگ شود.

مسئله ۷۶۳

مراد از تنگی وقت که در مسائل گذشته عنوان شد بنا بر احتیاط نرسیدن به وقوف اختیاری عرفه است که از ظهر نهم ماه ذیحجه تا

غروب آن است.

مسئله ۷۶۴

هرگاه به قصد حج استجابی مُحرم شد و پس از ورود به مکه مکرمه وقت تنگ شد عدول به حج افراد کند و حج افراد بجا آورد و عمره مفرده بر او واجب نیست.

مسئله ۷۶۵

هرگاه کسی که وظیفه او حج تمتع است هنگام بستن احرام یقین پیدا کند اگر بخواهد عمره تمتع بجا آورد به وقوف عرفات نمی‌رسد باید از ابتداء مُحرم به احرام حج افراد شود و آن را بجا آورد و پس از آن عمره مفرده بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب در سال بعد حج تمتع بجا آورد.

مسئله ۷۶۶

هرگاه در عمره تمتع به جای تقصیر چند مو از بدن خود بکند بعد متوجه شود؛ اگر حج واجب بوده حج تمتع او منقلب به حج افراد می‌شود پس از انجام مناسک حج، عمره مفرده بجا آورد و احتیاط آن است که در سال بعد حج را اعاده کند.

مسائل متفرقه عمره تمتع

مسئله ۷۶۷

کسی که قصد بیرون رفتن از مکه مکرمه را داشته به همین جهت از اول میقات به نیت عمره مفرده مُحرم می‌شود و وارد مکه مکرمه می‌شود و عمره مفرده بجا می‌آورد ولی بعداً از خارج شدن از مکه مکرمه منصرف می‌شود؛ هرگاه عمره مفرده در ماه‌های حج (شوال، ذیقعد و ذیحجه) باشد و عمره مفرده بر او واجب نبوده و تا وقت حج در مکه مکرمه باقی باشد و قصد داشته باشد که حج تمتع بجا آورد می‌تواند عمره مفرده را عمره تمتع قرار دهد و بعد از آن مناسک حج تمتع را بجا آورد؛ ظاهراً در این حکم فرقی بین این که حج واجب بوده یا مستحب نیست.

مسئله ۷۶۸

هرگاه به نیت عمره‌ایی مُحرم شد و تلبیه گفت؛ تجدید احرام برای عمره دیگر معنی ندارد احرام دوم باطل است مگر این که به نیت عمره مفرده مُحرم شده بود و احرام در ماه‌های حج (شوال، ذیقعد و ذیحجه) بوده و عمره مفرده بر او به نذر و مانند آن واجب نشده می‌تواند آن عمره را عمره تمتع قرار دهد.

مسئله ۷۶۹

با توجه به توسعه مکه مکرمه رفتن به اطراف تا جایی که صدق کند از مکه مکرمه است مانند غار حرا و غار ثور، مانع ندارد.

مسئله ۷۷۰

کارمند سازمان حج که ناچار است باید بعد از عمره تمتع قبل از حج از مکه مکرمه خارج شود و به عرفات برود در صورت امکان یا نبودن عسر و حرج باید مُحرم شود به احرام حج و از مکه مکرمه خارج شود؛ و اگر مُحرم شدن برای این شخص امکان ندارد یا عسر و حرج است می‌تواند بدون احرام خارج شود و ضرری به حج و نیابتش نمی‌زند.

مسئله ۷۷۱

کسی که منزلش خارج از مکه مکرمه است اگر از توابع و اطراف مکه مکرمه حساب شود می‌تواند در اثناء عمره یا بعد از عمره قبل از احرام به حج به منزل خود برود.

مسئله ۷۷۲

خارج شدن از مکه مکرمه برای کسی که حج تمتع را انجام داده در غیر ضرورت جایز نیست و مراد ضرورت عرفی است؛ پس کسی که مطمئن است به آسانی بر نمی‌گردد جایز نیست خارج شود.

مسئله ۷۷۳

کسی که بر اثر شلوغی مقداری از طوافش در خارج مطاف واقع شده بعد بقیه اعمال را انجام داده اگر ممکن نبوده و لو در وقت دیگر در مطاف طواف کند مانعی ندارد؛ و گرنه باید طواف و نماز آن را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را هم اعاده کند.

مسئله ۷۷۴

کسی که وظیفه او وضوی جیره‌ای و تیمم است ولی از روی جهالت بدون تیمم اعمال عمره را انجام داده طواف و نماز آن را اعاده توضیح المناسک، ص: ۲۲۸ کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را هم اعاده نماید.

مسئله ۷۷۵

در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست ولی انجام آن موافق با احتیاط است و اگر بخواهد انجام دهد محل آن قبل از تقصیر است؛ بر خلاف طواف نساء در عمره مفرده که محل آن بعد از تقصیر است.

مسئله ۷۷۶

اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلاً هشت روز است روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را بجا آورد اما بعداً لک دید؛ اگر آن لک به صفات حیض بوده و قبل از گذشت ده روز باشد باید طواف و نماز آن را اعاده کند و اگر سعی و تقصیر را بجا آورده احتیاطاً آنها را هم اعاده کند؛ و اگر بعد از ده روز باشد یا به صفات حیض نبوده اعمالش درست است.

مسئله ۷۷۷

هرگاه زنی پس از آن که سه دور و نیم طواف عمره تمتع را انجام داده حائض شود و تا وقت وقوف به عرفات پاک نشود؛ سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و برای حج تمتع مُحرم شود و پس از اعمال منی قبل از طواف حج بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را بجا آورد و احتیاطاً سعی و تقصیر را هم اعاده کند.

مسئله ۷۷۸

زنی که عمره تمتع را بجا آورده بعد از آن متوجه شد که طواف او باطل بوده و در همان حال متوجه می‌شود که عذر زنانه دارد هر وقت عذر او برطرف شد طواف و نماز آن را بجا آورد و اگر سعی و تقصیر را بجا آورده بود احتیاطاً آنها را هم اعاده کند؛ و اگر قبل از وقوف به عرفات توضیح المناسک، ص: ۲۲۹ پاک نمی‌شود برای حج مُحرم شود و پس از اعمال منی و رفع عذر قبل از طواف حج، طواف و نماز عمره را بجا آورد و احتیاطاً سعی و تقصیر را هم بجا آورد.

مسئله ۷۷۹

کسی که در طواف یا سعیش بدون نیت به جلو می‌رود می‌خواهد از همان نقطه که قطع شده شروع کند ولی به جهت ازدحام نتواند به آن نقطه که قطع شده خود را برساند می‌تواند از محاذی آن نقطه طرف راست یا چپ شروع کند.

مسئله ۷۸۰

هرگاه در دور آخر محدث شده بدون طهارت دور را تمام کرده بعد وضو گرفته طواف را اعاده نموده و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده بنا بر احتیاط باید قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده با وضو بجا آورد؛ و احتیاط آن است که طواف را از سر بگیرد و احتیاطاً نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

مسئله ۷۸۱

کسی که در دور ششم طواف می‌کند نجاستی در بدن دیده و یقین دارد که این نجاست در دورهای قبل در بدن او بوده بدون توجه به مسئله طواف را به پایان رسانده سپس بدن را تطهیر کرده طواف را اعاده نموده و عمره را تمام کرده باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده احتیاطاً اعاده کند گرچه موالات از بین رفته باشد؛ سپس احتیاطاً نماز طواف و سعی و تقصیر را اعاده نماید؛ و تا تقصیر نکرده احکام مُحرم را مراعات کند.

مسئله ۷۸۲

هرگاه بین سعی صفا و مروه یادش بیاید که نماز طواف واجب را فراموش کرده؛ برگردد و نماز را پشت مقام به تفصیلی که در مسئله (۵۸۵) اشاره شد بجا آورد و آن گاه سعی را از جایی که قطع کرده تمام کند.

مسئله ۷۸۳

هرگاه بعد از سایر اعمال که بعد از نماز باید بجا آورد یادش بیاید نماز را پشت مقام نخوانده لازم نیست آن اعمال را اعاده کند گرچه احتیاط استحبابی اعاده آنها است.

مسئله ۷۸۴

کسی که نماز طواف عمره را در داخل حجر اسماعیل علیه السلام بجا آورده و بعد از تقصیر متوجه شد؛ باید نماز را پشت مقام بجا آورد ولی لازم نیست اعمال بعد از آن را اعاده کند گرچه احتیاط اعاده سعی و تقصیر است.

مسئله ۷۸۵

کسی که بعد از طواف وضوی او باطل شده ولی خجالت کشید که وضو بگیرد با همان حال نماز طواف و سعی و تقصیر کرده باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند بلکه بنا بر احتیاط واجب طواف را نیز اعاده کند.

مسئله ۷۸۶

زنی که نماز طواف عمره را در حجر اسماعیل علیه السلام خوانده پس از آن ملتفت شد که در حال حیض بوده و تا وقوف به عرفات پاک نمی‌شود؛ عمره او صحیح است باید برای حج تمتع مُحرم شود ولی قبل از طواف و نماز حج قضای نماز عمره تمتع را بجا آورد.

مسئله ۷۸۷

هرگاه زنی که مُحرم به احرام عمره تمتع شده پس از ورود به توضیح المناسک، ص: ۲۳۱ مکه مکرمه و انجام طواف قبل از این که نماز طواف بخواند حائض شود اگر وقت وسعت دارد صبر کند تا پاک شود و نماز را بخواند و بقیه اعمال را بجا آورد؛ و چنانچه وقت تنگ باشد سعی و تقصیر عمره تمتع را انجام دهد و مُحرم با احرام حج تمتع شود قبل از انجام طواف حج تمتع طواف عمره و نماز طواف عمره را قضاء کند سپس بقیه اعمال را انجام دهد.

مسئله ۷۸۸

هرگاه طواف عمره را بجا آورد از روی جهالت یا فراموشی بدون نماز و سعی تقصیر کرده اگر فاصله زیاد نباشد باید نماز و سعی را بجا آورد و احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند و اگر فاصله زیاد شده بنا بر احتیاط طواف را هم اعاده کند.

مسئله ۷۸۹

بعد از انجام عمره تمتع و قبل از انجام مناسک حج تمتع جایز نیست عمره مفرده بجا آورد و هرگاه بجا آورد عمره تمتعش باطل می‌شود و لازم است آن را اعاده کند.

مسئله ۷۹۰

هرگاه زن به تصور این که پاک شده طواف را انجام می‌دهد و در اثناء سعی یا به بعد از سعی متوجه می‌شود هنوز پاک نشده؛ در صورت توجه در اثناء، سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز طواف را اعاده کند و احتیاطاً سعی را هم اعاده نماید.

مسئله ۷۹۱

کسی که قادر نباشد بعض دورهای طواف یا سعی را خودش انجام دهد می‌تواند در آن قسمت نایب بگیرد.

مسئله ۷۹۲

هرگاه طواف و نماز را در روزی بجا آورد و روز بعد شک توضیح المناسک، ص: ۲۳۲ کند که سعی کرده یا نه، اگر در موردی است که احتمال تأخیر انداختن بدون عذر بوده بنا گذارد بر این که سعی را بجا آورده گرچه احتیاط استجابی در بجا آوردن است؛ ولی اگر در موردی است که تأخیر با عذر بوده ظاهراً وجهی بر بناگذاری بر انجام سعی نیست باید سعی را بجا آورد بلکه طواف و نماز آن و سعی را بجا آورد؛ ولی هرگاه بعد از تقصیر شک کند که سعی را بعد از طواف و نماز آن بجا آورده یا نه، لازم نیست سعی کند.

اعمال حج تمتع

واجبات حج تمتع

اشاره

گذشت که واجبات حج تمتع سیزده چیز است:

اول: احرام:

[مسائل]

مسئله ۷۹۳

پس از تمام شدن عمره تمتع واجب است برای حج تمتع احرام ببندد.

مسئله ۷۹۴

هرگاه نیت کند حج تمتع را و لیک‌های واجب را به طوری که در احرام عمره تمتع بیان شد بگوید مُحَرَّم می‌شود؛ و چنانچه در احرام عمره تمتع گفته شد قصد احرام بستن و تروک احرام لازم نیست.

مسئله ۷۹۵

چنانچه در نیت احرام عمره تمتع گذشت باید نیت احرام بستن به حج تمتع فقط برای خداوند متعال باشد و اگر ریاء در نیت باشد احرام باطل است.

مسئله ۷۹۶

کیفیت احرام بستن و گفتن لبیک در احرام حج تمتع به همان نحوی است که در احرام عمره تمتع بیان شد.

مسئله ۷۹۷

تمام چیزهایی که در محرمات احرام عمره تمتع حرام بود در احرام حج تمتع هم حرام است و آنچه که از ارتکاب آن در عمره تمتع باعث کفاره می‌شد در احرام حج تمتع هم باعث کفاره می‌شود.

مسئله ۷۹۸

بهترین وقت برای احرام بستن برای حج تمتع ظهر روز توضیح المناسک، ص: ۲۳۵ هشتم ذیحجه (ترویج) است؛ می‌تواند از آن وقت تأخیر بیندازد تا هنگامی که بعد از احرام بستن به وقوف اختیاری عرفات برسد و از آن وقت نمی‌تواند تأخیر بیندازد.

مسئله ۷۹۹

پیرمرد و مریض بلکه غیر آنان می‌توانند پیش از آن وقت احرام ببندند ولی پیش از سه روز از آن وقت احرام نبندند.

مسئله ۸۰۰

اولی بلکه احتیاط آن است که احرام بعد از نماز باشد؛ و افضل آن است که بعد از نماز ظهر، و گرنه بعد از نماز عصر، و گرنه بعد از نماز قضاء، و گرنه بعد از نافله شبانه روزی، و لا اقل بعد از دو رکعت نافله باشد.

مسئله ۸۰۱

محل احرام حج شهر مکه مکرمه است از هر جای آن، گرچه در محله‌های تازه‌ساز باشد؛ پس اگر بعضی محلات تازه‌ساز مکه مکرمه با مسجد الحرام فاصله زیاد دارد ولی به وسیله تونل‌های متعدد که در کوه‌ها احداث شده به یکدیگر مرتبط هستند و از محلات مکه مکرمه حساب می‌شوند جدایی به خاطر کوه و مانند آن مانع ندارد از هر نقطه آن می‌تواند احرام حج تمتع ببندد؛ ولی اگر از محلات مکه مکرمه حساب نشود بلکه از توابع آن به حساب آیند یا مورد شک باشند که از محلات مکه مکرمه باشند؛ احرام از آنها کفایت نمی‌کند؛ خلاصه احرام از محلات تازه‌ساز که عرفاً از محلات مکه مکرمه حساب شوند جایز است ولی احوط و اولی آن است که احرام بستن در هر جای مکه مکرمه قدیم باشد که در توضیح المناسک، ص: ۲۳۶ زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و افضل آن است که در مسجد الحرام باشد؛ بهترین جای مسجد الحرام برای احرام بستن نزد مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام است.

مسئله ۸۰۲

گذشت کسی که از عمره تمتع فارغ شده و محل گردیده بدون حاجت از مکه مکرمه خارج نشود؛ و هرگاه حاجتی برای بیرون

رفتن پیش آید مُحرم شود به احرام حج و بیرون رود؛ و با همان احرام برای اعمال حج برگردد در صورتی که در همان ماه قمری برگردد؛ و اگر در ماه بعدی برگردد باید با عمره تمتع وارد مکه مکرمه شود؛ عمره اول فاسد است و بعد از انجام اعمال عمره تمتع مُحرم به احرام حج تمتع شود.

مستحبات احرام تا وقوف به عرفات: «۱»

مسئله ۸۰۳

اموری که در احرام عمره تمتع مستحب بود در احرام حج تمتع نیز مستحب است.

مسئله ۸۰۴

همین که احرام بست و از مکه مکرمه بیرون رفت آهسته تلبیه بگوید تا این که مشرف بر ابطح شود همین که مشرف بر ابطح شد مستحب است صدایش را به تلبیه بلند کند همین که متوجه منی شود بگوید: «اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي». توضیح المناسک، ص: ۲۳۷ با بدن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و به منی که رسید بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقَدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانِ». همین که داخل منی شد بگوید: «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِنِّي مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُمَنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ».

مسئله ۸۰۵

مستحب است شب عرفه در منی باشد و به طاعت و عبادت مشغول باشد؛ بهتر است که عبادات مخصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد و نماز صبح را در آنجا بخواند و بعد از نماز مشغول به عبادت و تعقیب باشد تا طلوع آفتاب.

مسئله ۸۰۶

مکروه است قبل از طلوع فجر و طلوع آفتاب، بلکه خلاف احتیاط است که از منی کوچ کند مگر از جهت ضرورت مثل این که بیمار باشد یا از هجوم جمعیت ترسان باشد؛ خلاصه تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر رد نشود.

مسئله ۸۰۷

همین که متوجه عرفات شود این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَيَّمْتُ، وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارَأَ لِي فِي رِخْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَ لِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي». توضیح المناسک، ص: ۲۳۸ و در هر پستی و بلندی تلبیه بگوید تا این که به عرفات برسد.

دوم: وقوف در عرفات:

اشاره

دوم از واجبات حج تمتع و قوف در عرفات است.

مسئله ۸۰۸

واجب است و قوف در عرفات به قصد قربت و اخلاص باشد مانند نماز و سایر عبادات.

مسئله ۸۰۹

مراد از و قوف حضور و ماندن در عرفات است خواه سواره باشد یا پیاده، خواه ساکن باشد یا در حال حرکت، گرچه و قوف در حال ایستاده افضل است.

مسئله ۸۱۰

هرگاه در تمام وقت بیهوش یا خواب یا مست باشد و قوفش باطل است؛ ولی اگر در اول وقت نیت کرده باشد و بعد از آن بخواب رود یا بیهوش شود مانع ندارد.

مسئله ۸۱۱

و قوف در عرفات برای مختار باید از اول زوال روز عرفه (نهم ذیحجه) تا غروب شرعی آن که وقت نماز مغرب است باشد؛ جایز نیست تأخیر بیندازد از اول زوال و در وقت عصر توقف کند گرچه فرموده‌اند جایز است که و قوف بعد از زوال به مقدار خواندن نماز ظهر و عصر پشت سرهم با اذان و اقامه باشد در صورتی که بخواهد نماز ظهر و عصر را جمع کند؛ ولی احتیاط آن است که به این مقدار هم تأخیر نیندازد و و قوف در عرفات از زوال باشد.

مسئله ۸۱۲

و قوف در عرفات از زوال تا مغرب گرچه واجب است لکن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود؛ بلی توقف مقداری از آن زمان رکن است پس هرگاه از روی اختیار هیچ توقف و لو به مقدار کمی در عرفات نداشته باشد حجش باطل است؛ ولی اگر مقدار کمی توقف در عرفات داشته باشد و قبل از مغرب از عرفات کوچ کند حج او صحیح است گرچه اگر از روی عمد و علم باشد خلاف و معصیت کرده.

مسئله ۸۱۳

فرموده‌اند حدود عرفات عبارتند از دشت‌های عرفه و ثویه و نمره تا ذی‌المجاز و از آزمین تا آخرین جای و قوف، و خود اینها حدود عرفات می‌باشند و جزء موقت نیستند؛ و قوف در عرفات باید داخل محدود باشد بنا بر این و قوف در وادی نمره و دیگر جاهایی که از حدود عرفات خارج است کفایت نمی‌کند؛ خلاصه حدودی که برای عرفات، مزدلفه، مشعر الحرام و منی مشخص شده اگر مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد معتبر است؛ ظاهراً تابلوها و علاماتی را که گذارده‌اند دست به دست از قدیم به آنها رسیده مورد قبول اهل محل است مادامی که خطای آنها احراز نشود معتبر است.

مسئله ۸۱۴

جبل الرحمه گرچه جزء موقف عرفات است ولی فرموده‌اند زفتن به بالای کوه و وقوف بر آن هنگام وقوف مکروه است؛ مستحب است ایستادن در دامنه طرف چپ جبل الرحمه باشد.

مسئله ۸۱۵

هرگاه از روی علم و عمد، یا از روی جهل تقصیری وقوف توضیح المناسک، ص: ۲۴۰ رکنی را ترک کند؛ یعنی بعد از زوال ظهر روز عرفه (نهم ذیحجه) در عرفات نباشد؛ حش باطل است و کفایت نمی‌کند درک وقوف اضطراری عرفه که وقوف شب عید است در عرفات.

مسئله ۸۱۶

هرگاه وقوف رکنی در عرفات را از روی فراموشی، یا از روی جهل قصوری یعنی ندانستن حکم شرعی از راه کوتاهی یاد گرفتن نبود؛ یا به جهت عذر دیگری از قبیل مرض و سرما و گرما و مانند اینها درک نکند؛ واجب است وقوف اضطراری انجام دهد و آن عبارت است از وقوف در مقداری از شب عید قربان در عرفات، و با درک وقوف اضطراری حش صحیح است و هرگاه نتواند وقوف اضطراری عرفه را هم درک کند اگر وقوف در مشعر الحرام را درک کند چنانچه بیاید حش صحیح است.

مسئله ۸۱۷

کوچ کردن (بیرون رفتن) از حدود عرفات پیش از مغرب عالماً عامداً حرام است اما حج را باطل نمی‌کند؛ ولی اگر تا مغرب شرعی به عرفات برنگردد یک شتر کفاره دهد و آن را بنا بر احتیاط واجب در روز عید و بنا بر احتیاط واجب در منی در راه خدا قربانی کند؛ ولی هرگاه پشیمان شود قبل از غروب دوباره به عرفات برگردد و تا مغرب بماند چیزی بر او نیست گرچه احتیاط آن است که یک شتر قربانی کند؛ و همچنین است اگر بدون این که از کار خود پشیمان شود برای حاجتی برگردد در صورتی که بعد از رسیدن به عرفات با قصد قربت تا مغرب در عرفات توقف داشته باشد.

مسئله ۸۱۸

چنانچه گذشت هرگاه عالماً و عامداً از عرفات کوچ کند کفاره بر او واجب است؛ اگر نتواند این کفاره را بدهد باید هیجده روز روزه بگیرد یا در مکه مکرمه، یا در راه برگشتن، یا نزد اهل و عیالش، و احتیاط واجب آن است که روزه‌ها را پشت سرهم بگیرد.

مسئله ۸۱۹

هرگاه سهواً یا از روی فراموشی یا ندانستن مسئله از عرفات قبل از مغرب شرعی کوچ کند و از حدود عرفات خارج شود اگر یادش نیاید چیزی بر او نیست؛ ولی هرگاه یادش بیاید یا عالم شود باید مراجعت کند و اگر مراجعت نکرد گناه کرده و بنا بر احتیاط واجب حکم کسی را دارد که عمداً خارج شده و باز نگشته، بنا بر احتیاط کفاره بدهد خصوصاً در موردی که جهل تقصیری بوده.

مسئله ۸۲۰

هر گاه به واسطه عذری مانند فراموشی، یا تنگی وقت، یا جهل قصوری، یا مرض، یا شدت گرما، یا سرما از زوال روز عرفه تا مغرب در عرفات نباشد؛ یعنی هیچ جزئی از زمان را درک نکند واجب است مقداری از شب عید قربان را توقف کند؛ خلاصه کسی که وقوف اختیاری عرفات را به واسطه عذری درک نکند هر گاه وقوف اضطراری عرفات را که توقف مقداری از شب عید است درک کند حجتش صحیح است.

مسئله ۸۲۱

هر گاه کسی که به واسطه عذری وقوف روز نهم را در عرفات انجام نداد و شب دهم را عمداً و بدون عذر در عرفات وقوف نکند یعنی وقوف اختیاری عرفات را به واسطه عذری بجا نیاورد؛ و وقوف اضطراری توضیح المناسک، ص: ۲۴۲ عرفات را که با طلوع فجر شب دهم است عمداً و بدون عذر ترک کند حجتش باطل است؛ اما اگر از روی فراموشی یا غفلت یا عذر دیگری بوده؛ اگر وقوف اختیاری مشعر الحرام را چنانچه خواهد آمد درک کند حجتش صحیح است.

مسئله ۸۲۲

وقوف اضطراری عرفه که درک مقداری از شب عید است چنانچه گذشت از ابتدای شب عید است تا طلوع فجر.

مستحبات وقوف به عرفات «۱»

مسئله ۸۲۳ مستحب است: ۱ در حال وقوف با طهارت باشد. ۲ غسل کند؛ بهتر آن است که هنگام زوال ظهر باشد. ۳ وقوف در پایین کوه جبل الرحمه سمت چپ آن و در زمین هموار باشد؛ گذشت که بالا رفتن بر کوه در حال وقوف مکروه است مگر این که در صحرای عرفات ازدحام و تراکم جمعیت باشد. ۴ در اول وقت جمع کند بین نماز ظهر و عصر به یک اذان و دو اقامه چه به جماعت باشد یا فرادی، امام باشد یا مأوم، نمازش تمام باشد یا شکسته، جمع بین دو نماز برای آماده شدن برای دعا و نیایش است برای این که روز عرفه روز دعا و مسئلت است. توضیح المناسک، ص: ۲۴۳ آنچه سبب تفرق حواس است از خود دور کند؛ به این طرف و آن طرف و مردم توجه نکند تا این که قلب او متوجه حق تعالی شود همین که قلبش متوجه حق تعالی شد حمد الهی کند و تهلیل و تمجید و ثنای حضرتش بجا آورد؛ صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و صد مرتبه سوره توحید بخواند و آنچه که بخواهد برای خود و والدین و برادران ایمانی خود که کمتر از چهل نفر نباشند دعا کند؛ توبه کند؛ استغفار نماید و از شیطان رانده درگاه الهی به خدا پناه ببرد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و به تسبیح، حمد، تکبیر و سایر اذکار و دعاهای وارده مشغول شود. ۶ فرموده‌اند احتیاط آن است که دعا، استغفار، صلوات و اذکار را در آن مقطع حساس ترک نکند؛ روز عرفه روزی است که خداوند متعال بندگانش را به عبادت و طاعت خود فراخوانده و عنایت مخصوص و سفره احسان خود را برای بندگانش گسترده، و شیطان در این روز خوارتر و کوچک‌تر و رانده‌تر و خشمناک‌ترین وقت‌ها است؛ از امام سجاد علیه السلام روایت شده در روز عرفه شنیدند صدای سائلی را که از مردم سؤال می‌نمود فرمودند: وای بر تو!! آیا از غیر خداوند در این روز سؤال می‌کنی و حال آن که امید می‌رود در این روز فضل الهی شامل حال بچه‌هایی که در شکم مادران هستند بشود و آنها سعید شوند؛ باید حد اکثر استفاده را از این زمان بسیار عزیز نمود به گریه، ناله، استغفار و دعا مخصوصاً دعاهای در این روز مشغول شد بدانند که این فرصت کمتر برای انسان دست می‌دهد. توضیح المناسک، ص: ۲۴۴ ابی بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده فرمودند همین که وارد موقف عرفات شدی کعبه معظمه را استقبال کند و این اذکار را بگو: صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»، صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، صد مرتبه «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا

قُوَّةَ إِلَهًا بِاللَّهِ»، صد مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». سپس از اول سوره بقره ده آیه بخوان و آن گاه آیه الکرسی را تا آخر بخوان پس این آیات را بخوان: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُعْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَيْثُ وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ النُّجُومُ مَسَاحِرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِلَّا- لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، اذْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ، وَ لَا- تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ اذْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ». پس از آن سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخوان؛ سپس آنچه از نعمت‌های خداوند متعال بر تو ارزانی داشته یکایک یاد کن و خدا را بر آنها حمد و ستایش کن؛ و همچنین بر اهل و مال و سایر توضیح المناسک، ص: ۲۴۵ چیزهایی که خداوند متعال بر تو تفضل کرده حمد و ستایش کن و بگو: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَ لَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ». و به آیاتی از قرآن مجید که در آنها ذکر حمد شده خدا را حمد کن؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده خدا را تسبیح کن؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده خدا را تکبیر کن؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده خدا را تهلیل کن؛ و زیاد صلوات بر محمد و آل محمد بفرست؛ و به هر اسمی از اسماء الهی که در قرآن موجود است خدا را بخوان؛ و به آنچه از اسماء الهی که در یاد داری خدا را یاد کن؛ و به اسماء الهی که در آخر سوره حشر موجود است خدا را بخوان؛ و آنها عبارتند از: «هُوَ اللَّهُ الْعَلِيمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، ... الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، ... الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ، الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ، ... الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ». ۸ فرموده‌اند شایسته است اگر خسته نشود دعاها را در حالی که ایستاده است بخواند؛ بلکه مکروه است سواره یا نشسته بخواند اگر از دعا کردن و زاری در حال ایستاده خسته نشود؛ خواندن هر دعا و ذکر در عرفات شایسته است افضل آنها دعاها و اذکار وارده است مانند دعاء حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه و دعاء حضرت امام سجاد علیه السلام که در صحیفه کامله آمده. ۹ دعا حضرت رسول صلی الله علیه و آله که به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام تعلیم توضیح المناسک، ص: ۲۴۶ فرموده و فرمودند که این دعاء انبیاء گذشته است: آن دعاء از این قرار است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ، وَ خَيْرًا مِمَّا نَقُولُ، وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لِمَكَ صِيَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ لِمَكَ تَرَاثِي (براءتی خ ل)، وَ بِكَ حَوْلِي، وَ مِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنَ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ، وَ مِنَ شَتَاتِ الْأُمُورِ، وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ، وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي وَ بَصِيرِي نُورًا، وَ فِي لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرُوقِي وَ مَفْعَدِي وَ مَقَامِي وَ مَدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا وَ أَعْظَمْ لِي نُورًا، يَا رَبِّ يَوْمَ الْآفَاكِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ*». ۱۰ از دعاهاى وارده این دعا است: «اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فَكَّرَقَبْتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجَنِّ وَ الْبَانِسِ، اللَّهُمَّ لَا- تَمَكِّرْ بِي، وَ لَا- تَخْذَعْنِي، وَ لَا- تَشِدِّدْ رِجْلِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ مَنِّكَ وَ فَضْلِكَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَسْرَعَ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۲۴۷ الْحَاسِبِينَ، وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا». و به جای کذا و کذا حاجت را بخواه. سپس دست به آسمان بردار و بگو: «اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعَنِي، وَ الَّتِي إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ يَدِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنْاسِكَ، الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ وَ أَحْيَيْتُهُ بِعِيدِ الْمَوْتِ حَيَاءً طَيِّبَةً». و در روایتی آمده بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ، وَ أَحْيَيْتُهُ بِعِيدِ الْمَوْتِ حَيَاءً طَيِّبَةً». و در روایت دیگر صد مرتبه حمد الهی و صد مرتبه تسبیح را اضافه کن پس از آن بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَحْيَبِ وَفِدِكَ، وَ أَرْحَمِ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ مَنِّكَ وَ فَضْلِكَ يَا أَسْمَعَ

السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصِرَ النَّاطِرِينَ». توضیح المناسک، ص: ۲۴۸ ۱۱ و این دعا را بخوان: «أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ، وَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ بِجَمْعِكَ وَ بِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِإِسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَ بِإِسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُحْيِيَهُ، وَ بِإِسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ، أَنْ لَا تُؤَدَّهَ، وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، أَنْ تُعْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فَيَّ». و هر حاجت که در امور دنیا و آخرت داری بخواه، و از خداوند متعال بخواه که توفیق حج در سال آینده و هر سال داشته باشی. و هفتاد مرتبه بگو: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ». و هفتاد مرتبه بگو: «أَسْأَلُكَ اللَّهُ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ». و این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ فَكُنْ مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ». و هرگاه بعد از انجام این کارها وقت بود و آفتاب غروب نکرده بود می‌توانی آنچه گفته شد تکرار کنی؛ مبادا از دعا، تضرع و زاری خسته شوی. ۱۲ در این روز تا می‌توانی از خیرات و صدقات کوتاهی نکن. توضیح المناسک، ص: ۲۴۹ ۱۳ نزدیک غروب آفتاب بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَ مِنَ تَسْتِثِ الْأُمُورِ، وَ مِنَ شَرِّ مَا يَخْذُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَ أَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَنِّي بِرَحْمَتِكَ، وَ الْبَسِيْنِي عَافِيَتِكَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ». ۱۴ بعد از غروب آفتاب بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَ ارْزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ أَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي، مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ، وَ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَ اعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَهَةِ وَ الْعَافِيَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ بَارِكْ لِي فِي مَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَ بَارِكْ لَهُمْ فَيَّ». و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتِنِنِي مِنَ النَّارِ».

سوم: وقوف در مشعر الحرام:

[مسائل]

اشاره

سوم از واجبات حج تمتع وقوف در مشعر الحرام است

مسئله ۸۲۴

همین که مغرب شرعی شد و از وقوف در عرفات فارغ گشت واجب است به طرف مشعر الحرام که و به آن مزدلفه و جمع نیز می‌گویند کوچ کند.

مسئله ۸۲۵

گفته‌اند مشعر الحرام بیابانی است وسیع که بین مازمین که نام تنگه‌ای است بین عرفات و مشعر الحرام، و حیاص و وادی مُحَسَّر قرار گرفته و با علائم نصب شده حدود آن مشخص شده؛ خود اینها همه حدود مشعر الحرام هستند و جزء موقف نیستند نمی‌شود در حال اختیار در آنها توقف کند ولی در حال ازدحام و فشار جمعیت می‌تواند به طرف مازمین بالا رود.

مسئله ۸۲۶

بنا بر احتیاط واجب به قصد اطاعت خداوند شب دهم را تا طلوع فجر در مشعر الحرام بسر برد و مقداری از آن را ذکر خدا بگوید؛ همین که فجر طالع شد برای اطاعت خداوند با نیت خالص از ریاء و خودنمایی تا طلوع آفتاب توقف داشته باشد؛ خلاصه در اینجا دو تکلیف است: اول: ماندن از شب دهم است تا طلوع فجر در مشعر الحرام. دوم: ماندن از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب، باید در هر دو وقوف قصد قربت و اخلاص داشته باشد؛ می‌تواند نیت وقوف دوم را مقارن طلوع فجر بکند و می‌تواند هر دو نیت را هنگام ورود به مشعر الحرام انجام دهد.

مسئله ۸۲۷

هرگاه عالماً و عامداً وقوف در مشعر الحرام را از شب تا طلوع آفتاب ترک کند حجش باطل است؛ ولی زن‌ها، بچه‌ها، بیماران، توضیح المناسک، ص: ۲۵۱ اشخاص ضعیف و کسانی که کار ضروری دارند مانند کسانی که برای پرستاری و راهنمایی آنان لازم است؛ لازم نیست بین طلوعین در مشعر الحرام وقوف داشته باشند در صورتی که شب را در مشعر الحرام توقف داشته باشند می‌توانند قبل از طلوع فجر کوچ کنند؛ و احتیاط واجب آن است که پیش از نصف شب کوچ نکنند و احتیاط مستحب آن است که هرگاه توقف برایشان مشکل نباشد کوچ نکنند؛ ولی همراهان معذورین و کسانی که عذر آنها برطرف شود لازم است در صورتی که برایشان امکان داشته باشد برای درک وقوف اختیاری مشعر الحرام قبل از طلوع آفتاب و لو به یک لحظه برگردند؛ و در فرض عجز هرگاه بتوانند قبل از ظهر روز عید به مشعر الحرام برگردند باید برگردند.

مسئله ۸۲۸

کسی که تمام شب عید یا بعضی از آن را در مشعر الحرام بوده اگر قبل از طلوع فجر عمداً و بدون عذر از مشعر الحرام بیرون رود و تا طلوع آفتاب برنگردد در صورتی که وقوف در عرفات از او فوت نشده باشد گرچه گناه کرده ولی حجش صحیح است؛ چنانچه مشهور هم فرموده‌اند باید یک گوسفند کفاره بدهد ولی احتیاط آن است که در سال بعد حجش را اعاده کند.

مسئله ۸۲۹

هرگاه کسی که عذر دارد و وقوف شب یا بین طلوعین مشعر الحرام را درک نکند در صورتی که وقوف در عرفات، گرچه اضطراری آن را درک نکرده باشد؛ اگر مقداری گرچه کم باشد از طلوع آفتاب تا ظهر روز توضیح المناسک، ص: ۲۵۲ عید را در مشعر الحرام توقف کند حجش صحیح است؛ و الا اگر وقوف در عرفات گرچه اضطراری آن را درک نکرده باشد حجش صحیح نیست.

مسئله ۸۳۰

اگر وقوف اختیاری عرفات را درک کرد و قبل از رفتن به مشعر الحرام بیهوش شد؛ هرگاه بیهوش آمد اگر وقت انجام اعمال‌هایی را داشته باشد بقیه اعمال را خودش بجا آورد؛ و اگر نتواند نایب بگیرد؛ و در غیر این صورت سال بعد حج را اعاده کند و برای خارج شدن از احرام، عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۸۳۱

از آنچه گذشت روشن شد که برای وقوف به مشعر الحرام سه وقت است: ۱ وقوف بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب، این وقوف اختیاری مشعر الحرام است و احتیاط واجب آن است که از شب عید تا طلوع فجر هم در مشعر الحرام وقوف داشته باشد. ۲ وقوف شب عید برای کسی که عذر دارد و نمی‌تواند بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب وقوف داشته باشد. ۳ وقوف از طلوع آفتاب است تا ظهر روز دهم برای کسی که عذر داشته وقوف در شب یا بین طلوعین را بجا نیاورده؛ این دو قسم وقوف اضطراری مشعر الحرام است.

مسئله ۸۳۲

با در نظر گرفتن هر یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر الحرام، و درک هر دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری توضیح المناسک، ص: ۲۵۳ یا اضطراری، یا درک نکردن آن دو، و به ملاحظه این که ترک ممکن است از روی عمد یا نادانی یا فراموشی باشد؛ اقسامی دارد بعضی آنها صحیح و بعضی آنها باطلند، به اقسامی که ممکن است محل ابتلاء بشود اشاره می‌شود: اول: شخص درک اختیاری هر دو موقف را داشته باشد؛ یعنی از ظهر روز عرفه تا مغرب شرعی وقوف در عرفات را درک کرده و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب وقوف در مشعر الحرام را درک کرده باشد؛ اشکالی در درست بودن حج او از این نظر نیست گرچه ممکن است از جهت دیگر مثل این که از نظر جماع کردن باطل شود. دوم: هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری در عرفات و در مشعر الحرام را درک نکرده باشد و در این صورت حج او باطل است بنا بر احتیاط واجب باید با همان احرام عدول به عمره کند و طواف و نماز آن، سعی و تقصیر، و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد و از احرام خارج شود؛ و اگر گوسفند همراه داشته باشد احتیاطاً قربانی کند؛ هرگاه ترک دو موقف از روی تقصیر بوده حج بر او مستقر شده باید سال بعد حج بجا آورد گرچه شرایط استطاعت را نداشته باشد؛ ولی هرگاه ترک از روی عذر بوده اگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید سال دیگر به حج برود بلکه احتیاط آن است که به حج رود اگر حج بر او مستقر شده باشد گرچه مستطیع نباشد. سوم: درک وقوف اختیاری عرفه با وقوف اضطراری نهاری توضیح المناسک، ص: ۲۵۴ مشعر الحرام را درک کرده؛ اگر وقوف اختیاری مشعر الحرام را که وقوف بین طلوع فجر و طلوع آفتاب است؛ عمداً ترک نکرده باشد حجش صحیح است؛ ولی اگر وقوف اختیاری مشعر الحرام را عمداً ترک کرده باشد حجش باطل است. چهارم: وقوف اضطراری عرفات که شب عید است؛ با وقوف اختیاری مشعر الحرام را درک کرده؛ هرگاه ترک وقوف اختیاری عرفات را عمداً ترک کرده حجش باطل است و الاً حجش صحیح است. پنجم: وقوف اختیاری عرفه را تا وقوف اضطراری شب مشعر الحرام، یعنی وقوف قبل از طلوع فجر است را درک کرده؛ هرگاه ترک وقوف اختیاری مشعر الحرام از روی عذر بوده حجش صحیح است چیزی بر او نیست؛ ولی هرگاه از روی عمد بوده گرچه حجش صحیح است ولی گناه کرده باید یک گوسفند کفاره بدهد. ششم: وقوف اضطراری عرفات یا وقوف اضطراری شب مشعر الحرام را درک کرده؛ هرگاه معذور بوده در ماندن شب در مشعر الحرام و وقوف اختیاری عرفات را عمداً ترک نکرده باشد حج او صحیح است ولی هرگاه معذور نبوده اگر وقوف اختیاری عرفات را عمداً ترک کرده حجش باطل است و اگر وقوف اختیاری عرفات را درک کرده ولی عمداً وقوف اختیاری مشعر الحرام را ترک کرده حجش باطل نیست گرچه گناه کرده باید یک گوسفند کفاره بدهد. توضیح المناسک، ص: ۲۵۵ هفتم: وقوف اضطراری عرفات و وقوف اضطراری روز مشعر الحرام که وقوف بعد از طلوع آفتاب تا ظهر است را درک کرده؛ اگر وقوف اختیاری عرفات و وقوف اختیاری مشعر الحرام را عمداً ترک کرده حجش باطل است؛ ولی هرگاه عمداً نبوده حجش صحیح است اما احتیاط آن است که اگر شرایط واجب شدن حج را داشته باشد در سال بعد حج را اعاده کند. هشتم: وقوف اختیاری عرفات را درک کرده باشد؛ هرگاه وقوف اختیاری و اضطراری وقوف به مشعر الحرام (به دو قسمش) را عمداً ترک کرده حج او باطل است و اگر عمداً ترک نکرده باشد حج او صحیح است؛ ولی احتیاط تمام کردن اعمال حج است و اعاده حج. نهم:

فقط وقوف اضطراری عرفه را درک کند در این صورت حج او باطل است. دهم: وقوف اختیاری مشعر الحرام را درک کرده در این صورت هرگاه وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده حجش صحیح، و الاً حجش باطل است. یازدهم: فقط وقوف اضطراری روز مشعر الحرام را درک کند؛ هرگاه وقوف اختیاری عرفه را عمداً ترک نکرده باشد گرچه مشهور فرموده‌اند حجش باطل است ولی بعید نیست صحیح باشد اما احتیاط مراعات فتوی مشهور است. دوازدهم: فقط وقوف اضطراری شب مشعر الحرام را درک کرده؛ اگر وقوف اختیاری عرفات را عمداً ترک نکرده و از صاحبان عذر باشد حج او توضیح المناسک، ص: ۲۵۶ صحیح است و چیزی بر او نیست؛ ولی اگر از صاحبان عذر نباشد گرچه حجش صحیح است ولی گناه کرده باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مستحبات وقوف در مشعر الحرام:

مسأله ۸۳۳ همین که مغرب شرعی شب دهم شد و از وقوف به عرفات فارغ شد شایسته است: ۱ با دلی آرام و با وقار به طرف مشعر الحرام حرکت کند. ۲ مشغول دعا و استغفار باشد. ۳ در راه رفتن میانه‌رو باشد و از مزاحمت دیگران پرهیزد. ۴ همین که به تپه‌ای که از شن سرخ در طرف راست است رسید بگوید: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْفِقِي، وَزِدْ فِي عِلْمِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي، وَتَقَبَّلْ مِنَّا مَنَاسِكِي». ۵ نماز مغرب و عشاء را تا رسیدن به مشعر الحرام به تأخیر اندازد گرچه یک سوم از شب گذشته باشد؛ و آنها را پشت سرهم بخواند؛ اذان و اقامه برای نماز مغرب بگوید و برای نماز عشاء فقط اقامه بگوید؛ و از این جهت نافله مغرب را بعد از نماز عشاء بجا آورد و هرگاه در رسیدن به مشعر الحرام قبل از نصف شب مانعی برسد نباید نماز را به تأخیر اندازد در بین راه بخواند. ۶ در وسط وادی دره که از طرف راست راه است فرود آید؛ از کوه توضیح المناسک، ص: ۲۵۷ قَرُحْ بِالْأُرُودِ وَخُدا را یاد کند. ۷ برای حاج که ضروره است (یعنی کسی که برای اولین بار حج بجا می‌آورد) مستحب است بلکه احتیاطی است با پای برهنه روی سرزمین مشعر الحرام راه برود. ۸ مستحب است به هر مقداری که می‌تواند آن شب را به عبادت و اطاعت و خواندن دعا سپری کند گرچه از دعاهای وارده در آن شب نباشد؛ روایت شده این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، ثُمَّ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَأَنْ تُقَيِّنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ». ۹ صبح کند در حالی که با طهارت باشد و غسل کند و با آن نماز صبح بخواند. ۱۰ بعد از نماز صبح در پایین کوه رو به قبله با طهارت حمد و ثنای الهی بجا آورد؛ و به هر اندازه که می‌تواند نعمت‌ها و عنایات و تفضلات الهی را یاد کند؛ و شهادتین بگوید و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام یکایک درود بفرستد و دعا کند و از دشمنانشان بی‌زاری بجوید؛ بلکه احتیاط آن است در مشعر الحرام ذکر و صلوات بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و توضیح المناسک، ص: ۲۵۸ اهل بیتش علیهم السلام را ترک ننماید و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَّرْتَنِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسَعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مَسْئُولٍ، وَلِكُلِّ وَافِتِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقَيِّنِي عَثْرَتِي، وَتَقَبَّلْ مَعْدِرَتِي، وَأَنْ تَجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي». ۱۱ برای خود، پدر، مادر، فرزندان، خانواده، مؤمنین و مؤمنات دعا زیاد کند سپس هر یک از: «اللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». را صد بار بگوید و صلوات بر محمد و آل بفرستد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنَ الضَّلَالَةِ، وَأَنْقِذْنِي مِنَ الْجَهَالَةِ، وَاجْعَلْ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَخُذْ بِنَاصِيَتِي إِلَى هِدَاكَ، وَأَنْقِلْنِي إِلَى رِضَاكَ، فَتَقْدَرُ تَرَى مَقَامِي بِهَذَا الْمَشْعَرِ الَّذِي أَنْخَفَضَ لِمَكَ فَرَفَعْتَهُ، وَذَلَّ لَكَ فَأَكْرَمْتَهُ، وَجَعَلْتَهُ عِلْمًا لِلنَّاسِ، فَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَنَيْلَ رَجَائِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ أَنْ تُحَرِّمَ شَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ، وَأَنْ تَرْزُقَنِي حَيَاةً فِي طَاعَتِكَ، وَبَصِيرَةً فِي دِينِكَ، وَعَمَلًا بِفَرَائِضِكَ، وَإِتِّبَاعًا لِأَمْرِكَ وَخَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَأَنْ تَحْفَظَنِي فِي نَفْسِي وَوَالِدَيَّ وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَإِخْوَانِي تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۲۵۹ وَجِرَانِي بِرَحْمَتِكَ». ۱۲ در دعا و تضرع به پیش‌گاه خداوند سبحان سعی و

کوشش فراوان داشته باشد تا آفتاب طلوع کند؛ بلکه سزاوار است آن شب را بیدار باشد و به راز و نیاز مشغول باشد؛ در خبر است درهای رحمت الهی در آن شب بر بندگان باز است و خداوند عز و جل می‌فرماید: من پروردگار شما هستم شما بندگان من هستید شما حق مرا ادا کردید و بر من حق و سزاوار است دعا‌های شما را اجابت کنم. ۱۳ نزدیک طلوع آفتاب از مشعر الحرام به طرف منی حرکت کند ولی از وادی محسّر عبور نکند. ۱۴ هرگاه با فاصله زیادی قبل از طلوع آفتاب حرکت کند و از مشعر الحرام خارج شود بنا بر احتیاط مستحب است یک گوسفند کفاره بدهد. ۱۵ همین که از مشعر الحرام به طرف منی حرکت کرد و به وادی محسّر رسید مستحب است به مقدار یک صد ذراع یا صد قدم هروله کند یعنی راه رفتنش نه کند باشد و نه دویدن حساب شود؛ و اگر سواره است سواری خود را حرکت دهد و بگوید: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَاقْبِلْ تَوْبَتِي، وَاجِبْ دَعْوَتِي، وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي». توضیح المناسک، ص: ۲۶۰ و بگوید: «رَبِّ اغْفِرْ، وَارْحَمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ». این نحو حرکت مورد تأکید است به نحوی که هرگاه حرکت به نحوی که ذکر شد انجام نگرفت مستحب است برای جبران آن به مشعر الحرام بازگردد و هروله کند.

چهارم: رمی جمره عقبه: «۱»

[مسائل]

اشاره

چهارم از واجبات حج تمتع و اول از اعمال منی رمی جمره عقبه است.

مسئله ۸۳۴

همین که روز دهم به منی رسید اولین عملی که واجب است رمی جمره عقبه است یعنی انداختن هفت سنگ ریزه به محلی که به او جمره عقبه می‌گویند.

مسئله ۸۳۵

در سنگی که برای رمی جمره عقبه استفاده می‌شود؛ بلکه در جمره اولی و وسطی که در روزهای تشریق باید بیندازد چند چیز معتبر است: ۱ از حرم باشد؛ سنگ ریزه خارج حرم کافی نیست؛ از هر جای حرم که مباح باشد می‌تواند بردارد مگر از مسجد الحرام و مسجد خیف، بلکه توضیح المناسک، ص: ۲۶۱ سایر مساجد بنا بر احتیاط واجب، مستحب است شبانه از مشعر الحرام، و گرنه از منی بردارد. ۲ از سنگی که به آن ریگ (حصی) گفته می‌شود باشد پس نباید خیلی ریز باشد که به آن ریگ گفته نشود مانند شن، و نه خیلی بزرگ باشد؛ شایسته است به اندازه بند انگشتان و به رنگ سرمه‌ای و نقطه دار باشد؛ شکسته شده؛ سفت و سخت نباشد تا حدودی سست باشد؛ و از قبل جدا شده باشد؛ کراحت دارد سنگ بزرگ تری را بشکند و به صورت سنگ ریزه در آورد. ۳ نباید به مثل کلوخ، سفال و انواع جواهرات باشد؛ و اگر هر نحو سنگی باشد حتی از سنگ مرمر، مانع ندارد. ۴ بکر باشد؛ یعنی از آنها خودش یا شخص دیگری در رمی جمرات گرچه در سال‌های قبل استفاده نشده باشد. ۵ مباح باشند؛ پس با سنگ ریزه غصبی یا آنچه که دیگری برای خودش جمع کرده کافی نیست؛ ولی هرگاه نداند که غصبی هستند یا فراموش کرده که غصبی است در صورتی که خودش غصب نکرده باشد کفایت می‌کند.

مسئله ۸۳۶

سنگ ریزه‌هایی که در مشعر الحرام است معلوم است از خارج مشعر الحرام آورده‌اند ولی معلوم نیست از حرم است یا از خارج است استفاده از آن مانع ندارد؛ ولی اگر بداند که از خارج حرم هستند توضیح المناسک، ص: ۲۶۲ نمی‌تواند از آنها برای رمی استفاده کرد مگر این که طوری باشد که جزء مشعر الحرام حساب شوند در این صورت مانعی ندارد.

مسئله ۸۳۷

هرگاه سنگی را که در حرم است احتمال دهد از خارج آورده باشند اعتناء نکند ولی احتیاط آن است که با آن رمی نکند.

مسئله ۸۳۸

هرگاه شک کند سنگی را که می‌خواهد پرتاب کند از نظر کوچکی یا بزرگی به او حصی گفته می‌شود باید به آن اکتفاء نکند.

مسئله ۸۳۹

وقت انداختن سنگ ریزه‌ها از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آفتاب آن روز، و هرگاه از روی نادانی یا فراموشی یا هر عذر دیگر در روز عید رمی نکرده تا روز سیزدهم می‌تواند به نیت قضاء بجا آورد و اگر تا آن زمان متذکر نشد و رفع عذر نشد تا وقتی که در منی یا مکه مکرمه است رمی کند ولی در شب رمی نکند و احتیاطاً خودش یا نایش در سال دیگر رمی کند؛ و هرگاه بعد از خروج از مکه مکرمه عذرش برطرف شد لازم نیست برگردد و رمی کند و بنا بر احتیاط سال بعد خودش یا نایش رمی کند.

مسئله ۸۴۰

زنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نیمه شب از مشعر الحرام به منی وارد شوند هرگاه از رمی روز عید معذور باشند می‌توانند شب عید رمی کنند.

مسئله ۸۴۱

مردی که می‌تواند در روز رمی نماید نمی‌تواند از طرف زنش نایب شود که رمی را در شب انجام دهد.

مسئله ۸۴۲

زنی که می‌تواند برای خود در شب رمی کند هرگاه برای توضیح المناسک، ص: ۲۶۳ دیگری نایب شود گرچه طرف زن باشد باید در روز رمی کند و الا نایب در شبش درست نیست.

مسئله ۸۴۳

کسی که صبح روز دهم معذور از رمی است ولی مطمئن است بعد از ظهر بلحاظ کمی جمعیت یا امر دیگری می‌تواند رمی کند نمی‌تواند نایب بگیرد باید صبر کند تا خلوت شود و بتواند خودش رمی کند.

مسئله ۸۴۴

در پرتاب سنگ‌ها چند چیز معتبر است: ۱ با قصد قربت و اخلاص باشد؛ هفت سنگ را به جمره عقبه در حج تمتع خالصاً برای خدا انجام دهد؛ ریاء و نمایش دادن به غیر در او نباشد. ۲ شماره سنگ ریزه‌ها هفت باشد؛ هرگاه کمتر باشد کفایت نمی‌کند. ۳ سنگ ریزه‌ها با پرتاب کردن خودش به جمره عقبه برسد؛ پس اگر برود نزدیک جمره و با دست سنگ‌ها را به جمره برساند کفایت نمی‌کند؛ چنانچه اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگران به او خورد و به واسطه آن یا با کمک آن به جمره برسد کفایت نمی‌کند. ۴ سنگ ریزه‌ها یکی پس از دیگری پرتاب شود؛ پس اگر پرتاب دو تا یا بیشتر در یک دفعه باشد کفایت نمی‌کند گرچه با هم به جمره نرسند و دنبال هم برسند؛ اما هرگاه پرتاب متعدد باشد ولی با هم به جمره برسد مانع توضیح المناسک، ص: ۲۶۴ ندارد. ۵ پرتاب با دست باشد؛ ولی لازم نیست با دست راست باشد گرچه بهتر است؛ پس هرگاه با دهان یا با پا پرتاب کند کفایت نمی‌کند بلکه بنا بر احتیاط هرگاه سنگ را با ابزاری مانند فلاخن پرتاب کند کفایت نمی‌کند. ۶ پرتاب سنگ‌ها در فاصله بین طلوع آفتاب و غروب آفتاب واقع شود در شب نباشد؛ مگر برای خانم‌ها و کسانی که جایز است شب عید از مشعر الحرام به طرف منی حرکت کنند برای آنان پرتاب سنگ‌ها در شب کفایت می‌کند.

مسئله ۸۴۵

سنگ ریزه‌های مورد حاجت هفتاد دانه است ولی از آنجایی که در فشار جمعیت ممکن است بعضی از سنگ‌ها به محل مورد نظر اصابت نکنند بهتر است سنگ ریزه‌ها بیشتر باشد.

مسئله ۸۴۶

کسی که زیادتراً از هفت سنگ ریزه به جمره می‌زند هرگاه از اول نیت بیش از هفت را داشته صحیح نیست باید رمی را اعاده کند؛ ولی هرگاه بعد از این که قصد هفت تا کرد و آن را انجام داده زدن بیش از هفت سنگ ضرر ندارد.

مسئله ۸۴۷

هرگاه شک در شمارش سنگ‌هایی که پرتاب کرده بکند در حالی که مشغول پرتاب کردن است باید به اندازه‌ای بیندازد که یقین به شماره پیدا کند؛ و همچنین هرگاه شک کند سنگی را که پرتاب کرده به توضیح المناسک، ص: ۲۶۵ جمره خورده یا نه باید مجدداً پرتاب کند تا یقین کند که به او خورده.

مسئله ۸۴۸

هرگاه در حال پرتاب کردن معتقد بود که سنگ به جمره رسیده ولی بعد یقین کند که نرسیده باید مجدداً پرتاب کند؛ پس هرگاه پهلوی جمره چیزی نصب شده باشد و اشتباهاً سنگ به او رسیده کافی نیست باید مجدداً پرتاب کند گرچه در سال دیگر به وسیله خودش یا نابیش باشد.

مسئله ۸۴۹

هرگاه چند سنگ ریزه را با هم پرتاب کند اشکال ندارد ولی یک پرتاب حساب می‌شود گرچه همه آنها به محل برسند.

مسئله ۸۵۰

فرق نمی‌کند در حال پرتاب کردن سنگ ریزه‌ها سواره باشد یا پیاده، ولی افضل آن است که پیاده باشد.

مسئله ۸۵۱

هرگاه بعد از برگشتن از محل پرتاب سنگ بعد از قربانی کردن یا سر تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر شک کند در شمارش آنها یا در انداختن آنها، اعتناء نکند؛ ولی هرگاه قبل از آنها باشد اگر شک در نقیصه است برگردد و نقیصه را تمام کند و اگر شک در زیاده است اعتناء نکند.

مسئله ۸۵۲

هرگاه بعد از فارغ شدن از مراسم رمی شک کند در این که سنگ‌ها را درست پرتاب کرده یا نه، یا سنگ‌ها مستعمل بوده یا نه، یا با دست زده یا نه به شکش اعتناء نکند.

مسئله ۸۵۳

گمان به رسیدن سنگ به محل یا عدد آن حکم شک را دارد.

مسئله ۸۵۴

لازم نیست در حال پرتاب سنگ با طهارت باشد یا بدنش پاک باشد گرچه بعضی فقهاء فرموده‌اند برای پرتاب کردن سنگ غسل کند ولی ثابت نیست؛ بلی شایسته است بدن خود را در آن حال شستشو دهد همچنان که لازم نیست سنگ‌ها پاک باشد ولی احتیاط آن است که پاک باشند.

مسئله ۸۵۵

بچه، مریض و کسی که به واسطه عذری مانند بیهوشی، امید ندارد تا مغرب بتواند خودش رمی کند کسی را نایب بگیرد که از طرف او بجا آورد؛ مستحب است بلکه موافق احتیاط است اگر بشود او را ببرند نزد جمره و در حضور او سنگ پرتاب کنند؛ و هرگاه ممکن باشد احتیاط آن است که مریض سنگ‌ها را به دست بگیرد و دیگری برای او پرتاب کند.

مسئله ۸۵۶

هرگاه مریض خوب شد و بیهوش به هوش آمد بعد از آن که نایب سنگ‌ها را پرتاب کرده باشد؛ احتیاط آن است که خودش نیز بجا آورد؛ بلکه اگر در بین پرتاب کردن نایب مریض خوب شد یا به هوش بیاید باید خودش از سر بگیرد.

مسئله ۸۵۷

کسی که عذری دارد از این که روز رمی کند می‌تواند شب بجا آورد هر وقت شب که باشد؛ بنا بر این مریض که امید بهبودی در روز ندارد مخیر است بین این که نایب بگیرد تا از طرفش در روز رمی کند یا شب خودش بجا آورد؛ و احتیاط آن است که خودش در شب بجا آورد؛ بهتر آن است که در روز نایب هم بگیرد که از طرفش رمی کند.

مستحبات رمی جمرات:

مسأله ۸۵۸ در رمی جمرات چند چیز مستحب است: ۱ با آرامی و وقار به رمی جمرات برود. ۲ در حال رفتن با طهارت باشد بلکه احوط است. ۳ سنگ ریزه‌ها پاک باشند. ۴ پیاده رمی کند. ۵ سنگ ریزه‌ها را در دست چپ بگیرد و با دست راست رمی کند. ۶ وقتی سنگ‌ها را در دست دارد و آماده رمی است این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَخِصِّ هُنَّ لِي وَأَرْفَعُهُنَّ بِي عَمَلِي». ۷ در صورتی که بتواند سنگ‌ها را بر انگشت ابهام بگذارد و با ناخن انگشت سبابه (انگشت شهادت) پرتاب کند. ۸ با هر سنگی که پرتاب می‌کند تکبیر بگوید و این دعا را بخواند: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ اذْخِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَعْيًا مَشْكُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا». و می‌تواند به گفتن الله اکبر اکتفاء کند. ۹ جمره عقبه را در حالی که پشت به قبله است رمی نماید؛ و در توضیح المناسک، ص: ۲۶۸ جمره اولی و وسطی در حالی که رو به قبله است رمی کند. ۱۰ در جمره عقبه فاصله بین او و جمره ده ذراع، و افضل پانزده ذراع باشد؛ و در جمره اولی و وسطی کنار جمره باشد. ۱۱ پس از اتمام رمی و برگشتن بجای خود در منی این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ بِكَ وَقَفْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ، وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

پنجم: قربانی:**[مسائل]****اشاره**

پنجم از اعمال حج تمتع و دوم از اعمال منی قربانی است.

مسأله ۸۵۹

واجب است بر کسی که حج تمتع بجا می‌آورد؛ گرچه استحبابی باشد؛ یک قربانی بکند بیشتر از یک قربانی واجب نیست؛ یک گوسفند یا یک بز کمتر چیزی است که باید برای قربانی سر بریده شود؛ هر چه بیشتر فضیلت بیشتری دارد؛ در خبر است رسول خدا صلی الله علیه و آله صد شتر همراه خود بردند و سی و چهار تایی آنها را برای امیر المؤمنین علیه السلام، و شصت و شش تایی آنها را خودشان نحر کردند.

مسأله ۸۶۰

هر نفر باید یک قربانی کامل سر برد یا نحر کند؛ جایز نیست در حال اختیار چند نفر در یک قربانی شریک شوند بلکه در حال ضرورت اکتفاء به یک قربانی مشکل است و احتیاط واجب آن است که جمع کنند توضیح المناسک، ص: ۲۶۹ بین شرکت در قربانی و بدل آن که گرفتن روزه است.

مسأله ۸۶۱

در قربانی چند چیز شرط است که باید مراعات شود: ۱ قصد قربت و اخلاص داشته باشد؛ تنها به خاطر امتثال امر خداوند قربانی

کند. ۲ شتر یا گاو یا گوسفند یا بز باشد؛ از سایر حیوانات کفایت نمی‌کند؛ گاو میش جایز است ولی فرموده‌اند کراهت دارد؛ افضل قربانی شتر است؛ و پس از آن گاو، و در آخر گوسفند و بز است. ۳ در روز عید انجام شود؛ و بنا بر احتیاط جایز نیست در حال اختیار آن را از روز عید به تأخیر اندازد؛ ولی هر گاه به واسطه عذری مانند فراموشی یا غیر آن قربانی را در روز عید بجا نیورد احتیاط واجب آن است که در ایام تشریق قربانی کند و اگر آن هم نشد تا آخر ذیحجه قربانی کند؛ و بنا بر احتیاط هر گاه در غیر روز عید و سه روز بعدش قربانی کرده نیت اداء و قضاء نکند بلکه به نیت ما فی الذمه انجام دهد؛ و هر گاه عمداً قربانی را در روز عید و ایام تشریق انجام نداد گناه کرده باید در ایام تشریق و بقیه ماه ذیحجه بجا آورد. ۴ بعد از رمی جمره عقبه باشد؛ ولی هر گاه قربانی از روی جهل و نادانی یا فراموشی بر رمی مقدم شد اعاده لازم نیست. ۵ هر گاه شتر باشد باید وارد سال ششم شده باشد؛ و اگر گاه یا بز است بنا بر احتیاط واجب وارد سال سوم شده باشد؛ و اگر گوسفند است توضیح المناسک، ص: ۲۷۰ بنا بر احتیاط واجب کمتر از یک سال نباشد بلکه داخل سال دوم شده باشد. ۶ باید صحیح باشد؛ پس حیوانی که مریض است کفایت نمی‌کند حتی مثل کچلی بنا بر احتیاط واجب. ۷ بنا بر احتیاط واجب خیلی پیر نباشد که مغر استخوانش آب شده باشد. ۸ تام الاجزاء باشد قربانی ناقص کافی نیست؛ پس قربانی حیوان کور یا یک چشم، لنگ، گوش بریده، دم بریده، شاخ داخلش شکسته یا بریده و مانند آنها کفایت نمی‌کند ولی شکسته شدن شاخ بیرونی «۱» اشکال ندارد؛ اگر قربانی در اصل خلقت بی دم باشد؛ یا گوش و شاخ نداشته باشد؛ بعید نیست کفایت کند اما خلاف احتیاط است؛ ولی اگر گوش قربانی سوراخ شده باشد یا آن را چاک داه باشند اشکال ندارد اما احتیاط آن است که این چنین هم نباشد. ۹ لاغر نباشد؛ مشهور فرموده‌اند در لاغر نبودن همین که در گرده او پیه باشد کفایت می‌کند؛ اما احوط آن است که علاوه بر آن در عرف لاغر نگویند. ۱۰ خصی نباشد؛ یعنی تخم‌های آن کشیده نشده باشد؛ و احتیاط آن است که بیضتین او هم مالیده و کوبیده نشده باشد؛ و همچنین احتیاط توضیح المناسک، ص: ۲۷۱ آن است که قربانی در اصل خلقت بی بیضه نباشد.

مسئله ۸۶۲

رمی در شب بدون عذر واقع نمی‌شود باید در روز باشد اگر در روز رمی نکند معصیت کرده و قربانی باید روز عید واقع شود و بنا بر احتیاط واجب اگر در حال اختیار از روز عید تأخیر بیندازد معصیت کرده گرچه اگر تأخیر افتاده می‌تواند در ایام تشریق قربانی کند.

مسئله ۸۶۳

هر گاه غیر خصی یافت نشود احتیاط آن است که جمع کند بین قربانی خصی در وقت مقرر، و سالم در ماه ذیحجه همان سال، و اگر نشد سال دیگر، یا جمع کند بین قربانی خصی و گرفتن روزه.

مسئله ۸۶۴

کسی که قربانی می‌کند هر گاه در خصوص سر بریدن یا نحر کردن نایب باشد لازم نیست مؤمن باشد؛ همین که مسلمان باشد که محکوم به کفر نباشد کفایت می‌کند؛ صاحب قربانی باید قصد قربانی و قربت داشته باشد ولی اگر او را در مراسم قربانی نایب کرده باشد احتیاط آن است که مؤمن باشد و هر دو قصد قربانی کنند بلکه حکم همین است در قربانی کفارات.

مسئله ۸۶۵

کسی که قربانی نیافت باید قیمت آن را نزد شخص امینی بگذارد تا در بقیه ذیحجه از طرف او در منی قربانی کند؛ و اگر شخص امین در آن سال گوسفند نیافت باید در سال بعد قربانی کند و احوط آن است که در این صورت جمع کند بین آن کار و گرفتن ده روز روزه.

مسئله ۸۶۶

هر گاه غیر از قربانی ناقص، (غیر از جهت خصی بودن که توضیح المناسک، ص: ۲۷۲ حکم آن در چند مسأله گذشته بیان شد) یافت نشود واجب است همان ناقص را قربانی کند و احتیاط آن است که در بقیه ذیحجه قربانی کامل بکند؛ و اگر نشد در سال بعد قربانی کند و احتیاط بهتر آن است که جمع کند بین قربانی ناقص و قربانی کامل به طوری که گفته شد و گرفتن روزه.

مسئله ۸۶۷

هر گاه حیوانی را به اعتقاد این که چاق است قربانی کند بعد معلوم شود که لاغر است کفایت می کند.

مسئله ۸۶۸

هر گاه حیوانی را به گمان این که لاغر است خرید و به امید این که چاق است برای اطاعت امر الهی رجاء قربانی کرد بعد معلوم شد که چاق بوده کفایت می کند.

مسئله ۸۶۹

هر گاه احتمال نمی داده که قربانی چاق است یا احتمال می داده ولی از روی بی مبالاتی بدون این که به امید موافقت امر الهی قربانی کرده باشد بعد معلوم شد که چاق بوده کفایت نمی کند.

مسئله ۸۷۰

هر گاه معتقد بوده که قربانی لاغر است ولی نمی دانست که باید قربانی لاغر نباشد به قصد اطاعت امر خداوند قربانی کرد بعد معلوم شد چاق بوده واجب نیست اعاده کند گرچه بهتر است اعاده کند.

مسئله ۸۷۱

هر گاه معتقد بوده که قربانی ناقص است ولی نمی دانست که قربانی باید کامل باشد به قصد اطاعت امر خداوند قربانی کرد بعد معلوم شد که صحیح بوده کفایت می کند.

مسئله ۸۷۲

احتیاط آن است که مقداری از قربانی را خودش بخورد؛ و توضیح المناسک، ص: ۲۷۳ مقداری را هدیه دهد؛ و مقداری را به فقیر صدقه دهد و صدقه را به فقیر مؤمن بدهد؛ و هر گاه با اختیار خود صدقه یا هدیه را به غیر مؤمن بدهد ضامن است ولی می تواند نسبت به صدقه از فقیر مؤمن، و نسبت به هدیه از مؤمن گرچه در شهر خود باشند و کالت در قبول و اعراض بگیرد و بعد از قربانی از طرف آنان قبول و قبض کرده و بعد اعراض نماید.

مسئله ۸۷۳

احتیاط آن است که اگر احتمال دهد نقصی یا مرضی در حیوان باشد آن را معاینه کند مخصوصاً در عیب‌هایی که احتمال دهد از حال تولد داشته و مادر زاد بوده تا اطمینان به تمامیت و صحت آن پیدا کند؛ گرچه از گفته فروشنده باشد.

مسئله ۸۷۴

هرگاه بعد از قربانی احتمال دهد که قربانی ناقص بوده یا سایر شرایط قربانی را نداشته در صورتی که احتمال دهد در حال قربانی شرایط مورد توجه و التفاتش بوده اعتناء نکند.

مسئله ۸۷۵

اگر حاج قبل از فرستادن قربانی به منی و قربانی کردن مُرد واجب است ورثه از اصل ترکه پول قربانی را برای قربانی کردن در منی بدهند.

مسئله ۸۷۶

هرگاه کسی را برای خرید قربانی و قربانی کردن نایب کرده باید علم و اطمینان پیدا کند که انجام داده و گمان کفایت نمی‌کند ولی اگر نایب ثقه باشد و خبر دهد که قربانی کرده کفایت می‌کند.

مسئله ۸۷۷

هرگاه نایب بر خلاف دستور شرع در اوصاف و شرایط توضیح المناسک، ص: ۲۷۴ قربانی و در کشتن آن عمل کرده باشد ضامن است باید خسارت آن را بدهد و دوباره قربانی کند.

مسئله ۸۷۸

هرگاه نایب از روی اشتباه یا جهل بر خلاف دستور شرع قربانی کرد چون تلف مستند به او است ضامن است گرچه تبرعاً انجام داده باشد و به هر حال باید مجدداً قربانی کند.

مسئله ۸۷۹

چون مسلخ را تغییر داده‌اند و به وادی محسر معتصر برده‌اند و تشخیص آن که محل فعلی مسلخ از منی است یا از مشعر الحرام، گرچه مشکل است باید سعی کند قربانی در منی واقع شود و گفته اهل خبره حجت است؛ ولی هرگاه قربانی در منی و لو تا آخر ذیحجه میسور نباشد یا عسر و حرج داشته باشد؛ یا کشتن در منی مفاسدی داشته باشد می‌تواند در مسلخ جدید قربانی کند؛ ولی هرگاه اتفاقاً معلوم شود که می‌توانسته در منی قربانی کند؛ یا عسر و حرج و مفسده نداشته باید دوباره در منی قربانی کند.

مسئله ۸۸۰

در صورتی که نتواند در منی قربانی کند نمی‌تواند در مکه مکرمه یا در محل خود قربانی کند؛ قربانی در وادی محسر کفایت

می‌کند.

مسئله ۸۸۱

کسی که اجیر در حج شده می‌تواند برای قربانی کردن شخص سومی را وکیل کند؛ شخص سوم نیت قربانی حجبی که موکلش بر عهده گرفته می‌کند و خود موکل هم باید نیت داشته باشد چنانچه گذشت.

مسئله ۸۸۲

گذشت بنا بر احتیاط واجب باید روز عید قربانی کند نمی‌تواند آن را تأخیر بیندازد؛ ولی هرگاه از روی نادانی یا فراموشی بلکه از توضیح المناسک، ص: ۲۷۵ روی عمد در روز عید انجام نداد در روزهای ایام تشریق انجام دهد؛ قربانی کردن در شب کفایت نمی‌کند مگر برای خائف، و اگر در ایام تشریق هم قربانی نکرد در بقیه ماه ذیحجه قربانی کند.

مسئله ۸۸۳

هرگاه جمعی از حاجیان پول روی هم بگذارند و به کسی بدهند که با پول مشترک آنها تعدادی گوسفند بخرد و هر یک از گوسفندها به نیت یک نفر از آنها قربانی کند در صورتی که صاحبان پول اجازه داده باشند و به آن شخص وکالت در افراز داده باشند کفایت می‌کند گرچه قیمت گوسفندها با هم تفاوت داشته باشد.

مسئله ۸۸۴

اگر در شرایط مربوط به نقص عارض بر قربانی بعد از تمام بودن آن مانند خصی نبودن یا معیوب نبودن آن شک کند فحص لازم نیست؛ و در صورت شک بدون تحقیق می‌تواند قربانی کند؛ اما در شرایط دیگر مانند سن حیوان یا مسلمان بودن کسی که قربانی می‌کند لازم است یقین یا اطمینان حاصل شود؛ و هرگاه فروشنده قربانی اهل خبره و ظاهر الصلاح باشد می‌توان به گفته او در باره سن قربانی یا اوصاف پنهانی قربانی اعتماد کرد.

مسئله ۸۸۵

هرگاه پول حاج را دزدیدند و بعد از طی مراحل قانونی حاکم آنجا حکم کرد پولی از دزد گرفته شد و به او دادند؛ در صورتی که بدانند پول خود او است یا این که نمی‌داند عین پول را از دیگران دزدیده و شرایط تقاص حاصل باشد مانعی ندارد با آن پول قربانی بخرد و قربانی توضیح المناسک، ص: ۲۷۶ بکند؛ بهتر است قربانی را به نحو کلی در ذمه بخرد و با آن پول ذمه خود را فارغ کند.

مسئله ۸۸۶

اگر شخص بدون گرفتن وکالت در قربانی از طرف عیالش یا شخص دیگر قربانی کند به خیال این که آنان راضی هستند و خوشحال می‌شوند کفایت نمی‌کند؛ مگر این که با اذن قبلی باشد یا این که شخص احراز رضایت کرده و شاهد حال هم بر رضایت بوده به طوری که هرگاه او بفهمد رضایت می‌دهد؛ ولی معذک احتیاط بر عدم کفایت در غیر اذن قبلی است.

مسئله ۸۸۷

بنا بر آنچه که در مسأله گذشته بیان شد هر گاه شخص یا اشخاصی روز عید به قربان‌گاه بروند و بدون این که نیابت داشته باشند برای رفقاییشان قربانی کنند؛ کفایت نمی‌کند و پول قربانی به عهده کسی است که خرج کرده مگر این که کسی او را فریب داده باشد در این صورت پول قربانی به عهده کسی است که او را فریب داده.

مسأله ۸۸۸

هر گاه در قربان‌گاه حجاج و صاحب گوسفندان با هم قراری بگذارند به این که هر چند رأس گوسفندی که می‌خواهند هر یکی به فلان مبلغ و نام می‌برد حاج قبول می‌کند یکی یکی را به نیت افرادی که وکالت دارد می‌کشد بعد می‌رود با صاحب گوسفند حساب می‌کند قربانی اشکال ندارد.

مسأله ۸۸۹

هر گاه در قربان‌گاه حاجیانی با صاحب گوسفند قرار بگذارند توضیح المناسك، ص: ۲۷۷ که چند عدد گوسفند را جدا کنند و قربانی کنند از قرار هر یکی به فلان مبلغ در این بین چند نفر از رفقاییشان از راه می‌رسند و بدون قرارداد با صاحب گوسفند به تعدادشان قربانی می‌کنند و بنا دارند که بعد از قربانی طبق قرارداد افراد قبلی به صاحب گوسفند پول بدهند؛ اگر یقین داشته باشند که صاحب گوسفند رضایت دارد نه این که بعد راضی می‌شود؛ قربانی آنان درست است.

مسأله ۸۹۰

در موردی که باید قربانی کننده مؤمن باشد؛ اگر غیر مؤمن مشغول ذبح قربانی باشد حاج اگر دستش را بگذارد روی دست او و فشار دهد به نحوی که بریدن سر قربانی به هر دو استناد داده شود کفایت نمی‌کند.

مسأله ۸۹۱

هر گاه شخص یا اشخاص از طرف اشخاصی نایب می‌شوند که بر ایشان قربانی کند اگر شك کند که برای فلانی هم قربانی کرده یا نه، باید نایب برای او قربانی کند.

مسأله ۸۹۲

باید سر حیوان را با آهن برید؛ گفته می‌شود استیل فولاد همراه با ضد زنگ است پس در حقیقت استیل همان آهن است بنا بر این قربانی با آن مانع ندارد؛ ولی اگر این امر ثابت نشد سر بریدن با کاردهای استیل درست نیست.

مسأله ۸۹۳

مريضی که نمی‌تواند در حج تمتع قربانی کند و به شخصی وکالت داده که از طرفش قربانی کند؛ اگر نایب و وکیل فراموش کرد که قربانی کند و در مدینه یا در محل خود یادش بیاید قربانی نکرده حج او توضیح المناسك، ص: ۲۷۸ باطل نیست اما قربانی بر عهده او است؛ اگر در ذیحجه فهمید باید در صورت امکان در همان ماه قربانی کند و الا باید در سال بعد خودش یا نایبش در منی قربانی کند.

مسئله ۸۹۴

هرگاه کسی که برای خود و نیابت افرادی گوسفندانی خرید و قربانی کرد بعد از آن یقین پیدا کرد پول یکی از گوسفندان را نداده و صاحب گوسفند را پیدا نکرده در صورتی که مایوس از شناسایی صاحبش باشد پول آن گوسفند را از طرف صاحبش به فقیر مؤمن صدقه دهد و احتیاط آن است که با اجازه حاکم شرع باشد می‌تواند پول سعودی که با صاحب گوسفند معامله کرده بدهد یا قیمت بالا و ارز آزاد بدهد.

مسئله ۸۹۵

هرگاه قربانی را با عین پولی که خمس آن را نداده خریده باشد کفایت نمی‌کند ولی اگر قربانی را به ذمه خریده باشد و در مقام پرداخت پول از پولی که خمس آن را نداده پرداخت کند کفایت می‌کند.

مسئله ۸۹۶

کسی که شخصی را در قربانی نایب خود قرار داده پس از آن به دیگری نیابت داده ولی شخص اول قربانی کرده؛ اگر اولی را از قربانی کردن عزل نکرده باشد کفایت می‌کند و مجرد نایب کردن دومی عزل نیابت اولی از نیابت نیست.

مسئله ۸۹۷

در موردی که باید قربانی کننده مؤمن باشد؛ هرگاه از روی جهالت قربانی را به دیگری واگذار کرد که قربانی کند و پس از قربانی متوجه مسأله شده باشد اگر ایمان قربانی کننده معلوم نباشد دو مرتبه قربانی کند.

مسئله ۸۹۸

هرگاه کسی را وکیل در قربانی کند که خود وکیل قربانی کند نمی‌تواند وکیل دیگری را وکیل کند که قربانی کند.

مسئله ۸۹۹

در موردی که باید قربانی کننده مؤمن باشد؛ هرگاه غیر مؤمن قربانی کرده باشد باید در ایام تشریق مجدداً قربانی کند و هرگاه در ایام تشریق انجام نشد در بقیه ماه ذیحجه قربانی کند.

مسئله ۹۰۰

مُحرم هرگاه لباسش بر اثر قربانی و غیره نجس شود احتیاط واجب آن است که آن را تطهیر کند ولی اگر تطهیر نکرد ضرر با احرام نمی‌رساند و کفاره ندارد.

مسئله ۹۰۱

پس از بریدن چهار رگ قربانی جایز نیست سر حیوان را جدا کنند و هرگاه عمداً جدا کنند حیوان حرام نمی‌شود و کفایت از قربانی می‌کند گرچه خوردن گوشش مکروه است.

مسئله ۹۰۲

اگر قربانی در حال بریدن چهار رگ رو به قبله باشد کفایت می‌کند گرچه پس از بریدن چهار رگ آن حیوان را رها کنند یا آن را روی حیوانی که سر آنها را بریده‌اند پرت کنند و حیوان پشت به قبله جان دهد.

مسئله ۹۰۳

هرگاه پس از قربانی قبل از انجام سایر اعمال یا بعد از آن متوجه شود که سن قربانی کمتر از نصاب مقرر بوده باید قربانی را اعاده کند.

مسئله ۹۰۴

هرگاه روحانی کاروان می‌داند که لباس احرامی او در مسلخ به خون آلوده می‌شود و به جهت این که روحانی است باید بر اعمال حجاج نظارت داشته باشد ممکن است چند ساعت لباس احرامی او خون آلود توضیح المناسک، ص: ۲۸۰ باشد؛ اگر بتواند آن را تبدیل یا تطهیر کند یا ابتداء از احرام خارج شود سپس نظارت بر اعمال حجاج داشته باشد؛ ولی اگر معذور از انجام این کارها باشد مانعی ندارد؛ به هر حال اگر روحانی کاروان نایب است با علم به آلودگی لباسش و تأخیر در تطهیر به لحاظ نظارت بر اعمال حجاج، به نیابتش ضرر نمی‌رساند.

مسئله ۹۰۵

قربانی در بعضی محله‌های جدید مکه مکرمه که در محدوده منی ساخته شده هرگاه احراز داشته باشد منی است مانعی ندارد و آلا صحیح نیست.

مسئله ۹۰۶

در موردی که باید قربانی کننده مؤمن باشد؛ هرگاه شک کند که قربانی کننده مؤمن بوده یا نه، اگر در حال عمل مسئله را می‌دانسته و ملتفت بوده اعتناء نکند و گرنه قربانی را اعاده کند.

مسئله ۹۰۷

کسی که برای قربانی از شخص یا اشخاص پول می‌گیرد و چه بسا خودش سر بریدن را یاد ندارد قربانی را به کسی که مؤمن نیست واگذارد می‌کند؛ در موردی که ایمان قربانی کننده معتبر باشد قربانی کفایت نمی‌کند و آن شخص ضامن است.

مسئله ۹۰۸

هرگاه بتواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و در مقابل آن چیزی که پرداخت کند داشته باشد واجب است قرض کرده و قربانی کند.

مسئله ۹۰۹

هر گاه بتواند بدون مشقت چیزی که زیادتر از هزینه سفر توضیح المناسک، ص: ۲۸۱ است یا لباسی که زیادتر از شأنش حتی در تجملات است در صورتی که عرفاً هتک حساب نشود بفروشد؛ باید بفروشد و قربانی تهیه کند.

مسأله ۹۱۰

کسی که پول قربانی را ندارد لازم نیست کسب کند و قربانی تهیه نماید؛ ولی هر گاه از راه کسب پول قربانی به دست آورد واجب است قربانی کند.

مستحبات قربانی:

مسأله ۹۱۱ شایسته است در قربانی این امور مراعات شود: ۱ در صورت تمکن شتر باشد؛ و در صورت نبودن آن گاو، و در صورت نبودن آن گوسفند باشد. ۲ بسیار فرجه باشد. ۳ در صورتی که شتر یا گاو است ماده باشد؛ و در صورتی که گوسفند یا بز است نر باشد. ۴ شتری را که می‌خواهد نحر کند شایسته است ایستاده باشد و از سر دست‌ها تا زانوی او را ببندند و شخص در طرف راست او بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر را به گردن او فرو برد. ۵ هنگام سر بریدن یا نحر این دعا را بخواند: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلدِّي فِطْرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، حَنِيفًا مُسْلِمًا، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، تَوْضِيحُ الْمَنَاسِكِ، ص: ۲۸۲ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي». ۶ خود قربانی کند؛ و اگر نتوانست دست خود را بالای دست کسی که سر حیوان را می‌برد یا نحر می‌کند بگذارد. ۷ پوست قربانی را صدقه دهد؛ مکروه است بابت اجرت کشتن یا نحر قربانی حساب کند.

حکم بدل قربانی

مسأله ۹۱۲

هر گاه حیوانی برای قربانی کردن نداشت و پولش را هم نداشت و قدرت بر قرض کردن یا فروش زائد بر هزینه سفر، چنانچه در مسائل گذشته گفته شد نداشت؛ باید ده روز روزه بگیرد سه روز آن را در سفر حج و هفت روز آن را پس از مراجعت از حج.

مسأله ۹۱۳

هر گاه لباسی که به مقدار شأنش بوده گرچه لازم نبوده آن را بفروشد؛ اگر فروخت واجب است قربانی کند لازم نیست روزه هم بگیرد.

مسأله ۹۱۴

این سه روز روزه را باید در ماه ذیحجه بعد از احرام به عمره تمتع بجا آورد؛ پس قبل از این که مُحْرَم به احرام تمتع شود نمی‌تواند روزه بگیرد؛ اما بعد از احرام عمره تمتع گرچه مُحَل هم شده می‌تواند روزه بگیرد.

مسأله ۹۱۵

می‌تواند این سه روز را بعد از شروع به اعمال عمره تمتع از اول ماه ذیحجه روزه بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب از روز هفتم تا نهم باشد.

مسئله ۹۱۶

این سه روز را باید دنبال هم بجا آورد؛ یا هر سه روز قبل از عید قربان باشد یا پس از بازگشت از منی تا آخر ذیحجه بجا آورد.

مسئله ۹۱۷

هرگاه نتوانست سه روز را پیش از عید قربان بجا آورد بنا بر احتیاط کفایت نمی‌کند اگر آنها را در روز هشتم، نهم و یک روز پس از بازگشت از منی بجا آورد؛ بلکه افضل است بگذارد پس از سپری شدن روزهای تشریق، که یازدهم، دوازدهم و سیزدهم است؛ روزه بگیرد و احتیاط آن است که پس از ایام تشریق فوراً روزه بگیرد.

مسئله ۹۱۸

برای حاج که در منی باشد جایز نیست این سه روز را روزه بگیرد بلکه احتیاط واجب آن است که هر کسی در این سه روز در منی باشد گرچه حج بجا نیاورد؛ روزه نگیرد.

مسئله ۹۱۹

در گرفتن روزه این سه روز لازم نیست قصد ماندن ده روز در مکه مکرمه داشته باشد می‌تواند آنها را در سفر بجا آورد؛ بلکه هرگاه برای ماندن سه روز در مکه مکرمه مهلت نباشد می‌تواند آنها را در بین راه بگیرد.

مسئله ۹۲۰

هرگاه سه روز روزه را گرفت و بعد از آن تمکن پیدا کرد از قربانی کردن؛ بنا بر احتیاط واجب قربانی کند.

مسئله ۹۲۱

هرگاه این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذیحجه تمام شد توضیح المناسک، ص: ۲۸۴ دیگر روزه گرفتن فایده ندارد باید یک گوسفند در سال آینده خودش یا نایش در منی قربانی کند و احتیاط آن است که آن را به قصد ما فی الذمه از قربانی و کفاره نیت کند.

مسئله ۹۲۲

هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر روزه بگیرد.

مسئله ۹۲۳

جایز نیست این هفت روز را در مکه مکرمه یا در بین راه روزه بگیرد؛ مگر این که پس از انجام مناسک حج بنای اقامت و مجاورت در مکه مکرمه داشته باشد؛ در این صورت صبر کند به مقداری که همسفرانش به محل مراجعت می‌کنند یا یک ماه بگذرد سپس

روزه بگیرد؛ بهتر این است که یک ماه صبر کند بنا بر این کسانی که با هواپیما مراجعت می‌کنند بعید نیست برای کسی که از آنان در مکه مکرمه اقامت کرده جایز باشد به همان مقداری که در هواپیما همراهانشان را با توجه به ترتیب‌بندی در حرکت هواپیما به محل می‌رساند صبر کند و آن گاه روزه بگیرد؛ لکن خلاف احتیاط است بهتر آن است که یک ماه صبر کند آن گاه روزه بگیرد؛ به هر حال نباید بین روزه سه روز و هفت روز را جمع کند.

مسئله ۹۲۴

احتیاط واجب آن است که روزه هفت روز را پی در پی بجا آورد ولی ظاهراً لازم نباشد آنها را فوراً انجام دهد.

مسئله ۹۲۵

هرگاه در غیر مکه مکرمه چه در راه یا در محلی غیر از محل خودش اقامت کرد ظاهراً نتواند هفت روز روزه را در آنجا بگیرد گرچه به مقداری صبر کند که اگر راه می‌پیمود به محل خود می‌رسد؛ ولی لازم توضیح المناسک، ص: ۲۸۵ نیست در محل خود روزه بگیرد بلکه همین که به محل خود رسید می‌تواند در محل دیگری قصد اقامه کند و روزه‌ها را بگیرد.

مسئله ۹۲۶

ابتداء حساب ماهی را که اگر در مکه مکرمه باشد می‌تواند روزه‌ها را بگیرد از وقتی است که بنای مجاورت یا قصد اقامه در مکه مکرمه را کرده است؛ ولی در مورد صبر کردن تا رسیدن همسفران به محل، ملاک رسیدن همسفرانش که قصد ماندن در مکه مکرمه را نکردند به محل است ولی احتیاط آن است که از وقتی که بنای مجاورت و اقامه در مکه مکرمه داشته حساب کند.

مسئله ۹۲۷

هرگاه متمکن از روزه گرفتن در ذیحجه شد ولی قبل از این که روزه بگیرد مُرد واجب است ولی او سه روز را قضاء کند؛ و همچنین اگر پس از مراجعت به محل متمکن از گرفتن هفت روز روزه شد ولی مُرد بنا بر احتیاط ولی او هفت روز را قضاء کند.

مسئله ۹۲۸

هرگاه در مکه مکرمه متمکن از گرفتن سه روز روزه نشد و به محل خود برگشت در صورتی که ماه ذیحجه باقی است می‌تواند در محل روزه بگیرد ولی باید با گرفتن هفت روز فاصله بدهد؛ و اگر ذیحجه گذشته بود باید خودش یا نایبش در منی قربانی کند.

ششم: حلق یا تقصیر:

[مسائل]

اشاره

ششم از اعمال حج تمتع و سوم از اعمال منی تراشیدن سر یا کوتاه توضیح المناسک، ص: ۲۸۶ کردن مو و ناخن است.

مسئله ۹۲۹

واجب است روز عید در منی بعد از قربانی سر خود را بتراشد و از او به حلق تعبیر می‌شود؛ یا مقداری از سر و ناخن خود را کوتاه کند و از او به تقصیر تعبیر می‌شود؛ و این تخییر بر همه افراد ثابت است گرچه سر تراشیدن افضل و اولی است؛ مگر چند دسته: اول: زن‌ها که باید از مو یا ناخن خود مقداری بچینند و سر تراشیدن برای آنان جایز نیست. دوم: کسی که سال اول حج او است و از او به سروره تعبیر می‌شود که بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد. سوم: کسی که موی سر خود را به غسل یا ضمغ یا مانند آن برای رفع شپش و مانند آن پوشانیده باشد بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد. چهارم: کسی که موی خود را جمع کرده و گره زده و درهم پیچیده و بافته است بنا بر احتیاط واجب باید سر خود را بتراشد. پنجم: خنثای مشکل هرگاه از این سه دسته اخیر نباشد باید تقصیر کند؛ ولی هرگاه از این سه دسته باشد واجب است هم تقصیر کند و هم سرش را بتراشد؛ و بنا بر احتیاط واجب ابتداء تقصیر کند و بعد از آن سر را بتراشد.

مسئله ۹۳۰

کسی که سر خود را می‌تراشد باید تمامش را بتراشد.

مسئله ۹۳۱

کسی که تقصیر می‌کند کفایت می‌کند مقداری از موی سر یا ریش یا شارب را به هر وسیله که باشد بچیند و یا ناخن خود را بگیرد؛ احتیاط آن است که به گرفتن ناخن تنها اکتفاء نکند و بهتر آن است که هم مقداری از مو بچیند و هم مقداری ناخن بگیرد.

مسئله ۹۳۲

سر تراشیدن یا کوتاه کردن چون از عبادات است باید با قصد قربت بدون ریاء برای اطاعت خداوند باشد و هرگاه بدون آن انجام شود چیزی که باید به آن حلال شود حلال نمی‌شود.

مسئله ۹۳۳

جایز است سر خود را خودش بتراشد یا به دیگری واگذار کند؛ و همچنین است در کوتاه کردن؛ ولی بهتر است خودش انجام دهد.

مسئله ۹۳۴

در صورتی که دیگری سرش را می‌تراشد یا کوتاه می‌کند باید خودش نیت داشته باشد و بهتر آن است که دیگری هم نیت کند.

مسئله ۹۳۵

کسی که سر تراشیدن بر او متعین است؛ چنانچه در مسائل گذشته بیان شد؛ هرگاه سرش مو نداشت باید تیغ را به سرش بکشد و احتیاطاً مقداری از شارب یا ریش یا ناخن را هم کوتاه کنند.

مسئله ۹۳۶

کسی که مخیر است بین تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا شارب و گرفتن ناخن، هرگاه سرش مو نداشت باید مقداری از موی صورت و شارب خود را کم کند و احتیاطاً تیغ را به سر بکشد؛ و هرگاه هیچ مویی در سر و صورت نداشت ناخن بگیرد و احتیاطاً تیغ را هم به سر بکشد؛ و اگر ناخن هم نداشت تیغ کشیدن به سر کفایت می‌کند.

مسئله ۹۳۷

تراشیدن ریش کفایت از تراشیدن سر یا کوتاه کردن مو نمی‌کند.

مسئله ۹۳۸

در تقصیر، به کوتاه کردن موی زیر بغل یا عانه اکتفاء نکند؛ چنانچه به کندن موی آنها هم اکتفاء نکند.

مسئله ۹۳۹

محل تراشیدن یا کوتاه کردن منی است جایز نیست در حال اختیار در غیر منی انجام شود.

مسئله ۹۴۰

هرگاه کسی در منی سرش را تراشید یا کوتاه نکرد و کوچ نمود؛ باید به منی مراجعت کند و عمل را انجام دهد و فرقی در این حکم نیست بین کسی که عمداً ترک کرده؛ یا فراموش کرده باشد؛ یا سهو کرده؛ یا به واسطه ندانستن مسأله باشد؛ و هرگاه برایش ممکن نشود به منی برگردد هر جا که هست سر را بتراشد یا کوتاه کند و موی آن را به منی بفرستد؛ مستحب است مو را در منی بلکه در محل خیمه خود دفن کند.

مسئله ۹۴۱

کسی که نمی‌تواند در روز عید رمی کند نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند و روز بعد رمی کند؛ چنین شخصی باید شب عید رمی کند و چنانچه از رمی در شب عید معذور باشد برای رمی در روز نایب بگیرد و بعد از رمی نایب حلق یا تقصیر کند.

مسئله ۹۴۲

احتیاط آن است که روز عید تراشیدن سر یا کوتاه کردن انجام شود؛ احتیاط واجب آن است که باید در منی اول رمی جمره عقبه و بعد قربانی کند بعد سر بتراشد یا کوتاه کند؛ پس اگر بر خلاف این ترتیب توضیح المناسک، ص: ۲۸۹ عمل کند اگر از روی علم و عمد بوده در صورتی که ممکن باشد اعاده کند تا ترتیب حاصل شود ولی هرگاه از روی غفلت و سهو خلاف ترتیب شده اعاده لازم نیست؛ بلکه اگر از روی ندانستن مسأله بوده اعاده لازم نیست گرچه احتیاط در این صورت اعاده است.

مسئله ۹۴۳

چنانچه گفته شد سر تراشیدن یا تقصیر باید روز عید بعد از قربانی باشد ولی اگر به دلیلی قربانی از روز عید تأخیر افتاد می‌تواند بلکه بعید نیست لازم باشد سر تراشیدن یا تقصیر را در روز عید انجام دهد و از احرام خارج شود.

مسئله ۹۴۴

هرگاه سر تراشیدن یا تقصیر به جهتی در روز عید انجام نشود بنا بر احتیاط در شب انجام نشود بلکه در روز بعد بجا آورد.

مسئله ۹۴۵

هرگاه کسی را برای قربانی و کیل کرد؛ تا وکیل قربانی نکرده نمی‌تواند سر خود را بترشد یا تقصیر کند؛ ولی اگر یقین کرده که وکیل او برایش قربانی کرده می‌تواند حلق یا تقصیر بکند؛ اما اگر معلوم شود که وکیل قربانی نکرده هنوز در حال احرام است باید بعد از قربانی، حلق یا تقصیر کند.

مسئله ۹۴۶

کسی که وظیفه‌اش سر تراشیدن است جایز نیست به واسطه زیادی مو اول سر خود را ماشین و یا با قیچی کوتاه کند و بعد آن را بترشد هر چند فوراً بترشد؛ و در صورت علم و عمد کفاره دارد.

مسئله ۹۴۷

قبل از سر تراشیدن یا تقصیر نمی‌تواند سر کسی را بترشد توضیح المناسک، ص: ۲۹۰ یا مو از بدنش زائل کند ولی می‌تواند ناخن دیگری را بگیرد.

مسئله ۹۴۸

کسی که وظیفه‌اش تراشیدن سر است هنگامی که کسی سر او را می‌تراشد حق ندارد در آن حال ناخن خود را بگیرد و اگر بگیرد کفاره دارد؛ ولی اگر غافل بوده که نباید این کار را بکند ناخن خود را بگیرد کفاره ندارد.

مسئله ۹۴۹

هرگاه در موردی که باید حلق کند تقصیر کرده؛ اگر از روی جهل قصوری و غفلت و نسیان بوده کفاره ندارد؛ ولی در صورت علم احتیاطاً کفاره بدهد؛ و در فرض مسئله بنا بر احتیاط باید حلق کند.

مسئله ۹۵۰

کسی که در سال اول برای خودش حج نموده و حلق کرده سال بعد به نیابت از دیگری به حج رفته لازم نیست حلق کند تقصیر کفایت می‌کند؛ و همچنین است اگر سال اول به نیابت از دیگری رفته و حلق کرده سال بعد برای خودش رفته لازم نیست حلق کند تقصیر کفایت می‌کند.

مسئله ۹۵۱

کسی که وظیفه او حلق است اگر مقداری از سر خود را با تیغ بترشد و بقیه را ماشین کند جایز نیست و لو بعد از ماشین کردن بقیه را بترشد ولی اگر با ماشین ته‌زنی بوده بعید نیست جایز باشد اما خلاف احتیاط است.

مسئله ۹۵۲

کسی که غیر از وقوفین اضطراری را نمی‌تواند درک کند و برای بقیه اعمال نایب می‌گیرد نمی‌تواند در خارج منی حلق کند و حلق در غیر منی کفایت نمی‌کند؛ ولی اگر نتواند به منی برود کفایت می‌کند اما توضیح المناسک، ص: ۲۹۱ موهای خود را به منی بفرستد.

مسئله ۹۵۳

صبی ممیز که تمام اعمال حج را به نحو صحیح انجام داده از سروره بودن خارج می‌شود.

مسئله ۹۵۴

کسی که وظیفه‌اش سر تراشیدن است ولی می‌داند با تیغ کشیدن سرش خون می‌آید اگر می‌تواند سلمانی ماهری پیدا کند که سر او را خونی نکند؛ و اگر پیدا نشد با ماشین ته زنی بتراشد و اگر آن هم پیدا نشد تقصیر کند و بعد در ماه ذیحجه هر وقت متمکن شد سرش را بتراشد و مو را به منی بفرستد.

مسئله ۹۵۵

در حج سروره گفته شد احتیاط واجب آن است که سر خود را بتراشد در این احتیاط واجب مانند احتیاطات واجبه دیگر چنانچه در اول رساله ذکر شد می‌تواند به دیگری مراجعه کند ولی چون امر مهمی است تا می‌تواند مراعات کند.

مسئله ۹۵۶

در موردی که واجب است سر تراشیده شود اگر فراموش کرد و سرش را نتراشید و به محل خود برگشت؛ باید سر تراشیدن و اعمال مترتبه بر آن را انجام دهد اگر نمی‌تواند خودش به مکه مکرمه برود در محل خودش سرش را بتراشد و موی خود را بنا بر احتیاط به منی بفرستد و برای اعاده اعمال مکه مکرمه نایب بگیرد.

مسئله ۹۵۷

کسی که وظیفه او سر تراشیدن است اگر معذور از سر تراشیدن باشد می‌تواند تقصیر کند ولی احتیاط آن است که در این مسئله به توضیح المناسک، ص: ۲۹۲ غیر مراجعه کند.

مسئله ۹۵۸

کسی که روز عید قربان در حال رمی جمره عقبه پول خود را گم کرد و پول برای قربانی نداشت و قربانی را مبدل به روزه کرد و تصمیم دارد بعد از ایام تشریق شروع به گرفتن سه روز روزه بکند این شخص می‌تواند؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب باید حلق یا تقصیر را روز عید بجا آورد.

مسئله ۹۵۹

کسی که ضروره نیست و می‌تواند تقصیر کند؛ نمی‌تواند به تراشیدن ریش که حرام است یا لا اقل خلاف احتیاط است تقصیر کند.

مسئله ۹۶۰

در حلق یا تقصیر مانند سایر اعمال حج گفتن به زبان یا احضار قلبی لازم نیست همین که حلق یا تقصیر را به عنوان این که وظیفه و از اعمال حج است انجام شود کفایت می‌کند؛ لازم نیست به گوید مثلاً سرم را می‌تراشم برای حج تمتع، گرچه مستحب است.

مسئله ۹۶۱

در صورتی که وظیفه او حلق است جایز نیست به جهت این که از سر تراشی بدش می‌آید تقصیر کند؛ اگر تقصیر کرد گذشته از این که معصیت کرده بنا بر احتیاط از احرام هم خارج نشده.

مسئله ۹۶۲

در حج ضروره که باید حلق کند؛ هرگاه پس از قربانی فوراً تقصیر کند که دچار تطهیر نجاست بدن و لباس احرام نگردد و پس از رسیدن به چادر حلق کرد؛ در صورتی که از روی جهالت بوده کفاره ندارد و حلق را اگر در منی به قصد قربت و به حساب یکی از اعمال حج انجام داده کفایت می‌کند گرچه قصد اخلاص نکرده باشد؛ و الا باقی بر احرام است.

مستحبات حلق یا تقصیر:

مسئله ۹۶۳ شایسته است در حلق یا تقصیر این امور مراعات شود: ۱ نیت حلق یا تقصیر را به زبان آورد و بگوید حلق می‌کنم یا تقصیر می‌کنم در حج تمتع قربۀه إلى الله. ۲ رو به قبله باشد. ۳ نام خدا را ببرد. ۳ حلق را از طرف راست جلو شروع کند. ۵ این دعا را در حال سر تراشیدن بخواند: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَحَسَنَاتٍ مُضَاعَفَاتٍ، وَكَفَّرَ عَنِي السَّيِّئَاتِ، إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». و بهتر آن است که این دعا را با صلوات بر پیغمبر و آلش ختم کند. ۶ پس از حلق اطراف ریش و شارب و ناخن‌ها را بگیرد. ۷ موهای سر خود را در منی در خیمه‌اش دفن کند.

هفتم و هشتم: طواف حج و نماز طواف حج:

اشاره

هفتم و هشتم از اعمال حج تمتع، و اول و دوم از اعمال مکه مکرمه بعد از منی طواف حج و نماز طواف حج است.

مسئله ۹۶۴

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی که سه چیز بود (رمی جمرات، قربانی، حلق یا تقصیر) به مکه مکرمه مراجعت کند و ابتداء توضیح المناسک، ص: ۲۹۴ طواف حج و نماز آن را بجا آورد.

مسئله ۹۶۵

کیفیت طواف حج تمتع که آن را طواف زیارت هم می‌گویند؛ و نماز آن به نحوی است که در طواف و نماز طواف عمره تمتع گفته شد مگر در نیت که باید به نیت طواف و نماز طواف حج تمتع باشد.

مسئله ۹۶۶

مستحب است روز عید که از اعمال منی فارغ شد برای انجام بقیه اعمال حج که اول آنها طواف زیارت است به مکه مکرمه برود و بنا بر احتیاط از روز یازدهم تأخیر نیندازد گرچه ظاهراً جایز باشد تأخیر تا بعد از ایام تشریق بلکه تا آخر ذیحجه، ولی محل خلاف و خلاف احتیاط است؛ به هر حال اختلاف از نظر تکلیفی است نه وضعی، پس در هر زمان ذیحجه انجام دهد صحیح است اگر چه ممکن است معصیت کرده باشد.

مسئله ۹۶۷

کسی که تنها از این ترس داشته باشد که بعد از برگشت از منی در اثر ازدحام نتواند طواف کند یا به مشقت شدید می‌افتد می‌تواند طواف را مقدم بدارد ولی احتیاط آن است که پس از بازگشت از منی اگر نتوانست طواف کند نایب بگیرد.

مسئله ۹۶۸

هرگاه کسی طواف عمره تمتع یا طواف زیارت را از روی جهل به مسئله بجا نیاورد و برگشت به محل خود، باید حج را اعاده نماید و یک شتر قربانی کند.

نهم: سعی بین صفا و مروه:

[مسائل]**اشاره**

نهم از اعمال حج تمتع و سوم از اعمال مکه مکرمه بعد از منی سعی توضیح المناسک، ص: ۲۹۵ بین صفا و مروه است.

مسئله ۹۶۹

کیفیت سعی بین صفا و مروه به نحوی است که در سعی بین صفا و مروه عمره تمتع گفته شد مگر در نیت که باید به نیت سعی بین صفا و مروه حج تمتع باشد.

مسئله ۹۷۰

جایز نیست سعی بین صفا و مروه را در حال اختیار بر طواف زیارت و نماز آن مقدم بدارد؛ و اگر عمداً یا از روی جهل و فراموشی مقدم داشت باید اعاده کند چنانچه گذشت.

مستحبات طواف حج تمتع و نماز آن و سعی:

مسئله ۹۷۱ آنچه از مستحبات که در طواف عمره تمتع و نماز آن، و سعی بین صفا و مروه ذکر شد در اینجا جاری است؛ از آن گذشته مستحب است کسی که به جهت طواف حج تمتع می‌رود: ۱ در روز عید برود. ۲ غسل کند؛ قبل از داخل شدن به مسجد الحرام، و بهتر آن است که در منی برای ورود به مکه مکرمه نیز غسل کند. ۳ ناخن‌ها و شارب خود را بگیرد. ۴ ذکر خدا را بجا آورد و بر پیامبر اکرم و خاندانش علیهم السلام درود بفرستد. ۵ بر درب مسجد الحرام بایستد و این دعا را که از امام صادق علیه السلام توضیح المناسک، ص: ۲۹۶ وارد شده بخواند: «اللَّهُمَّ أَعِنِي عَلَى نُسُوكِكَ، وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمَهُ لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ، الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَ أَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ، رَاضِياً بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ». ۶ سپس نزد حجر الاسود رفته استلام حجر کند و آن را ببوسد؛ و اگر بوسیدن ممکن نشد دست به آن بمالد و دست خود را ببوسد؛ و اگر آن هم ممکن نشد برابر حجر الاسود بایستد و به آن اشاره کند و دستش را ببوسد و تکبیر بگوید و بعد آنچه که در طواف عمره تمتع بجا آورده بجا آورد. ۷ از آب زمزم بنوشد. ۸ از باب صفا برای سعی به کوه صفا برود.

دهم و یازدهم: طواف نساء و نماز طواف نساء:

[مسائل]

اشاره

دهم و یازدهم از اعمال حج تمتع و چهارم و پنجم از اعمال مکه مکرمه بعد از منی طواف نساء و نماز طواف نساء است.

مسئله ۹۷۲

کیفیت طواف نساء و نماز آن به نحوی است که در طواف و نماز طواف عمره تمتع گفته شد.

مسئله ۹۷۳

طواف نساء و نماز آن اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن، خنثی، خصی و بچه ممیز نیز لازم است به نحوی که اگر طواف نساء و نماز آن را انجام ندهند زن به همان تفصیل که در سابق گفته شد بر آنها حلال نمی‌شود؛ و نیز اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی‌شود؛ بلکه طفل غیر ممیز هرگاه ولی او را مُحْرَم کرده باید او را طواف نساء دهد تا بعد از بالغ شدن زن یا مرد بر او

حلال شود بلکه اگر مجنون را مُحرم کرده‌اند طواف نساء بدهند تا بعد از آن که عاقل شد زن یا مرد بر او حلال باشد.

مسئله ۹۷۴

طواف نساء و نماز آن، گرچه از واجبات حج هستند و باید بعد از سعی بین صفا و مروه واقع شوند اما از ارکان حج نیستند اگر کسی عمداً آنها را بجا نیاورد حجش باطل نیست؛ ولی اگر زن است بدون انجام آنها مرد بر او حلال نمی‌شود و اگر مرد است زن بر او حلال نمی‌شود؛ بلکه بنا بر احتیاط عقد کردن نیز بر او حلال نمی‌شود.

مسئله ۹۷۵

جایز نیست طواف نساء و نماز آن را در حال اختیار بر طواف زیارت و نماز آن و بر سعی مقدم بدارد؛ و هرگاه مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

مسئله ۹۷۶

جایز است طواف نساء و نماز آن را در حال ضرورت قبل از سعی بجا آورد مانند ترس از حیض و نتوانستن اقامت در مکه مکرمه تا زمان پاکی، ولی مع ذلک احتیاط آن است که نایب بگیرد که طواف نساء را بعد از سعی بجا آورد.

مسئله ۹۷۷

اگر سهواً طواف نساء و نماز آن را قبل از سعی بجا آورد؛ یا به واسطه ندانستن حکم مقدم بدارد؛ طواف و سعی صحیح است و احتیاط بر اعاده طواف نساء و نماز آن است و اگر خودش نتواند بجا آورد نایب بگیرد.

مسئله ۹۷۸

هرگاه طواف نساء و نماز آن را سهواً یا عمداً بجا نیاورد تا برگشت به محل خود، چنانچه گذشت حجش صحیح است اگر می‌تواند باید خودش برگردد و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد؛ و اگر نمی‌تواند برگردد یا مشقت شدید دارد نایب بگیرد و پس از بجا آوردن نایب اگر مرد است زن بر او حلال می‌شود و اگر زن است مرد بر او حلال می‌شود.

مسئله ۹۷۹

هرگاه طواف عمره یا طواف حج، بلکه بنا بر احتیاط طواف نساء و نماز آن را فراموش کرد و برگشت و با زن خود نزدیکی کرد در صورتی که طواف عمره را فراموش کرده یک قربانی در مکه مکرمه، و اگر طواف حج را فراموش کرده یک قربانی در منی بجا آورد؛ و فراموشی طواف نساء بعید نیست که حکم طواف حج را داشته باشد و احتیاط آن است که قربانی شتر باشد؛ اگر می‌تواند خودش برود طواف و نماز آن را بجا آورد و احتیاطاً در غیر طواف نساء سعی را هم بجا آورد و اگر نمی‌تواند یا مشقت شدید دارد نایب بگیرد.

مسئله ۹۸۰

کسی که چندین عمره مفرده انجام داده ولی در هیچ کدام آنها طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورد باید برای هر یک از عمره‌ها

طواف توضیح المناسک، ص: ۲۹۹ نساء مستقل همراه با نماز آن بجا آورد یک طواف نساء کفایت نمی‌کند.

مسئله ۹۸۱

دختری که در کودکی یا اوائل بلوغ به نحوی جنب شده و از روی جهالت و نادانی غسل جنابت نکرده ولی غسل حیض و جمعه و بعضی غسل‌های دیگر را بجا آورده و به حج رفته اعمال عمره و حج را بجا آورده؛ باید طواف‌های عمره، حج و نساء و نمازهای آنها را دوباره بجا آورد و احتیاطاً با عمره مفرده از احرام خارج شود؛ و اگر خودش نمی‌تواند برود برای آنها نایب بگیرد؛ و تا طواف عمره، حج و طواف نساء و نمازهای آنها را انجام نداده یا با عدم قدرت نایب بجا نیاورده باید از استعمال بوی خوش و ازدواج و محرماتی که با طواف نساء حلال می‌شود اجتناب نماید.

مسئله ۹۸۲

نایب در طواف نساء و نماز آن باید آنها را به نیت منوب عنه انجام دهد.

مسئله ۹۸۳

بعد از حلق یا تقصیر و اعمال بعد از آن و قبل از انجام طواف نساء و نماز آن تمام انواع التذاذ از زن یا از مرد حرام است؛ مخصوص به مقاربت نیست.

مسئله ۹۸۴

لازم نیست طواف نساء و نماز آن بلافاصله بعد از سعی بین صفا و مروه باشد؛ می‌توان آن را چند روز تأخیر انداخت.

مسئله ۹۸۵

کسی که پس از حج ازدواج کرده و دارای فرزند شد و بعد متوجه شد در حج، طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورده؛ اگر جاهل بود فرزند حلال زاده است ولی عقد ازدواج باطل است باید خودش طواف توضیح المناسک، ص: ۳۰۰ نساء و نماز آن را بجا آورد و اگر نتوانست باید نایب بگیرد که طواف نساء و نماز آن را انجام دهد پس از آن اگر بخواهد می‌تواند تجدید عقد نماید.

مسئله ۹۸۶

مردی که به زنش می‌گوید وظیفه من طواف نساء است ولی تو باید طواف رجال بجا آوری زن هم بجای نیت طواف نساء نیت طواف رجال می‌کند چون منظور اداء وظیفه مقرر است اشکال ندارد.

مسئله ۹۸۷

کسی که عمره مفرده انجام داده بدون این که تقصیر کند طواف نساء و نماز آن را انجام داده گرچه عمره او باطل نمی‌شود لکن باید تقصیر کند و بعد از تقصیر طواف نساء و نماز آن را اعاده کند و بدون آن زن بر او حرام است.

مسئله ۹۸۸

کسی که پس از مراجعت از مکه مکرمه شک می‌کند که طواف نساء و نماز آن از حج یا عمره مفرده را بجا آورد یا نه، در صورتی که التفات به وجوب طواف نساء و نماز آن نداشته باید طواف نساء و نمازش را انجام دهد؛ بلکه در صورتی که التفات به وجوب آنها هم داشته بنا بر احتیاط واجب طواف نساء و نماز آن را انجام دهد.

مسئله ۹۸۹

اگر قبل از طواف نساء و نماز آن با زن خود دست بازی کند و از روی شهوت به او دست بزند؛ در غیر صورت جهل یا فراموشی کفاره دارد.

مسئله ۹۹۰

زنی که اعمال مکه مکرمه را بر وقوفین مقدم داشته بعد از سعی و قبل از طواف نساء و نماز آن حائض شود شوهرش نمی‌تواند در آن توضیح المناسک، ص: ۳۰۱ حال به نیابت او طواف نساء و نماز آن را بجا آورد؛ بلکه احتیاط آن است که به اعمالی که مقدم داشته اکتفاء نکند اگر توانست خودش آنها را بجا آورد و الا نایب بگیرد.

مسئله ۹۹۱

هرگاه نایب طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورد ذمه شخص مشغول است باید در زمان حیاتش خودش انجام دهد و اگر نتوانست نایب بگیرد؛ و هرگاه در زمان حیاتش تدارک نکرد ذمه‌اش مشغول است بنا بر احتیاط از ترک‌اش قضای آن بجا آورده شود.

مسئله ۹۹۲

کسی که طواف نساء و نماز آن از عمره مفرده را فراموش کرده بعد برای عمره تمتع مُحرم شده می‌تواند طواف نساء و نماز آن را بعد از انجام عمره تمتع بجا آورد و اگر تأخیر بیندازد تا پایان اعمال حج باید دو طواف نساء همراه با دو نماز بجا بیاورد یکی برای عمره مفرده که فراموش کرده و دیگری برای حج تمتع.

مسئله ۹۹۳

کسی که طواف نساء و نماز آن را از عمره مفرده بجا نیاورده و بعد از آن حج افراد بجا می‌آورد یک طواف نساء و نماز برای حج افراد کفایت نمی‌کند باید طواف نساء و نماز دیگری هم برای عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۹۹۴

پیرمرد و پیرزن که عمل زناشویی از آنان ساخته نیست و ازدواج هم نمی‌خواهند بکنند؛ و نیز کسی که عینین است اگر چه طواف نساء و نماز آن از اعمال حج نیست ولی واجب است باید آنها را انجام دهند.

مسائل متفرقه اعمال مکه مکرمه

مسئله ۹۹۵

هرگاه قربانی نکرده طواف را بجا آورد اگر از روی عمد قربانی نکرده طوافش باطل است باید پس از قربانی کردن طواف را اعاده کند و اگر قربانی را از روی عذر ترک کرده باشد احتیاط آن است که طواف را بعد از قربانی بجا آورد.

مسئله ۹۹۶

هرگاه کسی به اعتماد این که ناپیش از طرف او رمی و قربانی کرده حلق یا تقصیر کند؛ بعد معلوم شود که نایب از طرف او رمی نکرده قربانی و حلق یا تقصیر او صحیح است.

مسئله ۹۹۷

کسی که وکیل شده برای دیگری قربانی کند می‌تواند قبل از حلق یا تقصیر خود برای او قربانی کند.

مسئله ۹۹۸

جایز نیست طواف زیارت و نماز و سعی را قبل از تراشیدن سر و کوتاه کردن بجا آورد پس اگر از روی سهو یا ندانستن مسئله طواف و نماز و سعی را قبل از آن بجا آورد باید به منی برگردد و سر بترشد یا کوتاه کند پس از آن طواف و نماز طواف و سعی را بجا آورد؛ و اگر نمی‌تواند به منی برگردد هر کجا هست سر بترشد یا کوتاه کند و طواف و نماز طواف و سعی را اعاده کند؛ و اگر این کار از روی عمد و علم بوده گناه کرده باید گذشته بر اعاده طواف و نماز طواف و سعی احتیاطاً یک گوسفند قربانی کند؛ بلکه اگر طواف را فقط از روی علم و عمد مقدم داشته احتیاطاً قربانی توضیح المناسک، ص: ۳۰۳ کردن یک گوسفند لازم است؛ ولی اگر فقط سعی را مقدم داشته قربانی کردن گوسفند لازم نیست اما باید سعی را بعد از تراشیدن سر یا کوتاه کردن و طواف و نماز آن اعاده کند.

مسئله ۹۹۹

کسی که در غیر منی سر تراشیده و اعمال مترتبه را انجام داده مثلاً طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را انجام داده؛ اگر از روی جهل قصوری یا غفلت یا نسیان بوده عمل او صحیح است ولی احتیاط آن است که اگر ممکن است و عسر و حرج نباشد به منی برگردد و سرش را بترشد و اعمال مترتبه را اعاده کند؛ و اگر بعد از آن عمره مفرده انجام داده عمره‌اش صحیح است؛ ولی اگر در غیر این صورت بوده از احرام خارج نشد و هرگاه بعد از آن عمره مفرده انجام داده صحیح نیست.

مسئله ۱۰۰۰

گفته می‌شود که مسلخ (کشتارگاه) جدید در منی نیست؛ بنا بر این حلق یا تقصیر در آنجا صحیح نیست باید در منی باشد؛ پس هرگاه در مسلخ جدید حلق یا تقصیر واقع شد باید در منی اعاده شود؛ ولی اگر از روی جهل قصوری یا غفلت یا نسیان بوده لازم نیست اعاده شود گرچه در صورت امکان و نبودن عسر و حرج احوط اعاده است.

مسئله ۱۰۰۱

هرگاه کسی در سال گذشته حلق یا تقصیر را در خارج منی انجام داده و امسال هم آن را در خارج منی انجام داده و اعمال مکه مکرمه را بجا آورده؛ اگر از روی جهل قصوری یا غفلت یا نسیان بوده اشکال ندارد ولی احتیاط آن است که حلق را در منی بجا

آورد و بعد طواف و نماز و سعی توضیح المناسک، ص: ۳۰۴ سال گذشته را اعاده کند و احتیاطاً طواف و نماز و سعی امسال را بجا آورد و یک طواف نساء و نماز آن را انجام دهد؛ ولی اگر در غیر جهل قصوری یا غفلت یا نسیان بوده ظاهراً احرام برای عمره و حج امسال صحیح نبوده برای سال گذشته باید حلق یا تقصیر را در منی اعاده کند و بعد طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را بجا آورد.

مسئله ۱۰۰۲

کسی که وظیفه او حلق است هر گاه دو موضع یا بیشتر سرش شکسته است ممکن است حلق روز عید باعث پاره شدن پوست سرش گردد اگر امید خوب شدن به حدی که بتواند حلق تمام سر را تا آخر ایام تشریق انجام دهد دارد حلق را تأخیر بیندازد و همچنین اعمال مترتبه را، و اگر امید خوب شدن ندارد یا پس از تأخیر خوب نشد بنا بر احتیاط هر مقدار سر را می‌تواند بتراشد و تقصیر هم بکند و هر وقت در ماه ذیحجه متمکن از حلق شد حلق کند هر چند به مکه مکرمه رفته باشد ولی مو را به منی بفرستد.

مسئله ۱۰۰۳

کسی که قربانی یا حلق را در خارج منی انجام داده و به محل خود برگشته اگر این کار را از روی جهل قصوری یا غفلت یا نسیان بوده می‌تواند برای خود یا دیگری در سال بعد به حج رود؛ ولی در غیر این صورت باید حلق و قربانی را اگر می‌تواند در منی انجام دهد و همچنین اعمال مترتبه را اعاده کند؛ تا این کارها را انجام نداده از احرام خارج نشده و نمی‌تواند مُحرم شود.

مسئله ۱۰۰۴

جایز نیست در حال اختیار در حج تمتع، طواف حج و نماز آن، و سعی و طواف نساء و نماز آن را قبل از وقوف به عرفات و مشعر الحرام و انجام اعمال منی بجا آورد و اگر بجا آورد باطل است و لازم است اعاده کند مگر برای چند دسته که در مسأله آینده ذکر می‌شود.

مسئله ۱۰۰۵

برای چند دسته جایز است اعمال پنج گانه مکه مکرمه را قبل از رفتن به عرفات انجام دهند: اول: زنی که بترسد در برگشت از منی مبتلا به حیض و نفاس شود و نتواند به لحاظ رفتن کاروان بماند تا پاک شود. دوم: پیرمرد و یا پیرزنی که عاجز باشد از طواف کردن در مراجعت از منی، به لحاظ کثرت جمعیت و نتواند صبر کند تا جمعیت کم شوند یا عاجز از برگشتن به مکه مکرمه باشد. سوم: مریضی که بترسد در هنگام ازدحام طواف کند یا عاجز از آن باشد و نتواند تا کم شدن جمعیت در مکه مکرمه بماند. چهارم: کسی که نداند یا بترسد که تا آخر ماه ذیحجه به جهتی یا جهاتی نتواند طواف و سعی کند.

مسئله ۱۰۰۶

برای اشخاصی که در مسأله گذشته بیان شد گرچه تقدیم اعمال مکه مکرمه جایز است ولی احتیاط بر استنباه هم می‌باشد.

مسئله ۱۰۰۷

سه دسته اول اشخاصی که در دو مسأله گذشته گفته شد؛ اعمالی را که جلو انداخته‌اند کافی است و اعاده لازم نیست گرچه بعد

توضیح المناسک، ص: ۳۰۶ خلاف آن ظاهر شود؛ مثلاً زن حائض نشود و مریض خوب شود و ازدحام چندان نباشد که باعث مزاحمت شود اما در صورت امکان احتیاط به اعاده ترک نشود؛ دسته چهارم که عقیده داشته نمی‌تواند اعمال را تا آخر ذیحجه انجام دهد اگر از جهت مرض یا پیری و عیالی باشد باز مجزی است ولی اگر جهت احتمال حدوث مرض بوده ولی مرض حادث نشده؛ یا اعتقاد سیل و حبس و دستگیری و مانند آنها بوده بعد خلاف آنها ظاهر شده احوط عدم اجزاء است باید بنا بر احتیاط اعمال را بعد از رجوع اعاده کند.

مسئله ۱۰۰۸

نایب هم می‌تواند اگر خوف حیض یا مرض داشته باشد اعمال مکرمه را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد به نحوی که نسبت به کسی که حج خود را انجام می‌داده بیان شد.

مسئله ۱۰۰۹

کسانی که اعمال مکرمه را قبل از اعمال منی انجام می‌دهند؛ مشکل است فقط سعی را پس از برگشتن از منی انجام دهند و سایر اعمال را قبل بلکه سعی را پس از طواف و نماز آن انجام دهند.

مسئله ۱۰۱۰

تقدیم اعمال مکرمه بر اعمال وقوفین و منی برای ذوی الاعذار جایز است؛ مگر این که بدانند یا اطمینان داشته باشد چنانچه اعمال مکرمه را مقدم بدارد امکان انجام آن را تا آخر ذیحجه ندارد در این صورت تقدیم واجب است.

مسئله ۱۰۱۱

کسی که جایز است اعمال مکرمه را بر وقوفین مقدم بدارد لازم نیست نزدیک‌ترین زمان به وقوفین ملاحظه شود.

مسئله ۱۰۱۲

تشخیص عذر برای کسی که اعمال مکرمه را بر وقوفین و اعمال منی مقدم می‌دارد بر عهده خود مکلف است.

مسئله ۱۰۱۳

کسی که او را با تخت روان طواف می‌دهند اگر عذر دیگری ندارد نمی‌تواند اعمال مکرمه را بر وقوفین مقدم بدارد.

مسئله ۱۰۱۴

در موردی که اعمال مکرمه را بر وقوفین مقدم می‌دارد تبعیض در اعمال قرار ندهد به این که طواف و نماز را قبل، و طواف نساء و نماز آن را بعد انجام دهد بلکه همه را قبل انجام دهد.

مسئله ۱۰۱۵

شخصی که می‌تواند اعمال مکرمه را بر وقوفین مقدم بدارد اگر از راه جهل به حکم بدون احرام آنها را انجام دهد کفایت

نمی‌کند باید یا قبل از وقوفین یا بعد از آن با احرام انجام دهد.

مسئله ۱۰۱۶

کسی که می‌تواند اعمال مکه مکرمه را خودش انجام دهد و لو به تأخیر تا آخر وقت، نمی‌تواند نایب بگیرد.

مسئله ۱۰۱۷

کسی که از منی برگشته و هنوز اعمال واجب مکه مکرمه را انجام نداده بنا بر احتیاط طواف مستحبی را انجام ندهد؛ و همچنین کسی که در حال احرام عمره تمتع است احتیاطاً طواف مستحبی انجام ندهد.

مسئله ۱۰۱۸

بعد از انجام اعمال منی قبل از انجام اعمال مکه مکرمه احتیاط آن است که از مکه مکرمه خارج نشود.

مسئله ۱۰۱۹

کسی که با احرام حج چیزهایی بر او حرام شده بود که مفصلاً در احرام عمره بیان شد؛ پس از سه عمل به تدریج آنها بر او حلال توضیح المناسک، ص: ۳۰۸ می‌شود: اول: همین که اعمال منی تمام شد؛ یعنی بعد از رمی، قربانی و حلق یا تقصیر، تمام چیزهایی که بر مُحرم به وسیله احرام بستن حرام شده بود حلال می‌شود مگر استعمال بوی خوش و همه لذت‌های جنسی گرچه بدون نزدیکی باشد؛ و همچنین شکار بنا بر احتیاط در خارج از حرم از جهت احرام و این حرمت ادامه دارد تا ظهر روز سیزدهم، بلکه احتیاطاً قبل از طواف نساء و نماز آن از شکار خودداری کند؛ و اما شکار در حرم چنانچه گذشت جایز نیست گرچه مُحرم نباشد و از اعمال حج فارغ شده باشد. دوم: پس از انجام طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه استعمال بوی خوش بر او حلال می‌شود ولی احتیاط آن است که قبل از طواف نساء و نماز آن از بوی خوش نیز اجتناب کند. سوم: پس از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن، همه چیز بر او حلال می‌شود حتی زن و شکار در خارج از حرم بنا بر احتیاط، ولی چنانچه اشاره شد شکار در حرم و کندن گیاه و درخت حرم بر همه کس چه مُحرم باشد و چه مُحل جایز نیست.

مسئله ۱۰۲۰

کسانی که به واسطه عذر مثل پیری و خون حیض و مانند آنها طواف زیارت و نماز آن و طواف نساء و نماز آن را مقدم می‌دارند بوی خوش و زن و شکار بر آنها حلال نمی‌شود؛ ولی تمام محرمات بعد از حلق یا تقصیر بر او حلال می‌شوند.

مسئله ۱۰۲۱

هرگاه از راه نادانی یا فراموشی نمازهای طواف عمره تمتع و طواف حج تمتع و طواف نساء را بجا نیاورد و به محل خود برگشت اگر می‌تواند به مکه مکرمه برود و نمازها را پشت مقام بخواند؛ ولی اگر نمی‌تواند برود در محل خود قضاء کند و تا نخوانده مراعات محرمات احرام را بنماید و احتیاطاً نایب بگیرد که آنها را در پشت مقام بجا آورد.

اشاره

دوازدهم از اعمال حج بیتوته (شب ماندن) در منی است.

مسئله ۱۰۲۲

پس از انجام اعمال مکه مکرمه واجب است ماندن شب‌های یازدهم و دوازدهم ذیحجه در منی از غروب شرعی که مغرب است تا نصف شب چنانچه مشهور گفته‌اند؛ پس جایز است بعد از نیمه شب از منی خارج شود ولی افضل آن است که تمام شب را تا طلوع فجر در منی بماند و احتیاط مستحب آن است که قبل از طلوع فجر داخل مکه مکرمه نشود؛ گرچه بعضی فرموده‌اند و روایت دارد حاج مخیر است بین این که سر شب تا بعد از نیمه شب یا قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در منی باشد ولی خلاف احتیاط است.

مسئله ۱۰۲۳

کسی که در روز عید قربان جهت انجام اعمال حج بعد از منی به مکه مکرمه رفته باید برای ماندن شب‌های ذکر شده به منی مراجعت کند.

مسئله ۱۰۲۴

ماندن شب در منی از عبادات است باید مانند سایر اعمال حج با نیت خالص برای اطاعت خداوند باشد؛ و نیت باید مقارن با اول جزء آن که غروب آفتاب است باشد.

مسئله ۱۰۲۵

بر چند دسته ماندن شب سیزدهم تا نیمه شب در منی نیز واجب است: اول: کسی که در حال احرام شکار کرده باشد و بنا بر احتیاط واجب اگر شکار را گرفته گرچه نکشته باشد شب سیزدهم را بماند؛ ولی اگر شکار نکرده: اما گوشت شکار را خورده یا شکار را به صیاد نشان داده و مانند اینها گرچه خلاف کرده ولی ماندن شب سیزدهم در منی بر او واجب نیست. دوم: کسی که با زن نزدیکی کرده باشد چه از جلو یا از پشت، چه با زن خود یا اجنبیه، ولی هرگاه از نزدیکی با زن اجتناب داشته ولی از بوسیدن و لمس و مانند آن اجتناب نداشته گرچه خلاف کرده ولی واجب نیست ماندن شب سیزدهم در منی گرچه احوط است. سوم: کسی که روز دوازدهم از منی بیرون نرفته تا غروب شب سیزدهم داخل شده و لو آماده حرکت بوده بلکه سوار وسیله نقلیه شده اما در راه‌بندان مانده و نتوانسته از حدود منی خارج شود؛ باید تا طلوع فجر در منی بماند.

مسئله ۱۰۲۶

کسی که در احرام عمره تمتع نیز از صید و زن اجتناب نکرده باید شب سیزدهم در منی بماند پس ماندن شب سیزدهم در منی توضیح المناسک، ص: ۳۱۱ اختصاص به احرام حج ندارد.

مسئله ۱۰۲۷

بعضی ماندن شب سیزدهم را در منی بر غیر از سه دسته که در دو مسأله گذشته بیان شد نیز واجب دانسته‌اند؛ مثل کسی که ضروره است یا کسی که یکی از گناهان کبیره را مرتکب شده باشد گرچه از تروک احرام نباشد؛ یا کسی که یکی از تروک احرام را گرچه کفاره نداشته مرتکب شده باشد ولی ثابت نیست گرچه ماندن آنها اولی و احوط است؛ بلکه ماندن شب سیزدهم در منی برای همه افضل است.

مسئله ۱۰۲۸

بر چند دسته واجب نیست در شب‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم در منی بمانند: اول: بیمار و پرستار او اگر لازم داشته باشند؛ و کسانی که به هر علتی ماندنشان در منی مشقت و زحمت شدید داشته باشد یا این که بر اثر ماندن در منی بر خودش یا ناموسش یا اموالش بترسد. دوم: کسی که بترسد اگر شب در منی باشد مال ارزشمندی از او که در مکه مکرمه است تلف می‌شود یا مورد سرقت قرار می‌گیرد. سوم: چوپانی که محتاج است حیواناتش در شب بچرند. چهارم: کسانی که متکفل آب دادن به حجاج در مکه مکرمه هستند یا متکفل سایر کارهای لازم حجاج هستند. پنجم: کسی که تمام شب را تا صبح در مکه مکرمه به عبادت پردازد و کار دیگری نداشته باشد؛ مگر کارهای ضروری مانند خوردن و آشامیدن توضیح المناسک، ص: ۳۱۲ بقدر احتیاج و تجدید و ضوء و مانند آنها.

مسئله ۱۰۲۹

کسی که در اول شب بدون عذر در منی نبوده واجب است قبل از نیمه شب برگردد و تا طلوع فجر در منی بماند.

مسئله ۱۰۳۰

نیمه شب را باید از غروب شرعی تا طلوع فجر حساب کرد؛ و احتیاطاً تا طلوع آفتاب حساب شود.

مسئله ۱۰۳۱

جایز نیست در غیر مکه مکرمه مشغول عبادت شود و به منی نرود؛ اما اگر طواف خانه را نموده و در عبادت خود باقی ماند سپس از مکه مکرمه به طرف منی رفته و از عقبه «مدینین» گذشته باشد چنین شخصی می‌تواند در بین راه بیتوته نماید و لازم نیست خود را به منی برساند.

مسئله ۱۰۳۲

کسی که واجب است در منی بیتوته کند هرگاه آن را ترک کند؛ برای هر شب باید یک گوسفند قربانی کند.

مسئله ۱۰۳۳

واجب شدن قربانی گوسفند در ترک بیتوته در منی در صورتی است که ترک از روی علم و عمد و جهل تقصیری باشد؛ و در صورتی که از روی جهل قصوری و نسیان بوده بنا بر احتیاط واجب است.

مسئله ۱۰۳۴

در مسئله (۱۰۲۸) گفته شد واجب نیست چند دسته در منی بمانند؛ نسبت به کسی که در مکه مکرمه تا صبح به عبادت اشتغال داشته قربانی واجب نیست؛ اما چهار دسته دیگر حتی دسته سوم و چهارم اگر در منی نمانند بنا بر احتیاط واجب برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند.

مسئله ۱۰۳۵

گوسفندی که باید قربانی کند لازم نیست هیچ یک از شرایط قربانی را که در منی برای حج معتبر بود داشته باشد گرچه موافق با احتیاط است؛ و احتیاط آن است که محل قربانی در منی باشد؛ ولی اگر نکرد می تواند هر جا قربانی کند.

مسئله ۱۰۳۶

هرگاه قسمتی از اول شب را که باید در منی باشد درک نکرد یا زودتر از نصف شب از منی خارج شود؛ احتیاط واجب آن است که یک گوسفند قربانی کند حتی در صورتی که معذور بوده.

مسئله ۱۰۳۷

کسی که جایز است روز دوازدهم کوچ کند باید بعد از ظهر کوچ کند قبل از ظهر جایز نیست؛ ولی می تواند اثاثیه خود را قبل از زوال بفرستد؛ ولی کسی که روز سیزدهم کوچ می کند مختار است که هر وقت بخواهد کوچ کند.

مسئله ۱۰۳۸

کسی که جایز نیست روز دوازدهم به مکه مکرمه برود ولی اگر رفت باید قبل از ظهر به منی برگردد تا بعد از ظهر با مردم از منی کوچ کند.

مسئله ۱۰۳۹

در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم زن‌ها هم حکم مردان را دارند؛ پس هرگاه با عذر از رمی در روز، شب دوازدهم رمی کردند نمی‌توانند قبل از ظهر از منی کوچ کنند مگر این که از ماندن تا بعد از ظهر معذور باشند.

مسئله ۱۰۴۰

کسی که در زمین‌های متصل به منی که از منی نیست شب توضیح المناسک، ص: ۳۱۴ یازدهم و دوازدهم را بیتوته می‌کند برای هر شب یک گوسفند کفاره دهد چه عالم به موضوع باشد چه جاهل، مگر این که فراموش کرده یا جاهل قصوری به حکم مسئله باشد و معذور بوده که دادن کفاره بنا بر احتیاط واجب است.

مسئله ۱۰۴۱

اگر قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج و بعد از غروب به منی برگشت ماندن شب در منی و رمی روز سیزدهم بر او واجب نیست؛ و همچنین اگر بعد از ظهر روز دوازدهم از منی خارج شود و قبل از غروب برای کاری به منی برگردد و تا غروب بماند واجب نیست شب سیزدهم در منی بماند و رمی روز سیزدهم بر او واجب نیست.

مسئله ۱۰۴۲

کسی که مقداری از ابتداء شب با عذر یا بدون عذر در خارج از منی بوده تا قبل از نصف شب از منی خارج شده بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهد.

مسئله ۱۰۴۳

اگر بدون عذر نصف اول شب را در منی نبود واجب است نصف دوم را در منی بماند و برای نبودن نصف اول در منی باید کفاره بدهد.

مسئله ۱۰۴۴

کسی که شب یازدهم و دوازدهم می‌تواند برای عبادت در مسجد الحرام بیتوته کند؛ هرگاه در بین عبادت در اثر خستگی چرت

می‌زند و بیدار می‌شود اگر به اندازه‌ای به خواب می‌رود که عرفاً صدق نکند تمام شب را مشغول به عبادت بوده کفایت نمی‌کند باید کفاره بدهد.

مسئله ۱۰۴۵

عبادت در هر جای مسجد الحرام کفایت می‌کند گرچه در توضیح المناسک، ص: ۳۱۵ پشت بامی که اخیراً در مسجد الحرام درست کرده‌اند باشد.

مسئله ۱۰۴۶

حمله‌داری که یقین کرده محلی از منی است و با همراهان خود در آن محل بیتوته کردند بعد برایش معلوم شد که آن محل خارج از منی بوده کفاره ترک بیتوته در منی بر خود حمله‌دار واجب است کفاره همراهان بر حمله‌دار واجب نیست و اعلام به آنان نیز واجب نیست؛ اگر فهمیدند کفاره بر خود آنها واجب است و اگر کفاره دادند حمله‌دار آنها را راضی کند.

مسئله ۱۰۴۷

هرگاه علامت گذاری حدود منی در گذشته که به گفته اهالی مکه مکرمه بوده با علامت گذاری اخیر که به وسیله حکومت انجام گرفته تفاوت داشته باشد و حمله‌داری که در گذشته با حجاجی در محدوده‌ایی که قبلاً تعیین شده بیتوته کردند اگر تعیین حکومتی درست باشد بیتوته آنان در خارج محدود بوده اگر یقین داشته در محلی که بیتوته کرده بوده از منی بوده تا یقین پیدا نکند که خارج از منی بوده قربانی لازم نیست در این صورت اعلام به حجاج لازم نیست بلکه چنانچه در مسئله گذشته ذکر شد در غیر این صورت هم اعلام لازم نیست.

مسئله ۱۰۴۸

کسی که عذر از رمی در روز دوازدهم دارد و می‌تواند شب رمی کند نمی‌تواند بعد از نصف شب به مکه مکرمه برود و اگر رفت باید برگردد به منی و بنا بر احتیاط لازم قبل از ظهر به منی برگردد و صبر کند تا بعد از ظهر با مردم کوچ کند مگر این که از رمی در روز و ماندن تا بعد از ظهر توضیح المناسک، ص: ۳۱۶ معذور باشد در این صورت می‌تواند بعد از نیمه شب به مکه برود و برنگردد.

مسئله ۱۰۴۹

خدمه کاروان برای پذیرایی از کسانی که می‌توانند در شب دوازدهم رمی کنند و به مکه مکرمه کوچ کنند و به منی برنگردند چون وقوف روز دوازدهم در منی واجب نیست و آنچه واجب است کوچ نکردن قبل از زوال است بنا بر این خدمه مذکور

می‌توانند بعد از نصف شب با آن افراد بروند و روز دوازدهم برای رمی برگردند و احتیاط آن است که قبل از ظهر باشد و بعد از ظهر با مردم کوچ کنند.

مسئله ۱۰۵۰

مدیر کاروان که زن‌ها را قبل از ظهر روز دوازدهم از منی خارج نموده و کسانی که از مسئله اطلاع نداشتند که باید بعد از ظهر کوچ کنند یا اگر متوجه مسئله بودند نمی‌توانند بدون مدیر کاروان و همراهان در منی بمانند چون معذور هستند مانع ندارد قبل از زوال کوچ کنند.

مسئله ۱۰۵۱

مراد از تمام شب که باید در مکه مکرمه بجای بیتوته در منی به عبادت اشتغال داشته باشد از مغرب است تا طلوع فجر.

مسئله ۱۰۵۲

پس از رمی، قربانی و حلق یا تقصیر در روز عید می‌تواند برای اعمال مکه مکرمه به مکه برود ولی باید برای شب یازدهم به منی برگردد؛ اگر بداند دو سه ساعت از اول شب منی را درک نمی‌کند باید برای تأخیر کفاره بدهد.

سیزدهم: رمی جمرات سه گانه:

اشاره

سیزدهم از اعمال حج رمی جمرات سه گانه در ایام تشریق است.

[مسائل]

مسئله ۱۰۵۳

شب‌هایی که واجب است در منی بیتوته کند باید در روزهای آنها رمی جمرات سه گانه کند؛ یعنی باید به سه محل سنگریزه بزند یکی از آنها را جمره اولی و دیگری را جمره وسطی و سومی را جمره عقبه گویند؛ پس رمی جمرات سه گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم ذیحجه برای همه حجاج و در روز سیزدهم برای برخی واجب است؛ باید هر روز به هر یک از جمرات سه گانه هفت سنگ ریزه بزند؛ کیفیت زدن سنگ ریزه‌ها و شرایط و واجبات آنها به همان نحو است که در گذشته در رمی جمرات عقبه گفته شد.

مسئله ۱۰۵۴

زمان انداختن سنگ ریزه‌ها در حال اختیار از طلوع آفتاب است تا غروب آفتاب، بعید نیست نزدیک زوال بهتر باشد جایز نیست در شبی که در منی بیتوته کرده رمی کند؛ همین که روز شد باید رمی کند.

مسئله ۱۰۵۵

هرگاه کسی عذری داشته باشد که در روز رمی کند؛ مانند مریض، چوپان، علیل و کسی که در روز به جهت کثرت جمعیت بر نفس خود ترس داشته باشد در شب آن روز رمی کند؛ و در صورتی که هر شب نمی‌تواند رمی کند می‌تواند در یک شب سنگ همه روزها را بزند.

مسئله ۱۰۵۶

واجب است مراعات ترتیب در انداختن سنگ‌ها، به این توضیح المناسک، ص: ۳۱۸ که اول به جمره «اولی»، بعد از آن به جمره «وسطی»، و بعد از آن به جمره «عقبه» سنگ بیندازد؛ و در صورتی که بر خلاف ترتیب کرده باید طوری بجا آورد که ترتیب حاصل شود؛ مثلاً هرگاه اول به جمره وسطی سنگ انداخت و بعد به جمره اولی کفایت می‌کند که جمره وسطی را دوباره بجا آورد و بعد جمره عقبه را، و اعاده جمره اولی لازم نیست.

مسئله ۱۰۵۷

در خلاف ترتیب فرق نمی‌کند بین این که از روی علم بوده یا از روی سهو و نسیان و ندانستن مسأله، و در هر صورت باید اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

مسئله ۱۰۵۸

هرگاه از روی فراموشی چهار سنگ یا بیشتر به جمره اولی بزند و آن را رها کند و به هر یک از جمره وسطی و عقبه هفت سنگ بزند اگر سنگ‌های جمره اولی را تا هفت عدد تکمیل کند کفایت می‌کند و اعاده رمی جمره وسطی و عقبه لازم نیست؛ ولی هرگاه این کار را عالماً و عمداً انجام دهد احتیاط لازم آن است که رمی همه جمرات را اعاده کند به نحوی که ترتیب حاصل شود چنانچه احتیاط الحاق جاهل است در این مسأله به عالم عامد، و اگر در فرض بالا به جمره اولی کمتر از چهار سنگ بزند باید رمی همه جمرات را اعاده کند هر چند از راه فراموشی باشد.

مسئله ۱۰۵۹

هرگاه رمی یکی از روزها را فراموش کرده باشد یا عمداً ترک کرده باید قضای آن را روز بعد بجا آورد؛ و همچنین است اگر دو روز از او فوت شده باشد باید روز بعد هر دو را قضا کند می‌بایست اول قضای روز توضیح المناسک، ص: ۳۱۹ قبل را کاملاً بجا آورد سپس سنگ‌های آن روز را بزند احتیاط آن است که بین سنگ زدن قضایی و ادائیگی فاصله باشد؛ مستحب است قضای روز گذشته را پس از طلوع آفتاب بجا آورد و سنگ همان روز را به هنگام زوال بزند؛ و هرگاه قضای دو روز یا بیشتر به عهده باشد باید قضای روز سابق را مقدم بدارد بر قضای روز بعد پس هرگاه روز سیزدهم مثلاً بخواهد قضای روزهای عید و یازدهم و

دوازدهم را بجا آورد؛ باید به ترتیب از قضای روز عید شروع کند و به روز سیزدهم که اداء است ختم کند.

مسئله ۱۰۶۰

هرگاه در روز بعد بفهمد که رمی جمرات گذشته به خلاف ترتیب بوده باید ابتداء به نحوی که ترتیب حاصل شود آنها را قضا کند سپس وظیفه آن روز را بجا آورد.

مسئله ۱۰۶۱

هرگاه یادش بیاید که به هر یک از جمرات یا بعض آنها در روز گذشته کمتر از هفت سنگ زده بنا بر احتیاط واجب باید بقیه روز گذشته را قضا کند بعد وظیفه همان روز را بجا آورد.

مسئله ۱۰۶۲

هرگاه رمی جمرات سه گانه را فراموش کند و از منی خارج شده و به مکه مکرمه رفته باشد اگر در ایام تشریق یادش بیاید باید برگردد و بجا آورد و اگر متمکن نباشد باید نایب بگیرد؛ و اگر بعد از ایام تشریق یادش بیاید احتیاط واجب آن است که خودش از مکه مکرمه برگردد و بجا آورد و اگر متمکن نیست باید نایب بگیرد و در سال آینده در ایامی که فوت شده است خودش یا نایبش قضا کند.

مسئله ۱۰۶۳

هرگاه عمداً رمی جمرات را ترک کند تا بعد از ایام تشریق، گرچه گناه کرده ولی حجش باطل نمی‌شود اگر در مکه مکرمه است بنا بر احتیاط واجب باید برگردد و بجا آورد و اگر متمکن نیست نایب بگیرد و باید در سال آینده در ایامی که فوت شده خودش یا نایبش قضا کند و همچنین است اگر عمداً ترک کرده تا از مکه مکرمه خارج شده حجش باطل نیست باید سال آینده خودش یا نایبش در ایامی که فوت شده قضا کند.

مسئله ۱۰۶۴

هرگاه فراموش کند رمی جمرات را و یادش نیاید تا بعد از خارج شدن از مکه مکرمه واجب است در سال آینده خودش و گرنه نایبش در ایامی که فوت شده قضا کند.

مسئله ۱۰۶۵

هرگاه رمی بعض جمرات را فراموش کند حکمش همان است که در دو مسأله گذشته ذکر شد بلکه هرگاه کمتر از هفت سنگ در تمام جمرات یا بعض آنها انداخت بنا بر احتیاط واجب همین حکم را دارد.

مسئله ۱۰۶۶

کسی که معذور است و شخصاً نمی‌تواند رمی کند مثل این که مریض یا طفل یا علیل باشد به این که دست و پایش شکسته باشد؛ یا از شدت بی حالی نتواند رمی کند نایب بگیرد؛ و اگر از نایب گرفتن هم عاجز باشد مثل این که بیهوش و طفل کوچک باشد

ولی شرعی او رمی کند؛ و اگر ولی شرعی ندارد دیگری از طرف او رمی کند و اولی این است که اگر می‌شود شخص معذور را به نزد جمره‌ها ببرند و نایب در حضور او رمی کند؛ اگر می‌شود سنگ در دست او بگذارند و بیندازند.

مسئله ۱۰۶۷

هرگاه مریض یا معذور مایوس از خوب شدن و رفع عذر باشد واجب است نایب بگیرد و اگر خوب شد یا رفع عذر حاصل شد واجب نیست اعاده کند؛ ولی هرگاه مایوس از خوب شدن و رفع عذر نیست می‌تواند به رجاء بقاء عذر و مرض نایب بگیرد و لکن اگر خوب شد یا رفع عذر شد باید خودش اعاده کند.

مسئله ۱۰۶۸

هرگاه دیگران مایوس باشند از خوب شدن یا رفع عذر لازم است از شخص اذن بگیرند؛ و اگر نتواند اذن دهد ولی شرعی انجام دهد یا اذن دهد و اگر ولی شرعی ندارد دیگری از طرف او رمی کند.

مسئله ۱۰۶۹

هرگاه بعد از گذشتن روزی که واجب بوده در آن رمی کند شک کند رمی کرده یا نه، اعتناء نکند.

مسئله ۱۰۷۰

هرگاه بعد از رمی شک کند که آن را صحیح انجام داده یا نه، اعتناء نکند و همچنین هنگامی که مشغول رمی جمره عقبه است شک کند که رمی جمره اولی یا وسطی یا هر دو را صحیح انجام داده اعتناء نکند.

مسئله ۱۰۷۱

هرگاه در عدد انداختن سنگ‌ها شک کند اگر مشغول عمل است و داخل در رمی جمره بعدی نشده باید چندان بیندازد تا یقین به عدد پیدا کند بلکه همچنین بنا بر احتیاط اگر عمل تمام شده باشد گرچه در رمی جمره بعدی وارد نشده باشد؛ ولی بعید نیست اگر شک بعد از انصراف و صدق فراغ عرفاً باشد اعتناء نکند.

مسئله ۱۰۷۲

هرگاه یقین کند که یکی از سه جمره را در روز گذشته رمی توضیح المناسک، ص: ۳۲۲ نکرده احتیاط واجب آن است که هر سه را قضاء کند.

مسئله ۱۰۷۳

هرگاه بعد از رمی جمرات سه گانه یقین پیدا کند یک سنگ یا دو سنگ یا سه سنگ از یکی از سه جمرات ناقص شده باید هر چند احتمال کسری می‌دهد به هر یک از سه جمرات بزند.

مسئله ۱۰۷۴

هر گاه بعد از رمی جمرات یقین کند که در یکی از آنها کمتر از چهار سنگ زده احتیاط واجب آن است که هر سه را از سر بگیرد.

مسئله ۱۰۷۵

هر گاه بعد از آن که داخل در جمره بعدی شده شک کند در عدد قبلی بنا بر احتیاط واجب بقیه را بجا آورد چه یقین داشته باشد چهار سنگ قبلی را انداخته و شک در انداختن بقیه داشته باشد یا کمتر از آن.

مسئله ۱۰۷۶

هر گاه بعد از گذشتن ایام تشریق یقین کند که یک روز را رمی نکرده بنا بر احتیاط واجب باید هر سه روز را با مراعات ترتیب قضاء کند یا به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

مسئله ۱۰۷۷

گفته می شود عرض جمره از نظر مقدار با مقداری که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بوده فرقی نکرده فقط از نظر طول ظاهراً به مقدار قامت انسان یا کمی بیشتر اخیراً اضافه شده؛ زدن سنگ به مقداری که اضافه شده محل اشکال است احتیاط آن است که مقدار سابق را رمی کند و اگر متمکن نباشد مقدار سابق را رمی کند مقدار زائد را خودش رمی کند و برای زدن مقدار سابق نایب بگیرد.

مسئله ۱۰۷۸

کسانی که با عذر از رمی در روز می توانند به مباشرت توضیح المناسک، ص: ۳۲۳ خودشان در شب رمی کنند باید خودشان شبانه رمی کنند نمی توانند در روز نایب بگیرند.

مسئله ۱۰۷۹

نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد و اگر معذور باشد نمی تواند نایب شود؛ پس کسی که در رمی جمرات نایب شده نمی تواند در شب انجام دهد در روز باشد.

مسئله ۱۰۸۰

ذوی الاعذار نمی توانند نایب شوند حتی در اعمالی که ترک آنها و لو عمداً مضر به حج نباشد مانند رمی جمرات سه گانه در روز یازدهم و دوازدهم و بیتوته کردن در منی در شب های یازدهم و دوازدهم.

مسئله ۱۰۸۱

در رمی جمرات هر گاه سنگ ریزه اول به دیوار مجاور بخورد و بعد کمانه کند و به جمره برسد اگر مجموعاً یک رمی حساب شود کفایت می کند و گرنه مشکل است.

مسئله ۱۰۸۲

کسی که روز سیزدهم بعد از رمی جمرات متوجه شود که رمی روز عید را غلط انجام داده باید قضاء کند بعد از قضای رمی آن روز لازم نیست رمی روز یازدهم و دوازدهم را تکرار کند.

مسئله ۱۰۸۳

کسی که نتوانسته قربانی کند و حلق یا تقصیر نکرده می‌تواند روز یازدهم رمی کند.

مسئله ۱۰۸۴

زنی که بداند رمی باعث قاعدگی او می‌شود نمی‌تواند نایب بگیرد باید خودش انجام دهد مگر این که بداند در اثر آن به مشقت شدید می‌افتد در این صورت عذر حساب می‌شود و می‌تواند نایب بگیرد.

مسئله ۱۰۸۵

اگر زیادت از هفت سنگ‌ریزه به جمره زند هر گاه از اول نیت بیش از هفت را داشته صحیح نیست باید رمی را اعاده کند اما اگر بعد از این که قصد هفت تا کرد و آن را انجام داده زدن بیش از هفت سنگ ضرر ندارد.

مسئله ۱۰۸۶

چنانچه گفته شد زن می‌تواند شب دهم بعد از نصف شب از مشعر الحرام به منی برود و همان شب جمره عقبه را رمی کند و به خمیه خود برگردد؛ ولی نمی‌تواند رمی روز یازدهم و دوازدهم را در شب‌های آنها انجام دهد مگر این که از رمی در روز بلحاظ ازدحام و خطر احتمالی معذور باشد در این صورت می‌تواند رمی روز یازدهم را در شب آن، و رمی روز دوازدهم را در شب آن انجام دهد.

مستحبات منی:

مسئله ۱۰۸۷ مستحب است: ۱ به هنگام بازگشت از مکه مکرمه به منی بگوید: «اللَّهُمَّ بِكَ وَقَفْتُ وَبِكَ آمَنْتُ، ذَلِكُ أَشِيلْمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَيَنْعَمَ الرَّبُّ، وَ نِعَمَ الْمُؤَلَّى وَ نِعَمَ النَّصِيرِ». ۲ روز یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود. ۳ برای کسی که در منی است بعد از یازده نماز، و کسی که در غیر منی است بعد از ده نماز که اول آنها ظهر روز عید قربان است این توضیح المناسک، ص: ۳۲۵ تکبیرات را بگوید؛ و بعضی آن را واجب دانسته‌اند؛ بهتر آن است که بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا». ۴ مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد؛ در حدیث است ثواب خواندن صد رکعت نماز در مسجد خیف برابر است با عبادت هفتاد سال، و هر کس در آنجا صد مرتبه شَبَّحَانَ اللَّهَ بگوید ثواب آن برابر است با ثواب آزاد کردن بنده، و هر کس صد مرتبه لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ بگوید ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیاء نفس کرده و هر کس در آنجا صد مرتبه الْحَمْدُ لِلَّهِ بگوید ثواب آن برابر با ثواب خراج کوفه و بصره است که در راه خدا صدقه نماید. ۵ شش رکعت نماز در مسجد خیف بخواند و بهتر است که هنگام اراده بازگشت به مکه مکرمه در حال و داع از او هر ساعت که باشد. ۶ بعد از زوال روز سیزدهم بعد از رمی جمرات به مکه مکرمه کوچ کند.

مسائل متفرقه حج تمتع

مسئله ۱۰۸۸

هرگاه احرام بستن برای حج تمتع را از روی فراموشی یا نادانی بجا نیورد گرچه وارد عرفات شده باشد؛ واجب است برگردد به توضیح المناسک، ص: ۳۲۶ مکه مکرمه و از آنجا مُحرم شود؛ و اگر به واسطه تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند به مکه مکرمه برگردد هر قدر بتواند به مکه مکرمه برگردد و مُحرم شود؛ و اگر این کار را هم نمی‌تواند بکند از همان‌جا که هست مُحرم شود؛ و اگر بعد از اعمال حج یادش بیاید فوراً از همان‌جا مُحرم شود و حج را تمام کند حجتش صحیح است و هرگاه بعد از تمامی اعمال یادش بیاید حجتش صحیح است و بنا بر احتیاط مستحب در این دو صورت سال آینده حج را دوباره بجا آورد.

مسئله ۱۰۸۹

هرگاه از روی عمد احرام را تا زمان وقوف به عرفات و مشعر الحرام ترک کند حجتش باطل است.

مسئله ۱۰۹۰

معدوری که می‌تواند اعمال مکه مکرمه را بر وقوفین مقدم بدارد هرگاه از روی نادانی اعمال مکه مکرمه را قبل از وقوفین بدون احرام انجام داد کفایت نمی‌کند باید اعمال را بعد از وقوفین با احرام انجام دهد.

مسئله ۱۰۹۱

هرگاه در عرفات یا منی بفهمد که در احرام حج تلبیه نگفته است اگر بتواند باید به مکه مکرمه برود و مُحرم شود و بقیه اعمال را که باید با احرام انجام دهد بجا آورد؛ و اگر نتواند همان‌جا لبیک بگوید؛ و هرگاه بعد از تقصیر یا حلق یادش بیاید عملش صحیح است لازم نیست لبیک بگوید.

استحباب عمره مفرده

مسئله ۱۰۹۲

مستحب است بعد از فراغ از اعمال حج در صورتی که توضیح المناسک، ص: ۳۲۷ میسور باشد عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۱۰۹۳

تکرار عمره مانند حج مستحب است گرچه در فاصله بین دو عمره خلاف است ولی ظاهراً فاصله معتبر نیست می‌توان دو عمره را حتی در یک روز هم بجا آورد اما احتیاط آن است که در کمتر از ده روز به قصد رجاء مطلوبیت بجا آورد.

مسئله ۱۰۹۴

گفته شده عمره مفرده با عمره تمتع که مفصلاً ذکر شد در صورت با هم فرق ندارند مگر در سه چیز: ۱ در عمره تمتع باید تقصیر

کند و در عمره مفرده مخیر است بین تقصیر یا حلق. ۲ در عمره تمتع طواف نساء واجب نیست و در عمره مفرده واجب است. ۳. میقات عمره تمتع یکی از میقات‌های پنج گانه است و میقات عمره مفرده گذشته بر آن میقات‌ها در صورتی که در حرم باشد می‌توان از ادنی الحل مُحرم شود.

مسئله ۱۰۹۵

کسی که در عمره مفرده تقصیر را عمداً یا از روی نادانی یا فراموشی ترک نمود و طواف نساء را انجام داد باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید.

طواف و داع

مسئله ۱۰۹۶ مستحب است برای کسی که می‌خواهد از مکه مکرمه توضیح المناسک، ص: ۳۲۸ بیرون برود طواف و داع نماید و در هر دوری حجر الاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید همین که به مستجار رسید مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد آنچه که خواهد دعا کند سپس حجر الاسود را استلام نموده شکم خود را به خانه کعبه معظمه بچسباند یک دست خود را بر حجر و دست دیگر را به طرف در گذاشته حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل بفرستد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِيَّتِكَ وَحَبِيْبِكَ وَنَجِيْبِكَ وَخَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كُنَّا بَلَّغَ رِسَالَتِكَ وَجَاهِدَ فِي سَبِيْلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنْبِكَ وَعَيْدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِيْنُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِأَفْضَلِ مَا يَرْجَعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَهَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ». مستحب است وقت بیرون آمدن از درب حنطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و مستحب است هنگام بیرون رفتن مقداری خرما بخرد و آن را بر فقراء صدقه دهد.

احکام مصدود و محصور

مسئله ۱۰۹۷

مصدود کسی است که بعد از احرام بستن به وسیله دشمن و مانند آن از مناسک عمره، یا حج، یا هر دو به تفصیلی که خواهد آمد بازداشته شود؛ و ظاهراً فرق نمی‌کند که بازدارنده کافر باشد یا مسلمان، توضیح المناسک، ص: ۳۲۹ بلکه غیر انسان باشد مانند سیل.

مسئله ۱۰۹۸

محصور کسی است که پس از احرام بستن به وسیله مرض و مانند آن مثل شکستگی اعضاء یا مجروح شدن و مانند آن نتواند مناسک عمره، یا حج، یا هر دو را به تفصیلی که خواهد آمد بجا آورد.

مسئله ۱۰۹۹

مصدود و محصور در بیشتر احکام مشترکند و در بعضی احکام با هم تفاوت دارند.

مسئله ۱۱۰۰

کسی که مُحرم به احرام عمره یا احرام حج شده واجب است عمره یا حج را تمام کند و اگر نکند بر احرام باقی خواهد ماند مگر در بعضی موارد مثل این که در احرام حج قبل از وقوف به عرفات عالمماً و عامداً نزدیکی کند؛ و همچنین هرگاه در عمره مفرده قبل از سعی نزدیکی کند که خود به خود احرام باطل می‌شود گرچه اتمام واجب است.

مسئله ۱۱۰۱

هرگاه کسی که مُحرم به احرام عمره شده بعد از آن دشمن یا یکی از عمال دولت او را از داخل شدن به مکه مکرمه بازدارد و راه دیگری نباشد جز آن راهی که از آن راه جلوگیری شده؛ و یا اگر باشد هزینه آن را ندارد و نتواند نایب بگیرد؛ «۱» در همان جایی که از او جلوگیری شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود و احتیاط واجب آن است که قدری از مو و ناخن خود را بگیرد (به گرفتن ناخن تنها توضیح المناسک، ص: ۳۳۰ اکتفاء نکند) یا سر خود را بتراشد در این حال از احرام خارج می‌شود و همه چیز بر او حلال می‌شود حتی زن.

مسئله ۱۱۰۲

هرگاه مُحرم به احرام عمره باشد و وارد مکه مکرمه شد ولی دشمن یا شخص دیگری او را از بجا آوردن اعمال عمره بازداشت؛ همان حکم مسئله گذشته را دارد بلکه بعید نیست هرگاه از طواف یا سعی نیز جلوگیری شد همان حکم را داشته باشد.

مسئله ۱۱۰۳

هرگاه کسی را به جهت بدهی که ندارد بدهد حبس کنند یا به ظلم او را حبس کنند حکم مصدود را دارد.

مسئله ۱۱۰۴

هرگاه بعد از احرام بستن برای رفتن به مکه مکرمه یا بجا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند اگر داشته باشد و حرج و مشقت بر او نباشد باید بدهد و وارد مکه مکرمه شود و اعمال را انجام دهد؛ ولی اگر نداشت یا دادن پول برایش حرج و مشقت داشته باشد ظاهراً حکم مصدود را دارد.

مسئله ۱۱۰۵

هرگاه غیر از راهی که جلو او را گرفته‌اند راهی برای ورود به مکه معظه باشد و هزینه رفتن آن را داشته باشد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود؛ و اگر از آن راه رفت و حج از او فوت شد باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود.

مسئله ۱۱۰۶

هرگاه مصدود بترسد اگر از راه دیگر برود به اعمال حج نمی‌رسد نمی‌تواند وظیفه مصدود را بجا آورد و مُحل شود؛ بلکه باید به راه توضیح المناسک، ص: ۳۳۱ خود ادامه دهد و صبر کند تا فوت محقق شود و با عمره مفرده از احرام خارج شود.

مسئله ۱۱۰۷

مصدود بودن در حج به این است که به هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر الحرام نرسد؛ بلکه مصدود بودن تحقق پیدا می‌کند اگر نرسد به چیزی که به انجام ندادن آن حج از بین می‌رود گرچه از روی علم و عمد نباشد چنانچه مفصلاً گذشت؛ بلکه ظاهراً مصدود بودن متحقق می‌شود در صورتی که بعد از وقوفین او را از اعمال منی و مکه مکرمه کلاً بازدارند و نتواند برای انجام آنها نایب بگیرد؛ ولی هرگاه او را از اعمال منی یا مکه مکرمه بازدارند و نتواند برای انجام آنها نایب بگیرد مشکل است مصدود بودن تحقق پیدا کند به کتب مفصله مراجعه شود و هرگاه تمام اعمال را بجا آورده باشد ولی از بازگشت به منی برای بیتوته در آن و اعمال ایام تشریق جلوگیری شود مصدود بودن تحقق پیدا نمی‌کند و حج او صحیح است و باید نایب بگیرد برای اعمال آنها در این سال و اگر نشد در سال دیگر.

مسئله ۱۱۰۸

کسی که مصدود شد از رفتن به مکه مکرمه، یا از اتمام اعمال، یا از بجا آوردن اعمالی که به ترک آنها گرچه به غیر عمد باشد حج باطل می‌شود و به دستوری که گفته شد از احرام خارج شد اگر حج بر او در سابق مستقر شده بود یا در سال آینده مستطیع باشد و حج واجب را بجا نیاورده باید بعد از رفع صد دوباره به حج برود و اعمالی که در حال مصدود توضیح المناسک، ص: ۳۳۲ بودن انجام داده از حجه الاسلام کفایت نمی‌کند.

مسئله ۱۱۰۹

کسی که مصدود است هرگاه امید برطرف شدن مانع را دارد نمی‌تواند به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود و احتیاط این است که صبر کند تا اطمینان به بقاء مانع پیدا کند.

مسئله ۱۱۱۰

آنچه که در تحقق مصدود بودن گفته شد در تحقق محصور بودن جاری است.

مسئله ۱۱۱۱

کسی که احرام عمره تمتع بسته و به واسطه مرض نتوانست به مکه مکرمه برود اگر بخواهد محل شود باید قربانی کند و به احتیاط واجب قربانی یا پول آن را به وسیله امینی بفرستد به مکه مکرمه و با او قرار گذارد که در چه روزی و چه ساعتی در مکه مکرمه قربانی کند و وقتی که روز و ساعت مقرر رسید تقصیر کند پس از آن هر چه بر او حرام شده حلال می‌شود؛ و احتیاط آن است که نایب در قربانی کردن نیت تحلیل منوب عنه کند ولی کسی که احرام عمره مفرده بسته و به واسطه مرض نتوانست به مکه مکرمه برود اگر بخواهد محل شود مخیر است بین فرستادن هدیه به مکه مکرمه چنانچه در عمره تمتع گفته شد و بین این که در محل حصر خودش قربانی کند؛ به هر حال همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زن.

مسئله ۱۱۱۲

کسی که احرام حج بست و به واسطه مرض نتوانست به عرفات و مشعر الحرام برود و بخواهد محل شود به احتیاط واجب قربانی یا

پول آن را بفرستد به منی که در آنجا قربانی شود و مواعده کنند که روز عید توضیح المناسک، ص: ۳۳۳ قربانی شود همین که قربانی کرد در آن وقت تقصیر کند هر چه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر زن.

مسئله ۱۱۱۳

کسی که در حج چه واجب، چه مستحب و چه نیابتی، به واسطه مرض محصور شد زن بر او حلال نمی‌شود مگر آن که خودش اعمال و طواف نساء را بجا آورد؛ ولی هرگاه از اعمال عاجز شد بعید نیست عمل نایب برای حلال شدن زن بر او کفایت کند.

مسئله ۱۱۱۴

هرگاه با کسی که قرار داده بود در وقت مقرر از طرف او قربانی کند ولی قربانی نکرد و مُحرم در وقت مقرر مُحل شد و با زن هم نزدیکی کرد معصیت نکرده و کفاره هم ندارد؛ ولی باید باز قربانی یا پول آن را به واسطه بفرستد و مواعده کند و باید از وقتی که معلوم شد قربانی نشده از زن بلکه از همه محرمات احرام اجتناب کند.

مسئله ۱۱۱۵

هرگاه مریض بعد از آن که قربانی یا پولش را فرستاد حالش خوب شد به نحوی که توانایی رفتن به مکه مکرمه را دارد باید به مکه مکرمه برود؛ پس هرگاه مُحرم به احرام تمتع بوده و به وقت رسید باید اعمال عمره و حج را بجا آورد و اگر وقت تنگ بود به نحوی که اگر بخواهد عمره تمتع را بجا آورد وقوف به عرفات فوت می‌شود باید برود به عرفات و حج افراد بجا آورد احتیاط آن است که نیت عدول کند و بعد از اعمال، عمره مفرده بجا آورد و از حجة الإسلام کفایت می‌کند؛ و هرگاه وقتی که به مکه مکرمه رسید که حج از او فوت شده بود به نحوی که نتوانست یکی از توضیح المناسک، ص: ۳۳۴ دو وقوف عرفات یا مشعر الحرام را درک کند عمره او مبدل به عمره مفرده می‌شود باید آن را بجا آورد و از احرام خارج شود و احتیاط آن است که قصد عدول به عمره مفرده کند و در صورتی که حج بر او مستقر بوده یا این که در سال دیگر مستطیع باشد حج واجب بجا آورد.

مسئله ۱۱۱۶

مصدود از حج به وسیله دشمن گرچه باید در محل صید قربانی کند ولی اگر پس از قربانی رفع صد شد همان طوری که برای مریض در مسئله گذشته ذکر شد برای مصدود جاری است و حکمش هم همان است که ذکر شد.

مسئله ۱۱۱۷

اگر کسی که بعد از احرام به واسطه تصادف با ماشین یا غیره شکستگی یا خونریزی ضعف بر او مستولی شد و نتواند به مکه مکرمه برود ظاهراً حکم مریض را دارد آنچه که در مریض گفته شد بر او جاری است.

مسئله ۱۱۱۸

زمانی که مریض باید مواعده کند برای قربانی در احرام عمره تمتع بنا بر احتیاط قبل از خروج به عرفات است و در احرام حج، چه حج تمتع باشد و چه قران و چه افراد، روز عید است در منی، و در عمره مفرده ظاهراً وقت باشد می‌تواند در مکه مکرمه انجام شود.

مسئله ۱۱۱۹

اگر به نیت عمره تمتع استجابی برای یکی از معصومین علیهم السلام یا یکی از شهداء مُحرم شد و طواف و نماز طواف و عمره را بجا آورد و قدرت انجام عمل را چه از جهت مرض یا دشمن ندارد؛ برای بقیه اعمال نایب بگیرد و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد حکم محصور و مصادود توضیح المناسک، ص: ۳۳۵ را دارد؛ و اگر قدرت انجام اعمال حج را ندارد واجب نیست مُحرم به احرام حج گردد.

مسئله ۱۱۲۰

کسی که بعد از انجام عمره تمتع و خارج شدن از احرام محصور شود و نتواند برای حج مُحرم شود گرچه از احرام خارج شده ولی کفایت از حج نمی‌کند؛ چنانچه سال اول استطاعت بود حج بر او واجب نشده ولی اگر مستطیع بود یا سال دیگر مستطیع باشد باید سال آینده حج بجا آورد.

مسئله ۱۱۲۱

هرگاه کسی بعد از آن که برای حج مُحرم شد دچار سکنه قلبی گردید به گونه‌ایی که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد؛ اگر نمی‌تواند وقوفین را درک کند حکم محصور را دارد؛ و چنانچه وقوفین را درک کرد نسبت به بقیه اعمال قدرت ندارد تفصیل در امکان استنابه و عدم آن چنانچه است که اشاره شد.

مسئله ۱۱۲۲

کسی که در مدینه منوره مصادوم واقع شده می‌تواند در مسجد شجره مُحرم شود اگر بتواند اعمال عمره و حج را و لو به استنابه در طواف و سعی بجا آورد حش صحیح است؛ ولی اگر نمی‌تواند حج را بجا آورد بعید نیست حکم محصور را داشته باشد ولی احتیاط آن است که با احرام مزبور عمره مفرده را هم انجام دهد.

مسئله ۱۱۲۳

کسی که مُحرم شده ولی نتوانسته وظیفه خود را انجام دهد؛ هرگاه مصادود و محصور بوده باید به وظیفه آنها که ذکر شد عمل نماید و اگر توضیح المناسک، ص: ۳۳۶ مصادود و محصور نبوده در بعض موارد با انجام عمره مفرده می‌تواند مُحل شود.

مسائل متفرقه**مسئله ۱۱۲۴**

شایسته نیست مؤمنین هنگامی که در مسجد الحرام یا مسجد النبّی صلی الله علیه و آله نماز جماعت برقرار شده از آنجا خارج شوند یا بایستند و شرکت در جماعت نکنند؛ بلکه هرگاه ضرورت ایجاب کند نماز با آنان اشکال ندارد و در غیر ضرورت هرگاه باعث تألیف قلوب آنان و دفع اتهامات وارده بر شیعه باشد شرکت در جماعت خوب است؛ ولی هرگاه بتوانند و مفسده نباشد حمد و سوره را آهسته بخوانند و یا در ذهن و نفس خود بخوانند؛ به هر حال با تمکن نماز را با شرایط کامل اعاده کنند و هرگاه در نماز جمعه شرکت کنند بعد از آن نماز ظهر را بخوانند.

مسئله ۱۱۲۵

سجده کردن بر سنگ‌فرش‌های مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله جایز است.

مسئله ۱۱۲۶

کسی که خیال می‌کرده که سجده بر سنگ‌فرش‌های مسجدین صحیح نیست و بر پشت دست سجده کرده نمازهایی که به این نحو خوانده صحیح نیست؛ و هرگاه نماز طواف را به این کیفیت خوانده خودش یا نایش اعاده کند.

مسئله ۱۱۲۷

خواندن نماز به جماعت در هتل‌ها و مسافر خانه‌های مکه توضیح المناسک، ص: ۳۳۷ مکرمه و مدینه اگر مفسده نداشته باشد مانعی ندارد ولی هرگاه خلاف تقیه و لو تقیه مداراتی باشد؛ نماز جماعت خوانده نشود بهتر است در جماعت مسلمین شرکت کنند.

مسئله ۱۱۲۸

تخیر بین قصر و اتمام اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله ندارد بلکه در تمامی دو شهر مکه مکرمه و مدینه منوره با توسعه‌ایی که پیدا کرده‌اند جاری است گرچه احتیاط اقتضای بر مسجدین است و احتیاط بیشتر اقتضای بر دو مسجد اصلی است؛ بنا بر این مسافر می‌تواند در تمام مکه مکرمه و مدینه منوره نماز را تمام یا شکسته بخواند.

مسئله ۱۱۲۹

جای کشتن کفاره شکار در احرام عمره تمتع مکه مکرمه، و در عمره مفرده بنا بر احتیاط واجب مکه مکرمه است و در احرام حج تمتع منی است؛ و جای کشتن کفاره‌ایی که به غیر از شکار واجب شده بنا بر احتیاط اگر در احرام عمره تمتع است مکه مکرمه است و اگر در احرام حج تمتع بوده منی است؛ و هرگاه از روی عذر یا بدون عذر در مکه مکرمه یا منی نکشت تا برگشت به محلش، در صورت امکان احتیاط آن است که نایب بگیرد تا از طرف او در مکه مکرمه یا منی قربانی شود و الا می‌تواند در هر جا بخواهد قربانی کند.

مسئله ۱۱۳۰

کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضاء می‌کرده مُحرم شده نمی‌تواند احرام خود را بهم زند و مُحل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم توضیح المناسک، ص: ۳۳۸ بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند احرامش بهم نمی‌خورد؛ و آنچه به واسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی‌شود و هرگاه کاری که موجب کفاره است بجا آورده باید کفاره بدهد.

مسئله ۱۱۳۱

هرگاه به واسطه عذری مانند مرض نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد باید در میقات یا محاذی آن نیت عمره یا

حج کند و لبیک بگوید و کفایت می‌کند و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند و اگر لباس احرام نبوشیده بپوشد و لازم نیست به میقات برگردد؛ ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی کند.

مسئله ۱۱۳۲

هرگاه یکی از محرمات را از روی ندانستن مسأله یا فراموشی حکم یا موضوع یا غفلت مرتکب شود اگر شکار بوده کفاره دارد و در غیر شکار کفاره ندارد مگر در این چند مورد: ۱ کسی که طواف واجب حج یا عمره را فراموش کرده با همسر خود نزدیکی کرده اگر در طواف حج بوده یک گوسفند به منی بفرستد و قربانی کند و اگر در طواف عمره بوده یک گوسفند به مکه مکرمه بفرستد و قربانی کند. ۲ کسی که مقداری از سعی بین صفا و مروه عمره تمتع را فراموش کرده و از احرام خارج شد به اعتقاد این که از سعی فارغ شد با زن خود نزدیکی کند یا ناخن بگیرد بنا بر احتیاط یک گاو کفاره بدهد. ۳ کسی که دست خود را بی خود به سر و رویش بکشد و یک یا چند توضیح المناسک، ص: ۳۳۹ مو بیفتد که باید یک کف طعام کفاره بدهد. ۴ اگر بدن خود را با روغن خوشبو روغن مالی کند در مورد علم و عمد باید یک گوسفند کفاره دهد و در مورد جهل کفاره اش اطعام فقیر است.

مسئله ۱۱۳۳

عمره تمتع و حج تمتع باید در یک سال واقع شوند پس اگر در یک سال عمره تمتع، و در سال دیگر حج تمتع را بجا آورد صحیح نیست.

مسئله ۱۱۳۴

کسی که وظیفه اش حج تمتع است باید در حالی که می‌خواهد احرام عمره تمتع ببندد نیت آن را داشته باشد که ابتداء عمره تمتع و بعد از آن حج تمتع کند گرچه به نیت اجمالی باشد.

مسئله ۱۱۳۵

هرگاه بعد از این که مشغول به حج تمتع شد شک کند که عمره تمتع را بجا آورد یا نه، یا شک کند که صحیح بجا آورده یا نه، به شکش اعتناء نکند؛ در صورت اول بنا بگذارند که عمره را انجام داده؛ و در صورت دوم بنا بگذارند که عمره اش صحیح است.

مسئله ۱۱۳۶

اگر در هر یک اعمال عمره و حج شک کند بعد از آن که وارد عمل بعدی که مترتب بر او است شده اعتناء نکند چه شک در این باشد که عمل گذشته را انجام داده یا نه، یا شک کند که صحیح بجا آورده یا فاسد.

مسئله ۱۱۳۷

در عدد دورهای طواف و سعی و عدد سنگ‌های رمی می‌تواند به گفته دیگری اعتماد کرد اگر اطمینان به گفته او برایش حاصل توضیح المناسک، ص: ۳۴۰ شود.

مسئله ۱۱۳۸

باید عمره تمتع و حج تمتع در ماه‌های حج (شوال و ذیقعه و ذیحجه) واقع شوند؛ پس هرگاه عمره تمتع را در ماه شوال یا ذیقعه بجا آورد و در مکه مکرمه بماند تا ایام حج و حج تمتع را بجا آورد صحیح است؛ ولی هرگاه قبل از شوال عمره تمتع را شروع کند صحیح نیست گرچه بقیه اعمال عمره را در شوال بجا آورد.

مسئله ۱۱۳۹

کسی که با احرام عمره تمتع وارد مکه مکرمه شد در صورتی که حج او فوت شد نیت عمره مفرده کند و با همان احرامی که بسته عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود؛ و هرگاه حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد باید به حج برود.

مسئله ۱۱۴۰

شرایطی که برای قربانی در حج تمتع معتبر بود هیچ یک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست؛ پس می‌تواند گوسفند معیوب را قربانی کند گرچه احتیاط آن است که شرایط مراعات شود.

مسئله ۱۱۴۱

مصرف کفارات بنا بر احتیاط فقیر مؤمن غیر سید است ولی اگر دهنده کفاره سید باشد می‌تواند کفاره خود را به سید فقیر بدهد؛ چنانچه هرگاه فقیر مؤمن پیدا نشد می‌تواند به ضعفای عامه که ناصبی نباشند بدهد.

مسئله ۱۱۴۲

می‌تواند دهنده کفاره مقدار کمی از گوشت قربانی را که بر توضیح المناسک، ص: ۳۴۱ او واجب شده بخورد و هرگاه خورد قیمت آن را متعهد شود که به فقیر صدقه بدهد؛ و از قربانی مستحب می‌تواند بخورد و چیزی بر عهده‌اش نمی‌باشد.

مسئله ۱۱۴۳

سنگ ریزه‌های زیاد آمده را می‌توان برای سال بعد نگه داشت ولی خارج کردن آنها از حرم جایز نیست.

مسئله ۱۱۴۴

هرگاه در حرم چیزی پیدا کرد که از او به لقطه حرم تعبیر می‌شود؛ برداشتن آن کراهت شدید دارد بلکه احتیاط در برداشتن است.

مسئله ۱۱۴۵

هرگاه لقطه حرم را که کمتر از یک درهم ارزش دارد برداشت می‌تواند نیت تملک آن را بکند و مصرف کند و ضامن صاحبش نیست؛ ولی اگر صاحبش قبل از تلف شدن لقطه پیدا شد باید بنا بر احتیاط واجب آن را به صاحبش رد کند؛ ولی چنانچه نیت تملک لقطه نکرد اگر در نگه‌داری آن کوتاهی نکرد و تلف شد ضامن نیست ولی اگر در نگه‌داری آن کوتاهی کرد و تلف شد ضامن است.

مسئله ۱۱۴۶

هرگاه لقطه حرم یک درهم یا بیشتر ارزش داشته باشد باید یک سال تعریف و جستجو از صاحبش کند بعد از یک سال اگر صاحبش پیدا نشد جایز نیست آن را تملک کند و اگر تملک کرد مالک نمی‌شود و ضامن هم می‌باشد؛ ولی می‌تواند یکی از دو کار را انجام دهد: ۱ آن را برای صاحبش حفظ کند در این صورت اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرد و تلف شد ضامن نیست و الاً ضامن است. توضیح المناسک، ص: ۲۳۴۲ برای صاحبش صدقه دهد اما اگر تصادفاً صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد عوضش را به او بدهد ثواب صدقه برای خودش خواهد بود.

مسئله ۱۱۴۷

در مسجد النبوی صلی الله علیه و آله در صورتی که مخالف تقیه نباشد و به نحوی نباشد که باعث هتک و انگشت‌نما باشد باید در محلی نماز بخواند که می‌تواند پیشانی خود را بر سنگ مسجد یا حصیر یا بادبزن و مانند آنها که سجده بر آنها صحیح است بگذارد نمی‌تواند روی فرش‌های مسجد سجده کند؛ ولی هرگاه تقیه اقتضاء کند می‌تواند سجده بر فرش‌ها بکند در صورتی که مندوحه نداشته باشد و نتواند پیشانی خود را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد.

مسئله ۱۱۴۸

هرگاه نماز جماعت در مسجد الحرام به نحو استنادی به طوری که رودروی امام جماعت قرار بگیرد در صورتی که از روی تقیه باشد و نتواند پشت سر امام قرار گیرد لازم نیست آن را اعاده کند و گرنه واجب است آن را اعاده کند.

مسئله ۱۱۴۹

سجده بر حصیرهای غیر پلاستیکی که با نخ درست شده هرگاه مجموع آنچه که سجده بر آن صحیح است به مقدار لازم در سجده باشد صحیح است.

مسئله ۱۱۵۰

هرگاه انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق با فتوی عامه باشد مانند سجده بر پشت نمازگزار صف جلو و عدم مراعات توضیح المناسک، ص: ۳۴۳ اتصال، نماز خواندن در این گونه موارد اعاده دارد.

مسئله ۱۱۵۱

جنب و حائض نمی‌توانند از مقدار توسعه یافته مسجد الحرام و مسجد النبوی صلی الله علیه و آله عبور کنند.

مسئله ۱۱۵۲

در شب‌های مهتابی هنگامی که مسلمانان نماز صبح را بجا می‌آورند می‌تواند نماز صبح را بخواند لازم نیست بعد از روشن شدن هوا نماز بخواند؛ اساساً فرقی بین شب‌های مهتابی و غیر مهتابی نیست.

مسئله ۱۱۵۳

کسی که مدتی تقلید نمی کرده و در این مدت نماز و روزه و حج بجا آورده هرگاه اعمالش را به قصد قربت بجا آورده و مطابق با واقع بوده صحیح است؛ و راه به دست آوردن مطابقت با واقع به این است که یا یقین کند که مطابق با واقع بوده یا آن که مطابق با فتوای مجتهدی که فعلاً وظیفه‌اش تقلید از او است واقع شده باشد.

مسئله ۱۱۵۴

قرآن‌هایی که در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله است و بر آنها وقف نوشته نشده بنا بر احتیاط واجب برداشتن آنها بدون اجازه از متصدیان مربوطه جایز نیست و اگر بدون اجازه برداشته شد برگردانده شود.

مسئله ۱۱۵۵

بیرون بردن خاک و سنگ از مسجد الحرام و صفا و مروه و هر جای حرم جایز نیست و اگر برداشته برگردانده شود ولی برداشتن از غیر حرم که ملک کسی نباشد مانع ندارد.

مسئله ۱۱۵۶

کسی که در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله جنب شده باید توضیح المناسک، ص: ۳۴۴ فوراً از مسجد خارج شود؛ باید تیمم کند و از مسجد خارج شود مگر این که زمان خارج شدن از مسجد از زمان تیمم کردن کوتاه‌تر یا مساوی باشد که در صورت اول باید بدون تیمم خارج شود و در صورت تساوی جایز است تیمم کند و خارج شود.

مسئله ۱۱۵۷

در تطهیر مسجد الحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف می‌کنند و بعد از هر طرف با آب قلیل شسته می‌شود اگر یقین به پاک شدن پیدا کند می‌تواند بر آن سنگ‌ها سجده کند و طواف نماید و گرنه سجده بر آنها نکند و در حال طواف نعلین و چیزی مشابه آن به پا کند.

مسئله ۱۱۵۸

هرگاه با عین مالی که خمس آن را نداده لباس احرام و غیره و قربانی بدهد طواف و نماز طواف با آن لباس باطل و قربانی صحیح نیست ولی اگر معامله با ذمه شده باشد و از پول غیر مخمس داده و ذمه‌اش را افرار کرده نماز و طواف و قربانی صحیح است ولی ذمه‌اش به مقدار خمس فارغ نشده.

مسئله ۱۱۵۹

هرگاه هلال ماه نزد قاضی عامه ثابت شود و نزد شیعه ثابت نشده باشد و لکن از جهت تقیه ناچار به متابعت باشند و از عمل به وظیفه خود خائف باشد؛ می‌تواند به آنچه که نزد آنان ثابت شده عمل کند و کفایت از حجه الاسلام می‌کند؛ ولی هرگاه بدون ترس بتواند به وظیفه خود عمل کند احتیاط آن است که با آنها رجاء متابعت کند و بعد واجب است عمل به وظیفه خود نماید حتی

با عدم علم به مخالفت، مثلاً اگر طبق حکم توضیح المناسک، ص: ۳۴۵ قاضی فلان روز عرفه (نهم) است ولی واقعاً روز هشتم است اگر بتواند عمل به وظیفه خود نماید بدون محذور و لو به وقوف اضطراری در مشعر الحرام باید عمل به وظیفه خود نماید.

مسئله ۱۱۶۰

انسان نمی‌تواند گوشت کفاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی که واجب النفقه او هستند برساند.

مسئله ۱۱۶۱

کفاره غیر شکار در عمره تمتع را که باید در مکه مکرمه قربانی کند؛ هرگاه فقیر مؤمن نباشد گرچه تأخیر عمدی آن خلاف احتیاط است ولی اگر کشتن را تأخیر انداخت می‌تواند هر جا که بخواهد قربانی کند.

مسئله ۱۱۶۲

در موردی که حکم دائر مدار حرج و مشقت باشد شخصی آن مراد است نه نوعی.

مسئله ۱۱۶۳

کسی که پس از اعمال عمره و حج بفهمد که وضویش باطل بوده هرگاه زمان تدارک گذشته باشد مانند این که وضوی نماز و طواف عمره باطل بوده حجش باطل است و احرام او هم باطل است؛ ولی هرگاه زمان تدارک باقی باشد مثل این که طواف و نماز حج باطل بوده و هنوز ماه ذیحجه تمام نشده طواف و نماز و اعمال مترتبه را اعاده کند و اگر تمکن از مباشرت نیست برای آن اعمال نایب بگیرد.

مسئله ۱۱۶۴

هرگاه کسی مبلغی ارز به فردی بدهد که عوض آن را به قیمت دولتی یا آزاد پول ایرانی بگیرد در صورتی که با هم تراضی نمایند و خلاف مقررات نباشد مانع ندارد.

مسئله ۱۱۶۵

مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمانان فروش می‌رسد اگر ندانند از مملکت کفر وارد شده؛ یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد و در کنسرو ماهی باید احراز شود که فلس دارد؛ ولی هرگاه ندانند از بلاد کفر وارد می‌شود در صورتی محکوم به حلیت است و می‌شود مصرف کرد که وارد کننده آن مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیه آن را کرده و متوجه آن بوده که باید ماهی فلس داشته باشد؛ و در دسترس مسلمین قرار داده و الا حلال نیست و مصرف آن جایز نیست.

مسئله ۱۱۶۶

فیش حج میت به ورثه منتقل می‌شود؛ و در صورتی که حج بر میت مستقر شده باشد یا وصیت به حج کرده باشد باید برای میت نایب بگیرند هرگاه تصریح به حج بلدی کرده یا انصراف وصیت به حج بلدی باشد باید حج بلدی برایش داده شود و الا حج

میقاتی کفایت می‌کند در وصیت به حج نسبت به ما زاد بر ثلث بسته به اجازه ورثه است؛ در صورتی که فیش میت در بازار به مبلغ بیشتری خریداری می‌شود و به کمتر از آن مبلغ می‌توان برای میت نایب گرفت با توافق ورثه در صورتی که صغیر و محجور در بین آنها نباشد می‌توان از خود فیش برای استیجار حج برای میت استفاده کرد چنانچه می‌توان فیش را بفروشند و به کمتر از آن مبلغ استیجار حج شود و ما زاد متعلق به ورثه است و در صورتی که صغیر و محجور در بین ورثه باشد در ما زاد بر ثلث باید سهم آنان لحاظ شود و کنار توضیح المناسک، ص: ۳۴۷ گذاشته شود.

مسئله ۱۱۶۷

کسی که تمام شرایط استطاعت حج را داشته باشد مگر باز بودن راه چون استطاعت از جهت راه را ندارد می‌تواند اجیر شده که حج نیابی از طرف میت بجا آورد نمی‌تواند حج خود را بجا آورد و برای میت نایب بگیرد؛ مگر این که اجیر شده باشد برای انجام حج به اعم از حج مباشرتی و تسبیبی و حج مورد اجاره حج میقاتی باشد در این صورت جایز است بلکه واجب است خودش حجه الاسلام خود را بجا آورد و در مدینه یا جده (قبل از میقات) برای میت حج میقاتی استیجار کند و در این صورت نمی‌تواند خودش حج نیابتی از طرف میت انجام دهد چون نیابت مستطیع صحیح نیست.

مسئله ۱۱۶۸

هرگاه میت یکی از ورثه گان را برای انجام حج مشخص کرده باشد؛ در صورتی که استطاعت به حج برای آن شخص از هر جهت حتی از جهت راه باشد نمی‌تواند از طرف میت به حج رود باید حجه الاسلام خودش را بجا آورد ولی هرگاه استطاعت از غیر راه را داشته باشد حکم آن از آنچه که در مسأله گذشته بیان شد روشن می‌شود.

مسئله ۱۱۶۹

کسی که عمره مفرده انجام داده و به مدینه منوره می‌رود هرگاه مجدداً وارد مکه مکرمه می‌شود اگر در همان ماه هلالی که مُحرم به احرام عمره مفرده شده بود وارد شود می‌تواند بدون احرام وارد شود؛ ولی اگر در ماه بعد باشد هر چند فاصله یک روز باشد؛ مثلاً در آخر ماه شوال توضیح المناسک، ص: ۳۴۸ عمره مفرده بجا آورده و در اول ذیقعده وارد مکه مکرمه شده باشد؛ باید مُحرم به احرام عمره مفرده شود و بدون احرام جایز نیست وارد شود.

مسئله ۱۱۷۰

چنانچه در واجبات طواف گفته شد کسی که مُحرم است باید بدن و لباسش پاک باشد با بدن و لباس نجس طواف صحیح نیست بلکه از نجاساتی که در نماز عفو شده مانند خونی که کمتر از یک درهم است و جامه‌های کوچکی که نمی‌توان با آنها عورت را پوشاند مانند عرقچین و جوراب ساقه کوتاه و مانند آنها باید اجتناب کند و احتیاط آن است که انگشتر مُحرم نجس نباشد.

مسئله ۱۱۷۱

محمول متنجس که ساتر نباشد در طواف مانع ندارد گرچه احوط احتیاط است.

مسئله ۱۱۷۲

کسی که از میقات برای انجام عمره تمتع مُحرم شده و اعمال عمره را به پایان برده سپس عمداً یا اضطراراً از مکه مکرمه خارج شده مثلاً به مدینه منوره رفته هرگاه در همان ماه هلالی که مُحرم به عمره تمتع شده بود وارد مکه مکرمه می‌شود احرام لازم نیست و عمره تمتع که بجا آورده صحیح است ولی هرگاه در ماه بعدی هلالی وارد مکه مکرمه می‌شود اگر نخواهد دوباره تا زمان حج از مکه مکرمه خارج شود باید به قصد عمره تمتع مُحرم شود اول فاسد می‌شود و طواف نساء هم لازم نیست ولی اگر دوباره قصد خارج شدن از مکه مکرمه و داخل شدن در ماه بعد را داشته باشد به قصد عمره مفرده مُحرم شود و وارد شود.

مسئله ۱۱۷۳

کسی که به نیابت حج بلدی رفته هرگاه ضمن عقد اجاره نسبت به مستحبات ذکر شده باشد نسبت به مستحبات عمره و حج به مقداری که متعارف است همه حجاج یا اکثر آنها انجام می‌دهند باید بجا آورد و نسبت به مستحبات مدینه و مکه مکرمه احتیاط نیز آن است که به مقداری که متعارف است برای منوب عنه انجام دهد.

مسئله ۱۱۷۴

در نیابت حج بلدی بازگشت به شهر منوب عنه لازم نیست بلکه اساساً در استیجار و تحقق نیابت حج بازگشت معتبر نیست نایب می‌تواند پس از اعمال حج در مکه مکرمه بماند یا به شهر دیگر برود؛ ولی اگر در ضمن عقد اجاره برگشت به شهر منوب عنه ذکر شده باشد مراعات شود.

مسئله ۱۱۷۵

احتیاطاً از خوردن نعنا و سایر سبزی‌های خوش‌بو و معطر در حال احرام اجتناب کند و در صورتی که به خوردن آنها مجبور شود باید بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد مگر این که این کار موجب عسر و حرج شدید باشد در این صورت گرفتن بینی لازم نیست.

مسئله ۱۱۷۶

کسی که در میقات برای عمره تمتع مُحرم شده قبل از انجام اعمال حج دستگیر و زندانی شد و پس از گذشت ایام تشریق آزاد شد ولی در زمان صدّ به وظیفه مصدود عمل نکرد خواه جاهل به مسأله بوده یا نتوانسته عمل به وظیفه کند اگر بتواند عمره مفرده انجام دهد باید با انجام عمره مفرده از احرام خارج شود و احتیاط آن است که نیت عدول به عمره توضیح المناسک، ص: ۳۵۰ مفرده بکند و احتیاط آن است که وظیفه مصدود را هم بجا آورد و اگر نتواند عمره مفرده بجا آورد حکم مصدود را دارد.

مسئله ۱۱۷۷

کسی که پس از انجام عمره تمتع به جهت مأموریتی که مثلاً از سازمان حج به جهت خدمت به حجاج دارد باید در ایام تشریق در مکه مکرمه باشد نمی‌تواند مناسک حج تمتع را بجا آورد هرگاه عمره تمتع در حج واجب حجة الإسلام یا حج واجب به نذر و مانند آن بوده اگر مضطر به ترک اعمال حج تمتع باشد بنا بر احتیاط عمره تمتع را مفرده قرار دهد و برای آن طواف نساء بجا آورد ولی معلوم باشد مجرد منع، محقق اضطرار نیست؛ به هر حال عمره‌ایی که انجام داده کفایت از عمره تمتعی که جزء حج تمتع

است نمی‌کند لازم است بعداً عمره تمتع و حج تمتع را با هم در یک سال انجام دهد و اگر عمره تمتع که انجام داده در حج استحبابی بوده در صورتی که ضرورت عرفی یا شرعی عمره تمتع را عمره مفرده قرار دهد و طواف نساء بجا آورد اگر خواست حج استحبابی انجام دهد باید عمره تمتع و حج تمتع را با هم در یک سال انجام دهد.

مسئله ۱۱۷۸

برداشتن خاک، ریگ و سنگ از مسجد الحرام و مسجد خیف و سایر مساجد و صفا و مروه بلکه بنا بر احتیاط از حرم جایز نیست و اگر با خود برد در صورت تمکن به حرم برگرداند.

مسئله ۱۱۷۹

هرگاه کسی کودکی را در بغل گرفته طواف می‌دهد باید تمام شرایطی که در بزرگسالان معتبر است مراعات شود مثلاً باید شانه‌های توضیح المناسک، ص: ۳۵۱ کودک به طرف کعبه معظمه باشد.

مسئله ۱۱۸۰

کودک ممیز را که مُحرم کرده‌اند و طواف می‌دهند باید بدن و لباس کودک در حال طواف مانند بزرگسالان پاک باشد و با وضو و طهارت باشد؛ و در صورتی که کودک غیر ممیز است اگر ممکن است او را وضو دهند و لباس و بدنش را تطهیر کنند؛ به هر حال اگر در بین طواف شک عارض شد که بدن یا لباس کودک نجس شده و محدث شده و ارسی لازم نیست طهارت قبل از طواف کفایت می‌کند؛ ولی هرگاه یقین یا اطمینان به نجاست و حدث پیدا شد بنا بر احتیاط بدن و لباسش را تطهیر کنند و او را وضوء بدهند.

مسئله ۱۱۸۱

میقات کسانی که از خارج وارد مکه مکرمه می‌شوند یکی از پنج میقات معروف است که در محلش ذکر شده؛ کسی که مُحرم می‌شود چه به احرام عمره تمتع یا عمره مفرده، باید در یکی از پنج میقات یا محاذی یکی از آنها مُحرم شوند نمی‌توانند از ادنی الحل که حدیبه یا جعرانه یا تنعیم است مُحرم شوند؛ ولی اگر کسی که در مکه مکرمه است می‌خواهد عمره مفرده بجا آورد می‌تواند از ادنی الحل مُحرم شود و همچنین کسی که برای عمره مفرده وارد مکه مکرمه می‌شود و از یکی از مواقیت پنج گانه یا محاذات آنها عبور نمی‌کند؛ مثلاً کسانی که از جدّه برای عمره مفرده وارد می‌شوند می‌توانند از ادنی الحل مُحرم شوند و معصیتی نکرده‌اند؛ بلکه هرگاه از یکی از میقات‌های پنج گانه یا محاذی آن عبور کنند و مُحرم نشوند گرچه معصیت کرده‌اند؛ می‌توانند از ادنی الحل برای عمره توضیح المناسک، ص: ۳۵۲ مفرده مُحرم شوند و چیزی بر آنان نیست؛ ولی برای کسی که وارد مکه مکرمه می‌شود احرام از ادنی الحل برای عمره تمتع صحیح نیست باید از یکی میقات‌های معروف یا محاذی آنها باشد.

مسئله ۱۱۸۲

در صورتی که امام جماعت اهل سنت آیه سجده را می‌خواند و نمازگزاران پس از قرائت آیه سجده به سجده می‌روند و بر می‌خیزند؛ هرگاه شرکت در نماز جماعت عنوان تقیه را داشته باشد و ترک متابعت با آنان خلاف تقیه باشد در سجده کردن با آنها موافقت کند و نمازش صحیح است؛ و در غیر مورد تقیه هرگاه سماع آیه سجده بوده سجده واجب نیست بلکه جایز نیست و اگر

سجده کرد هر چند با ایماء باشد نمازش باطل است؛ ولی در صورت استماع آیه سجده باید ایماء سجده کند و هر گاه در صورت مذکور به رکوع رفت و سپس سجده کرد و دوباره به قیام برگشت چون رکن زیاد شده نمازش باطل است و در صورت تقیه هر گاه سجده را ترک کرد نمازش صحیح است؛ به هر حال گرچه متابعت با آنان تکلیف است ولی احتیاطاً نماز را اعاده کند.

مسئله ۱۱۸۳

کسی که برای عمره مفرده ثبت نام کرده ولی نوبت تشریف او به سال بعد افتاد هر گاه سال خمسیش رسیده چون پول صرف فعلی نشده و می‌تواند پول خود را از سازمان حج پس بگیرد بنا بر احتیاط بلکه خالی از وجه نیست که باید خمس آن را بدهد؛ ولی اگر نتواند پول خود را پس بگیرد بعید نیست خمس نداشته باشد.

مسئله ۱۱۸۴

مس اسماء و القاب ائمه معصومین علیهم السلام مثل رضا، جواد و هادی بدون طهارت هر گاه بی احترامی حساب شود جایز نیست؛ بلکه شایسته است که مس اسماء و القابشان با طهارت باشد.

مسئله ۱۱۸۵

کودک ممیزی را که ولی او او را به سعی می‌برد اگر متمکن از راه رفتن است نمی‌تواند او را در کالسکه سوار کند و سعی دهد؛ و در موردی که جایز است او را در کالسکه سعی دهد؛ هر گاه کودک خوابش ببرد چون سعی از عبادات است باید از ابتداء تا آخر آن با نیت و قصد قربت باشد؛ پس اگر قبل از شوط چهارم به خواب رفته بنا بر احتیاط واجب سعی را از سر بگیرد و اگر بعد از شوط چهارم بوده پس از بیدار شدن از جایی که به خواب رفته سعی را ادامه دهد.

مسئله ۱۱۸۶

در ایام عمره که جمعیت کمتری در نماز جماعت مسجد الحرام شرکت می‌کنند چند صف دور کعبه معظمه تشکیل می‌شود و بقیه جمعیت در شبستان‌ها هستند و اتصال صفوف برقرار نیست هر گاه تقیه اقتضاء کند لازم نیست مراعات اتصال شود اقتداء کند و چون اقتداء صوری است باید قرائت را آهسته بخواند و اگر نمی‌شود مخفیانه حدیث نفس کند و احتیاطاً نماز را اعاده نماید؛ و در غیر مورد تقیه هر گاه نماز را با آنان خواند اعاده کند؛ و در این مسئله فرقی بین آقایان و بانوان نیست.

مسئله ۱۱۸۷

کسی که از ندانستن مسئله در فرودگاه جده برای عمره مفرده مُحرم می‌شود و پس از انجام طواف و نماز و سعی متوجه می‌شود که توضیح المناسک، ص: ۳۵۴ می‌بایست از یکی از مواقیت مُحرم می‌شده عمره او باطل است و چیزی بر او نیست؛ و چنانچه بخواهد عمره مفرده انجام دهد یا عمره به جهتی به نذر یا مانند آن بر او واجب بوده باید به یکی از میقات‌ها و لو به ادنی الحل که تنعیم یا جعرانه یا حدیبیه است برود و مُحرم شود.

مسئله ۱۱۸۸

پوشیدن دمپایی دوخته در حال احرام خالی از اشکال نیست احتیاط آن است که مردان از پوشیدن چنین کفشی در حال احرام خودداری کنند؛ و همچنین اجتناب کنند از بستن ساعت مچی که بند آن دوخته باشد.

مسئله ۱۱۸۹

غیر از غسل برای رفتن به مسجد الحرام غسل دیگری برای طواف به خصوص ثابت نیست؛ بلی برای زیارت بیت الله غسل مستحب است؛ بعید نیست طواف، زیارت بیت باشد؛ به هر حال به رجاء مطلوبیت می‌تواند برای طواف غسل کند؛ یک غسل به نیت هر دو هم کفایت می‌کند.

مسئله ۱۱۹۰

کسی که پس از استقرار حج بر او دیوانه شده تا زنده است ولی شرعی او تکلیفی ندارد مخصوصاً اگر امید به زوال جنون او داشته باشد؛ ولی اگر با حال جنون مرده از مال او برایش حج نیایی بدهد.

مسئله ۱۱۹۱

کسی که به لحاظ مأموریتش ممکن است از مکه مکرمه خارج شود می‌تواند در میقات به نیت عمره تمتع مُحرم شود؛ بلکه اگر یقین داشته باشد به لحاظ الزام شغلی پس از پایان عمره تمتع خارج می‌شود بعید نیست بتواند به نیت عمره تمتع مُحرم شود؛ گرچه جایز ندانیم کسی که توضیح المناسک، ص: ۳۵۵ عمره تمتع رابجا آورده قبل از انجام مناسک حج از مکه مکرمه خارج شود؛ ولی اگر مطمئن باشد که برای انجام مناسک حج به مکه مکرمه برمی‌گردد جایز است.

مسئله ۱۱۹۲

بانوان می‌توانند در لباس دوخته مُحرم شوند و احتیاط واجب آن است که در حال نیت احرام و گفتن لبیک دو جامه احرام به تن داشته و کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه را بیرون آورند و بهتر آن است که در حال طواف و سعی دو جامه احرام را به تن داشته باشند؛ لباس بانوان شرط خاصی ندارد می‌توانند در لباس معمولی خود که با آن نماز می‌خوانند مُحرم شوند مگر این که بنا بر احتیاط واجب از حریر خالص، و زربافت نباشد؛ بعید نیست از منع پوشیدن قفازین بر زن‌ها استفاده شود که زن‌ها در حال احرام نباید دستکش بپوشند؛ پس همچنان که نماز در اجزاء حیوانات حرام گوشت و لباس نجس صحیح نیست مگر نجاستی که معفو باشد مانند خونی که کمتر از سر انگشت است؛ احرام در آنها هم درست نیست.

مسئله ۱۱۹۳

کسی که در مدینه منوره شخص را اجیر می‌کند که حج میقاتی بجا آورد ولی مشخص نکرده که از مسجد شجره باشد یا میقات دیگری، بعید نیست اجیر گرفتن از مدینه قرینه باشد که از مسجد شجره مُحرم شود؛ به هر حال هر گاه عقد اجاره انصراف یا ظهور عرفی در خصوص مسجد شجره نداشته می‌تواند از یکی از مواقیت معروفه دیگر به نیابت توضیح المناسک، ص: ۳۵۶ مُحرم شود؛ بنا بر این نایب می‌تواند در مسجد شجره برای خودش مُحرم به احرام عمره مفرده بشود و پس از پایان آن به یکی از میقات‌های معروفه برود و برای عمره تمتع استیجاری مُحرم شود.

مسئله ۱۱۹۴

می‌تواند عمره مفرده مستحب را به نیت خود و به نیابت تبرعی دیگران انجام دهد؛ ولی بهتر است به نیت خود بجا آورد و هر مقدار ثواب آن را که بخواهد به دیگران هدیه کند.

مسئله ۱۱۹۵

هرگاه عمره مفرده‌ایی به نیابت پدرش انجام داده و روز بعد به نیابت مادرش مُحرم شود و در اثناء آن متوجه می‌شود که در عمره اول طواف و نماز آن را بی وضوء انجام داده احرام دوم باطل است باید طواف و نماز عمره اول را اعاده کند.

مسئله ۱۱۹۶

کسی که بعد از انجام عمره پس از گذشت یک ماه هلالی برای انجام کاری به جده می‌رود؛ در برگشت باید با احرام وارد مکه مکرمه شود؛ ولی هرگاه عمداً یا از روی نادانی بدون احرام وارد مکه مکرمه شود اگر موسم حج است و بخواهد حج تمتع بجا آورد باید به یکی از مواقیت پنج گانه معروفه برود و برای عمره تمتع مُحرم شود؛ و اگر موسم حج نیست یا نمی‌خواهد حج تمتع بجا آورد تکلیفی ندارد؛ ولی در صورتی که از روی عمد وارد شده باشد باید توبه کند.

مسئله ۱۱۹۷

زنی که از راه جهالت پس از پاک شدن از حیض به خیال این که جنب است نیت غسل جنابت کرد و اعمال حج را انجام داد چون نظر او توضیح المناسک، ص: ۳۵۷ غسل برای حدثی است که از حیض پیدا شده اسم آن را از روی جهالت جنابت گذاشته اعمالش صحیح است.

مسئله ۱۱۹۸

کسی که به عمره تمتع یا عمره مفرده یا به احرام حج تمتع مُحرم شده؛ قبل از اعمال عمره تمتع و اعمال عمره مفرده، و قبل از رفتن به عرفات احوط آن است که طواف مستحبی بجا نیاورد و هرگاه پیش از رفتن به عرفات طواف مستحبی بجا آورد بعد از طواف تلبیه را تجدید کند؛ به هر حال به عمره و حج ضرر نمی‌زند.

مسئله ۱۱۹۹

هرگاه پس از انجام عمل حج تمتع بفهمد که در طواف عمره یا حج سهواً یک یا چند دور از هفت دور از داخل حجر اسماعیل علیه السلام دور زده حج تمتع او صحیح است ولی باید آن دور یا چند دور را اعاده کند و نماز را نیز اعاده نماید و احتیاطاً سعی را هم اعاده کند و پس از آن اصل طواف را اعاده کند و احتیاطاً سعی را هم بجا آورد.

مسئله ۱۲۰۰

در صورتی که شخص در طواف عمره تمتع و عمره مفرده و سعی نایب می‌شود لازم نیست مُحرم باشد و لباس احرام به تن داشته باشد می‌تواند مُحرم نباشد و در لباس دوخته باشد؛ بعضی فقهاء احتیاط کرده‌اند که طواف و سعی نیابتی در عمره باید قبل از تقصیر

و خارج شدن از احرام باشد.

مسئله ۱۲۰۱

نابالغی که با اذن پدر مُحرم شده و طواف را نیمه کاره به تصور این که همین مقدار کفایت می‌کند رها کرده و سعی را در طبقه دوم توضیح المناسک، ص: ۳۵۸ انجام داده اگر از ابتداء قصد هفت دور را نداشته طواف او باطل است باید طواف و نماز و سعی را در طبقه اول اعاده کند و بعد تقصیر نماید؛ خلاصه تا اعمال را به صورت صحیح انجام نداده در حال احرام باقی است.

مسئله ۱۲۰۲

هرگاه زنی در غیر ایام عادت لک خون ببیند و به اعتبار این که پاک است طواف و نماز را انجام داد ولی شب بعد خون دید با شرایط حیض، اگر یقین کند که پس از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده و حیض بوده است طواف و نمازش صحیح نیست ولی حج او صحیح است باید طواف و نماز را اعاده کند؛ بلکه بنا بر احتیاط سعی را هم اعاده کند و هرگاه در عمره بود در صورت ضیق وقت حج تمتع او مبدل به حج افراد می‌شود و پس از حج، عمره مفرده بجا آورد.

مسئله ۱۲۰۳

هرگاه زنی که عادت ماهانه او مثلاً شش روز است در حال عادت ماهانه برای عمره تمتع مُحرم شد و روز هشتم ذیحجه که روز ششم عادت او است پاک می‌شود غسل می‌کند اعمال عمره تمتع را انجام می‌دهد و برای حج تمتع مُحرم می‌شود ولی بعد از زوال روز نهم در عرفات لک خون ببیند؛ در صورتی که نداند ادامه دارد تا پس از ده روز تا استحاضه حساب شود و اعمال فعلی او صحیح باشد؛ یا قبل از تمام شدن ده روز قطع می‌شود تا حکم حیض را داشته باشد؛ اگر آن لک خون به صفات حیض نباشد یعنی زرد رنگ باشد؛ خون استحاضه است اعمالی که بجا آورده صحیح است و مناسک حج را بجا آورد؛ و همچنین است اگر لک توضیح المناسک، ص: ۳۵۹ خون را در مشعر الحرام ببیند؛ ولی هرگاه لک خون به صفات حیض باشد باید احتیاط کند یعنی بقیه اعمال را به نیت اعم از حج تمتع و افراد و به قصد ما فی الذمه بجا آورد؛ و هرگاه خون قبل از ده روز قطع شد معلوم می‌شود وظیفه او حج افراد بوده باید بعد از مناسک حج، عمره مفرده بجا آورد و اگر خون قطع نشد و پس از ده روز هم خون دید اعمال حج تمتع او صحیح است.

مسئله ۱۲۰۴

در فرض مسئله گذشته هرگاه در عرفات یا مشعر الحرام لک دید و همان وقت یقین پیدا کرد که خون حیض است و قبلاً پاک نبوده؛ گرچه وقت وقوفین اختیاری یا اضطراری باقی است ولی وقت برگشتن به مکه مکرمه و انجام عمره تمتع را ندارد از موارد عدول به حج افراد است باید بعد از اتمام مناسک حج، عمره مفرده بجا آورد. این بود اجمالی از مسائل و احکام مربوط به حج و زیارت بیت الله الحرام و آلاء مسائل مربوط به حج بیش از آن است که به این گونه نوشتارها به دست آید چنانچه فقیه ماهر شیخ الفقهاء صاحب جواهر قدس سره پس از آن که در باره مسائل مربوط به حج در کتاب قیم جواهر الکلام مفصلاً بحث و تحقیق نموده سرانجام فرموده آنچه که در جواهر آورده‌ایم به مقدار توان و قدرت ما است و گرنه مسائل حج بیشتر از آن است که به شماره درآید. چه زیبا حضرت امام صادق علیه السلام در پاسخ جناب زراره که به آن حضرت عرض کرد خدا من را فدای تو گرداند چگونه است چهل سال در باره توضیح المناسک، ص: ۳۶۰ مسائل حج از شما سؤال می‌کنم و شما در این زمینه فتوی

می‌دهید؟! فرمود ای زراره خانه‌ایی که دو هزار سال قبل از آدم محل زیارت و حج ملائکه و مقربین بوده می‌خواهی مسائل مربوط به آن در چهل سال تمام شود. «۱» «و الحمد لله اولاً و آخراً و الصلاة والسلام علی محمد و آل محمد.» در روز یکشنبه ۲۷ ربیع الثانی سال ۱۴۲۳ هجری قمری در حرم اهل بیت عش آل محمد جوار کریمه اهل بیت علیها السلام پایان یافت. بنده محتاج به درگاه ربوبی سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی عفی عنه. «اللهم وفقنا لما تحب و ترضی»

دعای شب عرفه

«اللَّهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَ مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَ عَالِمَ كُلِّ حَفِيَّةٍ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ عَلَى الْعِبَادِ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا جَوَادُ، يَا مَنْ لَا يُوَارَى مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ، وَ لَا بَحْرٌ عَجَاجٍ، وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ، وَ لَا ظَلَمٌ ذَاتُ اِزْتِنَاجٍ، يَا مَنْ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ، أَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، الَّتِي تَجَلَّيْتُ بِهِ لِلجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَاً وَ خَرَّ مُوسَى صِعْقاً، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمَوَاتِ بِلا عَمَدٍ، وَ سَطَّحْتَ بِهِ الْأَرْضَ عَلَى وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ، وَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الْمَكْنُونِ الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ، الَّتِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ، وَ إِذَا سُئِلَتْ بِهِ أُعْطِيَتْ، وَ بِاسْمِكَ السُّبُوحِ الْقُدُوسِ الْبُرْهَانِ، الَّتِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ، وَ نُورٌ مِنْ نُورٍ، يُضِيئُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ، إِذَا بَلَغَ الْأَرْضَ انشَقَّتْ، وَ إِذَا بَلَغَ السَّمَوَاتِ فُتِحَتْ، وَ إِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّتْ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي تَزْعَدُ مِنْهُ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْئَلُكَ بِحَقِّ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اسْرَافِيلَ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ، وَ بِالْإِسْمِ الَّتِي مَشَى بِهِ الْخَضِرُ عَلَى قَلْبِ (طَلِّ) الْمَاءِ كَمَا مَشَى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي فَلَقْتَ بِهِ الْبَحْرَ لِمُوسَى وَ اغْرَقْتَ تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۶۲ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ، وَ أَنْجَيْتَ بِهِ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ وَ مَنْ مَعَهُ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي بِهِ أَحْيَى عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ الْمَوْتَى وَ تَكَلَّمَ فِي الْمَهْدِ صَبِيئاً، وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ، وَ جِبْرَائِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ اسْرَافِيلُ، وَ حَبِيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ مَلَائِكَتُكَ الْمُقَرَّبُونَ، وَ أَنْبِيَائُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي دَعَاكَ بِهِ ذُو النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ اني كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ نَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ تَنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّتِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُودُ وَ خَرَّ لَكَ سَاجِداً، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي دَعَاكَ بِهِ آسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهَا دُعَائِهَا، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ، فَعَافَيْتَهُ وَ آتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ ذَكَرَى لِلْعَابِدِينَ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ، فَردَدْتَ عَلَيْهِ بَصِيرَةَ وَ قُرَّةَ عَيْنِهِ يَوْسُفَ، وَ جَمَعْتَ شَمْلَهُ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ، فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكاً لَا يَبْغَى لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، إِذْ تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۶۳ قُلْتَ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَ قَوْلُهُ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَ بِاسْمِكَ الَّتِي تَنَزَّلَ بِهِ جِبْرَائِيلُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ بِاسْمِكَ الَّتِي دَعَاكَ بِهِ آدَمُ، فَغَفَرْتَ لَهُ ذَنْبَهُ وَ أَسْكَتَهُ جَنَّتِكَ، وَ أَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ وَ بِحَقِّ فَضَيْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاءِ، وَ بِحَقِّ الْمَوَازِينِ إِذَا نُصِّبَتْ، وَ الصُّحُفِ إِذَا نُشِيرَتْ، وَ بِحَقِّ الْقَلَمِ وَ مَا جَرَى وَ اللَّوْحِ وَ مَا أَحْصَى وَ بِحَقِّ الْأَسْمِ الَّتِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ الْخَلْقَ وَ الدُّنْيَا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ بِالْفَنَى عَاماً، وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ فِي خَزَائِنِكَ الَّتِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، لَمْ يَطْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَ لَا عَبْدٌ مُصِطَفَى، وَ أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّتِي شَقَقْتَ بِهِيَ الْبِحَارَ، وَ قَامَتْ بِهِيَ الْجِبَالُ، وَ اخْتَلَفَ بِهِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، وَ بِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَ بِحَقِّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَ بِحَقِّ طه وَ يس وَ كهيعص وَ جمعسق، وَ بِحَقِّ تَوْرِيهِ مُوسَى، وَ إِنْجِيلِ عِيسَى، وَ زَبُورِ دَاوُودَ، وَ فُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ عَلَى جَمِيعِ الرُّسُلِ، وَ بَاهِيَا شَرَاهِيَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ تِلْكَ الْمَنَاجَاتِ الَّتِي

كَانَتْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۶۴ فَوْقَ جَبَلِ طُورِ سَيْنَاءَ، وَاسْتَلُّكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ لِقَبْضِ الْأَرْوَاحِ، وَاسْتَلُّكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كُتِبَ عَلَى وَرَقِ الرَّيْتُونِ، فَخَضَعْتَ النِّيرَانَ لِنَلِّكَ الْوَرَقَةَ، فَقُلْتَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا وَاسْتَلُّكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سِيرَادِقِ الْمَجِيدِ وَالْكَرَامَةِ، يَا مَنْ لَا يُخْفِيهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْفُضُهُ نَائِلٌ، يَا مَنْ بِهِ يُشْتَعَاثُ وَآلِيهِ يُلْجَأُ، اسْتَلُّكَ بِمَعَاوِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ، وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ، وَحَدِّكَ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ الثَّمَامَاتِ الْعُلَى اللَّهُمَّ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَّتْ، وَالسَّمَاءِ وَمَا أَظَلَّتْ، وَالْأَرْضِ وَمَا أَقَلَّتْ، وَالشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ، وَالْبِحَارِ وَمَا جَرَّتْ، وَبِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ عَلَيْكَ حَقٌّ، وَبِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ وَالْمُسَيَّبِيِّينَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا يَفْتُرُونَ، وَبِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَبِحَقِّ كُلِّ وَلِيٍّ يُنَادِيكَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَزُودِ، وَتَشْتَجِبُ لَهُ دُعَائِهِ يَا مُجِيبُ، اسْتَلُّكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَبِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا مَا قَدَّمْنَا وَمَا أَخَّرْنَا، وَمَا أَسْرَرْنَا وَمَا أَعْلَنَّا، وَمَا أَبْدَيْنَا وَمَا أَحْفَيْنَا، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. يَا حَافِظَ كُلِّ غَرِيبٍ، يَا مُؤَنِّسَ كُلِّ وَحِيدٍ، يَا قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ، يَا نَاصِرَ كُلِّ مَظْلُومٍ، يَا رَازِقَ كُلِّ مَحْرُومٍ، يَا مُؤَنِّسَ كُلِّ مُسْتَوْحِشٍ، يَا صَاحِبَ كُلِّ مُسَافِرٍ، يَا عِمَادَ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۶۵ كُلِّ حَاضِرٍ، يَا غَافِرَ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَضِيرِّينَ، يَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ، يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الطَّالِبِينَ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، يَا دَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ، يَا أَجْوَدَ الْمَاجِدِينَ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ السَّقَمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَجْلِبُ الشَّقَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهُوَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغَطَاءَ، وَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، يَا اللَّهُ وَاحِمِلْ عَنِّي كُلَّ تَبَعَةٍ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا وَيُسْرًا، وَأَنْزِلْ يَقِينِكَ فِي صَدْرِي، وَرَجَاءَكَ فِي قَلْبِي، حَتَّى لَا أَرْجُوَ غَيْرَكَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَعَافِنِي فِي مَقَامِي، وَاصْبِرْ لِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي، وَمَنْ بَيْنَ يَدَيَّ وَمَنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي، وَمَنْ فَوْقِي وَمَنْ تَحْتِي، وَيَسِّرْ لِي السَّبِيلَ، وَأَحْسِنْ لِي التَّيْسِيرَ، وَلَا تَخْذُلْنِي فِي الْعَسِيرِ، وَاهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۶۶ نَفْسِي فِي الْأُمُورِ، وَلَقِّنِي كُلَّ سِرُورٍ، وَأَقْلِبْنِي إِلَى أَهْلِي بِالْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ، مَجْبُورًا فِي الْعَاجِلِ وَالْأَجَلِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ، وَأَجْرْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَنَارِكَ، وَأَقْلِبْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَمِنْ حُلُولِ نِقْمَتِكَ، وَمِنْ نُزُولِ عَذَابِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرْكِ الشَّقَاءِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ، وَشِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ الْمُنَزَّلِ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ، وَلَا مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ، وَلَا تَحْرِمْنِي صِدْقَةَ الْأَخْيَارِ، وَأَحْيِنِي حَيَوَةَ طَيِّبَةً، وَتَوَفَّنِي وَفَاءً طَيِّبَةً، تُلْحِقْنِي بِالْأَبْرَارِ، وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكِكَ مُقْتَدِرٍ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَائِكَ وَصُنْعِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَاتِّبَاعِ السُّنَنِ، يَا رَبِّ كَمَا هَدَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَعَلَّمْتَهُمْ كِتَابَكَ، فَاهْدِنَا وَعَلِّمْنَا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَائِكَ، وَصُنْعِكَ عِنْدِي خَاصَّةً، كَمَا خَلَقْتَنِي فَأَحْسِنْتَ خَلْفِي، وَعَلَّمْتَنِي فَأَحْسِنْتَ تَعْلِيمِي، وَهَدَيْتَنِي فَأَحْسِنْتَ هِدَايَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِنْعَامِكَ عَلَيَّ قَدِيمًا تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۶۷ وَحَدِيثًا، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ فَرَجْتَهُ، وَكَمْ مِنْ غَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ نَفَسْتَهُ، وَكَمْ مِنْ هَمٍّ يَا سَيِّدِي قَدْ كَشَفْتَهُ، وَكَمْ مِنْ بَلَاءٍ يَا سَيِّدِي قَدْ صَبَّرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عَيْبٍ يَا سَيِّدِي قَدْ سَتَرْتَهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي كُلِّ مَثْوَى وَزَمَانٍ، وَمُنْقَلَبٍ وَمَقَامٍ، وَعَلَى هَذِهِ الْحَالِ وَكُلِّ حَالٍ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِكَ نَصِيبًا فِي هَذَا اللَّيْلِ، مِنْ خَيْرِ تَقْسِيمِهِ، أَوْ ضَرِّ تَكْشِفُهُ، أَوْ سُوءِ تَضِيرُهُ، أَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ، أَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ، أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، أَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا، فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَبِيَدِكَ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطَى الَّذِي لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ، وَلَا يُحَيَّبُ آمِلُهُ، وَلَا يَنْفُضُ نَائِلُهُ، وَلَا يَنْفُذُ مَا عِنْدَهُ، بَلْ يَزِيدُ كَثْرَةَ وَطَيْبًا وَعَطَاءً وَجُودًا، وَأَرْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَفْنَى وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، إِنَّ عَطَانِكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُورًا، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». و نیز خواندن این دعا در شب عرفه شایسته است: «اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبًا وَ تَهَيُّاً وَ أَعِيدَ وَ اسْتَعَدَّ لَوْفَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ، رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ طَلَبَ نَائِلِهِ وَ جَائِزَتِهِ، فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ تَعَبِي وَ اسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ عَفْوِكَ، وَ طَلَبَ نَائِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُحَيِّبْ دُعَائِي، يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ، وَ لَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۶۸ ثَمَّةٌ بِعَمَلٍ صَالِحٍ عَمِلْتُهُ، وَ لَا لَوْفَادِهِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، أَتَيْتَكَ مُقَرَّراً عَلَى نَفْسِي بِالْإِسَاءَةِ وَ الظُّلْمِ، مُعْتَرِفاً بِأَنْ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، أَتَيْتَكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ، الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَنِ الْخَاطِئِينَ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُزْمِ، أَنْ عُذِّتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ، فَيَا مَنْ رَحِمْتَهُ وَ اسْمَعْتَهُ وَ عَفَوْتَهُ عَظِيمٌ، يَا عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ يَا عَظِيمٌ، لَا يَزُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمَكَ، وَ لَا يُنْجِي مَنْ سَخَطَكَ إِلَّا التَّضَرُّعَ إِلَيْكَ، فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرْجاً بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُحْيِي بِهَا مَيِّتَ الْبِلَادِ، وَ لَا تُهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى تَشْتَجِبَ لِي، وَ تَعْرِفَنِي الْإِجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَ أَدْفِنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُتَهَيِّ أَجْلِي، وَ لَا تُشْمِتْ بِي عِدْوِي، وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ، وَ لَا تُمَكِّنْهُ مِنِّي عُنُقِي. اللَّهُمَّ إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي، وَ إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَ إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْرِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ، أَوْ يَشْتِمُكَ عَنْ أَمْرِهِ، وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَ لَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ، وَ إِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفُوتَ، وَ إِنَّمَا يَخْتِاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَ قَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكِ عُلُوًّا كَبِيراً. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِدْنِي، وَ اسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي، وَ اسْتَرْزُقْكَ فَارْزُقْنِي، وَ اتَّوَكَّلُ عَلَيْكَ فَاكْفِنِي، وَ اسْتَنْصِرُكَ عَلَى عَدُوِّي فَأَنْصِرْنِي، وَ اسْتَعِينُ بِكَ فَأَعِنِّي، وَ اسْتَغْفِرُكَ يَا إِلَهِي فَأَغْفِرْ لِي، آمِينَ آمِينَ آمِينَ».

دعاء امام حسین علیه السلام در روز عرفه

بشر و بشیر فرزندان غالب می گویند: در عرفه خدمت حضرت امام حسین علیه السلام بودیم؛ آن حضرت با اهل بیت و فرزندان و پیروانش از خیمه خارج شده و در دامنه کوه زیر آسمان روی پا ایستاده بود و در حالی که دست‌ها را مقابل صورت گرفته بود با خشوع و خضوع کامل خداوند متعال را چنین می خواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَ لَا لِعِطَائِهِ مَانِعٌ، وَ لَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ، وَ هُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَ أَتَقَنَّ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَاعِ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعِ، وَ لَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعِ، جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَ رَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ، وَ رَاحِمٌ كُلِّ ضَارِعٍ، وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ، وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَ هُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَ لِلكُرْبَاتِ دَافِعٌ، وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَ لِلجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ لَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغُبُ إِلَيْكَ، وَ أَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقَرَّراً بِأَنَّكَ رَبِّي، وَ إِلَيْكَ مَرَدِي، تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۷۰ ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً، وَ خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسَكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمِناً لِرَيْبِ الْمُنُونِ، وَ اخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَ السَّنِينِ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صِلْبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَ الْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَافِقِكَ بِي، وَ لَطْفِكَ لِي، وَ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ نَقَضُوا وَعَهْدَكَ، وَ كَذَبُوا رُسُلَكَ، لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَ فِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفْتَ بِي، بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَيِّئِي يُمْنِي وَ أَسَكَنْتَنِي فِي ظُلْمَاتٍ ثَلَاثٍ، بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَ لَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَاماً سَوِيّاً، وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً، وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لُبناً مَرِيّاً، وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَ كَفَلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرُّوَاحِمَ، وَ كَلَأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمٌ يَا رَحْمَنٌ، حَتَّى إِذَا اسْتَهَلَّلْتُ نَاطِقاً بِالْكَلامِ، أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْأَنْعَامِ، وَ رَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَ اعْتَدَلَتْ مَرَّتِي، أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَ أَيْقَنْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ بَيِّنَاتٍ خَلَقْتَهُ، وَ بَنَيْتَنِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ، وَ أَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ، وَ فَهَمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ، وَ يَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۷۱ وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لَطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تَرُضْ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى وَ رَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَ صِيُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنْكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ، وَ صَيَّرْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ، لَمْ يَمْنَعَكَ

جَهْلِي وَ جَزَاتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرَّبُنِي إِلَيْكَ، وَ وَقَفْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لِمَدْيِكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَ إِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَ إِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَ إِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانُكَ إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدِ حَمِيدٍ مُجِيدٍ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَ عَظُمَتْ آلَاؤُكَ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَدًا وَ ذَكَرًا، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَيْرَفْتَ وَ دَرَأْتَ عَنِّي. اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَ الضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَ السَّرَّاءِ، وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَ عَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي، وَ بَاطِنِ مَكُونِ ضَمِيرِي، وَ عِلَاقَةِ مَجَارِي نُورِ بَصِيرِي، وَ أَسَارِيرِ صِفْحَةِ جَبِينِي، وَ خُزْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَ خَذَارِفِ مَارِنِ عِزْنِي، وَ مَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي، وَ مَا ضَمَّتْ وَ أَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ، وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي، وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَ مَسَاغِ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۷۲

مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي، وَ حِمَالِهِ أُمَّ رَأْسِي، وَ بُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَ مَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صِدْرِي، وَ حِمَائِلِ حَبْلِ وَ تِنِي، وَ نِيَاظِ حِجَابِ قَلْبِي، وَ أَفْلَاحِ حَوَاشِي كِبْدِي، وَ مَا حَوَتْهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي، وَ حِقَاقُ مَفَاصِلِي، وَ قَبْضُ عَوَامِلِي، وَ أَطْرَافُ أُنَامِلِي، وَ لَحْمِي، وَ دَمِي، وَ شَعْرِي، وَ بَشْرِي، وَ عَصْبِي، وَ قَصْبِي، وَ عِظَامِي، وَ مَخِي، وَ عُرْوَقِي، وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي، وَ مَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامِ رِضَاعِي، وَ مَا أَقَلَّتِ الْمَآرِضُ مِنِّي، وَ نَوْمِي، وَ يَقْظَتِي، وَ سَيْكُونِي، وَ حَرَكَاتِ رُكُوعِي، وَ سَيْجُودِي، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَهَدْتُ مِدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتَهَا أَنْ أُودَى شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْنِكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أَبَدًا جَدِيدًا، وَ ثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا، أَيْحَلْ، وَ لَوْ حَرَضْتُ أَنَا وَ الْعَادُونَ مِنْ أَنْمَافِكَ أَنْ نُحْصِيَ مِدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَ آتِيهِ مَا حَصَرَ زَنَاةَ عِدَدًا، وَ لَا أَحْصَى بِنَاهُ أَمِيدًا، هَيْهَاتَ أَنِّي ذَلِكَ، وَ أَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ، وَ النَّبِيُّ الصَّادِقِ وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا صَدَقَ كِتَابُكَ. اللَّهُمَّ وَ إِنِّي أُوَدُّكَ، وَ بَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَ رُسُلِكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ، وَ شَرَعْتَ لَهُمْ وَ بِهِمْ مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَ جِدِّي، وَ مَبْلَغِ طَاعَتِي وَ وَسْطِي، وَ أَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَورُوثًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَ لَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُزِفِدُهُ فِيمَا صَبَحَ، فَسُبْحَانَكَ تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۷۳ سُبْحَانَكَ، لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمِيدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُرَبِّينَ، وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَ سَلَّمَ. سپس شروع به درخواست‌های خود از خداوند نمود و در دعا اهتمام می‌روزید؛ و در حالی که می‌گریست می‌گفت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَمَا أَنِي أَرَاكَ، وَ أَسْئِدْنِي بِتَقْوِيكَ، وَ لَا تُشَقِّقْنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَ خَزْ لِي فِي قَضَائِكَ، وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَلْتَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَ الْإِحْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَ التَّوَرَّ فِي بَصِيرِي، وَ الْبُصَيْرَةَ فِي دِينِي، وَ مَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصِيرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَ أَنْصِرْ زُنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَ أَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَ مَأْرِبِي، وَ أَقِرَّ بِبَدَلِكَ عَيْنِي. اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي، وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَ اخْسِأْ شَيْطَانِي، وَ فَسِّكْ رِهَانِي، وَ اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَجْرَةِ وَ الْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا، وَ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۷۴ فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَ قَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَتِيًّا. رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتُ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَخْسَيْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَ فِي نَفْسِي عَافِيَتَنِي، رَبِّ بِمَا كَلَّأْتَنِي وَ وَقَفْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطَعْتَنِي وَ سَأَلْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَ أَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَ أَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي، وَ يَسَّرْتَ لِي مِنْ صِيْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَ صُرُوفِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ، وَ نَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْأَجْرَةِ، وَ اكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْمَآرِضِ. اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَ مَا أَخْذَرُ فاقْنِي، وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاحْرُسْنِي، وَ فِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَ فِي أَهْلِي وَ مَالِي فَاحْلِفْنِي، وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَ فِي نَفْسِي فَدَلِّلْنِي، وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَ مِنْ شَرِّ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْ نِي، وَ بِبَدُنُوْبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَ بِسِرِّرِي فَلَا تُخْزِنِي، وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي، وَ نِعْمَكَ فَلَا تَشْتَلِبْنِي، وَ إِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي. إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي، إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعْنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمْنِي، أَمْ إِلَى الْمُشْتَضِعِّعَيْنِ لِي، وَ أَنْتَ رَبِّي وَ مَلِيكَ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ

عُزْبَتِي وَبُعِيدَ دَارِي، وَهَوَانِي تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۷۵ عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي. إِلَهِي فَلَا- تُخْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضَبَتْ عَلَيَّ فَلَا- أَبَالِي سِوَاكَ، سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَأَسْئَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّنَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَلَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَخْلَلْتَهُ الْبَرَكَهَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُذَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحِدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَليِّي فِي نِعْمَتِي. يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبِّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُتَنَجِّينَ، وَمُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانَ، وَمُنْزِلِ كَهيعص وَطه وَيَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينُنِي الْمَذَاهِبَ فِي سَعْيَتِهَا، وَتَضَيِّقُ بِي الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا، وَلَوْ لَا رَحْمَتَكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَلَوْ لَا سُرْرَكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْ لَا نَصْرَكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَعْلُوبِينَ. تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۷۶ يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعِيَّةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْرُهُ يَعْتَرُونَ، يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمَلُوكَ نِيرَ الْمِذْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَيِّطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَرْمَنَةُ وَالذُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْمَارِضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَيِّدَ الْهَوَاءِ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ الْأَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعِيدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا رَادَّةَ عَلَى يَعْقُوبَ بَعِيدَ أَنْ ائْبُضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلْوَى عَنِ أَيُّوبَ، وَيَا مُمَسِّكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبِيحِ ابْنِهِ بَعِيدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِرُكْرِيَا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى وَلَمْ يَدْعُهُ فُودًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُوسُفَ مِنْ بَطْنِ الْحَيُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُودَهُ مِنَ الْمُعْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَي رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ، وَقَدْ غَدَا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُوهُ وَنَادُوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ. يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا يَدِي، يَا يَدِيعَ (بِيدِيعًا) لَا نَدَّ لَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۷۷ فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَّمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِعَابِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَّدَنِي عِنْدِي لَا- تُحْصِي وَنِعْمُهُ لَا تُجَازِي يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِضْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْأَمْتِنَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي، وَغُرِيَانَا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَأَشْبَعَنِي، وَعَاطْشَانًا فَأَرَوَانِي، وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي، وَغَائِبًا فَرَدَّدَنِي، وَمَقْلًا فَأَغَانِي، وَمُنْتَصِرًا فَانصَرَّنِي، وَغَتِيًا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَآمَسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفْسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ وَمَنَّكَ وَكَرَّاهِمَ مِنْجَحِكَ لَا أُحْصِيهَا. يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَيْدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَيْمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَيَّرْتَهُ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي تَوْضِيحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۷۸ شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا. ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَيَّهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَلْتُ، أَنَا الَّذِي أَفْرَزْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا- تَصْرُهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْعَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمُؤَفَّقُ مِنْ عَمَلِ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي. إِلَهِي أَمْرَتِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَأَصِيبُحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَاعْتَدِرْ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ

فَأَنْتَصِرُ، فَبَأَى شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ، أَسْمَعِي أَمْ بَصِّرِي أَمْ يَلْسَانِي أَمْ يَدِي أَمْ بَرَجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتُكَ عِنْدِي، وَبِكُلِّهَا عَصِيْبَتُكَ يَا مَوْلَايَ، فَلِمَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَكَوْ اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيَّ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَكَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي، فَهَذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَأَتِهِ فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ تَوْضِيحُ الْمُنَاسِكِ، ص: ۳۷۹ فَأَنْتَصِرُ، وَلَا حُجَّةٌ فَأَخْتَجُّ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ، وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَمَا عَسَى الْجُحُودَ، وَلَوْ جَعَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي، كَيْفَ وَأَنْتَى ذَلِكَ، وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تَعَدَّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِدُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَعَفَّ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُتَعَفِّينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مَمَجَّدًا، وَاخْلَاصِي لِتَذَكُّرِكَ مُوَحَّدًا، وَإِقْرَارِي بِالْإِتِّكَاعِ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقَرَّرًا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوعِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَدِيثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَدَّدُنِي بِهَا مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ تَوْضِيحُ الْمُنَاسِكِ، ص: ۳۸۰ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشْفِ الضَّرِّ، وَتَشْيِيبِ الشَّيْبِ، وَدَفْعِ الْعُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي الْيَدَيْنِ، وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ، وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصِي الْأَوْكُ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْتُمْ عَلَيْنَا نِعْمَتُكَ، وَسَبِّحْنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُحِبُّ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُعِثُّ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُعْزِي الْفَقِيرَ، وَتُجَبِّرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونِكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطَلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِضْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطَانِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّمُهَا، وَآلِهَا تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تُضِيرُهَا، وَكُرْبَةٍ تُكْسِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَشْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَيَامُولٌ، دَعْوَتُكَ فَأَجِبْتَنِي، وَسَيِّئَتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغْبَتُكَ فَأَجِزْتَنِي، تَوْضِيحُ الْمُنَاسِكِ، ص: ۳۸۱ وَوَقَّتُ بِكَ فَجَجِبْتَنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ، وَهَسِّنَا عَطَائِكَ، وَاكْتَسِبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَلا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذَاكِرِينَ، آمِينَ آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَهَدَرَ، وَقَدَّرَ فَفَهَرَ، وَعَصَى فَسْتَرَ، وَاسْتَعْفَرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاجِينَ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَقْبَلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ، الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ وَنَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُؤْفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَفْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةٍ تَنْسُرُهَا، وَبَرَكَةٍ تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسِطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. تَوْضِيحُ الْمُنَاسِكِ، ص: ۳۸۲ اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْفَانِينَ، وَلَا تُحِلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنا مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤْمَلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِينَ، وَلَا تَوَدِّدْنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ

بَابِكَ مُطْرُودِينَ، يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِفِينَ، وَ لِيَتَبَكَ الْحَرَامَ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا، وَ أَكْمِلْ لَنَا حَجَّنا، وَ اغْفُ عَنَّا وَ عَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيَّدِينَا، فَهِيَ بِذَلِكَ الْاعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ. اللَّهُمَّ فَأَعْظِنَا فِي هَذِهِ الْعَيْشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا- كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَ لَا- رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَيْدَلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، إِفْضٌ لَنَا الْخَيْرَ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ، وَ كَرِيمِ الذُّخْرِ، وَ دَوَامِ الْيُسْرِ، وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْظَيْتَهُ، وَ شَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَ تَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَ تَصَلَّ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ وَ نَفْنَا وَ سَدَّدْنَا (وَ اعْصِمْنَا)، وَ اقْبَلْ تَصَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يَا أَرْحَمَ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۸۳ مِنْ اسْتَرْحِمِ، يَا مَنْ لَا- يَخْفَى عَلَيْهِ أَعْمَاضُ الْجُفُونِ، وَ لَا لَحْظُ الْعَيُونِ، وَ لَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَ لَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضَمَّرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ وَ وَسَّعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ، وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَكَانَ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلُوُّ الْحَمْدِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ، وَ الْأَيْدِي الْجِسَامِ، وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ عَافِنِي فِي بَدَنِي وَ دِينِي، وَ آمِنْ خَوْفِي، وَ اعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي، وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَ لَا تَخْدَعْنِي، وَ ادْرَعْ عَنِّي شَرَّ فَسِيقَةِ الْحِجِّ وَ الْإِنْسِ». سپس آن حضرت سر و دیده خود را به سوی آسمان برداشته و در حالی که اشک بر گونه‌های شریفش می‌ریخت صدایش را بلندتر کرده و می‌گفت: «یا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَبَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلَ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ، وَ اسْأَلْكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۸۴ أَعْظَيْتَ لَهَا لَمْ يَصُرْ بِي مَا مَنَعْتَنِي، وَ إِنْ مَنَعْتَنِي لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْظَيْتَنِي، اسْأَلْكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ خِدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ، وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ». مکرراً یا رب می‌فرمودند. هنگامی که آن حضرت دعا می‌خواند کسانی که اطراف آن حضرت بودند با تمام وجود به دعاء آن حضرت گوش می‌دادند و تنها به گفتن آمین اکتفاء می‌کردند تا این که همگان با آن حضرت در گریستن همراه شدند تا آفتاب غروب کرد؛ سپس روانه مشعر الحرام شدند. کفعمی در بلد الامین دعاء عرفه امام حسین علیه السلام را تا اینجا نقل کرده ولی سید بن طاووس در اقبال بعد از یا رَبُّ یا رَبُّ این را اضافه ذکر نموده‌اند. «إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا- أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا- أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي. إِلَهِي إِنْ اِخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَ سُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ، مَنَعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَ الْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ. إِلَهِي مَنِي مَا يَلِيْقُ بِلُؤْمِي، وَ مِنْكَ مَا يَلِيْقُ بِكِرْمِكَ. إِلَهِي وَصِفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَ الرَّأْفَةِ لِي قَبِيلَ وُجُودِ ضِعْفِي، أَتَمَنَعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۸۵ وُجُودِ ضِعْفِي. إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنْ فِضْلِكَ وَ لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ، وَ إِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنْ فِعْدَلِكَ وَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ. إِلَهِي كَيْفَ تَكَلَّمْتَنِي وَ قَدْ تَكَلَّمْتَنِي لِي، وَ كَيْفَ أَضَامَ وَ أَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كَيْفَ أَخِيبُ وَ أَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَ كَيْفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌّ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَ هُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَ هُوَ مِنْكَ بَرَزٌ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُحَيِّبُ آمَالِي وَ هِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحَسِّنُ أَحْوَالِي وَ بِكَ قَامَتْ. إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَ مَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي. إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَ أَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَ مَا أَرْأَفَكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ. إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَ تَنَقُّلِ الْأَطْوَارِ، أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ. إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقْتَنِي كَرْمِكَ، وَ كُلَّمَا آيَسَّنِي أَوْصَافِي أَطْمَعْنِي مِنْتِكَ. إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي، وَ مَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي. تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۸۶ إِلَهِي حُكْمَكَ النَّافِذُ وَ مَشِيئَتَكَ الْقَاهِرَةَ، لَمْ يَثْرُكَ لِذِي مَقَالٍ مَقَالًا، وَ لَا لِذِي حَالٍ حَالًا. إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتَهَا، وَ حَالَةٍ شَيَّدْتَهَا، هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَيْدَلُكَ، بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ. إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي، وَ أَنْ لَمْ تَدَمْ الطَّاعَةُ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَ عَزْمًا. إِلَهِي كَيْفَ أَغْرِمُ وَ أَنْتَ الْقَاهِرُ، وَ كَيْفَ لَا- أَغْرِمُ وَ أَنْتَ الْهَامِرُ. إِلَهِي تَرُدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَرَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ

بِسْمِ تَدَلَّ عَلَيَّكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُتَقَرِّرٌ إِلَيْكَ، أَيْ كَوْنُ لِعَبْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرَ لَكَ، مَتَى غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوَصِّلُ إِلَيْكَ، عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَخَسِرَتْ صَفْقَةً عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُجْبِكَ نَصِيْبًا. إلهي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَهَدَايَةِ الْأَشْيَبِصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونًا سَرًّا عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعَ الْهَمَّةِ عَنِ الْأَعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إلهي هذا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ تَوْضِيحَ الْمُنَاسِكِ، ص: ۳۸۷ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقْنِي بِصَدَقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ. إلهي عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصَنِنِي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ. إلهي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَاسْمُكَ بِي مَسْمُوكِ أَهْلِ الْحَيْدِ. إلهي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي، وَأَوْقِنِي عَلَى مَرَائِزِ اضْطِرَارِي. إلهي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ شَكِي وَشَرَكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْتَعِيذُ فَلَا تَحْيِبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْعَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَبِحَبَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِبَابِكَ أَقِفُ فَلَا تُطْرُدْنِي. إلهي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي. إلهي أَنْتَ الْعِنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونَ غَنِيًّا عَنِّي. إلهي إِنْ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمْنِنِي، وَإِنَّ الْهَوَى بَوَاقِي الشَّهْوَةِ أَسِرَّنِي، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصِرَنِي وَتُبْصِرَنِي، وَأَعْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَجْبَائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمَيُونِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمُ الْعَوْلَامَ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا تَوْضِيحَ الْمُنَاسِكِ، ص: ۳۸۸ وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلًا، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَلْتَ عَادَةَ الْأَمْتِنَانِ، يَا مَنْ أَذَاقَ أَجْبَائَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَانَسَةِ فِقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَائَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فِقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الدَّاكِرُ قَبْلَ الدَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ. إلهي اطلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْزِبْنِي بِمَنْكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ. إلهي إِنْ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ، كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتِكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوْلَامَ إِلَيْكَ، وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ. إلهي كَيْفَ أَحِبُّ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي. إلهي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي. إلهي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَفْتَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلْتُكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتُ لِي فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَوَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ. توضيح المناسك، ص: ۳۸۹ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَاتِهِ فَصَارَ الْعُرْشُ غَنِيًّا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ الْأَثَارُ بِالْأَثَارِ، وَمَحَوَّتْ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ (مِنْ) الْأَشْيَاءِ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيْبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ».

دعای امام سجاد علیه السلام در روز عرفه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيَعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَهُ كُلِّ مَأْلُوهٍ، وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ، الْفَرْدُ الْمُتَمَرِّدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَظَّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَلْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ، أَلشَّدِيدُ الْمُحَالِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَلرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، أَلْعَلِيمُ الْحَكِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَلسَّمِيعُ الْبَصِيرُ، أَلْقَدِيمُ الْخَبِيرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَلْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ، أَلدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَلأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ،

وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدِيدٍ، وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَلَدَّانِي فِي عُلُوِّهِ، وَ الْعَالِي فِي دُنُوِّهِ، وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَجِيدِ، وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْحَمِيدِ، وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَلَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سَبْخٍ، وَ صَيَّرْتَ مَا صَيَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، وَ ابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلاِ اخْتِدَاءٍ، أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَ يَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَوْضِيحَ الْمُنَاسِكِ، ص: ۳۹۱ تَيْسِيرًا، وَ دَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا، أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ، وَ لَمْ يُوَازِرْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَ لَا نَظِيرٌ، أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَ قَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ، وَ حَكَمْتَ فَكَانَ نَيْفًا مَا حَكَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْيِيكَ مَكَانٌ، وَ لَمْ يَقُمْ لِسَيِّطَانِكَ سَيِّطَانٌ، وَ لَمْ يُعْيِكَ بُرْهَانٌ وَ لَا بَيَانٌ، أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَ جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا، وَ قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، أَنْتَ الَّذِي قَضَيْتَ الْأَوْهَامَ عَن ذَاتِيَّتِكَ، وَ عَجَزْتَ الْأَفْهَامَ عَن كَيْفِيَّتِكَ، وَ لَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْتِيَّتِكَ، أَنْتَ الَّذِي لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَ لَمْ تَمُثَلْ فَتَكُونُ مَوْجُودًا، وَ لَمْ تَلِدْ فَتَكُونُ مَوْلُودًا، أَنْتَ الَّذِي لَا صِدِّ مَعَكَ فَيَعَانِدُكَ، وَ لَا عَدْلَ لَكَ فَيَكَاثِرُكَ، وَ لَا نَيْدَ لَكَ فَيَعَارِضُكَ، أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ وَ اخْتَرَعَ، وَ اسْتَبَدَّ، وَ ابْتَدَعَ، وَ أَحْسَنَ صِيْنَعٍ مَا صِيْنَعُ، سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَأْنِكَ، وَ أَشْيَى فِي الْأَمَاكِنِ مَكَانِكَ، وَ أَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُوقَانَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَفَكَ، وَ رَعُوفٍ مَا أَرْأَفَكَ، وَ حَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكَ مَا أَمْنَعَكَ، وَ جَوَادٍ مَا أَوْسَعَكَ، وَ رَفِيعٍ مَا أَرْفَعَكَ ذُو الْبَهَاءِ وَ الْمَجِيدِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْحَمْدِ، سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَ عَرَفْتَ الْهَدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ التَّمَسَكَ لِدِينٍ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ، سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَ خَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ، وَ انْفَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلَّ خَلْقِكَ، سُبْحَانَكَ لَا تُحْسُ وَ لَا تُجْسُ تَوْضِيحَ الْمُنَاسِكِ، ص: ۳۹۲ وَ لَا تُمْسُ، وَ لَا تُكَادُ وَ لَا تُمَاطُ وَ لَا تُنَازَعُ، وَ لَا تُجَارَى وَ لَا تُمَارَى وَ لَا تُخَادَعُ وَ لَا تُمَازَرُ، سُبْحَانَكَ سَيِّلَكَ جَدِّدًا. وَ أَمْرَكَ رَشْدًا، وَ أَنْتَ حَتَّى صَمَدًا، سُبْحَانَكَ قَوْلِكَ حُكْمًا، وَ قَضَاؤُكَ حُتْمًا، وَ إِرَادَتُكَ عَزْمًا، سُبْحَانَكَ لَا رَادَ لِمَشِيَّتِكَ، وَ لَا مِيدَلَّ لِكَلِمَاتِكَ، سُبْحَانَكَ بَاهِرَ الْآيَاتِ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِيَّ النَّسِيمَاتِ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَ شُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ، حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَ لَا يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ حَمْدًا يَسْتَدَامُ بِهِ الْأَوَّلُ، وَ يَسْتَدْعَى بِهِ دَوَامَ الْآخِرِ، حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ الْأَزْمِنَةِ، وَ يَتَزَايِدُ أَضْعَافًا مُتْرَادِفَةً، حَمْدًا يَعْجِزُ عَن إِحْصَائِهِ الْحَفِظَةُ، وَ يَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَيْتَهُ فِي كِتَابِكَ الْكُتَيْبَةُ، حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَ يُعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعَ، حَمْدًا يَكْمُلُ لِمَدِيَّتِكَ نَوَائِبُهُ، وَ يَسْتَعْرِقُ كُلَّ جِزَاءِ جِزَاؤُهُ، حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَوْقَ لِبَاطِنِهِ، وَ بَاطِنُهُ وَفَوْقَ لِيَصْدِقِ النَّبِيِّ، حَمْدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلُهُ، وَ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ، حَمْدًا يُعَانُ مِنَ اجْتِهَادِ فِي تَعْدِيدِهِ، وَ يُؤَيِّدُ مَنْ أَعْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيَّتِهِ، حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَ يَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعِيدٍ، حَمْدًا لَا حَمِيدَ أَقْرَبَ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَ لَا أَحْمِيدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ، حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ، وَ تَصَلُّهُ بِمَزِيدٍ بَعِيدٍ مَزِيدٍ طَوْلًا مِنْكَ، حَمْدًا يَجِبُ تَوْضِيحَ الْمُنَاسِكِ، ص: ۳۹۳ لِكِرَمِ وَجْهِكَ، وَ يُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، الْمُتَتَجِبِ الْمُصْطَفَى الْمُكَرَّمِ الْمُقَرَّبِ، أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أَنْتُمْ بِرِكَاتِكَ، تَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعِ رَحْمَاتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صِيْلَةَ زَاكِيَّةٍ لَا تَكُونُ صَلَاةً أَزْكَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَّةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَنْمَى مِنْهَا، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَّةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صِيْلَةَ تَوْضِيهِ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تَوْضِيكَ وَ تَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تَوْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانِكَ، وَ يَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبِقَائِكَ، وَ لَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صِيْلَةَ تَنْتَظِمِ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ، وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَ بَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ، وَ صَلِّ عَلَيْهِ تَوْضِيحَ الْمُنَاسِكِ، ص: ۳۹۴ وَ عَلَى آلِهِ، صِيْلَةَ مَرْضِيَّةٍ لَكَ وَ لِمَنْ دُونِكَ، وَ تُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَ تَزِيدُهُ عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفٍ لَا يَعِيدُهَا غَيْرُكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ حَزَنَةً عِلْمِكَ، وَ حَفِظْتَهُ دِيْنَتِكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيرًا بِإِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيْلَةَ

إِلَيْكَ، وَالْمَسِيْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صِيْلَةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ، وَتُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحِظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَوَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوْلِيَّهَا، وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَلَا نِهَآيَةَ لِآخِرِهَا. رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِنَةً عَرْشِكَ وَمَا دُونَهُ، وَمِلءَ سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، صِيْلَةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى وَتَكُونُ لَكَ وَ لَهُمْ رِضًا، وَمُتَّصِلَةً بِنِظَائِرِهِنَّ أَبَدًا. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِإِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الدَّرِيْعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَحَدَرْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِامْتِنَالِ أَوَامِرِهِ، وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْأَلَى تَقَدُّمَهُ تَوْضِيْحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۹۵ مُتَّقَدِّمًا، وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخَّرًا، فَهُوَ عِضْمَةٌ لِللَّائِذِينَ، وَكَهْفٌ الْمُؤْمِنِينَ وَعُزْوَةٌ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبِهَاءِ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيَّكَ شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سَيِّطَانًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا سَيِّرًا، وَأَعِنِّهِ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ عِضْدَهُ، وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَآخِيهِ بِحِفْظِكَ وَانْصُرْهُ بِمَلَأَيْكَ، وَامِيدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَعْلَبِ، وَأَقِمَّ بِهِ كِتَابِكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسِيْنَ رَسُولِكَ، صِيْلَةً لَوْلِيَّكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَآخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْرُلْ بِهِ صِيْدَاءَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَأَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزِلْ بِهِ النَّكْبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قِصْدِكَ عَوْجًا، وَأَرِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَإِلَى نُصِيْرَتِهِ وَالدَّفَاعَةِ عَنْهُ مَكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ صِيْلَةً لَوْلِيَّكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ. اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُتَّقِنِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسَلِّمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُتَنْظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِينَ إِلَيْهِمْ أَغْنِيَهُمُ الصَّلَوَاتِ تَوْضِيْحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۹۶ الْمُبَارَكَاتِ الرَّكَائِبِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّوْحَى أَمْرَهُمْ، وَاصْلِحْ لَهُمْ شُئُونَهُمْ، وَتُبَّ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ، يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَمَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَأَجْرَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِدِينِكَ، وَوَقَفْتَهُ لِحَقِّكَ، وَعَصَيْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَأَدْخَلْتَهُ فِي حَزْبِكَ، وَأَرْشَدْتَهُ لِمَوْلَاةِ أَوْلِيَائِكَ، وَمَعَادَاةِ أَعْدَائِكَ، ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَا مَعَانِدَةَ لَكَ، وَلَا اسْتِيْكَارًا عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَإِلَى مَا حَدَرْتَهُ، وَأَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عِدُوُّكَ وَعِدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا بِوَعِيدِكَ، رَاجِيًا لِعَفْوِكَ، وَاتِّقًا بِتَجَاوُزِكَ، وَكَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلَّا يَفْعَلَ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاغِرًا ذَلِيلًا خَاصِمًا خَاشِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ، وَجَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ، مُسْتَجِيرًا بِصِيْفِحِكَ، لَا تَبْدَأْ بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ، فَعِيدٌ عَلَيَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ اقْتِرَافِ مِنْ تَعَمُّدِكَ، وَحُدِّ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ، وَآمِنٌ تَوْضِيْحَ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۹۷ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَعَاظِمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَمْلَكَ مِنْ غُفْرَانِكَ، وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيْبًا أَنَالُ بِهِ حِطًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَلَا تَرَدَّنِي صَدْفًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبُّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَنَفَى الْأَصْدَادِ وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَآتَيْتَكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ، ثُمَّ أَتْبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَالتَّذَلُّلِ وَالِاسْتِكَانَةِ لَكَ، وَحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، وَالثَّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَشَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ، وَسَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَةٌ وَتَضَرُّعٌ وَتَعُوذٌ وَتَلَوُّذٌ، لَا مُسْتَطِيلًا بِتَكْبَرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالَّةِ الْمُطِيعِينَ، وَلَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ، وَأَنَا بَعْدَ أَقْلِ الْأَقْلِينَ، وَأَذُلُّ الْأَذْلِينَ، وَمِثْلُ الدَّرَّةِ أَوْ دُونِهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيْبِينَ، وَلَا يَنْدَهُ الْمُتْرَفِينَ، وَيَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالِهِ الْعَاثِرِينَ، وَيَتَفَضَّلُ بِإِنظَارِ الْخَاطِئِينَ، أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ، أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا، أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا، أَنَا الَّذِي اسْتَحْفَى مِنْ عِبَادِكَ وَبَارَزَكَ، أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَأَمْنَكَ، أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَيْطُونَكَ، وَلَمْ يَخَفْ بِأَسِيْكَ، أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِي، أَنَا الْمُزْتَهَنُ بِبِلِيَّتِي، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ، أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ، بِحَقِّ مَنْ اسْتَجَبَتْ مِنْ

خَلْقِكَ، وَ بِمَنْ اضْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ، بِحَقِّ مَنْ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۹۸ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِّيَّتِكَ، وَ مِنْ اجْتَبَيْتَ لِشَانِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَ مَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاةَهُ بِمُوَالَاةِكَ، وَ مَنْ نُطِتَ مُعَادَاةَهُ بِمُعَادَاةِكَ، تَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا، وَ عَادَ بِاشْتِغَارِكَ تَائِبًا، وَ تَوَلَّى بِمَا تَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَ الزُّلْفَى لَدَيْكَ وَ الْمَكَانَةَ مِنْكَ، وَ تَوَخَّدَنِي بِمَا تَوَخَّدُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَ اتَّعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَ أَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ، وَ لَا- تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَ تَعِدِي طُورِي فِي حُدُودِكَ، وَ مُجَاوِزَةَ أَحْكَامِكَ، وَ لَا- تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَعْنَى خَيْرٍ مَا عِنْدَهُ وَ لَمْ يَشْرُكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي، وَ تَبْهِنِي مِنْ رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ، وَ سِنَةِ الْمُسْرِفِينَ، وَ نَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ، وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَائِتِينَ، وَ اسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ، وَ اسْتَنْقَدْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ، وَ أَعِدَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ حَظِي مِنْكَ، وَ يَصُدُّنِي عَمَّا أُحَاوِلُ لَدَيْكَ، وَ سَهِّلْ لِي مَسِيلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَ الْمَسَابِقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ، وَ الْمَشَاحَةَ فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتَ، وَ لَا تَمَحْفُنِي فِيمَنْ تَمَحِقُ مِنَ الْمُسِيخِينَ بِمَا أَوْعَدْتَ، وَ لَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعْرِضِينَ لِمَقْتِكَ، وَ لَا تُبْزِنِي فِيمَنْ تُبْزِنُ مِنَ الْمُتَحْرِفِينَ عَنِ سُبُلِكَ، وَ نَجِّنِي مِنَ عَمَرَاتِ الْفُتْنَةِ، وَ خَلِّصْنِي مِنَ لَهَوَاتِ الْبُلُوِي وَ أَجْرُنِي مِنَ اخْتِذِ الْإِمْلَاءِ، وَ حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ عِدْوٍ يُضِلُّنِي، وَ هَوَى يُوبِقُنِي، وَ مَنَقَصِيَهُ تَزْهُقُنِي، وَ لَا- تُعْرِضْ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۳۹۹ عَنِ إِعْرَاضِ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعِيدَ غَضَبِكَ، وَ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْأَمِيلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ لَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَظُنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ، وَ لَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِذْ سَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَ لَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَ لَا إِبَانَةَ لَهُ، وَ لَا تَرْمِ بِي رَمِيٍّ مِنْ سَقَطٍ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَ مَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطِهِ الْمُتَرَدِّدِينَ، وَ وَهَلِهِ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَ زَلِّهِ الْمُعْزُورِينَ، وَ وَرْطِهِ الْهَالِكِينَ، وَ عَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ، وَ بَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ، وَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَ رَضِيَتْ عَنْهُ، فَاعْشَتْهُ حَمِيدًا، وَ تَوَفَّقْتَهُ سَعِيدًا، وَ طَوَّقْنِي طَوْقَ الْإِفْلَاحِ عَمَّا يُحِيطُ الْحَسَنَاتِ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ، وَ أَشْعِرْ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنِ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَ فَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ، وَ لَا تَشْعَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا- يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ، وَ انْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَتِهِ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصِيدُ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تَذْهَلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ، وَ زَيِّنْ لِي التَّفَرُّدَ بِمَنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ هَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِيَنِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَ تَقْطَعُنِي عَنِ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَ تَفْكُنِي مِنَ أَسِيرِ الْعِظَائِمِ، وَ هَبْ لِي التَّطْهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِضْيَانِ، وَ أَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَ سَرِّبْنِي بِسِرِّبَالِ عَافِيَتِكَ، وَ رَدِّدْنِي رِدَاءَ مُعَافَاةِكَ، وَ جَلِّئْنِي سَوَابِغَ نِعْمَائِكَ، وَ ظَاهِرَ لَدَيَّ فَضْلِكَ وَ طَوْلِكَ، وَ أَيْدِي بِنُوقِيكَ وَ تَشْدِيدِكَ، وَ أَعْنِي عَلَى صَالِحِ النِّيَّةِ، وَ مَرْضَى الْقَوْلِ، وَ مُسْتَحْسِنِ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۴۰۰ الْعَمَلِ، وَ لَا تِكْلِنِي إِلَى حَوْلِي وَ قُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعَثُنِي لِلْقَائِمِ، وَ لَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَيَّ أَوْلِيَاءِكَ، وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَ لَا تَذْهَبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ الزِّمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السُّهُوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَايَتِكَ، وَ أَوْزِعْنِي أَنْ أُتْنِي بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَ اعْتَرِفْ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ، وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِيْنَ، وَ حَمِيدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمِيدِ الْحَامِدِينَ، وَ لَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَ لَا تُجْهِبْنِي بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَ أَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَ أَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ، وَ أَهْلِ التَّقْوَى وَ أَهْلِ الْمَغْفِرَةِ، وَ أَنَّكَ بَانَ تَغْفُو أَوْلَى مِنْكَ بَانَ تُعَاقِبُ، وَ أَنَّكَ بَانَ تَشْتَرُ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى أَنْ تَشْهَرَ، فَأَحْبِبْنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أَحْبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَ لَا أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَ أَمْتَنِي مِيْتَةً مَنْ يَسْعَى نُورَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَن يَمِينِهِ، وَ ذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَ ضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَ ارْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَ أَعْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَ زِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَ فَقْرًا، وَ أَعِدَّنِي مِنْ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ، وَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَ مِنْ الدُّلِّ وَ الْعَنَاءِ، تَعَمَّدَنِي فِيمَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبُطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ، وَ الْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْ لَا أَنَاتُهُ، وَ إِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِي مِنْهَا لِيُوَادَّ بِكَ، وَ إِذْ لَمْ تَقْمِنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تَقْمِنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ، وَ اشْفَعْ لِي أَوَائِلَ تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۴۰۱ مِنْكَ بِأَوَاخِرِهَا، وَ قَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَ لَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَ لَا تَفْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بِهَائِي، وَ لَا تَشْمِنِي حَسِيْسَةً يَضِعُ لَهَا قَدْرِي وَ لَا نَقِيصَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي، وَ لَا تَرْعُنِي رَوْعَةً أُبْلِسُ بِهَا، وَ لَا خِيْفَةً أَوْجِسُ دُونَهَا، إِجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَ حِدْرِي مِنْ إِعْدَارِكَ وَ إِنْذَارِكَ، وَ رَهْبَتِي عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ، وَ اعْمُرْ لِيْلِي بِإِقْطَاطِي فِيهِ

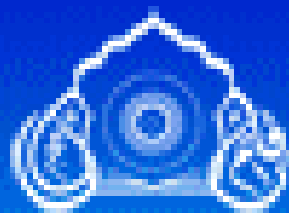
لِعِبَادَتِكَ، وَ تَفَرَّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَ تَجَرَّدِي بِسَيِّئَاتِي إِلَيْكَ، وَ إِتْرَالِ حَوَائِجِي بِكَ، وَ مُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَائِكَ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَ إِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ، وَ لَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِيًا، وَ لَا فِي عَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ، وَ لَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَظَ، وَ لَا نِكَالًا لِمَنْ اِعْتَبَرَ، وَ لَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَ لَا تَمَكُّرِي فِي مَنْ تَمَكَّرُ بِهِ، وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي، وَ لَا تُعَيِّرْ لِي إِسْمًا، وَ لَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَ لَا تَتَّخِذْنِي هُزُؤًا لِحَلْفِكَ، وَ لَا سَخِرِيًّا لِمَكَ، وَ لَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَ لَا مُمْتَهِنًا إِلَّا بِالِإِنْتِقَامِ لَكَ، وَ أَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَ حِلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَ رَوْحَكَ وَ رِيحَانَتِكَ، وَ جَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَ أَذْفَنِي طَعْمَ الْفِرَاقِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَ الْاجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لِمَدِينِكَ وَ عِنْدِكَ، وَ أَتْحِفْنِي بِتُحْفِهِ مِنْ تُحَفَاتِكَ، وَ اجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَ كَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةً، وَ أَخْفِنِي مَقَامِكَ، وَ شَوْفِي لِقَاءَكَ، وَ تُبِّ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا لَا تُبْقِي مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً، وَ لَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَ لَا سِرِّيَّةً، وَ أَنْزِعِ الْغُلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ اعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۴۰۲ الْخَاشِعِينَ، وَ كُنْ لِي كَمَا تُكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَ حَلِّئِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ، وَ ذِكْرًا نَامِيًا فِي الْأَخْرِينَ، وَ وَافِ بِي عَرِضَةَ الْأَوَّلِينَ، وَ تَمِّمْ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَ ظَاهِرَ كَرَامَاتِي لَدَيْكَ، إِمْلَأْ مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي (يَدَيَّ)، وَ سُقْ كَرَامَتِي مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَ جَاوِزْ بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ، وَ جَلَّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ، وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا آوِي إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ مَثَابَةً أَبْتَوُّهَا، وَ أَقْرَبَ عَيْنًا، وَ لَا تُقَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَ لَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَ أزلْ عَنِي كُلَّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ، وَ اجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمِيَّةٍ، وَ اجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَ وَفِّرْ عَلَيَّ حُطُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ، وَ اجْعَلْ قَلْبِي وَائِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَ هَمِي مُسْتَفْرَعًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَ اسْتَعْمَلْنِي بِمَا تَشْتَعْمَلُ بِهِ خَالِصَتِكَ، وَ أَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَ اجْمَعْ لِي الْغِنَى وَ الْعِفَافَ وَ الدَّعْوَةَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الصَّحَّةَ وَ السَّعَةَ وَ الطَّمَأْنِينَةَ وَ الْعَافِيَةَ، وَ لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَ لَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْزِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ، وَ صُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَ ذُبْنِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ، وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهْرًا، وَ لَا لَهُمْ عَلَى مَحْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَ نَصِيرًا، وَ حُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا- أَعْلَمُ حِيَاطَةَ تَقِينِي بِهَا، وَ افْتِخْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ، تَوْضِيحِ الْمَنَاسِكِ، ص: ۴۰۳ إِنْ إِيَّاكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ، وَ أْتَمِّمْ لِي إِنْعَامَكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ وَ اجْعَلْ بَاقِيَ عُمُرِي فِي الْحَيِّجِّ وَ الْعُمْرَةِ الْإِنْعَاءِ وَجْهَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبَدِينَ».

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد

بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محتّ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری

مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

